

صحیفہ کاملہ سجادینہ

بآرجمہ فارسی

مستقیم

عمر شریفان عبدالحق و ابوبکر



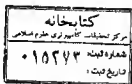
صحیفہ کاملہ سجادۃ

باترجمہ فارسی

ترجمہ و تہذیب

مستجمع :

معین فریدان عبد الجواد ابراہیمی



مرکز تحقیقات کتاب‌های علمی اسلام

محسن غرویان، عبدالجواد ابراهیمی
دفتر نشر الهادی
مؤسسه چاپ الهادی
چاپ سوم، بهار ۷۸
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان
شابک: ۱-۰۱۶-۴۰۰-۹۶۴ ISBN

دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۶۱۱۱۷۵، فاکس: ۶۱۶۱۳۰
فروشگاه: قم، انتهای صفائیه، پلاک ۷۵۹، تلفن: ۷۳۷۰۰۱



فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۰	استاد صحیفه
۲۲	ابواب صحیفه
۲۸	دعای ۱: حمد و ثنای الهی
۳۴	دعای ۲: درود و تعینت بر پیامبر ﷺ
۳۶	دعای ۳: ستایش و تمجید فرشتگان
۴۰	دعای ۴: درود آن حضرت پر مؤمنین به پیامبر ﷺ
۴۴	دعای ۵: دعا برای خانواده و دوستان
۴۸	دعای ۶: دعا در صبح و شام
۵۲	دعای ۷: دعا در امور مهم و رنج آور
۵۶	دعای ۸: پناه بردن به خدا در سختی‌ها
۵۸	دعای ۹: درخواست آموزش از خدا
۶۰	دعای ۱۰: پناه آوردن به خدا
۶۲	دعای ۱۱: دعا برای حسن عاقبت
۶۴	دعای ۱۲: اعتراف به گناه و درخواست توبه
۶۸	دعای ۱۳: درخواست حاجتها
۷۲	دعای ۱۴: هنگام فرا رسیدن سنم و زیان
۷۶	دعای ۱۵: دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری
۷۸	دعای ۱۶: طلب آموزش
۸۴	دعای ۱۷: پناه بردن به خدا از شیطان
۸۸	دعای ۱۸: دعای شکرگزاری
۹۰	دعای ۱۹: دعای طلب باران
۹۲	دعای ۲۰: درخواست توفیق از خدا
۱۰۲	دعای ۲۱: هنگام اندوه و نگرانی از گناه
۱۰۶	دعای ۲۲: دعا هنگام سختی و رنج
۱۱۲	دعای ۲۳: دعا در طلب عافیت و شکر آن
۱۱۴	دعای ۲۴: دعای حضرت برای پدر و مادرش
۱۲۰	دعای ۲۵: دعای حضرت در بارهٔ فرزندانش

- دعای ۳۶: دعای حضرت در بارهٔ مسافران و دوستانش ۱۲۴
- دعای ۳۷: دعا در بارهٔ مرزداران ۱۲۶
- دعای ۳۸: پناه بردن به خدای عزوجل ۱۳۳
- دعای ۳۹: وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد ۱۳۶
- دعای ۴۰: در باری خواستن از خدا برای پرداخت وام ۱۳۶
- دعای ۴۱: دعا برای توفیق توبه ۱۳۸
- دعای ۴۲: دعا پس از نماز شب ۱۴۶
- دعای ۴۳: دعای هنگام استخاره ۱۵۴
- دعای ۴۴: هنگام مشاهدهٔ وسوایی گناهکاران ۱۵۶
- دعای ۴۵: دعا در مقام رضا و خشنودی ۱۵۸
- دعای ۴۶: دعای مشاهدهٔ ابر و رعد و برق ۱۶۰
- دعای ۴۷: در ناتوانی ادای شکر ۱۶۲
- دعای ۴۸: هنگام کوتاهی در ادای حقوق بندگان خدا ۱۶۶
- دعای ۴۹: در طلب بخشش و رحمت الهی ۱۶۸
- دعای ۵۰: در شنیدن خبر و باد مرگ ۱۷۲
- دعای ۵۱: هنگام درخواست عطا پوشی از خداوند ۱۷۴
- دعای ۵۲: هنگام ختم قرآن ۱۷۴
- دعای ۵۳: هنگام رؤیت هلال ۱۸۲
- دعای ۵۴: دعای آغاز ماه رمضان ۱۸۶
- دعای ۵۵: دعای وداع با ماه رمضان ۱۹۲
- دعای ۵۶: در روز عید فطر و روز جمعه ۲۰۴
- دعای ۵۷: دعای روز عرفه ۲۱۰
- دعای ۵۸: در روز عید قربان و روز جمعه ۲۳۴
- دعای ۵۹: در دفع حیلۀ دشمن ۲۴۲
- دعای ۶۰: در باب نوس از خدا ۲۴۶
- دعای ۶۱: در غصوح و خشوع برای خدا ۲۵۰
- دعای ۶۲: اصرار در آستان خداوند ۲۵۴
- دعای ۶۳: خضوع در پیشگاه خدا ۲۵۸
- دعای ۶۴: در رفع هم و اندوه ۲۶۰



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

صحیفه سجاده، بحق صحیفه دلهای آسمانی است. کتابی است که سطر سطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می باشد و واژه و واژه آن در دل محبتان، فروغ پزدان می نشاند.

صحیفه سجاده، آهنگ پر طراوت هسنی است، نغمه پرحلاوت نشاط است، زمزمه پر شور عاشقان و نوای دلنشین اساجدان است.

صحیفه سجاده، سرچشمه زلال حکمت، جاری زیبای معرفت و دریای بیکرانة معنویت است.

صحیفه سجاده، گلپانگ عاشقانة عارفان و گلوایه عارفانة مشتاقان است. دل در زلال صحیفه، صفا می گیرد و جان در پرتو آن، بجلا می یابد.

صحیفه سجاده، تجلی فروغ قرآن است و ظهور حقیقت عرفان و درخشش ژرفای برهان.

• • •

درباره این ترجمه

۱ - صحیفه سجاده دارای ترجمه های متعددی به زبان فارسی است و هر یک از ترجمه ها از ویژگیها و امتیازات خاصی برخوردارند. برخی از ترجمه ها همراه با شرح و بعضی از آنها به شبوه ترجمه و نگارش آزاد است. ما در این ترجمه

کوشیده‌ایم حتی الامکان هیچ معنا و مفهومی از متن را فرونگذاریم و در عین حال ترجمه‌ای روان و سهل‌التأثر ارائه دهیم. و صد البته خود را مبرای از خطا نمی‌دانیم و از ازیاب فضل و معرفت که بر ما منت نهد و لغزشهای فلفلمان را گوشزد نمایند، پیشاپیش سپاسمندیم

۲- عبارات عربی و جملات فارسی را بر اساس نسخه مرحوم فیض الاسلام شماره‌گذاری کرده‌ایم تا مقابله متن عربی و ترجمه فارسی به آسانی انجام شود و پیدا کردن ترجمه هر عبارت به سهولت ممکن گردد.

۳- از ویژگیهای این کتاب آن است که فهرست تفصیلی موضوعات صحیفه سجاده را با ذکر شماره دعا و شماره عبارت به آسانی در اختیار خواننده و محقق قرار می‌دهد و راه را برای جستجوی معارف موضوعی در این گنجینه الهی هموار می‌سازد.

۴- ما در این نوشتار از برخی ترجمه‌های موجود صحیفه سود حسنه‌ایم و همینجا برای مترجمانی که دعوت حق را لبیک گفته‌اند، علو درجات و برای آنها که در فید حیات‌اند توفیق ارائه خدمات ارزومندیم.

با احترام - حوزه علمیه قم

عبدالجواد ابراهیمی شاهرودی

محسن غروی‌ان نیشابوری



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(١) حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ، نَجْمُ الدِّينِ، بِهَاءِ الشَّرَفِ، أَبُو الْحَسَنِ:
 مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ أَحْمَدَ ابْنِ عَلِيٍّ ابْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ عُمَرَ ابْنِ
 يَحْيَى الْقَلَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ.. (٢) قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ
 السَّعِيدُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مُحَمَّدُ ابْنُ أَحْمَدَ ابْنِ شَهْرِبَارٍ، الْخَازِنُ لِبُخَارَةِ
 مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي شَهْرِ
 رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا
 أَسْمَعُ. (٣) قَالَ: سَمِعْتُهَا عَلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ، أَبِي مَنْصُورٍ: مُحَمَّدُ
 ابْنِ مُحَمَّدٍ ابْنِ أَحْمَدَ ابْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعُكْبَرِيِّ الْمُعَدَّلِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ
 أَبِي الْمُفَضَّلِ: مُحَمَّدُ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ (٤) قَالَ: حَدَّثَنَا
 الشَّرِيفُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ ابْنِ جَعْفَرٍ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ جَعْفَرِ
 ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ - (٥) قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَرَ ابْنِ حُطَّابٍ الرِّيَّانِيُّ سَنَةَ خَمْسِ
 وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ (٦) قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي: عَلِيُّ ابْنُ الثُّغَمَانِ الْأَعْلَمُ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه



(۱) حدیث کرد برای ما سید اجل محمد الذین بهاء الشرف ابوالحسن، محمد بن حسن بن احمد بن علی، بن محمد بن عمر بن یحیی علوی الحسینی - خداوند او را رحمت کند -

(۲) گفت خبر داد به ما شیخ سعید ابوعبدالله محمد بن احمد بن شهریار، خزانه دار گنجینه مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، در ماه ربیع الاول سال هانصد و شانزده در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من می شنیدم. (۳) گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ صدوق، ابی منصور محمد بن محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معذل - خداوند او را رحمت کند - از ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شبانی.

(۴) گفت: حدیث کرد برای ما سید بزرگوار ابوعبدالله جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام. (۵) گفت حدیث کرد برای ما عبدالله بن عمر بن خطاب زکات در سال دویست و شصت و پنج.

(۶) گفت حدیث کرد برایم داثیم: علی بن نعمان اعلم.

(٧) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ ابْنُ مَتَوَكَّلٍ الثَّقَفِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ: مَتَوَكَّلُ ابْنِ هُرُونَ. (٨) قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى ابْنَ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خُرَاسَانَ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ (٩) فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قُلْتُ: مِنَ الْحَجِّ (١٠) فَسَأَلَنِي عَنْ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ وَأَخْفَى السُّؤَالَ عَنْ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبَرِهِ وَخَبَرِهِمْ وَخُرْنِهِمْ عَلَى أَبِيهِ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - (١١) فَقَالَ لِي: قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ ابْنُ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَشَارَ عَلَى أَبِي بَرْكَ الْخُرُوجَ وَعَرَفَهُ إِنَّهُ هُوَ خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرُ أَمْرِهِ فَهَلْ لَقِيتُ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ ابْنَ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٢) قَالَ: فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٣) قَالَ: يَمْ ذَكَّرَنِي؟ خَبَرَنِي. قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا أَحْبَبْتُ أَنْ أَسْتَعِيْلَكَ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ. (١٤) فَقَالَ: أَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟ هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ، فَقُلْتُ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّكَ تَقْتُلُ وَتُصَلِّبُ كَمَا قُتِلَ أَبُوكَ وَصَلِّبَ (١٥) فَتَعْتِزُّ وَجْهَهُ وَقَالَ: يَسْأَلُ مَا يَسْأَلُ وَيُنْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ، يَا مَتَوَكَّلُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آيَدُ هَذَا الْأَمْرِ بِنَا وَجَعَلَ لَنَا الْعِلْمَ وَالسَّيْفَ فَجُمِعَا لَنَا وَحُصِّ بَنُو عَمِّنَا بِالْعِلْمِ وَخَدَهُ. (١٦) فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَمِيلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ وَإِلَى أَبِيكَ (١٧) فَقَالَ: إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرَ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَوَةِ وَنَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ (١٨) فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَهْمُ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ؟ فَأُطْرَقَ إِلَيَّ الْأَرْضُ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: كُلُّنَا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ كُلَّ مَا نَعْلَمُ، وَلَا نَعْلَمُ كُلَّ مَا يَعْلَمُونَ (١٩) ثُمَّ قَالَ لِي: أَكْتَبْتَ مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ

(۷) گفت: حدیث کرد پراهم عمیرین متوکل ضعی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون (۸) گفت: ملاقات کردم بحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش و فنی به سوی خراسان می رفت و به ایشان سلام نمود. (۹) به من فرمود: از کجا می آیی؟ گفتم: از حح، (۱۰) آنگاه از من درباره اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و از حال حضرت جعفرین محمد علیه السلام پرسش فراوان نمود. من در جواب، حال آن حضرت و احوال بستگان ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام را به او خبر دادم

(۱۱) بحیی فرمود: عمویم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید. پرسید آیا نو پسر عمویم حضرت جعفرین محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم آری. (۱۲) گفت: آیا از او شنیدی که از کار من چیزی بگوید؟ گفتم آری (۱۳) گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت شوم، نمی خواهم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر نو بیان کنم، (۱۴) گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای، گفتم: از او شنیدم که نو کشته می شوی و بدنت را به فِرْسِی آویزند چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شده (۱۵) پس جهره اش نفیبر کرد و گفت: خدا هر سرنوشتی را بخواهد محو می کند و با ثبت می نماید و اَمَّ الْکِتَابِ نزد اوست ای متوکل همانا حضرت حق این دین را به وجود ما ناپید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و این هردو برای ما فراهم شده و عموزادگان ما تنها به دانش اختصاص یافته اند، (۱۶) گفتم: فدایت شوم، من مردم را دیدم که به پسر عمویم حضرت صادق علیه السلام مایلترند تا به نو و پدرت، همانا عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به یزدگی دعوت کردند و ما آنان را به مرگ خوانده ایم. (۱۸) گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا ایشان دانانند یا شما؟ در این هنگام مدنی چشم خود به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر یک از ما از دانش بهره ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می دانیم می دانند، ولی ما هر چه را آنها می دانند نمی دانیم.

(۱۹) آنگاه به من گفت: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته ای؟ گفتم: آری.

(٢٠) قَالَ: أَرِنِيهِ فَأَخْرَجْتُ إِلَيْهِ وَجُوهًا مِنَ الْعِلْمِ وَأَخْرَجْتُ لَهُ
دُعَاءَ أَمْلَأُهُ عَلَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَخَدَّتْنِي أَنْ أَبَاهُ
مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - أَمْلَأُهُ عَلَيْهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ
أَبِيهِ عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ
(٢١) فَنَظَرُ فِيهِ يَغِيثُ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِ، وَقَالَ لِي: أَتَأْذُنُ فِي
نَسِخِهِ؟ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَشْتَاذُنُ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ؟! (٢٢) فَقَالَ:
أَمَّا لِأَخْرِجَنَّ إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ بِمَا حَفِظْتُهُ أَبِي عَنْ
أَبِيهِ وَإِنَّ أَبِي أَوْضَانِي بِصَوْنِهَا وَمَنْعَهَا غَيْرَ أَهْلِهَا. (٢٣) قَالَ عُصَيْرٌ:
قَالَ أَبِي: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ، وَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
إِنِّي لَأَدِينُ اللَّهَ بِحُبِّكُمْ وَطَاعَتِكُمْ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُسْعِدَنِي فِي
حَيَاتِي وَمَوَاتِي بِوَلَايَتِكُمْ (٢٤) فَمِنْ صَحِيفَتِي الَّتِي دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ
إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ: أَكْتُبُ هَذَا الدُّعَاءَ بِحُطٍّ بَيْنَ حَسَنِ
وَأَعْرَضَهُ عَلَى لَعْلِي أَخْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ مِنْ جَعْفَرٍ - حَفِظَهُ اللَّهُ -
فَيَمْنَعُنِيهِ. (٢٥) قَالَ مَتَوَكَّلٌ قَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ وَلَمْ أَذْرِ مَا أَصْنَعُ،
وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - تَقْدِّمَ إِلَيَّ إِلَّا أَدْفَعُهُ إِلَى أَحَدٍ.
(٢٦) ثُمَّ دَعَا بِغَيْتَةٍ فَاشْتَرَجَ مِنْهَا صَحِيفَةً مُثْقَلَةً مَخْتُومَةً فَنَظَرَ إِلَى
الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى، ثُمَّ نَضَّهُ وَقَتَعَ الْقَطْلَ، ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ
وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَأَسْرَهَا عَلَى وَجْهِهِ. (٢٧) وَقَالَ: وَاللَّهِ يَا
مَتَوَكَّلُ لَوْلَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِي إِنِّي أَقْتُلُ وَأُضْلِبُ لِمَا
دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَلَكُنْتُ بِهَا ضَنْبًا. (٢٨) وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ
أَخَذَهُ عَنْ أَبَائِهِ وَأَنَّهُ سَيَصِغُ فَخِغْتُ أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى
بَنِي أُمَيَّةٍ فَيَكْتُمُوهُ وَيَسُدُّوهُ فِي خَزَائِنِهِمْ لِأَنفُسِهِمْ.

(۲۰) گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم، و دهایی را به او نشان دادم که حضرت صادق علیه السلام بر من املاء فرموده بود، و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املاء فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین علیهما السلام از دعای صحیفه کامله است، (۲۱) آنگاه بچی نا پایان آن را نظر کرد، و گفت: آبا اجازه می دهی که از روی آن نسخه ای بردارم؟ (۲۲) گفتیم: ای پسر رسول خدا آبا در آنچه که از خود شماست اجازت می خواهی؟ پس گفت: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و به من در مورد نگاه داشتن و بازداشتن آن از نااهلان سفارش فرموده.

(۲۳) عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم ای پسر پیامبر خدا، من خلیفه را با محبت و طاعت شما پرستش می کنم و امیدوارم که مرا دو حیات و معاصی به ذریه شما سعادت مند کند. (۲۴) آنگاه صحیفه ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفت: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من برسان که شاید آن را حفظ کنم. زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که خدا او را حفظ کند - می خواستم و او آن را به من نمی داد. (۲۵) منوکل گفت: من از کرده خود پشیمان شدم و نمی دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم. (۲۶) سپس بچی حاضره دانی را حراست و صحیفه قفل حورده مهر کرده ای را از آن خارج کرد و مهر آن را نظاره کرد و بوسید و گریه کرد. آنگاه مهر را شکست و قفل را باز کرد، سپس صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر چهره خود مالید (۲۷) و گفت: به خدا قسم ای منوکل اگر نبود مطلی که در رابطه با کشته شدن و به دار آویختنم از پسر عمویم حدیث کردی بدون شک این صحیفه را به تو نمی دادم. (۲۸) بولی من می دادم که گفتار حضرت صادق علیه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی بدست بنی امیه افتد و آن را از دیده ها بپوشانند و در گنجینه های خویش برای خود ذخیره کنند.

(٢٩) فَأَقْبَضَهَا وَاكْتَنَبَهَا وَتَرَبَّصَ بِهَا فَإِذَا قَضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَأَمْرٍ
هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فِيهِ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ حَتَّى تَوْصِلَهَا إِلَى ابْنِ
عَمِي: مُحَمَّدٍ وَإِزْهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ
- عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَإِنَّهُمَا الْقَائِمَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بِغَدِي. (٣٠) قَالَ
الْمُتَوَكِّلُ: فَتَبَضَّتْ الصَّحِيفَةُ فَلَمَّا قُبِلَ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ صَرَتْ إِلَى الْمَدِينَةِ
فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَحَدَّثَنِي الْحَدِيثَ عَنْ يَحْيَى، فَبَكَى
وَاشْتَدَّ وَجْدُهُ بِهِ. (٣١) وَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِي وَالْحَقُّهَ بِأَبَائِهِ وَأَجْدَادِهِ.
(٣٢) وَاللَّهُ يَا مُتَوَكِّلُ مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى
صَحِيفَةِ أَبِيهِ، وَآيِنِ الصَّحِيفَةِ؟ فَقُلْتُ هَاهُنَا، فَتَنَحَّاهَا وَقَالَ: هَذَا وَاللَّهُ
حَطُّ عَمِي زَيْدٍ وَدُعَاءُ جَدِّي عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ -
(٣٣) ثُمَّ قَالَ لِأَيِّهِ: قُمْ يَا إسماعيلُ فَأَتِنِي بِالْدُّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ
وَصَوْنِهِ، فَقَامَ إسماعيلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً فَإِنَّهَا الصَّحِيفَةُ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ
يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ. (٣٤) فَقَبَّلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ: هَذَا
حَطُّ أَبِي وَإِمْلَاءُ جَدِّي - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - بِمَشْهَدٍ مِنِّي. (٣٥) فَقُلْتُ يَا
ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: إِنْ رَأَيْتَ أَنْ أَعْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى؟ فَأَذِنَ
لِي فِي ذَلِكَ وَقَالَ: قَدْ رَأَيْتُكَ لِذَلِكَ أَهْلًا (٣٦) فَتَنَظَّرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرٌ
وَاحِدٌ وَلَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْأُخْرَى (٣٧) ثُمَّ
اسْتَأْذَنْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَي دَفَعِ الصَّحِيفَةَ إِلَى ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ
ابْنِ الْحَسَنِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا، نَعَمْ
فَادْفَعَهَا إِلَيْهِمَا. (٣٨) فَلَمَّا نَهَضْتُ لِلْقَائِمَيْنِ قَالَ لِي: مَكَانُكَ. (٣٩) ثُمَّ
وَجَّهَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَإِزْهِيمَ فَجَاءَا فَقَالَ: هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمِّكُمَا يَحْيَى
مِنْ أَبِيهِ قَدْ خَصَّكُمْ بِهِ دُونَ إِخْوَتِهِ وَلَحْنُ مُشْتَرِطُونَ عَلَيْكُمَا فِيهِ شَرْطًا.

(۲۹) از این رو آن را بگیر و مرا نسبت به حفظ آن خاطر جمع کن و منتظر باش تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد این صحیفه را که امانت من در نزد تو است به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم فرزندان عبداللہ بن حسن بن حسن بن علی علیہما السلام برسان، که آن دو نفر پس از من در این امر جانشینان منند. (۳۰) منوکل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون بحیی بن زید بشهادت رسید به مدینه رفتم و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و فضاۃ بحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و به شدت بر یحیی اندوهگین شد. (۳۱) فرمود: خدا عموزادهام را رحمت کند و به آباء و اجدادش ملحق سازد. (۳۲) ای منوکل به خدا قسم جز همان چیزی که بحیی بر صحیفه پدرش از آن می‌نرسید مرا از دادن این دعا به او منع نکرد، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است! آنگاه آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیہما السلام است. (۳۳) سپس به فرزندش فرمود: ای اسماعیل برخیز و آن دعا که نو را به حفظ و نگهداریش امر کردم بیاور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه‌ای را که گویی همان صحیفه‌ای بود که بحیی بن زید به من داده بود، بیرون آورد. (۳۴) پس حضرت صادق علیه السلام آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املائی علیهما السلام در حضور من است. (۳۵) عرض کردم: ای پسر رسول خدا اگر مصلحت بدانید آن را با صحیفه زید و بحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: نو را برای این عمل شایسته دیدم. (۳۶) پس من آن دو را مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در یک حرف هم اختلافی بین آن دو ندیدم. (۳۷) سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه بحیی را سایر وصیتش به عموزادگانش پسران عبداللہ بن حسن بدهم، فرمود: خداوند شما را امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش بازگردانید! آری آن را به ایشان بده. (۳۸) چون برای دیدن آن دو برخاستم فرمود: بنشین. (۳۹) آنگاه کسی را برای آوردن محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسر عمویتان بحیی از پدرش می‌باشد که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده، و ما درباره آن با شما شرطی داریم.

(٤٠) فَقَالَا: رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْ فَقَوْلُكَ الْمَقْبُولُ (٤١) فَقَالَ: لَا تَخْرُجَا بِهِذِهِ
الصَّحِيفَةَ مِنَ الْمَدِينَةِ (٤٢) قَالَا: وَلِمَ ذَلِكَ؟ (٤٣) قَالَ: إِنَّ ابْنَ عَمِّكُمَا
خَافَ عَلَيْهَا أَمْرًا أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكُمَا. (٤٤) قَالَا: إِنَّمَا خَافَ عَلَيْهَا حَبِيبُ
عَلِيٍّ أَنَّهُ يُقْتَلُ. (٤٥) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَأَنْتُمَا فَلَا
تَأْمَنَّا فَوَاللَّهِ إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنْكُمَا سَتَخْرُجَانِ كَمَا خَرَجَ، وَتَسْتَقْتُلَانِ كَمَا
قُتِلَ. (٤٦) فَقَامَا وَهُمَا يَقُولَانِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ. (٤٧) فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَا
مُتَوَكِّلُ كَيْفَ قَالَ لَكَ يَحْيَى إِنَّ عَبِيَّ مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرًا
دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَوَةِ وَدَعَا نَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ؟ (٤٨) أَقُلْتُ: نَعَمْ
أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ قَالَ لِي ابْنُ عَمِّكَ يَحْيَى: ذَلِكَ (٤٩) فَقَالَ: يَرْحَمُ اللَّهُ
يَحْيَى. إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -:
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَخَذَتْهُ نَفْسُهُ وَهُوَ عَلَى مِثْبَرِهِ.
(٥٠) فَرَأَى فِي مَنَابِهِ رِجَالًا يَتَزَوَّنَ عَلَى مِثْبَرِهِ نَزْوَالِ الْفِرْدَوْسِ يَرُدُّوْنَ
النَّاسَ عَلَى أَغْثَابِهِمُ الْقَهْقَرَى (٥١) فَاسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ - جَالِسًا وَالْحَزَنُ يُغْرِقُ فِي وَجْهِهِ. (٥٢) فَأَنَاءَهُ جِبْرِيلُ
- عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِهِذِهِ الْآيَةِ: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا
فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ
إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» يَغْنِي بَنِي أُمَيَّةَ. (٥٣) قَالَ: يَا جِبْرِيلُ أَعَلَى عَهْدِي
يُكُونُونَ وَفِي رَمَنِي؟ (٥٤) قَالَ: لَا، وَلَكِنْ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ
مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبُثُ بِذَلِكَ عَشْرًا. ثُمَّ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ عَلَى
رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبُثُ بِذَلِكَ خَمْسًا. ثُمَّ لَا هُدًى
مِنْ رَحَى ضَلَالَةٍ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا. ثُمَّ مُلْكُ الْفَرَاغَةِ.

(۴۰) گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند، زیرا سخن تو پذیرفته است.
 (۴۱) فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج کنید. (۴۲) گفتند: چرا؟ (۴۳) فرمود:
 پس عمومی شما بر این صحیفه از چیزی می‌نرسد که من بر شما از همان چیز
 می‌نرم. (۴۴) گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترمسد که دانست کشته
 می‌شود. (۴۵) امام صادق علیه السلام فرمود: شما از این وانه ایمن نیائید زیرا نه خدا
 قسم من می‌داند که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به
 زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. (۴۶) پس از جای برخاستند در
 حالی که می‌گفتند: لا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظیم!

(۴۷) چون بیرون رفتند حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای متوکل چگونه
 بحیی به نوگفت که عمویم محمد بن علی و پسر من جعفر مردم را به زندگی
 دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟ (۴۸) گفتم: آری - خداوند کار شما را اصلاح
 کند - عمو زاده‌ات بحیی چنین سخن به من گفت (۴۹) فرمود: خدا بحیی را
 رحمت کند، پدرم از پدرش از جدش از علی علیه السلام برایم حدیث کرد که رسول
 خدا - صلی الله علیه و آله - در حالی که مروری منبر بود خواب سبکی او را
 ربود. (۵۰) پس در عالم خواب دید که بر من چند جوانان بوزینگان بر منبرش
 می‌جهند و مردم را به گذشتگان خود (دوران جاهلیت) برمی‌گردانند. (۵۱) پس
 رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به حال عادی بارگشت و نشست و اندوه
 و حزن در چهره‌اش آشکار بود.

(۵۲) در همین هنگام امین و وحی این آیه را برای حضرت آورد: و ما رؤیایی را
 که در خواب به تو نمایانیدیم و شجرة ملعونه در قرآن را جز برای آزمایش
 مردم قرار نداده‌ایم، و ایشان را بیم می‌دهیم ولی جز بر سر کشی آنان
 نمی‌افزایده و مراد از شجرة ملعونه، پنی‌امه هستند!

(۵۳) پیامبر فرمود: ای جبرئیل آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ (۵۴) گفت:
 نه، ولی آسبای اسلام از ابتدای هجرت به گردش می‌آید و ناده سال می‌گردد
 آنگاه بر سر سال سی و پنجم از هجرت به گردش می‌افتد و ناهنج سال به آن
 حالت درنگ می‌کند آنگاه به ناچار آسبای گمراهی خواهد بود که بر محور خود
 می‌ایستد، و از آن پس پادشاهی فراغت پدید می‌آید.

(٥٥) قَالَ: وَانْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَحْلِكُهَا بَنُو أُمَيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. (٥٦) قَالَ: فَاطْلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنْ بَنَى أُمَيَّةَ تَحْلِكُ سُلْطَانُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَمُلْكُهَا طَوَّلَ هَذِهِ الْمُدَّةِ (٥٧) قَلَوْ طَاوَلَتْهُمْ الْجِبَالُ لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَبُغْضَنَا. (٥٨) أَخْبَرَنَا اللَّهُ نَبِيُّ بَنِي إِسْرَافِيلَ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ مَوَدَّتِهِمْ وَ شِعْبَتُهُمْ مِنْهُمْ فِي آيَاتِهِمْ وَمُلْكِهِمْ. (٥٩) قَالَ: وَانْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَآخَلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْطَلُونَهَا وَ يَحْسَبُ الْقَرَارُ». (٦٠) وَنِعْمَةُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ. حُبُّهُمْ إِسْنَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ، وَبُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ (٦١) فَاسَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. (٦٢) قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَتَغَشَّ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمْتُمُ اللَّيْلَةَ، وَكَانَ قِيَامُهُ زِينَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِعْبَتِنَا. (٦٣) قَالَ الْمُتَوَكِّلُ ابْنُ هُرُوقَ: ثُمَّ أَهْلَى عَلِيٌّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - الْأَدْعِيَّةُ وَ هِيَ حَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ بَابًا. سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدُ عَشَرَ بَابًا، وَ حَفِظْتُ مِنْهَا ثَلَاثًا وَ سِتِينَ بَابًا (٦٤) وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ قَالَ: وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ رُوَيْبَةَ أَبُو بَكْرٍ الْمَدَائِنِيُّ الْكَاتِبُ نَزِيلُ الرَّحْبَةِ فِي دَارِهِ (٦٥) قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ أَحْمَدَ ابْنِ مُسْلِمٍ الْمُطَهَّرِيُّ (٦٦) قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عُمَيْرِ ابْنِ مُتَوَكِّلٍ الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْمُتَوَكِّلِ ابْنِ هُرُوقَ

(۵۵) حضرت صادق فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است که سی امه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. (۵۶) سپس فرمود: پس خدای عز و جل پیامبرش را آگاه فرمود که بنی امیه قدرت و حکومت این امت را در طول این مدت به دست می گیرند. (۵۷) پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها برتری یابند و چهره شوند نا و فنی که خدای بزرگ به مایودی حکومتشان حکم کند. و بنی امیه در این مدت عداوت و کینه ما اهل بیت را شعار خود می نماید. (۵۸) خداوند از آنچه در مدت حکومت بنی امیه بر اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانسان می رسد به رسولش خبر داد.

(۵۹) آنگاه، حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدا درباره بنی امیه وحی نازل فرمود که «آباد بدهی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت یعنی دوزخ افکندند که در آن سرنگون شوند و بد فرارگاهی است» (۶۰) و نعمت خدا محمد (ص) و اهل بیت آن حضرتند که دومی ایشان اهل بیت است که آدمی را به بهشت داخل می کند. و دهمی ایشان کفر و نفاق است که به جهنم درمی آورد (۶۱) پس رسول خدا این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش علیه السلام در میان گذاشت. (۶۲) منوکل گفت: سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: احدی از ما اهل بیت نا رور قیام قائم ما برای دفع ظلمی یا به پا داشتن حقّی خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از دیشه برگرداند و قیامش موجب افزایش غصه ما رشیعیان ما گردد.

(۶۳) منوکل گفت: آنگاه، حضرت صادق علیه السلام دعاهای صحیفه را بر من املاء کرد و آن هفتاد و پنج باب بود که بازده باب آن از حافظه ام رفت و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم.

(۶۴) (عکبری گوید:) و حدیث کرد برای ما ابوالفضل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن بن روز به ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رجب در خانه خودش. (۶۵) گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری. (۶۶) گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمربن منوکل بلخی از پدرش منوکل بن هارون.

(٦٧) قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى ابْنَ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَذَكَرَ
الْحَدِيثَ بِشَأْنِهِ إِلَى رُؤْيَا النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - الَّتِي ذَكَرَهَا
جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - (٦٨) وَفِي رِوَايَةٍ
الْمُطَهَّرِ ذِكْرُ الْأَبْوَابِ وَهِيَ:

- ١ التَّحْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
- ٢ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
- ٣ الصَّلَاةُ عَلَى حَتَلَةَ الْعَرْشِ
- ٤ الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ
- ٥ دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ
- ٦ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَشَاءِ
- ٧ دُعَاؤُهُ فِي الْمُهَيَّاتِ
- ٨ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاثَةِ
- ٩ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِيْنَاذِ
- ١٠ دُعَاؤُهُ فِي اللَّجَأِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
- ١١ دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ
- ١٢ دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِرَافِ
- ١٣ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْخَوَانِجِ
- ١٤ دُعَاؤُهُ فِي الصَّلَامَاتِ
- ١٥ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْمَرَضِ
- ١٦ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِثْقَالَةِ
- ١٧ دُعَاؤُهُ عَلَى الشَّيْطَانِ
- ١٨ دُعَاؤُهُ فِي الْمَخْذُورَاتِ

(۶۷) گفت بحیی بن زید بن علی علیه السلام را ملاقات نمودم. سپس تمام حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق از پدرانش - که درود خدا بر آنان باد - روایت فرمود بیان کرد.

(۶۸) و در روایت مطهری فهرست ابواب دعا به ترتیب زیر است:

۱ - حمد و ثنای الهی

۲ - درود آن حضرت بر محمد و آل محمد (علیهم السلام).

۳ - درود آن حضرت بر حاملان عرش.

۴ - درود آن حضرت بر آنان که به پیامبران ایمان آورده اند.

۵ - دعای آن حضرت برای خود و نزد بگانش.

۶ - دعای آن حضرت به هنگام صبح و شام.

۷ - دعای آن حضرت به هنگام مهمات و گرفتاری.

۸ - دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند

۹ - دعای آن حضرت در شوق به آفرینش

۱۰ - دعای آن حضرت در النجاء و پناه بردن به خداوند.

۱۱ - دعای آن حضرت در عاقبت به خبری

۱۲ - دعای آن حضرت در افرار به گناه.

۱۳ - دعای آن حضرت در طلب حاجتها

۱۴ - دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران.

۱۵ - دعای آن حضرت به هنگام بیماری.

۱۶ - دعای آن حضرت در طلب آمرزش گناهان.

۱۷ - دعای آن حضرت در دور کردن شیطاں.

۱۸ - دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی ها

- ١٩ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ
 ٢٠ دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
 ٢١ دُعَاؤُهُ إِذَا أَخْرَجَهُ أَمْرٌ
 ٢٢ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشَّدَّةِ
 ٢٣ دُعَاؤُهُ بِالْعَافِيَةِ
 ٢٤ دُعَاؤُهُ لِأَبَوَيْهِ
 ٢٥ دُعَاؤُهُ لَوْلَدِهِ
 ٢٦ دُعَاؤُهُ لِجَبْرَائِيلَ وَأَزْرَافِيئِهِ
 ٢٧ دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ النَّعُورِ
 ٢٨ دُعَاؤُهُ فِي التَّنَزُّعِ
 ٢٩ دُعَاؤُهُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرَّزْقُ
 ٣٠ دُعَاؤُهُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ
 ٣١ دُعَاؤُهُ بِالتَّوْبَةِ
 ٣٢ دُعَاؤُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ
 ٣٣ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ
 ٣٤ دُعَاؤُهُ إِذَا بَشَلَى أَوْ رَأَى مُبَشَلًى بِفَضِيحَةٍ يَدْنِبُ
 ٣٥ دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا بِالْقَضَاءِ
 ٣٦ دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرُّعْدِ
 ٣٧ دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ
 ٣٨ دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِذَارِ
 ٣٩ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْغُفْرِ
 ٤٠ دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ

- ۱۹- دعای آن حضرت در طلب باران.
- ۲۰- دعای آن حضرت درباره اخلاق پسندیده.
- ۲۱- دعای آن حضرت هنگامی که رویدادی او را اندوهناک می نمود.
- ۲۲- دعای آن حضرت در سختی و گرفتاری.
- ۲۳- دعای آن حضرت برای ندرمسی.
- ۲۴- دعای آن حضرت برای پدر و مادر خود.
- ۲۵- دعای آن حضرت برای فرزندانش.
- ۲۶- دعای آن حضرت برای همایگان و دوستانش.
- ۲۷- دعای آن حضرت برای مرزداران.
- ۲۸- دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا.
- ۲۹- دعای آن حضرت هنگامی که روزی بر او تنگ می شد.
- ۳۰- دعای آن حضرت برای ادای قوام
- ۳۱- دعای آن حضرت در نوبه و بازگشت
- ۳۲- دعای آن حضرت در نماز شب
- ۳۳- دعای آن حضرت در تقویت خویشتن خیر و کبکی.
- ۳۴- دعای آن حضرت به هنگام گرفتاری خود با دیدن گرفتار به رسوایی گناه.
- ۳۵- دعای آن حضرت درباره خشودی به فضای حق.
- ۳۶- دعای آن حضرت هنگام شنیدن رعد.
- ۳۷- دعای آن حضرت در شکر.
- ۳۸- دعای آن حضرت در عذرخواهی.
- ۳۹- دعای آن حضرت در طلب عمر و بخشایش.
- ۴۰- دعای آن حضرت هنگام باد مرگ.

٤١ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السَّيْرِ وَالْوَقَايَةِ

٤٢ دُعَاؤُهُ عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ

٤٣ دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ

٤٤ دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ

٤٥ دُعَاؤُهُ لَوَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ

٤٦ دُعَاؤُهُ لِعَبْدِ النَّظَرِ وَالْجُمُعَةِ

٤٧ دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

٤٨ دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ

٤٩ دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ

٥٠ دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ

٥١ دُعَاؤُهُ فِي النَّضْرَةِ وَالْإِشْتِكَاةِ

٥٢ دُعَاؤُهُ فِي الْإِلْحَاحِ

٥٣ دُعَاؤُهُ فِي التَّدَلُّلِ

٥٤ دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ

(٦٩) وَبَاقِي الْأَبْوَابِ بِإِلْفِظِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ - رَحِمَهُ اللَّهُ -

(٧٠) حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ (٧١) قَالَ: حَدَّثَنَا

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ ابْنَ حَطَّابٍ الزَّيْنَاتِ (٧٢) قَالَ حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ

الْثُّغْنَانِ الْأَعْلَمُ (٧٣) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكِّلٍ الثَّقَفِيُّ الْبُلْخِيُّ عَنْ

أَبِيهِ مُتَوَكِّلِ بْنِ هُرُونَ (٧٤) قَالَ: أَمَلَنِي عَلَى سَيِّدِي الصَّادِقِ، أَبُو

عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (٧٥) قَالَ: أَمَلَنِي جَدِّي عَلَى ابْنِ الْحُسَيْنِ عَلَى

أَبِي مُحَمَّدٍ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ - بِمَشْهَدِي مِنِّي.

- ۴۱- دعای آن حضرت در درخواست پرده پوشی و نفوی.
- ۴۲- دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن.
- ۴۳- دعای آن حضرت به وقت دیدن ماه نو.
- ۴۴- دعای آن حضرت هنگام فرارسیدن ماه رمضان.
- ۴۵- دعای آن حضرت به هنگام وداع ماه رمضان.
- ۴۶- دعای آن حضرت در روز عید فطر و جمعه.
- ۴۷- دعای آن حضرت در روز عرفة.
- ۴۸- دعای آن حضرت در روز عید قربان و جمعه.
- ۴۹- دعای آن حضرت در دفع مکر دشمنان.
- ۵۰- دعای آن حضرت در ترس از خدا.
- ۵۱- دعای آن حضرت در نصیحت و زاری به درگاه خدا.
- ۵۲- دعای آن حضرت در اصرار بر طلب.
- ۵۳- دعای آن حضرت در فروتنی.
- ۵۴- دعای آن حضرت در رفع آلودگیها.
- (۶۹) و باقی ابواب به لفظ ابو عبد الله حسینی - رحمه الله - است
- (۷۰) حدیث کرد برای ما ابو عبد الله جعفر بن محمد حسی.
- (۷۱) گفت: حدیث کرد برای ما عبد الله بن عمر بن خطاب رضی الله عنه.
- (۷۲) گفت: حدیث کرد برای ما علی بن نعمان اعلم.
- (۷۳) گفت: حدیث کرد برای ما عمیر بن منوکل ثقفی بلخی، از پدرش منوکل بن هارون.
- (۷۴) گفت: املا فرمود بر من آقایی امام صادق ابو عبد الله جعفر بن محمد.
- (۷۵) فرمودند: حدم علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی - سلام بر همه آنها باد - در حضور من املا فرمود:

(١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ
بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالشَّانِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلاَ أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلاَ آخِرٍ يَكُونُ
بَعْدَهُ (٢) الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَايَةِ أَبْصَارِ الشَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ
عَنْ نَعْيِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ، (٣) ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا،
وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ أَخْتِرَاعًا (٤) ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِزَادَتِهِ،
وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدْ سَهَّمَ إِلَيْهِ،
وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدِيمًا إِلَى مَا أَخْبَرَهُمْ عَنْهُ، (٥) وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ
مِنْهُمْ قُوَّتًا مَغْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَلَا
يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ، (٦) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْخَيَوَةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا،
وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ
دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَتْرَفِهِ، وَاسْتَوْعَبَ جَنَابَ عُمْرِهِ، قَبِضَهُ إِلَى
مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْقُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورِ عِقَابِهِ،
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى،
(٧) عَدَلًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَتَطَاهَرَتْ أَلْوَانُهُ، لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ
وَهُمْ يُسْتَلُونَ، (٨) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَنَدِهِ
عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ الْمُتَابِعَةِ، وَاسْتَبَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةِ،
لَتَصَرَّ قُوا فِي مِثْلِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَشَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ.

دعای اول

حمد و ثنای الهی

(۱) ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. (۲) خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش فاضل و اندیشه هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. (۳) جهان آفرینش را با قدرت کامل و مثبت بالغ خویش بی آنکه نمونه و الگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد آفرید. (۴) سپس آفریدگان را با اراده خود به راه راست راهی صاحب و آنها را در مسیر محبت خویش برانگیخت. کسانی که اراده خدا آنها را بر دیگران مقدم داشته برای تأخیر و عیب افتادن ندارند و نیز کسانی که مثبت الهی آنان را از دیگران عفیتر انداخته است قدرت جلوتر افتادن ندارند. (۵) و خدای منعال برای هر یک از جاندوان، رزق معلومی را تقسیم نموده است، که هرگز نتواند آن کسی که برایش رزق زیادی مقدر فرموده از آن بکاهد و کسی که برایش اندک مقدر نموده، بر آن بفزاید. (۶) آنگاه خداوند در زندگی هر یک از آفریدگان، آجلی را تعیین نموده و برای آن پابانی را مقرر داشته است، که با گذر ایام عمر، به سوی آن گام بر می‌دارد و با سپری شدن لحظات روزگار، آن اجل فرا می‌رسد. و آنگاه که آخرین قدم را بر می‌دارد و عمر او به پایان می‌رسد، خداوند جان او را بگیرد و به سوی مقصدی که دعوتش فرموده است بعضی ثواب وافر و بهشت سرسبز با شقاوت و دوزخ الهی، رهسپار سازد. (۷) این، برای آن است که بدکاران را به کبر اعمال زشت خود پرمساید و نیکوکاران را بر اساس عدالت خویش، پاداش نیکو عطا فرماید پاک و منزّه است اسماء او، و آشکار است نعمتهای او. هیچ کس حق ندارد از کار او باز خواست کند اما همگان در پیشگاه او مورد سؤال واقع می‌شوند. (۸) ستایش مخصوص خدایی است که اگر شناخت حمد و ثنای خویش را با اسلای پندگان به نعمتهای گوناگون و احسانهای فراوان دریغ کند، بندگان در نعمتها و منتهای الهی نصرف کنند. و ستایش او انجام ندهند و رزق و روزی خویش گسرنش دهند و شکر او ننمایند.

(٩) وَلَوْ كَانُوا كَذَّالِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُمْدِودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَمْدِ
 الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ
 هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (١٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَاللَّهُمَّا
 مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحْ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرَبُّوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ
 مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَجَبَّنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشُّكِّ فِي أَمْرِهِ.
 (١١) حَمْدًا نَعْمَرِيهِ فِيمَنْ حَمْدُهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى
 رِضَاةٍ وَعَفْوِهِ. (١٢) حَمْدًا يُبْصِرُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبُزْرُخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا
 بِهِ سَبِيلَ الْمُنْتَعِثِ، وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ
 تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ. يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ
 مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ. (١٣) حَمْدًا يَزِيدُنَا مَنًّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيَّيْنِ فِي
 كِتَابِ مَرْقُومِ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. (١٤) حَمْدًا تَقْرِيهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتْ
 الْإِبْصَارُ، وَتَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اشْرَبَتْ الْإِبْشَارُ. (١٥) حَمْدًا نَقْفِي
 بِهِ مِنَ الْيَمِّ نَارَ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ. (١٦) حَمْدًا أَنْزَاجِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ
 الْمُقَرَّبِينَ، وَتَضَامُ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي
 لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ. (١٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ
 لَنَا مَخَابِرَ الْخَلْقِ، وَاجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرُّزْقِ. (١٨) وَجَعَلَ لَنَا
 الْفَضْلَةَ بِالْمَلَكَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُتَعَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ،
 وَضَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ. (١٩) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَِابِ
 الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ تُطِيقُ حَمْدُهُ؟ أَمْ مَتَى تُؤْذِي شُكْرُهُ؟ أَمْ
 مَتَى؟ (٢٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ لِنَا أَلَاتِ الْبَهْشَطِ، وَجَعَلَ
 لَنَا آدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَسَعَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَوَةِ، وَآتَبَتْ لِنَا جَوَارِحَ
 الْأَعْنََالِ، وَغَدَّنَا بِطَيِّبَاتِ الرُّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ.

(۹) در این صورت از مرز انسانیت خارج شده و به حد حیوانیت سقوط کنند. چنانکه خداوند متعال در کتاب محکم خویش، آنها را چنین توصیف کرده است: حیوانند بلکه از حیوان گمراه‌ترند. (۱۰) سناش مخصوص خداست چرا که بهره‌ای از معرفت خود را به مال‌زانی فرمود و از نعمت شکر خویش به ما الهام فرمود و برخی از درهای نامتناهی علم به روییش را به سوی ما گشود و ما را به مرتبه اخلاص در توحید خویش راهنمایی نمود و از شائیه الحاد و شک در امرش دور کرد. (۱۱) او را چنان سناش کنیم که در تمام عمر در شمار بندگان سناشگر پروردگار باشیم و با سناش خویش گوی سبقت را از کسانی که به مقام عفو و بخشودگی او سبقت گرفته‌اند برآییم. (۱۲) حمد و سناش که ناریک‌های عالم برزخ را برای ما روشن سازد و راه دشوار جهان آخرت را برای ما آسان گرداند و منازل ما نزد شاهدان صحه محشر، شریعت‌شود روزی که هر شخصی به پاداش و کبر اعمالش می‌رسد و هرگز به کسی ستم نمی‌شود. روزی که هیچ باز و یابوری نمی‌تواند کاری انجام دهد و [انسانهای گرفتار هذاب] باری نمی‌شوند. (۱۳) خدای را آنگونه سناش می‌کنیم که حمد و ثنای ما نا اعلیٰ علّیٰ برسد و در کتاب مرقوم نزد شاهدان مغرب الهی قرار گیرد (۱۴) سناش که موجب چشم‌روشنی ما به هنگامی گردد که چشمها از نرس و وحشت، برف‌زند و غیبه شوند و ما به وسیله حمدمان روزی که بدکاران روسباه هستند نزد پروردگار روسفند شویم (۱۵) حمدی که ما را از آتش دردناک الهی نرهاند و در جوار کرم خدای، حای دهد. (۱۶) سناش که به ما نوان آن بخشد تا بتوانیم با فرشتگان مغرب الهی رفابت و همدوشی نماییم و در بهشت جاوید الهی و محل کرامت ربوبی با الیها و رسل الهی هم‌نشین شویم. (۱۷) سناش، مخصوص خدایی است که برای ما اخلاق نیکو و صفات حسنه را برگزید. (۱۸) برای ما روزهای پاکیزه ارزانی داشت و ما را بر همه آفریدگان برتری و فصلیت پایدار بخشید. تا آنجا که همه آفریدگان با قدرت کامل و عزت الهی، مطیع و مسفاد ما گردیدند. (۱۹) سناش مخصوص خدایی است که جز باب نیاز ما به سوی خودش همه درهای نیاز را بر روی ما بسته است! با این حال، چگونه می‌توانیم او را سناش کنیم و کی می‌توانیم از عهده شکر او برآییم؟ (۲۰) حمد از آن خدایی است که ابزار بسط و گسترش را با ما در آمیخت و اسباب قبض را برای ما فرار داد و ما را با نشاطهای زندگی کامیاب نمود و جوارح انجام اعمال را در وجود ما آفرید و با روزهای پاک، به ما غذا داد و با فضل و کرم خود ما را بی‌نیاز ساخت و با نعمتهای بی‌پایان خویش، بر ما منت نهاد.

(٢١) ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَلِهَانَا لِيَبْتَلَى شُكْرَنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مَثُونَ زَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَانْتَظَرْنَا مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا. (٢٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفْذِهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ كُنَّا نَعْتَدِذُ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حُسِنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجِسْمُ فَضْلِهِ عَلَيْنَا (٢٣) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وَشْعًا، وَلَمْ يُجَسِّنْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنْهَا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا. (٢٤) قَالَهُ الْكَافِرُ مِمَّا مِنْ هَلَكِ عَلَيْهِ، وَالشَّعْبُ مِمَّا مِنْ رَغِبِ إِلَيْهِ (٢٥) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَذُنِي مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَآكْرَمُ خَلْقِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِي بِهِ لَدَيْهِ (٢٦) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ (٢٧) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. (٢٨) حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ، وَلَا انْتِطَاعَ لِأَمْدِهِ (٢٩) حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعُقُودَ، وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَرْبَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا مِنْ نِقْمَتِهِ، زَأْمًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَخَاجِرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَظَلَامَتِهِ. (٣٠) حَمْدًا تَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَتَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

(۲۱) آنگاه، برای این که طاعت ما را بیازماید به ما فرمان داد و برای اینکه شکر و سپاس ما را آزمایش کند ما را از اموری نهی فرمود. با آنکه ما بندگان از امر او سرپیچی کردیم و بر مرکب نافرمانی سوار شدیم، اما او بر عقوبت ما مبادرت نکرد و در انتقام خویشتن تعجیل نفرمود. بلکه با رحمت خاص خود از روی لطف و کرم با ما مدارا نمود و با رافت و مهربانی، از روی حلم و بردباری انتظار نوبه و بازگشت ما را داشت. (۲۲) ستایش مخصوص خدایی است که ما را بر نوبه راهنمایی کرد، نعمتی که فقط به خاطر فضل و کرمش از آن، بهره مند شدیم. و اگر تنها به وسیله نوبه، اهل فضل و کرم خدا به شمار آییم نحیفاً نعمت او نزد ما نیکو و احسان و فضل او بر ما، بسیار عظیم است. (۲۳) البته، سکت خداوند در مورد نوبه برای کسانی که پیش از ما زندگی می کردند اینگونه بوده است. همانا، خداوند آنچه خارج از توان و طاقت ما بود از ما بر داشته و حر به اندازه توان، به ما تکلیف نرموده و تنها به تکالیف سهل و آسان ما را موظف ساخته است و برای هیچ کس، حجت و عذری باقی نگذاشته است. (۲۴) بنابراین، شفی و وزیران کار کسی است که با معصیت پروردگار هلاکت خویش را فراهم می سازد. و سعادتمند و رستگار کسی است که مشتاق و راعب خدا بوده از او اطاعت می کند. (۲۵) و ستایش مخصوص خدای است انسان که بتواند همه ستایشی را که مفرین ملانکه و بهترین خلق از وی هستند، از این ستایشگران نرداو انجام می دهد شامل بشود. (۲۶) ستایشی که فضیلت و برتری آن نسبت به سایر ستایشها بسان برتری پروردگار بر تمام خلق باشد. (۲۷) پس از همه حمد و ثناءها، باز حمد و ثنا از آن اوست در مقابل هر نعمتی که به ما و بر همه بندگان گذشته و بازماندگان عطا فرموده حمدی سزای او است به اندازه همه اشبائی که علم بی پایانش به آنها احاطه دارد. و در برابر هر یک از آن اشباه و موجودات، به اندازه چندین برابر عددشان حمدی ابدی و سرمدی تا روز قیامت سزای اوست. (۲۸) حمدی که اندازه اش پایان ناپذیر و شمارش بی حساب و مقدارش نامتناهی و رمانش پیوسته باشد. (۲۹) حمدی که ما را به مقام عفو و طاعتش برساند و موجب خشنودی او و وسیله آفرزش گردد. و ما را به سوی بهشت خدا راهمایی کند و از عذاب الهی حفظ نماید و از غضبش ایمن گرداند و بر طاعت و بندگیش مؤید بدارد و از معصیتش باز دارد و باور ما بر ادای حق و انجام وظایف الهی باشد. (۳۰) حمدی که ما را در شمار سعادتمندان و اولیای الهی قرار دهد و در صف آنان که با شمشیر دشمنان به شهادت رسیده اند در آورد البته، او سرپرست و مستودع است.

(٢)

وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ
فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

(١) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -
دُونَ الْأَمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الشَّالِيَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تُعْجِزُ عَنْ
شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَقْوَاهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ. (٢) فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ
مَنْ ذَرَأَ، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَعَدَ، وَكَثَّرْنَا بِمَنْهُ عَلَى مَنْ قُلَّ،
(٣) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمْرَكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَنَجِّبِكَ مِنْ
خَلْقِكَ، وَصَيِّبِكَ مِنْ عِبَادِكَ، أَمَامَ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ
الْبَرَكَةِ. (٤) كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ (٥) وَعَرَّضَ فَيْكَ لِلْمَكْرُوهِ
بِدَنَتِهِ (٦) وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ خَائِفَتَهُ (٧) وَخَازَبَ فِي رِضَاكَ
أُسْرَتَهُ (٨) وَقَطَعَ فِي إِحْسَائِهِ دِينَكَ رَحِمَتَهُ. (٩) وَأَقْصَى الْأَدْنَيْنِ
عَلَى جُحُودِهِمْ (١٠) وَقَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ. (١١) وَوَالَى
فَيْكَ الْآبَعْدَيْنِ (١٢) وَغَادَى فَيْكَ الْأَقْرَبَيْنِ (١٣) وَأَذَابَ نَفْسَهُ فِي
تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ (١٤) وَاتَّقَبَهَا بِالْذُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ. (١٥) وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ
لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ (١٦) وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَةِ، وَمَحَلِّ الثَّنَائِ عَنْ
مَوْطِنِ رَحْلِهِ، وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَمَأْتِسِ نَفْسِهِ،
إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَاسْتِنْصَاراً عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِيَّةِ. (١٧) حَتَّى
اسْتَبَّ لَهُ مَا خَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ (١٨) وَأَسْتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ.

دعای دوم:

دروود و تحیت بر پیامبر (ص)

(۱) حمد و ستایش حدای را که با نعمت وجود پیامبر بزرگوارش حضرت محمد ﷺ بر ما منت نهاد و بر امنهای پسنین و فرنهای گذشته چنین منتی نگذاشت. و این نعمت بزرگ را با قدرت بی پایان خویش بر ما عطا نمود، قدرش که هیچگونه عجزی در آن راه ندارد و کویچکترین اشیاء از حیطه قدرت و علمش ناپدید نخواهد شد. (۲) او ما را خاتم همه امنها قرار داد و بر ملل گذشته برتری بخشید. ما را بر مکران حضرتش شاهد و گواه قرار داد و بر مردمی که می‌آروزش و بی عزت بودند غلبه و فزونی بخشید. (۳) پروردگارا پس بر محمد ﷺ که امین و حی نواست و شریفتر و بزرگوارتر از همه آفریدگان تو می‌باشد و پیشوای رحمت و قائد خیر است و کلید برکات است، درود و تحیت فرست. (۴) آنچنانکه برای اقامه امر و فرمان تو جان خود را در طین اخلاص گذاشت. (۵) و بدن خود را در معرض سختیها قرار داد. (۶) و در راههایی که نه درگاهت داشت عداوت خود را با خوبشاندان مشرکش اظهار نمود. (۷) و در راه رضا و حسنودی تو با سنگان و فیله خود جنگ کرد (۸) و برای احبای دین نواز ارحام خویش نیز بگرید (۹) و آنجا که نزدیکان خود را که بخدای یکتا اسمان نیاوردند همراه از خود دور کرد (۱۰) و پیگانگان را که حکم نورا اجابت کردند بخود نزدیک نمود (۱۱) و در راه رضای تو با دورترین مردم که ایمان آوردند دوستی کرد (۱۲) و با نزدیکترین کسانی که کفر پیشه کردند آهنگ دشمنی نواخت (۱۳) و در رساندن پیام تو خود را خسته کرد (۱۴) و نفس شریف خود را در راه دعوت به آیین و دین تو به رنج و سختیهای فراوان افکند. (۱۵) و عمری را با اندرز و نصیحت، به تربیت آنان که دعوت را پذیرفتند سپری نمود (۱۶) و از وطن خود به سوی بلاد غربت دور از شهر و دیار خویش و دور از محل اقامت و زادگاه خود و دور از جایگاه انس و الفسش با اراده‌ای پابدار در راه عظمت و اعزاز دین تو محرت نمود و از نوای حدای بزرگ علیه کافران باری طلبید (۱۷) و خواسته‌اش در مورد غلبه بر کافران و منکران نحفنی یافت (۱۸) و آنچه درباره اولیاء و دوستان تو تدبیر نمود بحد تمام و کمال رسانید.

(١٩) فَكَهَذَا إِلَهُهُمْ مُسْتَفْتِحاً بِعَوْنِكَ، وَ مُتَقَوِّياً عَلَى ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ
(٢٠) فَعَزَاهُمْ فِي عِزِّ دِينِهِمْ. (٢١) وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُخْبُوحَةٍ قَرَارِهِمْ
(٢٢) حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (٢٣) اَللّٰهُمَّ
فَارْقَعُهُ بِمَا كَذَحَ فِيكَ إِلَى الذَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَسَدِكَ (٢٤) حَتَّى لَا
يُسَاوِي فِي مَثَلِهِ، وَ لَا يُكَافَأُ فِي مَرَاتِبِهِ، وَ لَا يُؤَارِيهِ لَدَيْكَ مَلَكٌ
مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. (٢٥) وَ عَرَفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَمِهِ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلٌ مَا وَعَدْتَهُ (٢٦) يَا نَافِذَ الْعِدَةِ، يَا
وَاقِيَ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ
عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ كُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَ لَا
يَسْتَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ، وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا يُؤْثِرُونَ
التَّخْفِيرَ عَلَى الْجِدِّ فَتَى أَمْرِكَ، وَ لَا يَغْلُثُونَ عَنِ أَلْوَاهِ إِلَيْكَ
(٢) وَ إِبْرَاهِيمَ صَاحِبَ الصُّورِ، الشَّاحِصَ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ،
وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيُبْتِئُهُ بِالثَّقَلَيْنِ صَرْعَى رَهَاتَيْنِ الْقُبُورِ. (٣) وَ مِسْكَانَيْهِ
ذَوَا الْجَاوِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ، (٤) وَ جَبَرِيلَ الْأَمِينِ
عَلَى وَحْيِكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ

(۱۹) و بر اصلاح امور امت فہام کرد در حالیکہ فتح و پیروزی خود را با باری نو طلب می کرد و بر ضعف خود بہ نصرت و باری نو نیرو می گرفت.

(۲۰) از ہمین رو بود کہ در عمق خاک دشمن بہ حیگ آنها برخاست (۲۱) و در فرارگاہ دشمن بر آنها هجوم برد، (۲۲) نا آنکہ امر و فرمان حضرت ظاهر شدہ و با وجود آنکہ مشرکان کراہت داشتند کلمۂ نو حید چبرہ گشت.

(۲۳) پروردگارا، آن حضرت را در مقابل رنجها و سختیها کہ در راہ نو کشیدہ است رفعت مقام بخش و در فردوس برین، عالینین درجات را بہ او عطا فرما (۲۴) نا آن مقامی کہ هیچ یک از ملائکہ مغرب و انبیا مرسل در منزلت و مقام، ہمنما و ہمسان او نداشتند (۲۵) و او را در میان اہل بیت پاکش و امت با ایمانش با شفاعت نبکو بہ بہترین و جہی کہ وعدہ دادہ ای معروف کن.

(۲۶) ای خدایی کہ وعدہ نو نافذ است، ای آنکہ قول و عہد نو باوفای کامل است، ای آنکہ گناہان و سبئات بندگان را بہ چندین برابر بہ حسنات تبدیل می کنی، ہمانا نو صاحب فصل و کرم بزرگم می باشی

مرا تھنہ کنی و پیروز منم بسوی

دعای سوم:

ستایش و تمجید فرشتگان

(۱) پروردگارا درود فرست بر حاملان حرشت کہ هیچ گاہ از نسبیح ذات پاکت و تقدیس حضرت و از عبادت و بندگیبت باز نایستند و خستہ نشوند و هیچ نصبری را در فرمانبرداریت بر کوشش و تلاش مقدم ندارند و از حیرت بہ سوی نو غافل نشوند.

(۲) و بر اسرافیل کہ مأمور نفخہ صور است و ہموارہ منتظر فرا رسیدن فرمان نو است ناکسانی را کہ بہ فعر فرہای خود بہوش و محبوس در افتادہ اند با نفخہ صور ہوشیار سازد.

(۳) و بر میکائیل کہ نزد نو دارای جہا و مقام بلند است.

(۴) و بر جبرائیل کہ امین وحی و مظاع فرشتگان آسمانہای نو است و در بارگاہ قدس نو جای دارد و در نزد نو مغرب است.

(٥) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى سَلَايَكَةِ الْحُجُبِ. (٦) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى السَّلَايَكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ، وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ (٧) وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَمِئَةٌ مِنْ دُوبٍ، وَلَا أَغْيَاءُ مِنْ لُغُوبٍ وَلَا قُتُورٌ، وَلَا تَسْغُلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَلَا يَفْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهُوُ الْغَفَلَاتِ. (٨) الْخَشَعُ الْإِبْصَارِ فَلَا يَرَوُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، النَّوَاكِسُ الْأَذْفَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ الْإِيكَ، وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَجَلَالِ كِبَرِيَّاتِكَ (٩) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَغْصِيَّتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبْدُكَ حَقٌّ عِبَادَتِكَ. (١٠) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوَاحِينِ مِنَ مَلَائِكَتِكَ، وَأَهْلِ الرُّلْفَةِ عِنْدَكَ، وَ حُمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ (١١) وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَأَسَكَّتَهُمْ بِطُورِ أَطْبَاقِ سَمَوَاتِكَ. (١٢) وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَنَامٍ وَغَدَاةٍ (١٣) وَ حُرَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ (١٤) وَالَّذِي يَصُوتُ رَجْرَجُهُ يُسْمَعُ رَجْلُ الرُّعُودِ، وَإِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ السَّمْعَتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ. (١٥) وَمُسَيِّعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَالسَّهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَالْقَوَامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ، وَالْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ (١٦) وَالَّذِينَ عَرَّفْتَهُمْ مَشَاقِيلَ الْمَيَا، وَكَيْلَ مَا تَخُوبُهُ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (١٧) وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهٍ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْهَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرِّخَاءِ

(۵) پیر روح که فوفی فرشتگان حجابها است (۶) پیر آن روح که از امر نر نکون یافته است. پس، ای پروردگار بزرگ بر همه آن فرشتگان درود و رحمت فرست و نیز بر فرشتگان دیگر که از نظر مرتبه و مقام کمتر از آنها هستند و در آسمانها سکونت دارند و اهل امانت و حفاظت نسبت به رسالنها و رسولان تو می باشند (۷) ویر آنانکه از کار و کوشش حسمه نشوند و هیچ درماندگی از رنج و سختی طاعت نیابند و شهونها و امیال نفسانی، آنها را از تسبیح و تنزیه تو باز ندارد و سهو و غفلتها از تعظیم جلال تو آنان را مع نکند.

(۸) هم آنان چشمههاشان چنان به حال خشوع و تذلل است که اراده نگریستن به اموار جلالت نمی نمایند. و سرها به زیر افکنده اند. آنان که عشق و شوقشان به آنچه نزد توست فراوان است. شبیه باد نعمتهای تو آند. در برابر بزرگی و جلال کبریا بخت منوا صعد (۹) پیر آن فرشتگان که چون دوزخ را بر گنهکاران خروشان ببیند می گوید: ای جدای مژه و پاکیزه ما تو را چنان که سزاوار توست عبادت نکردیم (۱۰) پس بر همه آنان درود فرست. و نیز بر روحانیان از ملائکهات و اهل منزلت و قرب در پیشگاهت، و حاملان پیام عیب به سوی فرستادگانت و امیان بر و حسمه (۱۱) و اصناف فرشتگانی که آنان را به خود اختصاص داده ای و به وسیله نفدیس خود ایشان را از خوردنی و آشامبدی بی نیاز نموده ای و در اندرون طبقات آسمانهاست مسکن داده ای (۱۲) پیر آن فرشتگان که چون فرمایت به انجام وعدهات صادر گردد بر اطراف آسمانها گماشته شوند (۱۳) پیر گمجه داران باران، بر حرکت دهندگان ابر (۱۴) پیر آن ملکی که از فریاد و ناله اش، غرض رعدها شبیده شود و چون که ابر خروشان به وسیله او به حرکت درآید، صاعقه و برف پد رخشند (۱۵) پیر فرشتگانی که دانه های برف و نگرگ را مدرفه می کنند و ملائکه ای که همراه فطرات باران فرود می آیند، ویر آنان که برگنبجه های باد وکیل اند و آنان که بر کوهها گماشته شده اند تا از جا در نروند (۱۶) پیر آنان که درک آبها، و اندازه بارانهای سبل آسا و رگبارهای منراکم را به آنان آموخته ای (۱۷) و بر فرشتگانی که به سوی اهل زمین گسیل می شوند تا گره ناری و ناخوشابندی و گشایش و خوشابندی بر آنان بیارند.

(١٨) وَالسُّفَرَةَ الْكَرَامِ الْبَرَّةِ، وَالْحَفَظَةَ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلَكَ
الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ، وَشَكْرَ وَنَكِيرَ، وَرُومَانَ ثَنَانَ الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ
بِالْبَيْتِ الْمُغْمُورِ، وَمَالِكِ، وَالْخَزَنَةَ، وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجَنَانِ،
(١٩) وَالَّذِينَ لَا يَغْضُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
(٢٠) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
(٢١) وَالزُّبَانِيَّةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوا فَعُلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ
ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَلَمْ يُنْظَرُوا. (٢٢) وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ
مَكَانَهُ مِنْكَ. وَيَأَيُّ أَمْرِ وَكَلْتَهُ. (٢٣) وَسُكَّانِ الْهَوَايَ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ
وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ (٢٤) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا
سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (٢٥) وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَوةً تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ
وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ (٢٦) اَللّٰهُمَّ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ
وَرُسُلِكَ وَبَلَغْتَهُمْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ
الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ.

﴿٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ
عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقِيهِمْ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَأَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُغَارِطَةِ
الْمُغَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ

(۱۸) و بر سفیران بزرگوار نیکوکار، و فرشتگان بزرگواری که حافظ عمل مردم و نوبستنده آنند. و بر فرشته مرگ و بارانش، و مسکو و نکبر، و بر فرشته آزمایش کننده مردگان درگور بنام «رومان»، و بر صوّاف کنندگان بهشت (۱۹) و بر فرشتگانی که خدا را در آنچه امر می کند معصیت نمی کنند (۲۰) بر فرشتگانی که به اهل بهشت می گویند: سلام بر شما به خاطر آنکه صبر گردید، پس خانه آخرت برای شما سرای خوبی است (۲۱) و بر فرشتگان نگاهبان دوزخ که چون به آنان فرمان رسد: «او (گناهکار) را بگیرید و به زنجیر کشید و سپس به آتش درافکنید.» او را دستگیرش کنند و به او مهلت ندهند. (۲۲) و بر هر فرشته ای که نامش را یاد نکرده ایم، و از قدرش در پیشگاه تو خبر نداریم و می دانیم او را به چه کاری گماشته ای

(۲۳) و بر آن فرشتگانی که ساکن هوا و زمین و آینه، و بر هر کدام از آنان که موکل بر آمدگارند.

(۲۴) پس بر همه آنان درود فرست در رکیزی که با هر کس دو فرشته یکی راهبر و دیگری گواه می آید (۲۵) و بر الشّاق درود فرست درودی که بر بزرگوارشان بفرزاید و بر طهارتشان اضافه کند. *بسم الله الرحمن الرحیم*

(۲۶) یا راهبا و فنی که بر فرشتگان و مرساندگان درود می فرستی و درود ما را به آنان ابلاغ می کنی، به خاطر آن گفتار لبکو که در وصف آنان بر زبان و دل ما روان ساخته ای، بر ما نیز درود و رحمت فرست، که تو بخشنده و بزرگواری.

دعای چهارم:

درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر (ص)

(۱) پروردگارا سلام بر جمیع پیامبران و رسولان و بر آنان از اهل زمین که رسولان الهی را غایبانه تصدیق کردند در حالیکه معاندین با پیامبران را نکذب می کردند و همچون مؤمنان حقیقی با حقیقت ایمانهای خود مشایق رسولان الهی در هر عصر و زمان بودند.

(٢) فِي كُلِّ ذَهْرٍ وَرَمَانٍ أَرْسَلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَأَقَمْتُ لَهُمْ دَلِيلًا مِنْ
لَدُنِّي أَدَمُ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ أَيْتَةِ الْهُدَى، وَقَادَةُ
أَهْلِ الثَّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَأَذْكُرُهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ.
(٣) اَللّٰهُمَّ وَاصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِيْنَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِيْنَ
أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَكَانَتْ لَهُمْ، وَأَسْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ،
وَسَانَبُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ اسْتَعْتَبَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ،
(٤) وَفَارَقُوا الْأَرْوَاحَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَقَاتَلُوا الْأَبْنَاءَ
وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيْتِ بُيُوتِهِ، وَانْتَصَرُوا بِهِ، (٥) وَمَنْ كَانُوا مُطْطَوِّينَ
عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تَجَاوُزَ لَيْلِ تَبْوَرٍ فِي مَوَدَّتِهِ، (٦) وَالَّذِيْنَ هَجَرْتَهُمْ
الْعَشَائِرُ إِذْ تَغَلَّقُوا بِغُرُوبِهِ، وَاسْتَقْبَلَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتِ إِذْ سَكَنُوا
فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ، (٧) فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اَللّٰهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ،
وَأَرْضِيْهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشَا الْخَلْقَ عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ
رَسُولِكَ دُعَاءَ لَكَ إِلَيْكَ، (٨) وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ
قَوْمِهِمْ، وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَغَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ، وَمَنْ كَثُرَتْ
فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِيْهِمْ، (٩) اَللّٰهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِيْنَ
لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِيْنَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِيْنَ
سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ حَيْرَ جَزَائِكَ، (١٠) الَّذِيْنَ قَصَدُوا سَبِيلَهُمْ، وَتَحَرَّوْا
وَجْهَتَهُمْ، وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، (١١) لَمْ يَشْتَبِهِمْ رَبُّ فِي
بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قُلُوبِ أَثَارِهِمْ، وَالْإِسْتِمَامِ
بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ، (١٢) مُكَانِفِينَ وَمُؤَازِرِينَ لَهُمْ، يَسْدُونَ بِسَدِينِهِمْ،
وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَتَّهِمُونَهُمْ فِيمَا آذَوْا إِلَيْهِمْ.

(۳) تو ای خدای بزرگ در هر زمانی برای اهل آن روزگار، از زمان آدم تا پیغمبر خانم حضرت محمد ﷺ راهنمایانی فرستادی که پیشوایان هدایت خلقت و مرییان اهل تنوی بودند، درود بر همه آنها باد و ای پروردگار بزرگ همه آنها را از روی لطف و احسان خویش به مغفرت و بخشودگی باد فرما. (۴) خداوند از باد سبّ اصحاب گرامی محمد ﷺ را که بکثرتی اصحاب بودند و آنان را که در یاری او با امتحان نیکو، آزموده گردیدند و آن وجود مبارک را در کف حفظ و حمایت خود گرفتند و به استغاثش شتافتند و در اجابت دعوت نونش بر یکدیگر مسفت گرفتند و چون پیامبر ﷺ دلیل رسانش را به گوش آنها رساند دعوتش را پذیرفتند (۵) و در راه انتشار آیین توحیدی اش از زن و فرزند خود کناره گرفتند و ما پدران و فرزندان خود جنگ و فتنال کردند و در سابه وجود آن حضرت پیروز شدند. (۶) و آنان را که در درون دلها مهر و محبت آن پیغمبر گرامی را پنهان داشتند و ما عشق و محبت او در آرزوی سودایی بی زیان بودند. (۷) و آنان را که چون به ریسمان محکم آیین او جنگ زدند همه معاشریشان از آنها دوری گزیدند و چون در سابه فراست ایمانی رسول ﷺ در آمدند خویشان و ایشان هم از آنها گردیدند، خدا با آنها را هم از یاد بر) و مشمول درود و رحمت خاص خود بگردان. (۸) پروردگار! آنچه را که برای رسائی تو و در راه احیای دین تو از آن چشم پوشید از کرم خویش به آنها عطا فرما و آنها بودند که همراه ما پیغمبر، مردم را برای رستگاری و بخشودگی به سوی تو دعوت کردند. (۹) خدا با آنها به خاطر آنکه در راه تو از دیار خویش دور شدند و از زندگی خویش و از وسعت و گشایش، به فقر و سختی در افتادند و برای اعزاز و تعظیم دین تو، آن مستعیدگان بسیار رنج و تعب دیدند، قدر دانی و مپاسگزاری فرما. (۱۰) پروردگار! خبر و نیکی رسان بر آنان که از اصحاب پیغمبر ﷺ پیروی کرده اند. آنان که می گویند «خدا با تو از لطف و کرم خویش، به ما و به سرادران ایمانی که بر ما در ایمان به پیامبرت سبقت گرفتند، آمرزش و مغفرت و بهریر جزا را عطا فرما» (۱۱) آنان که به سوی مقصد اصحاب نبی ﷺ حرکت کرده اند و در پی آنها شتافته اند و همچنان با عقیده و ایمان اصحاب، زندگی را بدرود گفته اند، (۱۲) و هیچ شک و ریبی، بصیرت و معرفت آنها را از راه توحید خدا منحرف نکرده است و هرگز در مورد پیروی از اصحاب و افتدا به هدایت آنها، شک و شبهه ای در دل پاکشان راه نرفته است. (۱۳) در حالی که از راه و هدف اصحاب، نگهبانی کردند و در راه مقصود، آنها را یاری دادند. دین پاک آنها را برگزیدند و به راه هدایت آنها شتافتند و به آنها افتدا نمودند. و هر چه از اصحاب به آنان (تابعین) رسد همه را بدو آنها هم به کذب و خلاف پذیرفتند.

(١٣) اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى الثَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَى
 أَرْوَاجِهِمْ وَ عَلَى دُرِّيَّاتِهِمْ وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ. (١٤) صَلَوةُ
 تَغْصِيْنُهُمْ بِهَا مِنْ مَقْصِيَّتِكَ، وَ تَفْسِيْحُ لَّهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَغْنُغُهُمْ
 بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعْبِئُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَغَاوُكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ،
 وَ تَقْبِيْهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. (١٥) وَ تَبْعَثُهُمْ
 بِهَا عَلَى اغْتِنَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ أَلْطَمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَرْكِ الثُّمَةِ
 فِيمَا تَحُوبُهُ أَيْدِي الْعِبَادِ (١٦) لِتَرْدَهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ،
 وَ تُرْهِدَهُمْ فِي سَعَةِ الْفَاجِلِ، وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْأَجَلِ،
 وَ الْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ (١٧) وَ تُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحِلُّ بِهِمْ
 يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا (١٨) وَ تُغَايِثَهُمْ مِمَّا نَفَعَ بِهِ الْفِتْنَةَ مِنْ
 مَحَذُورَاتِهَا، وَ كَتَبَ النَّارَ وَ طَوَّلَ الْخُلُودَ فِيهَا (١٩) وَ تُصَيِّرَهُمْ إِلَى آمَنِ
 مِنْ مَقِيلِ السُّقْيِ.

(٥)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لَأَيْتِهِ:

(١) يَا مَنْ لَا تُنْقِضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
 وَ احْبُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ (٢) يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ،
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِزَّنَا رِقَابَتَنَا مِنْ تَقَعُّتِكَ. (٣) يَا مَنْ لَا تُقْنِي
 خَوَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيْباً فِي رَحْمَتِكَ.

(۱۴) پروردگاره از هم اکنون تا روز قیامت بر پیروان رسول اکرم ﷺ و بر آنان که از نو اطاعت می کنند درود و رحمت فرستد (۱۴) درود و رحمتی که به وسيله آن، آنها را از معصیت خودت، محفوظ و معصوم سازی و در باغهای بهشت، و سعادتشان بخشی و مکر و حيله شيطان را از آنان دور فرمایی و آنها را بر کارهای نیکي که از نو بر انجام آنها باری هستند کمک کنی و از حوادث ناگوار شب و روز جز حوادث خیر، آنها را محفوظ داری (۱۵) و نیز با رحمت خویش، چنان کن که همواره به سوی اموری همچون اعتقاد نیک، امیدواری به لطف و کرمیت، و طمع و آرزو به آنچه نزد تو است بشتابند و بر ترک انهام یا ترک حرص به آنچه در دست پندگان است برانگیزند. (۱۶) تا آنها را به سوی رعیت به خودت و نرس از فخر و غصبت هدایت کنی و آنها از آنچه ناپایدار است دل بر دارند و به عمل خیر که پایدار و سرمدی است به عنوان زاد آخرت دل بینند. و بدینسان، آماده جهان پس از مرگ شوند (۱۷) هر همه مشکلات آنها را به هنگام مرگ که روح از بدنشان بیرون می رود سهل و آسان سازی (۱۸) و آنان را از هر عملی که موجب فساد و فساد می شود عافیت بخشی و از در افتادن به آتش دوزخ و جاودانگی در آن معاف داری (۱۹) و آنها را به مقام امن و امان که محل راحت اهل نفی است منتقل فرمایی.

دعای پنجم:

دعا برای خانواده و دوستان

(۱) ای آنکه شگفتیهای عظمت و جلالت را حد و پابانی نیست، بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از شرک و عناد در بزرگی و عظمت خودت دور کن.
(۲) ای آنکه دوران سلطنتش را پابانی نیست بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از دوزخ انتقام خویش رهایی بخش. (۳) و ای آنکه گنجینه های رحمت و وسیع و بی انتهایش فنا پذیر نیست بر محمد و آل پاکش درود فرست و بر ما از رحمت و اسعادت بهرهای عطا فرما.

(٤) يَا مَنْ تَنْقُطُ دُونَ رُؤْيَاكَ الْإِبْصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ
وَأَذِنَّا إِلَى قُرْبِكَ (٥) يَا مَنْ تَصْغُرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ (٦) يَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ
بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَلَا تَنْصَحْنَا لَدَيْكَ (٧) اللَّهُمَّ
أَعِنَّا عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ، وَاحْكُمْنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَّتِكَ
حَتَّى لَا تَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذْلِكَ، وَلَا تَسْتَوْجِبَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ
فَضْلِكَ (٨) اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَكِدْنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا،
وَأَمْكُرْنَا وَلَا تَمْكُرْ بِنَا، وَأَدِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ بِنَا (٩) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَقِنَا مِنْكَ، وَاحْكُمْنَا بِكَ، وَاهْدِنَا إِلَىكَ، وَلَا
تُبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنَّ مِنْ تَعَمُّدِ بَيْتِكَ وَمِنْ تَهْدِيهِمْ يَعْلَمُ، وَمِنْ تَقَرُّبِهِ إِلَيْكَ
يَعْتَمِدُ (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَاحْكُمْنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ،
وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَمَرَارَةَ حَوْلَةِ السُّلْطَانِ (١١) اللَّهُمَّ إِنَّمَا
يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُرْبِكَ، فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَاحْكُمْنَا، وَإِنَّمَا
يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ، فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَاعْظُمْنَا،
وَإِنَّمَا يَهْتَدَى الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ،
وَاهْدِنَا (١٢) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَاطِلِينَ، وَمَنْ
أَعْظَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ، وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ
الْمُضِلِّينَ (١٣) فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَامْتَنِعْنَا بِعَرْكَ مِنْ عِبَادِكَ،
وَاعْظُمْنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِزْفَادِكَ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِزْشَادِكَ
(١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ،
وَقَرَارَ أَعْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثْلِكَ.

(۴) پوای آنکه چشمها بدون آنکه به رؤیت دانش، نایل شوند از کار افتاده و مسقط شوند، پس بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را به مقام قرب خود نزدیک فرما. (۵) پوای آنکه هر امر بزرگی در مقابل عظمتش کوچک است بر محمد و آل پاک او درود فرست و بر خودت کرامت ما را برص و واجب کن. (۶) پوای آنکه در پیشگاهش، باطن و واقع جبرها آشکار است بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را نزد خود رسوا و شرمگین فرما. (۷) پیروندگان، به لطف و احسان خویش ما را از عطای اهل چود و سخاوت بی نیاز گردان و از وحشت و هراس آنکه خلق از ما بزدند کفایت فرما تا آنکه با بخشش و احسان تو، رحمتی به عطای کسی نداشته باشیم. و با وجود فضل و بخشش تو از کسی بهراسیم. (۸) پیروندگان بر محمد و آل او درود فرست و تو تدبیر و تدبیر خویش را به سرود ما فرار ده به به سرور و بیان ما و مکر و تدبیرت را به معصیت ما مغرور فرما به به زیان ما، ما را چیره و غالب گردان نه مغلوب و شکست خورده. (۹) پیروندگان بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از فقر و غضب خود نگاه دار و به لطف و کرمیت حفظ فرما و ما را به سوی حضرت هدایت فرما و از درگاهت دورمان کن همانا هر کسی را که تو نگهداری سالم خواهد بود و هر کس را تو هدایت کنی با علم و دانش خواهد رسید و هر که را تو مغرور درگاه خود گردانی برایش ضیعت خواهد بود. (۱۰) پیروندگان بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از سختیهای حوادث عالم کفایت فرما و از شر و آسیب دامهای شیطان و نلجی چیرگی و اقتدار سلطان محفوظ دار. (۱۱) پیروندگان بدان که در عالم کفایت یافتند به فصل و نوابی نو یافتند پس بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را هم کفایت فرما، همانا آنان که اهل عطا و بخشش شدند از فصل و بخشش تو این بهره یافتند. پس درود فرست بر محمد و آل پاکش و ما را هم از عطای بی حد و حساب خویش بهره کامل عطا فرما و محصور آنان که هدایت یافتند به نور جمال تو یافتند. پس ای خدا بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را هم هدایت فرما. (۱۲) ای خدا آنکه تو دوست و یاورش باشی هرگز از منار که خلق ضرری نمی بیند و کسی را که تو بر او کرم کنی و عطا بخشی، منع و حرمان دیگران، زیانی بدو نرساند و هر که را تو هدایت کنی، اضلال و رهزنی گمراه کنندگان گمراهش نتواند کرد. (۱۳) پس، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را با عزت خودت از (آسیب رساندن و آسیب دیدن) بتدکات منع فرما و به کرمیت از عطای غیر خود بی نیاز گردان و به ارشاد و رحمایی خویش به راه حق و حقیقت رهبری فرما. (۱۴) پیروندگان بر محمد و آل پاکش درود فرست و سلامت دلهای ما را در باد عظمت خود فرار ده و آسایش تن و صحت بدن ما را به شکر نعمت و سپاسگزاری خود بدار و آزادی زبان ما را در راه و صف نعمتها و احسان خویش فرار ده.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٦)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِسُوءِهِ (٢) وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ (٣) وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا (٤) يُوَلِّجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَفْضُلُهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ (٥) فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ النَّفْسِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ، وَجَعَلَ لِبَنَاءِ لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ، فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جَنَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَتَنَاوَلُوا بِهِ لَذَّةَ وَشَهْوَةَ (٦) وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَلِيَسْتَبْجُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَدَرْكُ الْأَجَلِ فِي آخِرِيَّتِهِمْ (٧) بِكُلِّ ذَلِكَ يُضْلِعُ شَأْنَهُمْ، وَيَبْلُغُ أَجْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ قُرُوبِهِ، وَمَوَاقِعِ أَخْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. (٨) اللَّهُمَّ فَكُلِّكِ الْحَمْدَ عَلَى مَا قُلْتِ لَنَا مِنَ الْإِضْبَاحِ، وَمَتَّعْتِنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَرَتِنَا مِنْ مَسْطَلِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَّيْتِنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَفَاتِ.

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از آنان فرار ده که خلق را به سوی نو دعوت می‌کنند و از آنان مفرّز فرما که بندگان را به درگاه نو هدایت و راهنمایی می‌کنند و ما را از بهترین خاصان نزد خود بگردان ای مهربانان.

دعای ششم: به وقت صبح و شام

(۱) مپاس جدای را که به سیروی خود شب و روز را آفرید، (۲) بپه توانائی خویش میان آن دو تفاوت فرار داد، (۳) برای هر یک جدّی محدود و زمانی مشخص نهاد (۴) هر یک را درون دیگری فرو برد و رون آرد از یکی بکاهد و به دیگری بیفزاید و با این نظم دفتی روزی بندگان و نشو و نمای آنان را تأمین فرماید (۵) پس شب را برای بندگان آفرید تا در آن از حرکت و رجحان و فعالیت‌های خسته کننده بپارند، و آن را بپس فرار داد تا مردم در آن آرام گیرند و خواب راحت کنند و این همه سبب آسایش و توانائی ایشان است و در پی آن به لذت و خوشی می‌رسند. (۶) و روز را بپس بخش فرار داد تا در آن به جستجوی فضل حق خیزند، و به اسباب رزق و روری او دست یابند، و در زمین او در پی سود ناپایدار دنیا و ادراک نفع دائمی آن جهان به راه افتند.

(۷) بپه همه این امور کار ایشان را به سامان می‌آورد و اعمالشان را می‌آزماید و می‌نگرد که به هنگام طاعت، و اوقات بجا آوردن واجبات، و موارد احکام او چگونه‌اند؟ تا بندگان را به جزای عملشان و سبک‌کاران را به پاداش کردار نیکشان برساند.

(۸) بار الها پس تو را مپاس که پرده سپاه شب را به نور صبح شکافی و ما را از روشنی روز بهره‌مند ساختی و در راه فراهم آوردن روزی بپس فرمودی و از پشامدهای خطرناک بلا و سختیها نکه داشتی.

(٩) أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُحْنَتِهَا لَكَ: سَأَوْهَا وَارْضُهَا،
وَمَا بَنَتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ، وَمُقْبِلُهُ وَشَاخِصُهُ
وَمَا غَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَمَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى (١٠) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ
يَحْيَا مَلِكُكَ وَسُلْطَانُكَ، وَتَضُمْنَا مَشِيتُكَ، وَتَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ،
وَتَتَقَلَّبُ فِي تَذْيِيرِكَ. (١١) لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَلَا مِنَ
الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ. (١٢) وَهَذَا يَوْمٌ خَادِتٌ جَدِيدٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ
عَتِيدٌ، إِنْ أَحْسَنَّا وَدَعْنَا بِحَمْدِكَ، وَإِنْ أَسَأَأْنَا فَارْقَنَا بِذَمِّكَ. (١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ
مُتَارِقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ (١٤) وَاجْزِلْ لَنَا
فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاجْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَاجْلِنَا لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ
حَمْدًا وَشُكْرًا وَاجْرَأْ وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا. (١٥) اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ
عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوَاقِفَنَا، وَاجْلِنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا،
وَلَا تُخْرِجْنَا عَنْهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا. (١٦) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ
مِنْ سَاعَاتِهِ حَقًّا مِنْ عِبَادِكَ، وَنَصيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدًا صِدْقٍ مِنْ
مَلَائِكَتِكَ. (١٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا
وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شِمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا
عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعِينًا لِمَحَبَّتِكَ.
(١٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ
وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِغْنَائِي الْخَيْرِ، وَهِجْرَانِ الشَّرِّ، وَشُكْرِ النِّعَمِ،
وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَمُجَابَبَةِ الْبِدْعِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ
الْمُنْكَرِ، وَجِيَادَةِ الْإِسْلَامِ، وَاتِّفَاقِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ، وَنُصْرَةِ الْحَقِّ
وَإِعْزَازِهِ، وَإِشَادَةِ الضَّالِّ، وَمُغَاوَاةِ الضَّعِيفِ، وَإِذْرَاكِ اللَّهْفِ

(۹) شب را به صبح رساندیم و تمام آفریدگان حملگی پای در میدان صبح نهادند: آسمان و زمین و آنچه در این دو پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده، ایستاده و رونده، و هر چه در هوا بالا رفته، و آنچه در زمین پنهان شده، به صبح درآمدند در حالی که همه در اختیار نو هستیم (۱۰) و همه در سر اینجه قدرت نو به صبح رسیدیم در حالی که سلطنت و پادشاهی نو ما را فرا گرفته، و مشیت نو ما را تحت پوشش خود درآورده و به فرمان تو در کارها تصرف می‌کنیم، و در عرصه تدبیر نو رفت و آمد می‌کنیم. (۱۱) به غیر آنچه فرمان تو بر آن رفته کاری نتوانیم، و جز آنچه نو بر ما بحشیده‌ای خبری به ما نرسیده است. (۱۲) امروز روزی جدید و نازه است، و او بر ما گواه آماده‌ای است، اگر خوبی کنیم ما را با سپاسگزاری ترک کند و اگر بدی کنیم نگوشت کنان از ما جدا گردد.

(۱۳) بار خدا یا پر محمد و آلش درود فرست و نیکی همراه بودن با این روز را روزی ما گردان، و ما را از بدی مفارقتش به خاطر ارتکاب گناه، پاکسب معصیت کوچک و بزرگ حفظ فرما. (۱۴) و در این روز بهره ما را از خوبیها برسان کن، و از زشتیها پیرامان ما ساز، و از ایند تا پایان آن را برای ما از حمد و شکر و اجر و اندوخته آخرتی و فضل و احسان آنگاشته کن.

(۱۵) الهی رحمت ما را بر فرشتگان نویسنده اعمال آسان گردان و پرونده گرداران را از حسنات آکنده ساز و ما را در نزد آن فرشتگان با کردارهای زشتیمان رسوا مکن. (۱۶) خداوند در هر ساعت از ساعت‌های روز برای ما بهره‌ای از مفاات بندگان خاصیت، و نصیبی از شکر و گواه صدقی از ملائکه ات قرار بده.

(۱۷) بار الهی پر محمد و آلش درود فرست، و ما را از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپ و از همه طرف حفظ فرما، حفظی که ما را از نافرمانی تو باز دارد و به طاعت راهمایی کند و برای محبت و دوستی نو بکار آید.

(۱۸) بار خدا یا پر محمد و آلش درود فرست و ما را در این روز و این شب و همه روزها مان برای انجام خیر، و دوری از شر، و شکر نعمتها، و پیروی سنتها، و دوری از بدعتها، و امر به معروف و نهی از منکر، و پاسداری اسلام، و نگوشت باطل و خوار ساختن آن و باری حق و گرامیداشت آن، و راهمایی گمراه و باری نانو، و پناه دادن به مستمده مرفق بدار.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيْمَنَ يَوْمَ عَهْدِنَا، وَافْضِلْ
صَاحِبَ صَحْبِنَا، وَخَيْرَ وَثِقِ ظِلْمُنَا فِيهِ (٢٠) وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ
مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُنْدِكَ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لَنَا أَوْلَيْتَ مِنْ
نِعْمِكَ، وَأَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ
نَهْيِكَ. (٢١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهِدُ سَمَاءَكَ
وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَشْكَتْهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا
وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْتَنِي هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هَذَا، أَنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوْفٌ بِالْعِبَادِ،
مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ. (٢٢) وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتُهُ رِجَالَتِكَ فَأَدَاها، وَأَمَرْتُهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَمِهِ
فَنَصَحَ لَهَا (٢٣) اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ، وَآتِهِ عَمَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْزِهِ عَمَّا
أَفْضَلَ وَآخِرَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَمِهِ (٢٤) إِنَّكَ أَنْتَ
الْمَنَّانُ بِالْجَسِمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، فَصِّلْ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَجْمَعِينَ.

(٧)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ
لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

(١) يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْكَارِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدُّ
الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ.

(۱۹) بارالها بر محمد و آتش درود فرست و امروز را فرخنده ترین روزی قرار بده که تاکنون یافته ایم و برترین رفیعی که با او همراه بوده ایم، و بهترین زمانی که در آن پسر برده ایم. (۲۰) و ما را خوشبودن پس کسان از جمله بندگانست که شب و روز بر ایشان گذشته فرار بده شاکرترین ایشان در مقابل نعمتهایی که عنایت فرموده ای، و باید اولین ایشان به شریعتهایی که پدید آورده ای، و خویشانشان اولین ایشان از نافرمانیهایی که از آنها بیم داده ای. (۲۱) بارالها من نو را گواه می گیرم و نو پس هسنی برای گواهی و گواه می گیرم آسمان و زمین را و همچنین ملائکه و دیگر آفریدگانت را که در زمین و آسمان مسکن داده ای در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه که من در آن قرار دارم به اینکه گواهی می دهم خدایی هسنی که جز نو خدایی نیست بر پا دارندۀ عدل، عادل در حکم، مهربان به بندگان و دارندۀ سلطنت و پادشاهی و رحیم بر تمام خلق هسنی. (۲۲) و شهادت می دهم که محمد بنده و فرستاده و برگزیده نواز میان آفریدگان تو است آن که رسالت را بر عهده اش گذاشتی و او آن را به خوبی به انجام رساند و او را به خبر خواهی امنش فرمان دادی پس برای آنان خبر خواهی نمود. (۲۳) بارالها پس بر محمد و آتش درود فرست بپیش از آنچه که هر هر یک از دیگر آفریدگانت درود فرستاده ای و از سوی ما بهترین چیزی را که به یکی از بندگان داده ای به او بده، و از جانب ما برترین و گرامترین پاداشی را که به هر یک از پیامبرانت از جانب امنش داده ای به او عنایت فرما. (۲۴) و پیرا نویی بسیار بخشندۀ نعمت بزرگ، و بخشا بنده گناه سترگ، و نو از هر مهربانی مهربانتری، پس بر محمد و آتش که پاکیزگان و پاکان و نیکوکاران و سر آمد تمام برگزیدگان درود فرست

دعای هفتم:

دعای توبه هنگامی که برای وی مهمی دست می داد

یا رنجی فروود می آمد و به وقت اندوه»

(۱) ای آنکه گره هر سخنی بدست او گشوده شود، و ای آنکه نندی سخنیا بدست او می شکند، ای آنکه راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود

(٢) ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّغَابُ، وَتَسَبَّيْتُ بِأُطْفِكَ الْأَشْبَابُ، وَجَرَى
 بِقُدْرَتِكَ الْقَطْأُ، وَهَضَّتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ، (٣) أَهِيَ
 بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ، وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُتَزَجِرَةٌ،
 (٤) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمِثْمَاتِ، وَأَنْتَ الْمَنْزَعُ فِي الْمُلْثَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ
 مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ (٥) وَقَدْ نَزَلَ
 بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي نِقْلُهُ، وَالْمَ بِى مَا قَدْ بَهْطَنِي حِمْلُهُ،
 (٦) وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَى رِسْلَانِكَ وَجَهْتَهُ إِلَيَّ، (٧) فَلَا
 مُصْدِرَ لَنَا أَوْرَدْتَ، وَلَا صَارِفَ لَنَا وَجَهْتَ، وَلَا فَانِحَ لَنَا أَعْلَقْتَ،
 وَلَا مُغْلِقَ لَنَا فَسَخْتَ، وَلَا مُسَرِّ لَنَا عَسَرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ
 حَذَلْتَ، (٨) فَضَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِهِ، وَافْتَحَ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ
 بِطَوْلِكَ، وَاحْمِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ
 فِيهَا شَكْوَى، وَأَذِنِّي خَلَاوَةَ الصُّلَحِ فَبَيْنَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ
 لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرْجاً هَيِّئْ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِندِكَ مُخْرَجاً وَحِثّاً،
 (٩) وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِسَامِ عَنْ تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِغْمَالِ
 سُلُوكِكَ، (١٠) فَقَدْ ضَيَّعْتُ لَنَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ دُرْعاً، وَاسْتَلَأْتُ بِحِمْلِ
 مَا حَدَثَ عَلَى هَمٍّ، وَأَنْتَ الْفَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفِعَ
 مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَشَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ.

(۲) دشواریها به لطف تو آسان گردد، و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند، و فضا به قدرتت جریان گیرد، و همه چیز به اراده تو روان شود.

(۳) تنها به خواست تو بی آنکه فرمان دمی همه چیز فرمان برد، و هر چیز محض ارادهات بی آنکه نهی کنی از کار باز ایستد.

(۴) در تمام دشواریها تو را می خوانند، و در گرفتاریها به تو پناه می آورند، غیر از بلایی که تو دفع کنی بلایی دور نشود و غیر از آن گرفتاری که تو برطرف کنی، هیچ گرفتاری برطرف نشود.

(۵) الهی، بلایی بر من فرود آمده که سخنی و سنگینی آن مرا در هم شکسته و گرفتاریهایی بر من رو آورده که محملش مرا درمانده ساخته است.

(۶) و آن را تو از باب قدرتت بر من وارد کرده‌ای، و به افتداری خود متوجه من نموده‌ای.

(۷) پس چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو فرستاده‌ای دیگری بازنگرداند و بسته تو را کسی نگشاید و چیزی را که تو بگشایی دیگری نبندد، و آنچه را تو دشوار نموده‌ای کسی آسان نکند، و آن را که تو دلیل کرده‌ای باوری نباشد.

مرا از تنگنای تو برطرف کن

(۸) پس بر محمد و آلش درود فرست، و به رحمت - آنها - در آسایش را به رویم بازکن، و به قدرتت سلطنت غم را در زندگیم درهم بشکن، و به من در موردی که از آن شکوه دارم با دیده عنایت و احسانت بنگر، و به من در مورد درخواستم شیری اجات بچشان، و از سوی خودت رحمت و گشایش دلتخواه نصیبم فرما، و بوابم نجات و خلاصی سریع از گرفتاریها مقرر کن.

(۹) و مرا به خاطر غم و اندوه از رعایت و احبات و به کار بستن مستحبات خود باز مدار.

(۱۰) پس ای پروردگار به خاطر آنچه به من رسیده بی تاب و توان شده‌ام، و بخاطر آنچه در زندگیم رخ داده هر از اندوه گشته‌ام و نو، به رفع گرفتاریهایم و رفع آنچه در آن درافنده‌ام توانایی، پس آن گرفتاری را از من دور کن، گرچه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش عظیم.

﴿٨﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِغَاذَةِ مِنَ
الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحَرِصِ، وَسُورَةِ الْغَضَبِ،
وَعَلْبَةِ الْحَسَدِ، وَضَغْبِ الصَّبْرِ، وَقَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،
وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ (٢) وَمُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَمُخَالَفَةِ
الْهُدَى، وَبَيْتَةِ الْغَنَلَةِ، وَتَغَاطِي الْكُلْفَةِ، وَإِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى
الْحَقِّ، وَالْإِصْرَارِ عَلَى النَّاسِ، وَاسْتِغْثَارِ الْمُغْصِيَةِ، وَاسْتِكْبَارِ
الطَّاعَةِ (٣) وَمُسَبَّاهَاتِ الْمُكْثَرِينَ، وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ،
وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اضْطَنَعَ
الْعَارِفَةُ عِنْدَنَا (٤) أَوْ أَنْ تَغْضُدَ ظَالِمًا، أَوْ تَحْذُلَ مَلْهُوفًا، أَوْ
تُرْوِمَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ تَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٥) وَتَعُوذُ
بِكَ أَنْ نُطْوَئِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ، وَأَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا، وَنَمُدَّ
فِي أَمَانِنَا (٦) وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرْبَةِ، وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ،
وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكَبِتَ الزَّمَانُ، أَوْ يَنْهَضَ صَمْنَا
السُّلْطَانُ (٧) وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فِقْدَانِ
الْكَفَافِ (٨) وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى
الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعْشِيَةٍ فِي مَسَدَةٍ، وَمِنْ مَيْتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ.

دعای هشتم:

پناه بردن به خدا از سختیها
و اخلاق ناپسند و کردار نکوهیده

(۱) پروردگارا به تو پناه می‌برم از هيجان حرص و آز و از شدت خشم و جبرگی
حسد و سسنى صبر و كمى فُتاحت و بدى اخلاق و افراط در شهوت و ملکه
عصبيت (طرفدارى از باطل)

(۲) (به تو پناه می‌برم) از پىروي هوس و مخالفت هدايت و حواب غفلت
و انجام كارهاى سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار كردن بر گناه
و كوچك شمردن معصيت و سنگين دانستن طاعت و بندگى

(۳) (به تو پناه می‌برم) از فخر فروشى ثروتمندان و حوار و كوچك شمردن
نيازمندان و بد رفتارى با زيردستان و ناسپاسى نسبت به كسى كه به ما مېكى
كرده است.

(۴) (به تو پناه می‌برم) از اينكه به پستيگرى كمك كنيم يا اينكه ستمديده‌اى
را خوار گردانيم يا آنچه حق ما هست بخواهيم با درباره علم از روى نادانى
مسخن بگوئيم.

(۵) (به تو پناه می‌برم) از اينكه فصد غش و خيانت به كسى را در سر
پروزانيم و با اعمالمان به عجب و خودپسندى گرفتار شويم و آرزو همان را دراز
كنيم.

(۶) (به تو پناه می‌برم) از باطل و سبوت زشت و كوچك شمردن گناه
كوچك، و از اينكه شيطان بر ما چيره شود با روزگار ما را بدبخت كند يا پادشاه بر
ما ستم نمايد.

(۷) (به تو پناه می‌برم) از اقدام بر اسراف و از نداشتن روزى به اندازه نياز.

(۸) (به تو پناه می‌برم) از سرزنش دشمنان و از احتياج به هموعان و از
زندگى در سختى و از مرگ بدون آمادگى (بدون نوشته)

(٩) وَتَقُوذُ بِكَ مِنَ الْخَسْرَةِ الْعَظِيمِ، وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَاشْتَقَى
السَّقَاءَ، وَسَوْءَ النَّابِ، وَجِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ (١٠) اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَجَمِيعِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

﴿٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِشْتِيَاقِ
إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَيِّرْنَا إِلَى مَحْبُوبِكَ مِنَ الثَّوْبَةِ،
وَأَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْأَصْرَارِ (٢) اَللّٰهُمَّ وَمَتْنِي وَفَقْنَا بَيْنَ نَفْصَيْنِ
فِي دَيْنٍ أَوْ دَيْنَيْنِ، فَأَرْقِ الثَّقَصَ بِأَسْرَعِيهِمَا فَنَاءً، وَاجْعَلِ
الثَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِيهِمَا بَقَاءً (٣) وَإِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا،
وَيُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا، قِيلَ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا، وَأَوْهِن قُوَّتَنَا
عَنَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا (٤) وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نُفُوسِنَا وَاحْتِبَارِيهَا،
فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَفْتَ، أَضَارَةُ بِالسَّوَاءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ
(٥) اَللّٰهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعِيفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ
مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ
(٦) فَأَيُّدُنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَسَدُّدُنَا بِسُدِّيدِكَ، وَأَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَنَّا
خَالَفَ مَحَبَّتِكَ، وَلَا تَجْعَلْ لَشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُقُودًا فِي مَغْصَبِكَ

- (۹) و به نو پناه می‌بریم از بزرگترین امسوس و بزرگترین مصیبت و بدترین بدبختی و فرجام بد و نومیدی از ثواب و در افتادن به کفر.
- (۱۰) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست و به می و همه مردان و زنان یا ایمان از آنچه گفته شد پناه ده، ای مهربانترین مهربانان.

دعای نهم:

درخواست آموزش از خدا

- (۱) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست و ما را به سوی نوبه که محبوب تو است سوق ده و از اصرار بر آنچه نمی‌پسندی بازدار.
- (۲) خدا یا و آنگاه که بین دو نقص قرار گرفتیم یکی در دین و یکی در دنیا، پس نقص را در آنکه زودتر می‌گذرد قرار ده و نوبه را در آنکه مدت بفائش پایدارتر است مقرر فرما
- (۳) و آنگاه که بر دو امر تصمیم گیریم و منت گماریم که یکی نور را از ما خشنود می‌سازد و دیگری حشمگین می‌کند پس ما را به آنچه نور را خشنود می‌سازد متوجه کن. و توان ما را از آنچه سبب غضب تو می‌شود به تسنی تبدیل کن.
- (۴) و در چنین موردی (که بین خشنودی و غضب تو قرار می‌گیریم) نفس ما را به اختیار خودش وامگذار، زیرا نفس ما همواره ماطل را برمی‌گزیند مگر آنجا که تو نوبین دهی، و همواره پر زشتی فرمان می‌دهد مگر آنگاه که تو رحم فرمایی.
- (۵) خدا یا تو ما را از ناخوانی آفریده‌ای و بر سنی پشیمانان نهاده‌ای، و از آب بی‌ارزش آغازمان کرده‌ای، پس ما هیچ حرکتی جز با نیروی تو و هیچ توانی جز با باری تو نداریم.
- (۶) پس با نوبین خودت ما را ناپید کن، و دو راه هدایت، استوارمان گردان و دبدگان دلهامان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور کن و هیچ یک از اندامهای ما را در راه معصیت قرار نده.

(٧) اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَ اجْعَلْ هَسَاتِ قُلُوْبِنَا، وَ حَرَكَاتِ اَعْضَانِنَا وَ لَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ اَلْسِنَتِنَا فِيْ مُوْجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتّٰى لَا تَقُوْتَنَا حَسَنَةٌ نَّسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَلَا تَبْقٰى لَنَا سَيِّئَةٌ نَّسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ.

﴿١٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي اللَّجَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنْ تَشَاءُ غُفَّرَ عَنَّا بِفَضْلِكَ، وَ اِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا بِعَذَابِكَ
(٢) فَسَهِّلْ لَنَا عَمَلَكَ بِمَنِّكَ، وَ اجْزِنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ، وَ لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّثْلًا دُونَ عَمَلِكَ (٣) يَا غَنِيَّ
الْاَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ اَنَا اَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ اِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاغْتِنَا بِرُشْعِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَ نَابِغَتِكَ، فَتَكُوْنَ قَدْ اَشْقَيْتَ
مَنْ اِسْتَسْعَدَكَ، وَ حَرَمْتَ مَنْ اِسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ (٤) فَالِي مَنْ حَسِبْتَنِيْ
مُتَقَلِّبًا عَنكَ، وَ اِلَى اَيِّسَ مَذْهَبِنَا عَنْ بَابِكَ، سُبْحَانَكَ نَحْنُ
الْمُضْطَرُّونَ الَّذِيْنَ اَوْجَبْتَ اِجَابَتَهُمْ، وَ اَهْلُ السُّوءِ الَّذِيْنَ
وَعَدْتَ الْكَثْفَ عَنْهُمْ (٥) وَ اَنْسِبُهُ الْاَنْسِيَاءَ بِمَشِيَّتِكَ، وَ اَوْلِيَّ
الْاُمُوْر بِكَ فِيْ عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِّنْ اِسْتَرْحَمَكَ، وَ غَوْثٌ مِّنْ اِسْتَعَاثَ
بِكَ، فَارْحَمْ نَضْرُعْنَا اِلَيْكَ، وَ اَغْنِنَا اِذَا طَرَحْنَا اَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

(۷) خدا یا پس بر محمد و آل او درود فرست و رازهای دل ما و حرکت اندامها و نگاههای پنهانی چشمها و سخنان زبانها مان را موجب ثواب خودت قرار ده تا کار نبکی که به وسیله آن سزاوار پاداش تو شویم از دست ندهیم. و کار بدی که به وسیله آن مستوجب کفر تو شویم پراهمان باقی نماند.

دعای دهم:

پناه آوردن به خداوند

(۱) خداوند! به خاطر فضل و احسانت اگر بخواهی ما را میبخشی، و به خاطر عدالت و دادگریت اگر بخواهی ما را عذاب می کنی.

(۲) پس بر ما منت گذار و بخششت را بر ما آسان فرما، و با گذشت خود ما را از کفرت رهایی بخش، چه اینکه، ما نمی توانیم عدالت تو را تحمل کنیم و هیچ یک از ما بدون بخشش تو، راه نجاتی نداریم.

(۳) ای می نیاز می یازان، اینک ما تنگدستان تو، در احتیاج توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را با بخشش تو برطرف فرما، و ابد ما را با مع (از رحمت) خود بومید مکن. زیرا، (اگر چنین کنی) بدبخت کرده ای کسی را که از تو نبکی خواسته، و محروم ساخته ای آن را که از فضل تو بخشش خواسته است.

(۴) پس در آن صورت (که به بدبختی و تیره روزی گرفتار شویم و از جانب تو محروم شویم) از پیشگاه تو روبرو سوی که آوریم و از درگاه تو به کجا رویم؟ پاک و منزهی تو، ما همان بهجارگانی هستیم که اجابت آنها را واجب گردانیده ای، و همان بد حالانی هستیم که رفع گرفتاریشان را وعده داده ای.

(۵) شبیه ترین چیزها به مشیت تو و سزاوارترین کارها به ذات مقدس تو در عظمت و بزرگواریت، بذل رحمت و بخشش پر کسی است که از تو درخواست رحمت کرده است و فریاد رسی از کسی است که از تو فریاد رسی خواسته است. پس بر زاری و نضج ما به درگاهت رحم کن، و چون خودمان را به تو سپرده ایم، بی نیازمان کن.

(٦) اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا اِذْ شَايَعْنَاهُ عَلٰى مَعْصِيَتِكَ. فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُشْمِتْنِيْهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِئِنَا اِيَّاهُ لَكَ، وَرَغْبَتِنَا عَنْهُ اِلَيْكَ.

﴿ ١١ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ:

(١) يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلدَّاعِيَيْنِ، وَيَا مَنْ شُكْرُهُ قُوًى لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّنَّا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ. (٢) فَإِنْ قُدِّرَتْ لَنَا فِرَاقًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فِرَاعَ سَلَامَةٍ لَا تُذِرْكُنَا فِيهِ تَبَعَةً، وَلَا تُلْحِقُنَا فِيهِ سَلَمَةً، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كِتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مُسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا (٣) وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّعَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا يَجِدُ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُعْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِنُنَا بَعْدَهَا عَلٰى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا. (٤) وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا بِشْرًا سَتَرْتَهُ عَلٰى رُؤُسِ الْأَشْهَادِ، يَسُومَ سَبْلُو أَخْبَارِ عِبَادِكَ. (٥) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِسَمَنِ دُعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

(۶) خدا با به خاطر آنکه در راه معصیت تو از شیطان پیروی کردیم، او ما را سرزنش کرد. پس بر محمد و آل او درود فرست، و پس از آنکه به خاطر تو شیطان را ترک کردیم و از او روی برگرداندیم و به درگاه نوروی آوردیم، سرزنش و شمانت او را از ما دور کن.

دعای یازدهم:

دعا برای حُسن عاقبت

(۱) ای آنکه یاد او برای یاد کنندگان، شرافت است.

(۲) و ای آنکه شکر و سپاس او، برای سپاسگزاران، رستگاری است، و ای آنکه طاعت و فرمانبرداری او، برای اطاعت کنندگان و فرمانبرداران نجات و رهایی است. بر محمد و آل او درود فرست، و فلکهای ما را با یاد خودت از هر بادی بازدار، و زیانهای ما را با شکر خودت از هر شکری نگهدار و اندامهای ما را با طاعت خودت از هر طاعنی بازدار.

(۳) و اگر برای ما فراغتی از کارها بمقتدر فرموده‌ای آن را فراغت سالم فرارده که در آن، گناهی ما را در بیاید و حسنگی به ما رو بیاورد تا (فرشتگان و نویسندگان بدبها یا پرونده‌ای خالی از بیان گناهانمان از سوی ما برگردند و نویسندگان نیکبها به خاطر نیکبهایی که از ما نوشته‌اند شادمان شوند).

(۴) و هنگامیکه روزهای زندگانی ما سپری گردد و به تدریج مدّت عمرمان به پایان رسد و دعوت تو که چاره‌ای از پذیرفتنش نیست ما را احضار نموده، پس بر محمد و آل او درود فرست. و پایان آنچه نویسندگان اعمال ما، بر می‌شمارند نویه مقبول فرارده تا پس از آن هر گناهی که مرتکب شده‌ایم بر سر معصیتی که انجام داده‌ایم باز ننداری.

(۵) و روزی که حرهای پندگانت را می‌آزمایی، پوششی را که با آن اعمال ما را پوشانده‌ای در برابر دیدگان گواهان مرندار.

(۶) همانا تو، نسبت به هر کسی که ترا بخواند مهربانی، و برای کسی که تو را ندا در دهد روا کننده‌ای.

(١٢)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ
وَطَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَخْجُبُنِي عَنْ مَسَائِلِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ، وَتَخْذُونِي
عَلَيْهَا خَلَّةً وَاحِدَةً: (٢) يَخْجُبُنِي أَمْرُ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ،
وَنَهَيْتُ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَتَقَصَّرْتُ
فِي شُكْرِهَا. (٣) وَتَخْذُونِي عَلَى مَسَائِلِكَ تَفْضُلُكَ عَلَى مَنْ
أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَقَدْ يَحْسُنُ طَلَبُكَ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ
تَفْضُلٌ، وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ (٤) أَفْهَأَ أَنَاذًا، يَا إِلَهِي، وَأَقِفْ بِبَابِ
عِزِّكَ وَقُوفَ الْمُسْتَغْنَمِ الدَّلِيلِ، وَتَسَائِلُكَ عَلَى الْحَبَاءِ مِنِّي
سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعْبِلِ (٥) مُقَرَّرُكَ بَائِسٌ لَمْ أَسْتَغْنَمِ وَقَدْ إِحْسَانُكَ
إِلَّا بِالْإِفْلَاحِ عَنْ عِصْيَانِكَ، وَلَمْ أَحُلْ فِي الْخَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ
امْتِنَانِكَ، (٦) فَهَلْ يَسْتَفْتِي، يَا إِلَهِي، إِفْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ
مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَهَلْ يُنَجِّنِي مِنْكَ إِعْتِرَافِي لَكَ بِمَبِيعِ مَا ارْتَكَبْتُ؟
أَمْ أَوْجِبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟ أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَائِي
مَقْتُكَ؟ (٧) سُبْحَانَكَ، لَا أَتَسُّ بِمِثْلِكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ،
بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخَفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ.

دعای دوازدهم: اعتراف به گناه و درخواست توبه

(۱) خدا یا، سه خصلت مرا از سؤال به درگاهت منع می‌کند و یک خصلت مرا به آن وا می‌دارد.

(۲) امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن درنگ کردم و بهیچ که از آن جلوگیری کردم و من به سوی آن شتافتم، و نعمتی که به من ارزانی داشتی و من در سپاسگزاریش کوتاهی نمودم، مرا (از سؤال به درگاهت) باز می‌دارد.

(۳) بفضل و احسان تو بر کسی که رو به سوی تو کرده و با گمان نپک به سوی تو آمده است مرا به سؤال از درگاهت وا می‌دارد. زیرا، همه احسانهای تو، بخشش و عطا است و همه نعمتهای تو ابتدایی است.

(۴) پس اینک، ای خدای من، من به درگاه گرامی تو پسان فرمانبردار خواریا پندارم و با شرمندگی همچون محتاج طحال مند در خواست می‌کم.

(۵) اعتراف می‌کنم به اینکه چنانچه خودداری از معصیت تو در هنگام احسانت، تسلیم تو نشده‌ام و در هیچ حالی بدون منت و احسان تو نوده‌ام.

(۶) پس ای پروردگار من، آیا افراز من در پشگاه تو به بدی آنچه انجام داده‌ام، سودی خواهد بخشید؟ و آیا اعتراف من در درگاهت به رشنی آنچه مرتکب شده‌ام نجانم خواهد داد؟ یا آنکه در این مقام دشمنی خود را بپراهم فرض کرده‌ای؟ یا هنگام دعای من، دشمنی تو همراه من بوده است؟

(۷) پاک و منزهی، هرگز از تو نومید نمی‌شوم و حال آنکه تو در توبه را برویم گشوده‌ای، بلکه می‌گویم: گفتار بنده خواری که به خود ستم کرده و حرمت پروردگارش را کم شمرده است.

(٨) الَّذِي عَظَمْتَ ذُنُوبَهُ فَجَلَّتْ، وَأَدْبَرْتَ أَيْمَامَهُ فَوَلَّتْ حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ وَغَايَةَ الْعُمْرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَابْتَنَى إِلَهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْكَ، تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ حَائِلٍ خَفِيِّ. (٩) أَقْدُ تَطَاطَاً لَكَ فَالْتَحِنِي، وَتَكْسِرْ رَأْسَهُ فَاتَّقِنِي، قَدْ أَرَعَشْتَ حَشِيَّتَهُ رِجْلَيْهِ، وَغَرَقْتَ دُمُوعُهُ حَذْيَهُ، يَدْعُوكَ بِبِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ ابْتَاغَى الْمُسْتَرْجِمُونَ، وَ يَا أَغْطَفَ مَنْ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَ يَا مَنْ عَفَا أَكْثَرَ مِنْ نَعْمَتِهِ، وَ يَا مَنْ رِضَاهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ. (١٠) وَ يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ، وَ يَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَ يَا مَنْ اسْتَطْلَعَ فَايَسِدُهُم بِالتَّوْبَةِ وَ يَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالتَّسْوِيرِ، وَ مَنْ كَانِي قَلِيلَهُمْ بِالْكَثِيرِ، وَ يَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِبَابَةَ الدُّعَاءِ، وَ يَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضِيلِهِمْ حُسْنَ الْجَزَاءِ. (١١) مَا أَنَا بِأَعْيُنِي مِنْ عَصَاكَ فَعَفَرْتُ لَهُ، وَ مَا أَنَا بِالْيَوْمِ مِنْ اعْتَذَرِ إِلَيْكَ فَقَبِلْتُ مِنْهُ، وَ مَا أَنَا بِظَلَمٍ مِنْ ثَابِ إِلَيْكَ فَقَعَدْتُ عَلَيْهِ. (١٢) أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا قَرَّطَ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصٍ الْخِيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ. (١٣) عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذُّنُوبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَغَاظَمُكَ، وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ الْجَنَابَاتِ الْمُنَاجِسَةِ لَا يَتَكَادُّكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَ جَانَبَ الْإِضْرَارَ، وَ كَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ. (١٤) وَ أَنَا أَبْرُهُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ، وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصُرْتُ فِيهِ، وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

(۸) بنده‌ای که گناهانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش به او پشت کرده و از او برگشته است. سرانجام ببیند زمان کار گذشته و عمر به پایان رسیده و بفین کند که در برابر تو چاره‌ای ندارد و گریزگاهی برایش نیست. به وسیله توبه به تو رو آورد و توبه را برای تو خالص کند، آنگاه با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو بر خیزد و با صدای نفییر یافته به آرامی تو را بخواند. (۹) در حالی که برای تو نواضح کرده و مرفرود آورده، و سر به زیر افکنده و کج شده و ترس پاهایش را به لوزه انداخته و اشک چهره‌اش را فرا گرفته است، ترا چنین می‌خواند: ای مهربانترین مهربانان و ای محبت‌ترین که رحمت جو بان همواره رو به سوی او دارند. و ای مهربانترین کسی که آموزش حواهان گیرد او در طوافند. و ای آنکه بخشش او از کبفرش بیشتر است. و ای آنکه خشودی او از خشمش افزونتر است. (۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک خویش، سزاوار حمد و ثنای آفریدگان گردیده، و ای آنکه بندگانش را به پذیرفتن توبه عادت داده، و ای آنکه گناه و نیاهی بندگان را با توبه اصلاح کرده و ای آنکه با کار اندک ایشان خشنود گشته و ای آنکه کار اندک بندگان را پاداش فراوان داده و ای آنکه اجابت دعای ایشان را ضمانت کرده، و ای آنکه از روی احسان خویش و عده پاداش نیک به بندگان را داده (۱۱) من گناهکار را از آنکه معصبت تو کرده و او را آمرزیده‌ای نیستیم و نکوهیده‌تر از کسی که به پیشگاه تو عذر نصیر آورده و عذرش را پذیرفته‌ای نیستیم، و ستمکار را از کسی که به درگاه تو توبه کرده و به سوی او بازگشته نیستیم (۱۲) در این مقام که هستیم به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، توبه کسی که از کرده‌های خود پشیمان است، و از اندوخته‌های خود بيمناک است و از آنچه در آن گرفتار شده شرمند است (۱۳) می‌داند که بخشش گناه بزرگ برای تو کار سنگینی نیست و گذشت از معصبت فراوان بر تو دشوار نیست، و تحتل جنايات زشت بر تو گران نمی‌باشد، و محبوبترین بندگان در پیشگاه تو کسی است که بر تو سرکشی نکند و از اصرار (بر گناه) اجتناب ورزده و همواره طلب آموزش کند (۱۴) من در پیشگاه تو از سرکشی بیزاری می‌جویم و از ایسکه (در گناه و سرکشی) اصرار کنم به تو پناه می‌برم، و به خاطر کوناه و فصولی که روا داشتیم از تو آموزش می‌خواهم و بر کارهایی (عبادات و طاعات) که از انجام آن ناوالم از تو یاری می‌طلبم.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ،
وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَأَجِرْنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ،
فَإِنَّكَ مَلِكٌ يَسْأَلُغْفِرُ، مَرْجُوٌّ لِمَغْفِرَةٍ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ
يُحَاجَّتِي مَطْلَبُ سِوَاكَ، وَلَا يُلْذِنِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، خَاشَاكَ (١٦) وَلَا
أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْضِ حَاجَّتِي، وَأَنْجِجْ طَلِبَتِي، وَأَغْفِرْ
ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفَ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ
يَسِيرٌ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ يَا مُسْتَهْنِ مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ (٢) وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَسِيلُ
الطَّلِبَاتِ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَةً بِالْأَثْمَانِ (٤) وَيَا مَنْ
لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ بِالْإِمْتِنَانِ (٥) وَيَا مَنْ يُسْتَعْنَى بِهِ وَلَا يُسْتَعْنَى
عَنْهُ (٦) وَيَا مَنْ يُرْعَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْعَبُ عَنْهُ (٧) وَيَا مَنْ لَا تُسْفَى
حَزَائِنُهُ التَّمَسَائِلُ (٨) وَيَا مَنْ لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ (٩) وَيَا
مَنْ لَا تَنْقُطُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ (١٠) وَيَا مَنْ لَا يُغْنِيهِ دُعَاءُ
الدَّاعِينَ. (١١) تَعَدَّحْتُ بِالْغَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَلَتْ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه از (حقوف) تو بر من واجب است بر من ببخش، و از آنچه از جانب تو سزاوار آئم مُعافم دار، و از آنچه زشت کاران از آن بهمناکند پناهم ده، زیرا تو می توانی ببخشی و آمرزش تو مورد امید است، تو به گذشت، شهرت داری، برای خواسته من، غیر از تو هیچ پاسخی نیست و برای گناه من، غیر از تو بخشنده ای نیست. تو از همه عیبها پاک و دور هستی.

(۱۶) و من بر خودم حزا از تو نمی ترسم، زیرا تو شایسته آن هستی که از تو بترسند و سزاوار آن هستی که دیگران را ببخشایی، بر محمد و آل محمد درود فرست. و حاجتم را روا کن و خواسته ام را برآور و گناهم را ببخش، و مرا از ترس، ایمن گردان، زیرا تو به هر چیز توانایی بر آوردن آنچه خواستم بر تو آسان است. دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان



دعای تمیزدهیم:

درخواست حاجتها

- (۱) پروردگارا، ای منتهای در خواست حاجتها
- (۲) وای آنکه رسیدن به خواسته ها در پیشگاه اوست.
- (۳) وای آنکه نعمتهای خویش را با فیعت نمی فروشد.
- (۴) وای آنکه داده های خویش را با منت گزاردن تیره نمی کند.
- (۵) وای آنکه می توان با او بی نیاز شد ولی هرگز نمی توان از او بی نیاز شد.
- (۶) وای آنکه به او رو می آورند و از او رگردان نمی شوند.
- (۷) وای آنکه گنجینه های او را در خوانمها نابود نمی کند.
- (۸) وای آنکه، اسباب و وسایل حکمت او را نفیر نمی دهد.
- (۹) وای آنکه خواسته های نیازمندان از او قطع نمی شود.
- (۱۰) وای آنکه دعای دعاکنندگان او را به رحمت نمی اندازد.
- (۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانت سنده ای و راستی سزاوار بی نیازی از آنها هستی.

(١٢) وَتَسْبِئُهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ. (١٣) فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ
 مِنْ عِنْدِكَ، وَرَأَى صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي
 مَطْلَآتِهَا، وَأَنَّى طَلَبَتْهُ مِنْ وَجْهِهَا. (١٤) وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ
 خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُبُوحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجِزْمَانِ، وَاسْتَحَقَّ
 مِنْ عِنْدِكَ قَوْتَ الْإِحْسَانِ. (١٥) اَللَّهُمَّ وَلَيْتَ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا
 جُهْدِي، وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَى مَنْ
 يَرْفَعُ حَوَائِجَ إِلَيْكَ، وَلَا يَسْتَعْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ، وَهِيَ رَلَّةٌ مِنْ
 رَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ. (١٦) ثُمَّ اسْتَبَهَتْ
 بِتَذَكِيرِكَ لِي مِنْ غِلَّتِي، وَلَهَضَتْ بِتَوَفِيقِكَ مِنْ رَلَّتِي، وَرَجَعْتُ
 وَنَكَصْتُ بِسَنَدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي (١٧) وَقُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ
 مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا؟ وَأَنَّى يَرْغَبُ مُغْدِمٌ إِلَى مُغْدِمٍ؟ (١٨) فَتَصَدَّقْ، يَا
 إِلَهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَأَوْفِدْنَا عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثَّغَةِ بِكَ. (١٩) وَغِلَّتُ أَنْ
 كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ بِسِرِّي فِي وَجْدِكَ، وَأَنْ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فِي
 وَسْعِكَ، وَأَنْ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَأَنْ يَسْأَلَكَ بِالْغَطَايَا
 أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ. (٢٠) اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ
 عَلَى التَّقْصُلِ، وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَذْلِكَ عَلَى الْإِسْتِخْفَانِ، فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ
 رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتُهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ السَّمْعَ، وَلَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ
 سَأَلَكَ فَأَقْضَيْتَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْجِزْمَانَ. (٢١) اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَمِنْ يَدَائِي قَرِيبًا، وَلِاسْتِضْرَاعِي
 رَاحِمًا، وَلِإِصْرَائِي سَامِعًا. (٢٢) وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ، وَلَا تَسْبِئْ
 سَبِيئِي مِنْكَ، وَلَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ

(۱۲) آفریدگان را به فخر و شگندسني نست داده‌ای و راسني آنها نیز شایسته
 احتیاج بسوی تو نواند. (۱۳) پس، کسی که از درگاه تو بخواهد روزنه نیاز خود را
 ببندد و به وسیله تو بخواهد فقر را از خود بر طرف کند، محققاً خواسته خود را
 از جایگاه حقیقی اش طلب کرده است و از راه صحیح به خواسته اش رسیده
 است. (۱۴) و کسی که حاجت خود را به یکی از آفریدگات عرضه کند یا او را
 سبب بر آمدن حاجت خود قرار دهد نه تو را بلکه به بشن، خود را محروم
 ساخته و مستحق از دست دادن احسان در پیشگاه تو گردیده است. (۱۵) خدا یا
 من به درگاه تو حاجتی دارم که توانم به آن نمی‌رسد و در برابر آن بیچاره شده‌ام
 و نفس من چنین وانمود می‌کند که حاجتم را پیش کسی ببرم که او خود حاجتهایش
 را نزد تو می‌آورد و در خواسته‌هایش از تو بی‌نیاز نیست. و آنچه نفس وانمود
 می‌کند لغزشی است از لغزشهای خطاکاران و گناهی است از معصیتهای گناهکاران.
 (۱۶) سپس به خاطر آنکه مرا آگاه کردی از عفت و فراموشی خویش، آگاه شدم
 و به واسطه توفیق تو از لغزشم بر خاستم و با راهنمایی تو از گناهم برگشتم
 (۱۷) و چنین گفتم: پاک و منزّه است پروردگار من، چگونه بازماندی از نیازمندی
 در خواست می‌کند و کجا فقیر و شگندسني به فقری بسان خود رو می‌آورد؟
 (۱۸) پس ای پروردگار من، من از روی رغبت آهنگ تو نمودم و با اعتماد به تو
 امید بر تو پستام (۱۹) و دانسته‌ام که حتماً بیشترین چیزی را که از تو بخواهم در
 برابر دارایی و توان تو، اندک است و بزرگترین چیزی را که از تو طلب کنم در برابر
 گستره قبض و رحمت تو کوچک است. و البته، جود و بخشش تو از درخواست
 کسی کم نمی‌آورد و دست تو در بخششها از هر دسني برتر است. (۲۰) خدا یا پس
 بر محمد و آل او درود فرست و با من به احسان و فضیلت رفتار کن و با من با
 عدالت و دادگریست به استحقاق رفتار کن. چه اینکه من اوّل رو آورنده‌ای نیستم
 که به سوی تو رو آورده و با آنکه سزاوار مع است به او بخشش کرده‌ای و اوّل
 سائلی نیستم که از تو درخواست کرده و با آنکه سزاوار محرومیت بوده است به
 او احسان کرده‌ای. (۲۱) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست، و احابت گشتند
 دعایم باش و به ندایم نزدیک و به نصیر و راریم مهربان و به صدایم شنوا باش.
 (۲۲) و امیدم را از خودت قطع نکن و دعایم را از درگاهت بر مگردان، و در این
 خواسته و غیر آن، گرایشم را به غیر خودت متوجه نکن

(٢٣) وَتَوَلَّنِي بِجُحِ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتَيْلِ سُؤْلِي قَبْلَ ذَوَالِي
عَنْ مَوْفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرَ وَحُسْنِ تَعْدِيرِكَ لِي فِي
جَمِيعِ الْأُمُورِ (٢٤) وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. صَلَوةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا
انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَلَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَزْوَناً لِي وَسَبَباً
لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. (٢٥) وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا
[وَتَذَكُّرُ حَاجَتِكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ:] فَضْلُكَ أُنْسِي،
وَإِحْسَانُكَ دَلَّنِي، فَاسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا
تَرُدَّنِي خَائِباً.



(١) يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَلْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ
فِي قَسَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ. (٣) وَيَا مَنْ قَرُبَتْ
نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ (٤) وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ
(٥) أَقْدَ عَلِمْتُ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانٍ ابْنِ فُلَانٍ مِمَّا
خَطَرْتُ وَاسْتَهَكَّتْ مِنِّي مِمَّا خَجَرْتُ عَلَيْهِ، بَطَرًا فِي نِعْمَتِكَ
عِنْدَهُ، وَاعْتِرَازًا بِتَكْبِيرِكَ عَلَيْهِ. (٦) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَخُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَافْلُلْ حَدَّ
عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَعَجْزًا عَمَّا يُنَاقِبُهُ

(۲۳) و مرا با برآوردن خواسته‌ام و روا کردن حاجتم و رسیدن به خواسته‌ام پیش از آنکه از این سرای فانی بروم با آسان کردن دشواری برآیم و خوبی نقد بر نو در همه امور برآیم، باری و کفایت فرما

(۲۴) و بر محمد و آل او درود فرست، درود همیشگی که رو به عزونی است و جاودانگیش پایان نپذیرد و فرجامش آخر نداشته باشد و آن را باور من فرار داده و برای بر آمدن حاجتم و سببه بگردان. زیرا، نو دارای رحمت گسترده و بخشش بسیاری.

(۲۵) و از جمله حاجت من ای پروردگار من چنین و چنان است. [حاجت خود را ذکر می‌کنی آنگاه به سجده می‌روی و در سجده چنین می‌گویی:]
فصل و بخشش نو مرا مانوس کرده است و احسان نو مرا راهنمایی کرده، پس از تو می‌خواهم به بحن خودت و به حق محمد و آل او، (درودهای نو بر ایشان باد) که مرا یومبد [و دست خالی] بر بگردانی.



دعای چهاردهم:

هنگام فرا رسیدن ستم و زیان

(۱) ای آنکه خبرهای شکوه کنندگان از منم، بر او پنهان نیست
(۲) وای آنکه در سرگذشت ستم دیدگان، نیازی به گواهی ندارد.
(۳) وای آنکه باری او به منم دیدگان برد یک است.
(۴) وای آنکه باری او از ستمگران دور است
(۵) ای پروردگار من، بنفستاً تو می‌دانی آنچه از فلان، فرزند فلان به من رسیده است از آنچه تو نمی‌کرده‌ای و او نیست به من در مورد همان چیزی که او را منع کرده‌ای هنک حرمت کرده است، این ستمها سرکشی در نعمت تو است که به او رسیده است و بی‌ناکی از کبفر تو است

(۶) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با قدرت و توان بی‌انتهایت، ستم کننده و دشمن مرا از ستم بر من بازدار و با قدرت بی‌پایانت، تیغ ستمش را بر من، گند ساز، و او را به امور مربوط به خودش مشغول دار و از نیت بد با دشمنی با من ناتوان گردان.

(٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَأَحْسِنْ عَلَيْهِ عَزْزِي، وَاعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ خَالِهِ
(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي عَلَيْهِ عَذْوِي خَاصِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي بِهِ شِفَاءً، وَمِنْ خَنْقِي عَلَيْهِ وَفَاءً. (٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَغَوْضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي غَفْوَك، وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِسَيِّئِ رَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مُكْرُوهِ جَلَلُ دُونَ سَخَطِكَ، وَكُلُّ مَرْزُوقَةٍ سِوَاكَ مَعَ مَوْجِدَتِكَ. (١٠) اللَّهُمَّ فَكُنَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَنَقِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ.
(١١) اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، خَاشَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَأَثِرُنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ. (١٢) اللَّهُمَّ لَا تَقْنَعْنِي بِالْمَقْشُورِ مِنْ إِنْصَافِكَ، وَلَا تَقْنَعْنِي بِالْأَمْنِ مِنْ الْكَارِكَ، فَيَصِرْ عَلَيَّ ظُلْمِي، وَيَحَاضِرْنِي بِخَفْيٍ، وَعَرَفُهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الْعَالَمِينَ، وَغَرَضِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.
(١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمَنِي، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَشْلَمُ. (١٤) اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْآخِذِ لِي وَتَرْكِ الْإِثْقَامِ مَعْنَى ظَلَمْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَمَجْمَعِ الْحُصْمِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَابْذُنِي مِنْكَ بِسَيِّئَةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ
(١٥) وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعَ أَهْلِ الْحِرْصِ، وَصَوَّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَعْدَدْتَ لِحُصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ (١٦) أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۷) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و به دشمن من، اجازه ستم کردن مده و به خوبی مرا در برابرش کمک کن، و از انجام کارهایی همچون کارهای او نگهدار و در مثل حال او فرار مده. (۸) خدا یا بر محمد و آل او درود فرست و در برابر دشمن یاریم کن آنسان که هم اکنون باری نو خشم را فرو نشاند و درد کینه و غضب را شفا بخشد. و دادم را از دشمن بستاند. (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و در عوض ستمی که دشمن به من کرده است بخشش و عفو را شامل حالم گردان، و بجای بد رفتاری او نسبت به من، رحمت را به من ارزانی دار، زیرا هر رنج و ناپسندی در برابر خشم تو ناچیز است و وجود و عدم هر بلا و مصیبتی جز فخر و غضب تو، پکسان است. (۱۰) پروردگارا همچنانکه ستم کشی را برابم ناپسند فرار دادی، از اینکه به خلق ستم کنم مرا نگهدار (۱۱) خدا یا به کسی حر نو شکوه نمی کنم و از هیچ حاکمی جز نو باری نمی خواهم حاشاکه با وجود تو رو به غیر تو آم. پس بر محمد و آل او درود فرسته و دعایم را به اجابت رسان و شکوه ام را با تعبیر و رفع آن همراه ساز (۱۲) خدا یا مرا بانومیدی از عدل و انصاف خود آزمایش نکن و دشمنم را با آسودگی از جهل و نادانی به (فرجام) خویش میازماه نابر ستم کردن بر من اصرار ورزد و بر حق دست باید و یزودی آنچه به ستمگران وعده داده ای به او بنما و وعده ای که در مورد اجابت پیچارگان داده ای بر من آشکار کن. (۱۳) خداوند ابر محمد و آل او درود فرست و به من توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مفید نموده ای بپذیرم و به آنچه برای من و از من گرفته ای خوشنودم کن. و به بهترین راه راهنمایم کن و به آنچه سالنتر است بگمارم. (۱۴) خدا یا اگر خبر و نیکی من در این است که دست گیری از من را به تأخیر اندازی و انتقام و از کسی که بر من ستم کرده است تا مرا رسیدن روزی که حق و باطل از هم جدا می شوند و دشمنان گرد می آیند ترک کنی پس بر محمد و آل او درود فرست و به من با ثبات درست و شکیبایی همیشگی کمک درما. (۱۵) پواز خواهش بد و حرص آزمندان پناهم ده و در دلم نمونه پاداشی که برابم اندوخته ای و کفبری که برای دشمنم آماده کرده ای ترسیم کن و آن را رساله فناعنم به آنچه مفید فرموده ای و اطمینانم به آنچه برگزیده ای فرار ده. (۱۶) دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانبان، زیرا تو دارای احسان بزرگی و بر همه چیز توانا هستی.

(١٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَضَ
أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ:

(١) اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي،
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتَنِي بِهِ مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي (٢) فَمَا أَذْرِي،
يَا إِلَهِي، أَيُّ الْخَالِئِينَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ
(٣) أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ الَّتِي هَتَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَنَشِطْتَنِي بِهَا
لِإِيتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ
طَاعَتِكَ؟ (٤) أَمْ وَقَتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا، وَالنَّعْمَ الَّتِي أَتَعَذَّبُ
بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَتَطْهِيرًا لِمَا
انْقَضَتْ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَتَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ الثَّوْبَةِ، وَتَذْكِيرًا لِصَحْوِ
الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؟ (٥) وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ
زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ
تَكَلَّمَ بِهِ، بَلْ إِفْضَالًا مِثْلَكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ، (٦) اَللّٰهُمَّ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا
أَخْلَقْتَ لِي، وَطَهِّرْ لِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَاصْنَعْ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ،
وَأَوْجِدْ لِي خَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَأَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ، وَاجْعَلْ مَخْرَجِي
عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَمَلِي، وَمَتَّحْ لِي عَنْ صَرَاعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَخَلَاصِي
مِنْ كَرْهِي إِلَى رَوْحِكَ، وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ

دعای پانزدهم:

دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری

(۱) خدایا تو را سپاس بر سلامتی بدنم که همواره در آن بسر می‌برم، و تو را سپاس بر بیماری که در بدنم پدید آورده‌ای.

(۲) پس، چه می‌دانم، ای خدای من، کدامیک از این دو حال من برای سپاسگزاری تو سزاوارتر است، و کدامیک از این دو وقت (سلامتی و بیماری) برای ستایش تو بهتر است.

(۳) آيا هنگام سلامتی که در آن حال، روزیهای پاکیزه‌ات را برابم گوارا ساختی و برای بدست آوردن خشنودیت، نشاط و شادمانیم محشیدی و با آن نعمتها بر طاعت خویش، توانایم کردی تا بر طاعتت موفق گردیدم؟

(۴) با اوقات مرض و بیماری که بواسطه آن، مرا از آلائش و کدورت گناهان پاک و پاکیزه نمودی و آن درد و رنجهای نعمتهایی بود که بر من هدیه کردی تا بار گناهان سنگین مرا بر دوشم سنگ کنی و روح قدسی مرا از فرو رفتن در منجلاط گناهان پاک و مهذب گردانی و نیز برای تقویه و اتابۀ به درگاهت متذکرم فرمایی، تا سرانجام، گناهانم بواسطه نعمت و احسان قدیمت محو و نابود گردد.

(۵) در خلال ایام بیماری و دو فرشته نوبسندۀ اعمال، در پروندۀ عملم، حسنانی بزرگ بنوبسند که نه در قلب من خفون کرده و نه زیانم به آن گویا گشته و نه عملی به جوارح و اندام از من صادر شده بلکه به صرف فضل و احسان تو به من باشد.

(۶) پس، پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنچه برابم پسندیده‌ای محبوب من گردان، و آنچه بر من فرود، آورده‌ای (از مشکلات) برابم آسان فرما، و مرا از آلائش پلبدی گناهان پیشین پاک و پاکیزه فرما و اعمال بد گذشته‌ام را نابود کن و همچنان شیرینی و لذت نندرمی را بر من عطا فرما و آسایش سلامتی و عافیت را به من بچشان، و بیرون شدنم از بیماری را پسوی عفو و بخشش خود فرار ده، و بازگشت از لغزشگاه گناهان را به آموزش و گذشت فرار ده و از غم و اندوهم با رحمت خلاصی بخش، و سلامتی‌ام از این سختی را به گشایش فرار ده.

(٧) إِنَّكَ الْمُتَّقِلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ،
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

﴿١٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ
ذُنُوبِهِ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ:

(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيْثُ الْمُذْنِبُوْنَ (٢) وَيَا مَنْ اِلَى ذِكْرِ
اِحْسَانِهِ يَنْفِرُ الْمُضْطَرُّوْنَ (٣) وَيَا مَنْ لِحَبِيْبَتِهِ يَسْتَجِبُ الْخَاطِئُوْنَ
(٤) يَا اُنْسَ كُلِّ مُسْتَوْجِنٍ قَرِيْبٍ، وَيَا فَرْجَ كُلِّ مَكْرُوْبٍ كَنِيْبٍ،
وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَحْذُوْلٍ مُّرِيْدٍ، وَيَا عِصْمَةَ كُلِّ مُحْتَاجٍ طَرِيْدٍ (٥) اَنْتَ
الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا (٦) وَاَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ
مَخْلُوْقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا (٧) وَاَنْتَ الَّذِي عَثُوْهُ اَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ
(٨) وَاَنْتَ الَّذِي تُسَمِّي رَحْمَتُهُ اَمَامَ عَظْمِهِ. (٩) وَاَنْتَ الَّذِي
عَطَاؤُهُ اَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ. (١٠) وَاَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ
فِي وَسْعِهِ. (١١) وَاَنْتَ الَّذِي لَا يَزْعَبُ فِي جِزَآءٍ مِنْ اَعْطَاؤِهِ. (١٢) وَاَنْتَ
الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاؤِهِ. (١٣) وَاَنَا، يَا اِلٰهِي، عَبْدُكَ
الَّذِي اَمَرْتَهُ بِالْاَدْعَاءِ فَقَالَ: لَبِيْكَ وَ سَعْدَيْكَ. هَا اَنَا ذَا، يَا رَبِّ، مَطْرُوحُ
بَيْنَ يَدَيْكَ. (١٤) اَنَا الَّذِي اَوْقَرْتَ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ، وَاَنَا الَّذِي اَفْسَتِ
الذُّنُوبُ عُمُرَهُ، وَاَنَا الَّذِي بَجَهَلِهِمْ غَضَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ اَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

(۷) همانا تو خدایی هستی که سی اندازه احسان می کنی و نعمت بزرگ می بخشی، بسیار بخشند، بزرگوار هستی و صاحب عظمت و بزرگی می باشی.

دعای شانزدهم:

طلب آموزش

(۱) پروردگارا، ای آنکه گناهکاران به سبب رحمتش، فریاد رس می طلبند.
 (۲) ای آنکه بیچارگان بپاد احسان او فریاد و زاری می کند.
 (۳) ای آنکه خطاکاران از نرس او با آه و ناله می گیرند.
 (۴) ای آرام دلهای منوحش سرگردان، ای گشایش دلهای اندوهگین و شکسته، وای فریادرس انسانهای حوار و تنها مانده، ای باور هر نیازمند و آواره شده.



(۵) نویی که به گستره علم و رحمت پر همه موجودات احاطه داری.
 (۶) و نویی که برای هر آمریده ای، هر دلی در نعمتهایت فرار داده ای.
 (۷) نویی که بخشش و عفو آن کفر و گناه را می کشد.
 (۸) نویی که رحمت بر غصبت پیشی می گیرد.
 (۹) و نویی که بخشش و فضیلت از منتع بیشتر است.
 (۱۰) نویی که همه آفریدگان را از رحمت و اسمع خود، وسعت عطا کرده ای
 (و به همه مخلوقات، بهره کامل بخشیده ای)
 (۱۱) نویی که از عطا و بخشش خود به خلق، پاداش نمی خواهی.
 (۱۲) و نویی که در کفر گناهکاران افراط (زیاده روی) نمی کنی
 (۱۳) پر من ای خدا، بنده توام که او را به دعا امر فرمودی و او لپیک و سعدیک گویان اظهار کرد که اینک منم، ای پروردگار بنده ای که در پیشگاهت به خاک و عبودیت افتاده.
 (۱۴) منم آنکه خطاها پر بشنش بس سنگینی کرده است و منم آنکه عمرش در گناه فانی شده است. و منم آنکه با نادانی تو را نافرمانی کرده در حالی که تو شایسته نافرمانی او نبودی.

(١٥) هَلْ أَنْتَ يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَاهُ فَاسْرَعَ فِي الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ غَفَرَ لَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَنْ شَكََا إِلَيْكَ. فَفَرَّهُ تَوَكُّلاً؟ (١٦) إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ، وَلَا تَحْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عَنْكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ. (١٧) إِلَهِي فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُفْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تُخْرِمْنِي وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تُجَبِّهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ. (١٨) أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَأَعْفُ عَنِّي (١٩) قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي، قَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِيفَتِكَ، وَجَيْبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِفَاضَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ (٢٠) كُلُّ ذَلِكَ خِيَاءٌ مِنْكَ لِسُوءِ عَلَيٍّ، وَلِذَاكَ حَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاةِكَ. (٢١) يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكُم مِّنْ عَابِدِي سَرَرْتُهَا عَلَى قَلَمٍ تَفْضَحْنِي، وَكُم مِّنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتُهَا عَلَى قَلَمٍ تَشْهَرُنِي، وَكُم مِّنْ شَائِبَةٍ أَلْتَمَسْتُ بِهَا قَلَمَ تَهْتِكُ عَنِّي بِسَرِّهَا، وَلَمْ تُقْلِدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا، وَلَمْ تُبَيِّدْ سَوَاتِهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَغَائِبِي مِنْ جِبْرِتِي، وَحَسَدُ نِعْمَتِكَ عِنْدِي (٢٢) ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءِ مَا عَاهَدْتُ مِنِّي (٢٣) لَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي يَا إِلَهِي، بِرُشْدِهِ؟ وَمَنْ أَغْلَى مِنِّي عَنْ عَظَمِهِ؟ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِي حِينَ أَتَفَقُّ مَا أَجْرَيْتُ عَلَى مَنْ رَزَقَكَ فِيهِمَا نَهْيِي عَنْهُ مِنْ مَغْصِبَتِكَ؟ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى الشُّرِّ مِنِّي حِينَ أَقْبُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِيٍّ مِنِّي فِي مَعْرِفَةِ بِهِ وَلَا نِشْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟

(۱۵) اکنون، ای خدای من، آیا درباره کسی که به درگاهت دعا می کند نرحم خواهی کرد تا بر دعا بفرزایم؟ و آیا آن را که به درگاهت گریه کند می آمرزی تا ببشنوگریم؟ آیا هر که را که با خواری در پیشگاه یا عزت، روی خود به خاک گشت بمالد می بخشی؟ و آن کس را که از فقر و پریشانی خود به حضرت شکایت می کند و توکل و اعتمادش به تو است بی نیاز خواهی کرد؟ (۱۶) خدا یا کسی را که جز تو بخشنده ای نمی باید نومید مکن، و کسی را که از احدی جز تو می نیازی نمی طلبد، نومید و خوار مگردان (۱۷) خدا یا پس بر محمد و آل او درود فرست، و از من که به سوی تو رو آورده ام روی مگردان، و مرا که مشتاق و مضطرب به درگاه توام از عنایت محروم مفرما و اکنون که در پیشگاهت ایستاده ام دست رد بر پشانی من. (۱۸) تو آن بکه ذات پاک خود را به رحمت، و صف فرموده ای، بر محمد و آل او درود فرست، و به من رحم کن، تو آنی که خود را بخشنده نامیدی، پس مرا بخش. (۱۹) ای خدای من، می بینی که اشک چشمم از نرس تو روان شده است و دلم از بیم عظمت نگران گردیده و اندامم از بزرگی و عظمت تو لرزان شده است (۲۰) همه اینها از شهرت تو است که تو است به خاطر رفتار ناپسندم، و از همین رو است که صدایم از یزاری و تصرع به درگاهت گرفته و زبانم از راز و نیاز یا تو گشاده است (۲۱) ای خدای من، شکر و سپاس برای تو است که چه بسیار عیبم را پوشانیدی و رسوا بمر نکردی، و چه فراوان گناهم را پنهان کردی و مشهورم نساختی و چه بسیار زشتیها که انجام دادم و پرده مرا ندریدی و طوف زشتی آن را برگردنم نیفکیدی، و بدبهای آن را بر همسایگانم که در جستجوی عیبها هستند و نیز بر حسودانی که از وجود نعمتهای تو در نزد من رشک می برند، آشکار نساختی (۲۲) اما، آن همه خوبیهای تو من را از انجام کارهای بدی که تو از من می دانی باز نداشتی! (۲۳) بمبود من، چه کسی از من نادانتر به رشد و رستگاری خود است؟ و چه کسی از من غافلتر از بهره و نیکیبختی خود است؟ و چه کسی از من دورتر از اصلاح ذات خود است در حالی که روزی تو را در راه معصبت نو که مرا از آن نهی کرده ای صرف می کنم؟ و چه کسی از جهت غوطه وری در باطل از من دورتر است؟ و چه کسی از جهت ارتکاب بدبها از من سخت تر است که وفی بین دعوت تو و دعوت شیطان قرار می گیرم دعوت شیطان را - نه از روی ناپنایی در شناختم از او و نه از روی فراموشی او - می پذیرم؟

(٢٤) وَأَنَا حَسْبُذِ مُوقِنٍ بِأَنْ مُتَّهِى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُتَّهِى دَعْوَتِهِ
إِلَى النَّارِ. (٢٥) سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى
نَفْسِي، وَأَعَدُّهُ مِنْ مَكْشُومِ أَمْرِي. (٢٦) وَأَعْجَبَ مِنْ ذَلِكَ أَنَا نَاكَ
عَنِّي، وَإِنِّطَاؤُكَ عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ
ثَانِيًا مِنْكَ لِي، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنْ أَرْسَدَ عَنْ مَفْصِيَّتِكَ
الْمُسْخِطَةِ، وَأَقْلَعَ عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُحْلَقَةِ، وَلِأَنْ عَفْوُكَ عَلَيَّ أَحَبُّ
إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي (٢٧) بَلْ أَنَا، يَا إِلَهِي، أَكْثَرُ ذَنْبِيًا، وَأَقْبَحُ أَثَرًا،
وَأَشْنَعُ أَفْعَالًا، وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ
تَحَيُّظًا، وَأَقَلُّ لِعُوبِدِكَ انْتِبَاهًا وَازْتِنَابًا مِنْ أَنْ أُخْصِيَ لَكَ عُيُوبِي،
أَوْ أَقْدِرَ عَلَى ذِكْرِ ذَنْبِي (٢٨) وَإِنَّمَا أُؤَيِّغُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي
رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءُ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا
فَكَارُكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ. (٢٩) اَللّٰهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرْقَشْتُهَا
الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي
قَدْ أَثْقَلْتُهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَفِّفْ عَنْهُ بِسُؤْلِكَ
(٣٠) يَا إِلَهِي لَوْ بَكَتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَاؤُ عَيْنِي، وَاسْتَحَبْتُ
حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَتُتُّ لَكَ حَتَّى تَنْشَقَّرَ قَدَمَايَ، وَرَكَعْتُ لَكَ
حَتَّى يَنْخَلِّعَ صُلْبِي، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْفَقَّ حَدَقَتَايَ، وَأَكَلْتُ تُرَابَ
الْأَرْضِ طَوْلَ عُمْرِي، وَشَرِيتُ مَاءَ الزَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي
خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى أَفَاقِ السَّمَاءِ
إِسْتِخْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي.

(۲۴) و من هم اکنون باور دارم که هر جام دعوت تو بهشت و پایان دعوت او آتش است.

(۲۵) پاک و منزه‌ای! چه شگفت‌آور است چیزی که بر خود گواهی می‌دهم، و از امور پنهانی خودم می‌شمارم.

(۲۶) و شگفت‌تر از آن، بردباری تو درباره من و درنگ تو از تعجیل در کفر من است، و این به خاطر گرمی بودن من نبرد تو نیست، بلکه به خاطر مدارا و احسان تو بر من است تا از معصیت حشم‌آور تو خود داری کنم و از گناهان خوارکننده، دست بردارم و نیز به خاطر آن است که گذشتن تو از من به درگاهت از کفر من محبوب‌تر است.

(۲۷) بلکه من، ای پروردگار من، گناهانی بهشتی و آثاری زشتی و در باطل، می‌باکی شدیدتر دارم و هنگام طاعت تو بیداریم کمتر است و برای وعده‌های تو، آگاهی و مراضتم کمتر از آن است که عیب‌های خود را برای تو بشمارم یا بتوانم گناهانم را بباد آورم.

(۲۸) و فقط به خاطر طمع در مهربانی تو که اصلاح کار گناهکاران به آن است، خودم را با این سخنان تو بیخ می‌زنم و امید به رحمت تو که بجات خطا کاران به آن است.

(۲۹) پروردگارا، و این گردن من است که گناهان، آن را باریک کرده است، پس بر محمد و آل او درود فرست، و با منت خود آن را سبک فرما.

(۳۰) ای خدای من، اگر به درگاهت بگریم تا پلنگهای چشمانم ببینند و با آواز بلند ناله کنم تا صدایم قطع شود و در پیشگاه تو بایستم تا پاهایم زخم کند، و در برابر تو رکوع کنم تا استخوان پشتم از جا در آید و برای تو سجده کنم تا کاسه چشمانم بگودی رود و همه عرم، خاک زمین بخورم و تا پاهایم روزگار آب خاکستر بنوشم و در خلال اینها به ذکر تو مشغول شوم تا زبانم کند شود آنگاه به خاطر شرمندگی، چشم به اطراف آسمان بلند نکنم، با این کارها هرگز مستوجب از بین رفتن گناهی از گناهانم نمی‌شوم.

(٣١) وَإِنْ كُنْتَ تُغْفِرُ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَغْفِرْ عَنِّي حِينَ اسْتَجِيقُ غَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِحْجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَاءَنِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُغْفِرْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي. (٣٢) إِلَهِي فَإِذَا قَدْ تَعَذَّدْتَنِي بِسِرِّكَ فَلَمْ تَنْصَحْنِي، وَتَأْتَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَخَلَمْتَ عَنِّي بِتَضَلُّكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، وَلَمْ تُكْذِرْ مَغْرُوفَكَ عِنْدِي، فَأَرْحَمَ طَوْلَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ مَسْكَنَتِي، وَسَوْءَ مَوْقِفِي. ٣٣، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفِنِي مِنَ الْمَغَاصِي، وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَادْفِنِي بِالْعِصْمَةِ، وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْغَافِقَةِ، وَادْفِنِي خِلَاوَةَ التَّغْيِيرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ غَفْوِكَ، وَعَبِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاكْتَبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْآجِلِ، بِسُرِّي أَعْرِفُهَا، وَعَرَفْنِي فِيهِ عَلَامَةُ أَتَيْتُهَا. (٣٤) إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَصَعَّدُكَ فِي أَنَانِكَ، وَلَا يُؤْذُكَ فِي جَزِيلِ هَيْبَتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿١٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ
فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عِدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَزْعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ
وَمَكَائِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ.

(۳۱) و آنگاه که سزاوار آمرزش تو شوم، اگر مرا بپامرزی، و آنگاه که شایسته بخشش تو شوم اگر مرا ببخشی، محض آن بخشش تو از روی استحقاق و شایستگی من واجب نشد، است. زیرا، نخستین بار که تو را معصبت کردم، جزای من از جانب تو آتش بوده است از این رو، اگر مرا کبیر نمایی به من ستم نکردی.

(۳۲) ای خدای من، و چون مرا با پرده حود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخشش خود پا من مدارا کردی و در کبیرم شتاب ننمودی و با فضل و احسان خود نسبت به من بردباری کردی و معصیت را بر من تعبیر ندادی و نیکیات را مزد من نبرد، نساخنی، پس، بر غرض و زاری طولانی من و شدت فقر و تنگدستی من و بدی جایگاهم رحم کن.

(۳۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان بگهدار، و دو طاعت خود بکارم گیر، و بکی بازگشت از گناه، را روزی ام فرما و به وسيله توبه پاکم کن، و با عصمت (ملکه خودداری از گناه) بارم ده، و با عافیت و ندرستی کارم را اصلاح نما، و شیرینی آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده بخشش و آزاد شده رحمت قرار بده، و بر ارم آسانی از خشم و غضبت را بنویس و محبوم کن، و با آن در دنیا پیش از آخرت به من مؤده ده مؤده ای که آن را بشناسم و در آن علامتی نشاتم ده که آن را هویدا بایم.

(۳۴) به درستی که اجابت خواسته های من در برابر رحمت گسترده تو دشوار نیست. و تو را دو قدرت بی پایان و بردباری فراوانت به رحمت نمی افکند، و در بخششهای فراوانت که آفات تو بر آن دالالت دارد گران نمی افتد. زیرا، تو آنچه می خواهی انجام می دهی و به آنچه اراده کنی حکم می کنی. چونکه بر هر چیزی توانایی

دعای هفدهم:

پناه بردن به خدا از شیطان

(۱) خدایا، از وسوسه های شیطان رانده شده و از حيله و مکرهای گوناگون او، و از اطمینان به آرمان و وعده ها و فریب و دامهای او.

(٢) وَأَنْ يُطِيعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا بِمَصِيبَتِكَ،
 أَوْ أَنْ يَخْسَنَ عِثْدُنَا مَا خَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا
 مَا كَثُرَ إِلَيْنَا. (٣) اَللّٰهُمَّ احْسَا عَثَا بِعِبَادَتِكَ، وَاكْبِثْهُ بِدُورِنَا فِي
 مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ بَشْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدْمًا مُضْمِتًا لَا يَسْتَفْتُهُ.
 (٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ عَثَا بِبَغْضِ أَغْدَائِكَ،
 وَاغْصِنْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَفَرَهُ، وَوَلْنَا ظَهْرَهُ، وَاقْطَعْ
 عَثَا إِثْرَهُ. (٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِغْنَا مِنَ الْهُدَى
 بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَرَوِّدْنَا مِنَ الثَّرْوَى ضِدَّ عَوَايِئِهِ، وَاسْلُكْ بِنَا
 مِنَ الثَّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى. (٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلَ لَهُ فِي قُلُوبِنَا
 مَدَخَلًا وَلَا تُوْطِنَنَّ لَهُ فِيمَا لَدُنَا مَشْرَلًا. (٧) اَللّٰهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا
 مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَفْنَاهُ، وَإِذَا عَرَفْتَنَاهُ فَعِنَاهُ، وَبَصُرْنَا مَا نُكَائِدُهُ بِهِ،
 وَآلِهْمُنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ، وَاسْقِطْنَا عَنْ سِنَةِ الْعَقْلَةِ بِالرُّكُوعِ إِلَيْهِ،
 وَآخِسِنِ بِتَوَفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ. (٨) اَللّٰهُمَّ وَأَتَسَرَّبْ قُلُوبُنَا إِنْكَارَ
 عَنَّا، وَالطُّفْ لَنَا فِي تَقْضِ حِيلِهِ. (٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَثَا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا.
 (١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا
 وَأَهَالِيَنَا وَدَوَى أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 مِتَّةً فِي جَوْزٍ خَارِرٍ، وَحِصْنٍ خَافِظٍ، وَكَلْبٍ مُنَاعٍ، وَآلِسْهُمْ مِتَّةً
 جُنْنَا وَاقِيَّةً، وَاعْظِمْ عَلَيْهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَّةً. (١١) اَللّٰهُمَّ وَاعْظِمْ بِذَلِكَ
 مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَعَادَاهُ لَكَ
 بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ.

(۲) پوز اینکه شیطان در گمراه کردن ما از طاعت، و خوار کردن ما در معصیت طمع کند، با اینکه نیکو باشد نزد ما چیزی که او برای ما نیکو می‌نماید، با اینکه بر ما سنگین آید چیزی که او در نظر ما بد جلوه داد، است مصونمان دار. (۳) خداها، به خاطر عبادت و بندگیّت او را از ما دور کن و به خاطر تلاش ما، در محبت، او را ذلیل فرما و میان ما و او پرده‌ای فرارده که آن را ندرد و سدّ محکمی که آن را نشکند. (۴) خداها بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه‌ان کن که شیطان مطرود، بحای ما همواره با دشمنانت همدم و هم‌نشین باشد. و با حسن نگهداری و التفات ما را از شرّ او حفظ کن. و مکر او را از ما دور فرما و او را از ما رویگردان کن، و هرگونه وسوسه و مکر و حيله‌اش را از ما قطع فرما. (۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و همان اندازه که او در گمراهی و شقاوت است ما را از هدایت بهره‌مند فرما، و بر خلاف گمراهی و اغوای او، ما را زاد و نوشته نفی عطا فرما و بر خلاف پلّه او که راه نیاهی است ما را پرهیزگاری ببر. (۶) پروردگارا، شیطان را در دل‌های ما جای مبخش و برای او در آنچه نزد ما است جایگاهی آماده کن. (۷) پروردگارا باطلی را که برای ما می‌آرابد به ما بشناسان، و چون کفر را به ما شناساندی ما را از آن بگدار، چشم ما را به چیزی که بتوانیم با آن، شیطان را بفریبیم بینا فرما، و به قلب ما الهام فرما که برای دور کردن او چیزی فراهم کنیم و از خواب غفلت که میل به او را در خود دارد بیدارمان کن و با توفیق خود ما را به خوبی کمک کن که با وی بجنگیم. (۸) پروردگارا، دل‌های ما را با انکار محبت و طاعت شیطان آباری فرما و شکستن رشته‌های دام وی را به ما لطف کن. (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مسطرت و سلطنت شیطان را از محیط زندگی ما بگردان و امیدش را برای همیشه از اغوای ما به نومیدی بدل کن، و او را از حرص به اغوای ما بازدار. (۱۰) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و پدران و مادران و فرزندان و خویشاوندان و دوستان و آشنايان و همسایگان ما را از مردان و زنان اهل ایمان در جایی محکم و در قلعه‌ای نگهبان و در پناهگاهی باز دارنده از شر شیطان ایمن دار و بر آنها جوشنی نگهدارنده بپوشان که از شرّ نیرهای جانگرای شیطان درامان باشند و به دست آنها حربه‌ای بران عطا فرما.

(١٢) اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَّدَ، وَافْتَقْ مَا رَتَقَ، وَافْسَحْ مَا دَبَّرَ، وَتَبَطَّهْ إِذَا عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا آبَزَمَ. (١٣) اللَّهُمَّ وَاهِرِمْ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ وَاهِدِمْ كَهْفَهُ، وَارْغِمِ آفَهُ (١٤) اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعِزَّنَا عَنْ عِدَائِهِ وَلِيَانِهِ، لَا تُطِيعَ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَلَا تُسْتَجِيبَ لَهُ إِذَا دَعَانَا، تَأْمُرُ بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَتَعْظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ رَجْرُنَا. (١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعِدُّنَا وَأَهْلِيْنَا وَإِخْوَانَنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدُّنَا مِنْهُ، وَاجْزِنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ (١٦) وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَاعْظِنَا مَا أَعْلَنَاهُ، وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسَبْنَاهُ، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

(١٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَفَعَ عَنْهُ مَا يَحْذَرُ، أَوْ عَجَلَ لَهُ مَطْلَبُهُ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ خَطِيئَتِي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ غَافِيَتِكَ فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ. (٢) وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ أَوْيْتُ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْغَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيِ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ وَوَرْدٍ لَا يَرْتَفِعُ فَقَدِّمْ لِي مَا أَخَّرْتَ، وَآخِرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ.

(۱۱) پروردگارا، این دعا را شامل حال کسی بگردان که به روییت نو گواهی می دهد و بر یکنایی تو اخلاصی دارد و با حقیقت بندگی برای تو به دشمنی با شیطان بر می خیزد و نیز بر دشمنی با او در آموختن معارف آسمانی از تو پشتیبانی می خواهد. (۱۲) پروردگارا، آن گره ها را که شیطان بسته است بگشای و دوخته هایش را از هم شکاف و ندبیرش بگسل و عزمش را بر هم زن و آنچه بر پا کرده است فرو بشکن. (۱۳) پروردگارا، لشکریاتش را مغلوب کن (حمضش را پریشان ساز) و نقشش را بر آب کن و پناهگاهش را ویران کن و سببی اش را به خاک فرومال. (۱۴) پروردگارا، ما را در صف دشمنان شیطان قرار ده و از شمار دوستانش بهرون کن تا از وسوسه ها و فریبه های او پیروی نکنیم و آنگاه که ما را فرا خواند احابثش ننماییم، هر که از امر ما پیروی کند او را به دشمنی با شیطان فرمانش دهیم و کسی که نهی ما را بپذیرد از پیروی او بازش داریم. (۱۵) پروردگارا بر محمد خانم بهاسران و سید رسولان و فرزندان طاهرینش درود بفرست و ما و قبیله ما و برادران ما و همه مردان و زنان اهل ایمان را از آنچه به تو پناه خواسته ایم و از آن همی ترسیم پناه ده. (۱۶) پروردگارا، دعای ما را بشنو و آنچه را غفلت کردیم به ما عطا فرما و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، ربه وسیله آن ما را در ردیف پارسایان و اهل ایمان قرار ده. آمین یا رب العالمین.

دعای مجددیم:

برای شکرگزاری

(۱) پروردگارا، شکر و سپاس تو را به خاطر تقدیر نیکوی تو، و به خاطر بلایی که از من دور کردی، پس بهره مرا از رحمت بی منتهای خویش تنها عافیتی که هم اکنون بهره مندم ساختی فرارنده که این وضع دلخواه من مایه شفاونم گردد و دیگران به خاطر آنچه مورد پسند من نیست خوشبخت شوند. (۲) و اگر این عافیت که اکنون نصیب گردیده و در آن روز را به شب یا شب را به روز برده ام به عافیت اخروی من زیان رساند و مرا به بلایی جاوید و رنجی پایدار گرفتار سازد پس آنچه برایم به واپس انداختنی پیش آور و آنچه را پیش انداخته ای، مؤخر کن.

(٣) فَقَيِّرْ كَثِيرَ مَا عَاقَبْتَهُ الْقَنَاءُ، وَغَيِّرْ قَلِيلَ مَا عَاقَبْتَهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

(١٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ
عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَذْبِ:

(١) اللَّهُمَّ اشْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْطِقِ
مِنَ السَّحَابِ الْمُتَساقِ لِنَهَابِ السُّوْنِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ.
(٢) وَامْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِإِنْعَاقِ الشَّعَرَةِ، وَآخِ بِإِلَادِكَ بِبُلُوغِ
الزَّهْرَةِ، وَأَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامِ الشُّفْرَةَ بِسُفَى مِثْلِكَ نَافِعِ،
دَائِمِ غُرُورُهُ، وَابِيعِ دِرْزُهُ، وَابِلِ سَرِيعِ عَاجِلِ، (٣) تُخَيِّرُ بِهِ مَا قَدْ
مَاتَ، وَتُرْدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هَوَاتِ، وَتُوسِّعُ بِهِ
فِي الْأَقْوَامِ، سَحَاباً مُتَرَاكِماً هَيِّئْنَا مَرِئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً، غَيْرَ مُلْتِ
وَدَقَّةً، وَلَا خَلْبٍ بَرَقَّةً. (٤) اللَّهُمَّ اشْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مُرَبِعاً مُسْرِعاً
عَرِضاً وَابِعاً غَزِيراً، تُرْدُّ بِهِ النَّهْيَضَ، وَتُجَبِّرُ بِهِ الْمَهْيَضَ (٥) اللَّهُمَّ
اشْقِنَا سَقِيّاً تُسِيلُ بِهِ الظُّرَابَ، وَتَسْلَأُ بِهِ الْجَبَابَ، وَتُغْفِرُ بِهِ
الْأَنْهَارَ، وَتُثْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرْخِصُ بِهِ الْأَشْعَارَ فِي جَمِيعِ
الْأَمْصَارِ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ، وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،
وَتُثْبِتُ لَنَا بِهِ الرِّزْقَ وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

(۳) آنچه فناپذیرد هر چه بسیار باشد باز هم اندک است ولی آنچه جاویدان
بماند هر قدر کم و ناچیز باشد همچنان بسیار است و صلّ علی محمد و آله.

دعای نوزدهم:

در طلب باران

(۱) پروردگارا، به ما از باران رحمت بچشان و ما را سیراب گردان، و سایه
رحمت را با باران پر برکت خویش از ابری که برای رویاندن سبزها و گیاهان در
همه آفاق گسترده است بگشای (۲) و پر پندگانت منت غذا و میوه های باغها را
به بار آور، و شهرها را با شکفته شدن غنچه های شکفته گلها و گیاهان،
شاداب و زنده دار، و فرشتگان برگوارت را که سفیران تو شایسته و ناظر آن
باران رحمت و سودمندت قرار بد، بارانی که همواره پیار و فراگیر و دانه
درشت باشد سخت و سریع و شتابان فرود آید.

(۳) خدایا، بارانی فرو فرست که سرزمینهای مردمان را با آن زنده و سرسبز
کنی و منفعتهایی که به خاطر قطعی و خشکسالی از دست داده ایم به ما
بازگردانی، و از دل زمین گل و گیاه و میوه های گوناگون را بیرون آری، و رویهای
ما را فراوان کنی. آری، ای خدای بزرگ، ابری بر انگیز که روی هم انباشته باشد
و خوشی و گوارایی به همراه آرد و گستره اش فراگیر و صدای رعد از آن شنیده
شود، همیشه پیار و برفش فریبنده نباشد. (۴) پروردگارا، ما را از باران رحمت
سیراب کن، بارانی که خشکسالی را بزدايد و گیاهان را رویاند، وسیع و گسترده
و سرشار باشد. به وسیله آن گیاهان سرسبز و خرم سالهای گذشته را بازگردانی
و گیاهان شکسته و پژمرده را با نشاط کنی و پرورش دهی. (۵) پروردگارا به ما آب
را ارزانی دار، آبی که آنرا بر نل ها جاری سازی، و چاهها را پر گردانی و از آن،
جویها جاری کنی و درختها برویانی و فیمنا را در همه شهرها کاهش دهی،
و مایه شادایی و نشاط چهارپایان و آفریدگان را فراهم کنی و رویهای پاکیزه را
برای ما کامل گردانی و کشت ما را با آن رویانی و پستان چهارپایان را پر از شیر
سازی، و توان بر توان ما بفرزایی.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَوْماً، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسوماً،
وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجوماً، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجاجاً.
(٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٢٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ
الْأَخْلَاقِ وَمَرْضَى الْأَعْمَالِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ،
وَاجْعَلْ يَتِيمَتِي أَفْضَلَ الْيَتِيمِ، وَائْتِمِدْ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ،
وَيَعْمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. (٢) اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ
بِمَا عِنْدَكَ يَتِيمَتِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا قَسَدَ مِنِّي. (٣) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي
بِمَا تَشَاءُنِي غَدَا عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَأَعِزَّنِي
وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تُفْنِنِي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تُبْتَلِيَنِي
بِالْكِبَرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ، وَأَجْزِلْ لِنَاسِ
عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحَقْنِي بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ،
وَاعْصِمْنِي مِنَ السَّفَحْرِ. (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَلَا تُزَفِّغْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا خَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِنْهَا، وَلَا
تُخْذِلْ لِي عِزًّا ظَاهِراً إِلَّا أَخَذْتَنِي لِي ذُلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقُدْرَتِهَا.

(۶) پروردگارا، سایه آن ابر را بر ما گرم مگردان و سردیش را بر ما شوم نواز و بارش آن را مایه عذاب ما قرار نده و آتش را شور نکن.
(۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به ما از برکات آسمانها و زمین روزی عطا کن، زیرا، نو بر هر چیزی توانایی.

دعای بیستم:

درخواست توفیق از خدا

(۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، را ایام را به کاملترین درجه ایمان برسان و یفسم را بهترین بقیع قرار ده، رفیرحام نستم را بهترین نیتها بگردان و عملم را به بهترین اعمال برسان.

(۲) پروردگارا، با لطف خودت نستم را بگوگردان، و بقیع را با رحمت بی پایانیت از گزند انحراف، مصون دار و با قدرت بی انتهایت، هر عمل فاسدی که از من سر زده است اصلاح فرما.

(۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و ثنوی را که اهتمام به آنها مشغولم می کند کفایت فرما و مرا بکاری که فردای قیامت از من درخواست می کنی وادار کن و در ایام عمرم فراغتی بحش تا بکاری که برای آتم آفریده ای بهردارم و بی نیازم کن و به من روزی وسیع عطا فرما و عزت ببخش و گرفتار فکر و خود پسندی نکن و به عبادت خالص مشغولم دار و عبادتم را با عجب و غرور باطل نکن و کارهای خیر برای مردم را بدست من اجراء کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن، و مرا به بالاترین زیورها و ارزشهای اخلاقی، آراسته کن. و مرا از فخر مصون دار.

(۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با هر اندازه ای که میان مردم مرا مرتبت می بخشی پیش خودم به همان مقدار خوارم کن، و هر عزت ظاهری که برایم پدیدار می سازی بهمان اندازه پیش نفسم برای من خواری باطنی پدید آور.

(٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَغْنِي بِهَدْيٍ صَالِحٍ
لَا أَشْتَبِدُ بِهِ، وَطَرِيقَةٍ حَقٍّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا، وَبَيَّةٍ رُشِدٍ لَا أَشْكُ
فِيهَا، وَعُمْرَنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عُمْرِي
مَزْنَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ
يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ. (٦) اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُغَابُ مِنِّي
إِلَّا أَصْلَحْتُهَا، وَلَا عَاقِبَةً أَوْتُبُ بِهَا إِلَّا عَشْتُهَا، وَلَا أَكْرُومَةً فِئٍّ
تُاقِصُهُ إِلَّا أَتَمَمْتُهَا. (٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الثَّنَائِ الْمَحَبَّةَ، وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ
الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَمِنْ ظَنَةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثِّقَةَ، وَمِنْ عَدَاوَةِ
الْأَدْنَسِينَ الْوَلَايَةَ، وَمِنْ عُقُوبِ دَوَى الْأَرْحَامِ السَّبْرَةَ، وَمِنْ
خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ، وَمِنْ حُبِّ الْمُدَارِبِينَ تَضَحِيحَ الْحَقِّ،
وَمِنْ رَدِّ الْمُلَاسِمِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَارَةِ حَوَافِ الظَّالِمِينَ
خِلَاوَةَ الْأَمَّةِ. (٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي
بِدَا عَلَى مَنْ ظَلَمْتَنِي، وَلِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمْتَنِي، وَظَفَرًا
بِمَنْ عَانَدْتَنِي، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدْتَنِي، وَقُدْرَةً عَلَى
مَنْ اضْطَهَدْتَنِي، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبْتَنِي، وَسَلَامَةً لِمَنْ تَوَعَّدْتَنِي،
وَوَقْفِي لِبَاطِلِهِ مَنْ سَدَّدْتَنِي، وَمُتَابَعَةً مَنْ أَرْشَدْتَنِي. (٩) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّيْتَنِي
بِالْبُطْحِ، وَاجْزِي مَنْ هَجَزْتَنِي بِالْبُرِّ، وَأَنْسِبْ مَنْ حَرَمْتَنِي
بِالْبَذْلِ، وَأَكْفِئْ مَنْ قَطَعْتَنِي بِالصِّلَةِ، وَأُخَالِفْ مَنْ اغْتَابْتَنِي
إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأُعْطِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ.

(۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و چنان کن که از هدايت شايسته بهره‌مند شوم و آن را با هيچ چيز عوض نکنم و از راه حق بهره‌مند گردم و از آن بيرون نروم، و به نيت درست دست بيارم و در آن شک نکنم، و نا هنگامي که عزم در راه طاعت نو می‌گذرد به من عمر بده و آنگاه که عزم چراگاه شيطان شود، پيش از آنکه دشمني سخت نو به من رو آورد با خشم نو محکم و پابدار گردد جانم را بگير. (۶) پروردگارا، هيچ خصلتي را که مردم زشت بدانند در من نگذار مگر آنکه اصلاحش کنی، و هيچ عادت ناپسندی را که مردم سرزنش کنند با من نگذار مگر آنکه نيکش سازی، و هيچ خوي پسنديده‌اي را در من نافص نگذار مگر آنکه کاملش کنی. (۷) پروردگارا سر محمد و آل او درود فرست، و دشمني سخت دشمنان را درباره من به دوستي تبديل کن و حسد و بدخواهي سرکشان را به محبت تبديل کن، و بدگمانی صالحان را به اطمینان و دشمني نزديکان را به دوستي و بد رفتاری خویشان را به خوش رفتاری و خوار کردن نزديکان را به باري، و دوستي مدعيان کفر را به دوستي واقعي و رفتارهاي امانت آميز را به آميزش نيك و ناصح. پس لا ستمگران را به شيريني ايمسي مبدل فرما. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و در برابر کسی که به من ستم کرد، نوائبي بخش و در برابر کسی که با من بحث و مخاصمه کند، حجت و پرهان بده، و در برابر کسی که با من عناد و کینه بورزد، پيروزي عطا کن، و به من در برابر کسی که درباره‌ام حيله کند مکر و چاره بخش، و در برابر کسی که بر من چيره شود نوائبي بده و در برابر کسی که به من دشنام دهد تکذيب عطا کن، و در برابر آنکه مرا پنهانند، نندرسني ببخش و به من توفيق ده تا از کسی که مرا به راه راست هدايت کند و به ارشاد و راهنماييم همت گمارد پيروي کنم. (۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به من کمک کن تا با کسی که با من غش کرده است با نصيحت و درستي رفتار کنم و پاداش کسی را که از من دوري گزيده است به نيکی بدهم، و کسی که مرا نوميد کرده، با بذل و بخشش جبران کنم، و با کسی که از من بريده، با پيوستن روي نمايم، و از کسی که از من غيبت نموده، به نيکی باد کنم، و نیز توفيق ده تا نيکی را سپاس گويم و از بدی چشم پيوشم.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّني بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَآلِيسْنِي
 رَهْبَةً الْمُتَّقِينَ، فِي بَشَطِ الْعَدَلِ، وَكَيْلِ الْعِظَمِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَصَمِّ
 أَهْلَ الْفِرْقَةِ، وَاصْلَحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِنشَاءِ الْغَارِقَةِ، وَسِرِّ الْعَائِيَةِ،
 وَلَبِنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفِّضِ الْجَنَاحَ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَتُكُونِ الرِّيحَ،
 وَطِبِّ الْمَخَالَعَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَابْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ
 التَّغْيِيرِ، وَالْإِنضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَرَّ،
 وَاسْتِغْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِخْطَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ
 مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاجْعَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَكُزُومِ الْجَمَاعَةِ،
 وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَاسْتِغْلِيلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ
 إِذَا نَعَبْتُ، وَلَا تَبْتَلِنِي بِالسَّكَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَنْ
 سَبِيلِكَ، وَلَا بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ صَحَابِكَ، وَلَا مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ
 عَنْكَ، وَلَا مُفَارَقَةِ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ. (١٢) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولَ بَكَ
 عِنْدَ الصُّرُورِ، وَأَسْأَلَكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ
 الْمُسْكَنَةِ، وَلَا تَقْنِي بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْمُضْوَغِ
 لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَرَرْتُ، وَلَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ،
 فَاسْتَحِقْ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ وَمَتَقَّكَ وَإِعْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 (١٣) اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِ وَالنَّطْقِ
 وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذْهِبًا عَلَى
 عَدْوِكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَمِّ
 عِزِّهِ أَوْ شَهَادَةٍ بِأَطْلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ

(۱۰) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به زینت صالحان آراسته فرما و زبور پرهیزکاران را به من پیوشان تا در گسترده عدل و درویشاندن خشم، و خاموش کردن آتش کینه، و پیوند دل‌های پراکنده، و اصلاح و آشنی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکبها و پوشاندن زشتیها و عیبها، و نرم خوئی و نواضع و خوش سیرنی و استوار گامی، و معاشرت سبک، پشیمانی به سوی نیکبها و برگزیدن احسان و تفضل و ترک سرزنش، و ترک همکاری با نااهلان و به حق سخن گفتن هر چند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد، و زیاد شمردن بدی در گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته زیبایی و آراستگی صالحان گردم، و همه اینها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و بیشترین روزیت را به هنگام پیری که بر سنین عمرم افزود، می شوق پیرایم فرار بد، و نیرومندترین توانا بیت را آنگاه که به رنج و زحمت در افتم به سر برداشتم دار، و مرا با سستی در بندگی و کوری و همراهی از راه مستقیم خودت آرمایش میکن و هرگز مرا در معرض حرمان محبت قرار نده و با آمیختن با کسانی که از تو دوری گزیده‌اند و نیز ما جدا شدن از کسانی که به سوی تو جمع شده‌اند گرفتارم مفرما.

(۱۲) پروردگارا، بگذار با نیروی تو بر شدائد حمله آورم و دست نیاز به سوی تو بگشایم و پیشانی نضیع و مسکنت بر آستان تو به خاک مالیم، و مگذار به هنگام اضطوار دست نیاز به سوی دیگران دراز کنم و مگذار به هنگام احتیاج برای غیر تو از روی فروتنی خواهش کنم و بیزنپسند به موقع نرس، به درگا، غیر تو زاری نمایم که بدبستان سزاوار خواری و منع تو باشم و مستحق فخر و روی گرداندن تو گردم، ای بخشد، نرس بخشدگان.

(۱۳) پروردگارا، بجای آنچه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می افکند چنان کن که از عظمت تو باد کنم و نه توانایی تو ببند بشم و بر ضد دشمنان تو ندبیر نمایم، و بجای دشنام و ناسزا با عیب جوئی و عیب گوئی با گواهی دادن باطل با غیبت کردن برادر مؤمن و با ناسزا گفتن به برادر حاضر

وَمَا أَشَبَّهَ ذَلِكَ تُطْعَمًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِعْرَاقًا فِي الْقَنَاءِ عَلَيْكَ.
 وَذِهَابًا فِي تَسْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ.
 وَإِحْضَاءَ لِعَيْنِكَ. (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَ
 وَأَنْتَ مُطَبِّقٌ لِلذُّعَى عَنِّي، وَلَا أَظْلَمَ وَأَنْتَ الْغَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ
 مِنِّي، وَلَا أَظْلَمَ وَقَدْ أَمَكَّتْكَ هِدَايَتِي، وَلَا أَظْلَمَ وَمِنْ عَيْدِكَ
 وَشُعَى، وَلَا أَظْلَمَ وَمِنْ عَيْدِكَ وَجَدِي. (١٥) اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ
 وَقُدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى تَجَاوُزِكَ اسْتَقَمْتُ، وَبِفَضْلِكَ
 وَثِقْتُ، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَلَا فِيَّ عَمَلِي مَا
 اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَمَالِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلَكَ،
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ. (١٦) اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى،
 وَالْهَمْنِي التَّقْوَى، وَوَقِّنِي لِقَائِي هِيَ أَرْكَى، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ
 أَرْضَى. (١٧) اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُسْلِمَى، وَاجْعَلْنِي عَلَى مَسَلَّتِكَ
 أَمُوتُ وَأَحْيَى. (١٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَغْنِي بِالْإِقْبَادِ،
 وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَمِنْ أَدَلَةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ،
 وَارْزُقْنِي قُورًا الْمَغَادِ، وَسَلَامَةً الْمِرْضَادِ. (١٩) اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ
 نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَابْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي
 هَالِكَةٌ أَوْ تَنْصَحُهَا. (٢٠) اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَّتِي إِنْ خَرَيْتُ، وَأَنْتَ مُتَجَعِّعِي إِنْ
 خَرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَعِندَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفْتُ، وَلِسَانِي
 فَسَدَ صَلَاحُ، وَفِيهَا أَكْثَرَتِ تَغْيِيرُ، فَامْتِنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ
 بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدْوَى، وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَانْكُفْنِي مَوْنَةَ
 مَعْرَةِ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَهْلَ يَوْمِ الْمَغَادِ، وَامْنَحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

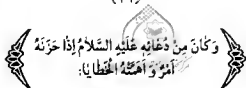
و چیزهایی شبیه آن، بر زیانم می‌پاسگویی نو و ستایش فراوان نو و حرکت در راه، بزرگ شمردن تو و شکر نعمتهای فراوان تو و احترام به نیکی نو و پو شمردن نعمتهایت را جاری کن. (۱۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مگذار که بر من ستم رود در حالی که نو بر جلوگیری از ستم توانایی، و نیز روا مدار که من ستم کنم در حالی که تو می‌توانی مرا از ستم باز داری و تا راه هدایت نو باز است نپسند که در گمراهی بمانم، و نخواه که من نیازمند شوم در حالی که وسعت زندگیم از جانب نو است. و تا دارائیم از سوی تو است مرا از طعیان و عصبان بازدار. (۱۵) پروردگارا، به گذشت و آمرزش تو روی کرد، و اشیای دارم و به سوی بخشش نو آهنگ کردم و به گذشت نو اشیای دارم و به احسان و نیکی تو اهتمام آوردم، ولی دستم از آنچه موجب آمرزش تو گردد نهی است و در کردارم هیچ چیزی که به موجب آن، مستحق بخشش تو گردم وجود ندارد. و بعد از آنکه خویش بر ضد خویش گواهی دادام، جز به فضل تو امید ندارم. پس بر محمد و آل او درود فرست و فضل و احسان را بر من فرو فرست. (۱۶) پروردگارا، زیانم را به هدایت گویا کن و به قلب نفوی را الهام فرما، و بر آنچه پاکتر و پسندیده‌تر است توقفم کن، و مرا به سوی آن فصیلت که رضایت ترا بشنو نامین کند مگمار. (۱۷) پروردگارا، مرا به بهترین راه، مبر، و آسان قرارم ده، که بر دین نو بایرم و زنده گردم. (۱۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از میانه روی بهره‌مند گردان، و در صف رستگاران و راهنمایان بخر و نیکی فرام ده، و از بندگان شایسته به حسابم آور و رستگاری در قیامت و نجات و سلامتی از دوزخ را روزم فرما. (۱۹) پروردگارا، به خاطر رضای خویش آنچه مایهٔ رهاییم شود از من بگیر، و برای من از خودم چیزی را بجای گذار که صلاح نفسم باشد، زیرا نفس من هلاک خواهد شد مگر آنکه نو آنرا مصون داری و در پناه عصمت تو فرار گیرد. (۲۰) پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایهٔ سامان و خشنودی منی، و آنگاه که محروم و نوسید گردم، فریاد رس و امید نویی، و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم نویی آنچه از دست ما بدر رود نزد تو باز خواهیم یافت. و آنچه به فساد گراید، است نزد تو صلاح و سازگاری خواهد یافت. و در آنچه زشت شمردای تغییرش به دست تو است، پس، پیش از گرفتاری، بر من عافیت و شندوستی ببخش، و پیش از خواستن، حاجت روا کن و پیش از گمراهی، راهنمایمان گردان، و مرا از عیب جوئی بندگان کفایت فرما، و ایمنی و راحنی روز قیامت را بر من ببخشای و به من خوبی ارشاد و راهنمایی کردن را عطا فرما.

(٢١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْنِي بِأُطْفُوكَ، وَاعْزِدْنِي
 بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُغْرِكَ، وَأَظْلِمْنِي فِي
 ذُرَاكَ، وَجَلِّلْنِي بِرِضَاكَ، وَوَقِّنِي إِذَا اشْتَكَتْ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها،
 وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَانِها، وَإِذَا تَنَا قَضَبَ السَّيْلِ لِأَرْضَاها.
 (٢٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجِّنِي بِالْكِفَايَةِ، وَتُسْنِي
 حُسْنَ الرِّوَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تُفْنِنِي بِالسَّعَةِ،
 وَامْنَحْنِي حُسْنَ الدُّعَا، وَلَا تَجْعَلْ عَيْنِي كَدَاكِدًا، وَلَا تُرِدْ
 دُعَانِي عَلَى رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.
 (٢٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَحْنِي مِنَ الشَّرَفِ، وَخَصَّنِي
 بِرِزْقِي مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّرْ لِي مَلِكِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ، وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ
 الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَتَّفِقُ مِنْهُ. (٢٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَاكْنِي مَوْلَةَ الْأَخْيَارِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اخْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلْ
 عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَخْتَمِلْ إِضْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ. (٢٥) اللَّهُمَّ
 فَاطِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاجْزِنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ. (٢٦) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالنَّسَارِ، وَلَا تَبْذِلْ جَاهِي
 بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَغْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَأَتَيْنَ بِحَمْدِ
 مَنْ أَعْطَانِي، وَأُبْتَلَى بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ
 وَالْمَنَعِ. (٢٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ،
 وَقَرَأَةً فِي زُهَادَةٍ، وَعِلْمًا فِي اسْتِغْنَالٍ، وَزَعَاً فِي إِجْمَالٍ.
 (٢٨) اللَّهُمَّ أَخْنِمْ بِعُقُولِهِ أَجْلِي، وَخَفِّقْ فِي رَجَائِهِ رَحِمَتِكَ أَمَلِي،
 وَسَهِّلْ لِي بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

(۲۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به لطف خویش، پیامدهای بد را از من دور کن، به نعمت خویش مرا پرورش ده، و به کرم و بخشش خویش مرا اصلاح کن و به صبح و رحمت خویش دردم را درمان فرما، و در سبب رحمت بی‌پایان مرا جای ده و خوشنودیت را شامل حالم گردان، و چون کارها به هم در پیچند، درست‌ترین آنها را بر من بنمایان، و آنگاه که اعمال با بکدیگر مشتبّه شوند به پاکیزه‌ترین آنها هدایت فرما و وفنی افوام و مذاهب، روی در روی بکدیگر شوند به حمایت و پیروی از بسندیده‌ترین آنها توفیقم ده (۲۲) پروردگارا، سر محمد و آل او درود فرست، و تاج و دیهیم بی‌بازی و فحاشی را بر سرم بگذار و مرا با زیبایی و ولایت در کارهایی که به آن فایده می‌گم بیاری، و به من، صداقت در هدایت عطا فرما، و به همت ثروت و فراخی گرفتارم نکن، و زندگی آسوده و آرامش خاطر به من ارزانی دار، و زندگی را بر من دشوار مساز، و دهام راه سوی من بازگردان زیرا، من آن بنده مخلصی هستم که برای تو شریکی فرار نمی‌دهم و ما تو مانندای را نمی‌خوانم (۲۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از ریاده روی بازدار، و روزی‌ام را از زیان و تلف ایمن‌دار و به دارائیم برکت ده، و مرا به خاطر آنچه از دارائیم به یکی اتفاق می‌گفت به راه هدایت و رستگاری رسان. (۲۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و تلاش معاش را بر من آسان گردان زیرا حساب روزیم ده تا از بدگی تو به خاطر بدست آوردن روزی باز نمانم، و پیامدهای ناگوار کسب را تحمل نکنم. (۲۵) پروردگارا، به قدرت کامله‌ات حواسته‌هایم را برآور، و به عزّت و چیرگیّت از آنچه می‌ترسم پناهم ده. (۲۶) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و آرزویم را در میان مردم نگهدار، ارزشم را با نیازمندی به خلق، کم نکن تا از روزی خوارانت روزی بخوایم، و دست نیاز به سوی آفریدگان پست و شریعت دراز کنم و پستایش آنکه به من چیزی بخشیده گرفتار شوم و به نگوشت کسی که مرا منع کرده است مبتلا گردم، در خدائی که بخشیدن و بخشیدن بدست تو است و توفیق آتی، نه ایشان. (۲۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و نذر سنی در عبادت را به من ارزانی دار و نیز فراغت و آسایش در زهد را و علم یا عمل و پرهیزکاری همراه با مبادنه روی را روزی من فرما. (۲۸) پروردگارا، روزگارم را با عفو و بخشش خویش به انجام رسان، و آرزویم را در امید به رحمت خویش محقق ساز، و راههایم را برای رسیدن به خوشنودیت آسان فرما، و در همه حالات، عمل‌ام را تبک گردان.

(٢٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعَقَلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٣٠) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلٌّ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

(٢١)



(١) اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْقُرْدِ الضَّعِيفِ، وَوَاقِيَ الْأَمْرِ السَّخُوفِ، أَقْرَدْتَنِي الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِي، وَضَعُفْتُ عَنْ عَضِيكَ فَلَا مُؤَيَّدَ لِي، وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفٍ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي (٢) وَمَنْ يُؤْمِنُنِي مِنْكَ وَأَنْتَ أَحَقُّنِي، وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَقْرَدْتَنِي، وَمَنْ يُقَوِّبُنِي وَأَنْتَ أَضْعَفْتَنِي؟ (٣) لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ. (٤) وَبِتَيْدِكَ، يَا إِلَهِي، جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمَفْرُوقُ الْمَهْرَبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْ هَرَبِي، وَأَنْجِعْ مَطْلَبِي.

(۲۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و در اوقات فراموشی و غفلت، برای یاد خودت بیدارم کن و در ایام مهلت (زندگی دنیا) بکار بندگی و ادا دارم کن، و مرا به سوی محبت خویش در راهی همراز و آسان ببر، و با محبت خودت، خبر دنیا و آخرت را برایم کامل فرما.

(۳۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست همچون بهترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگان خود فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد. و به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا فرما، و با رحمت و اسعادت مرا از عذاب آتش نگهدار.

دعای بیست و یکم: هنگام اندوه و نگرانی از گناه

(۱) پروردگارا، ای کفایت کننده فردا نگران، و ای نگهدارنده امر و حشمتاک، گناهانم مرا بی کس و تنها کرده است و هیچ یار و همراهی جز تو ندارم، و از خشم و غضب تو، ناتوان شده‌ام و کسی که از من یکتبائی کند جز تو نیست، و می‌دانم که به زودی به سوی تو باز خواهم گشت و از لغای تو می‌ترسم و در هر اسسم و هیچ نسکین دهنده‌ای برای ترسم وجود ندارد

(۲) و کبست که از تو ایمن‌ام سازد در حالی که تو مرا نرسانده‌ای، و کبست مرا یاری دهد هنگامی که تو مرا بی کس و تنها گذارده‌ای، و کبست به من توانایی بخشد در جایی که تو مرا ناتوان ساخته‌ای؟

(۳) ای خدای من، جر پروردگار، پرورده خود را پناه نمی‌دهد، و جز چهره و غالب، شکست خورده را ایمنی نمی‌بخشد و جز جوینده و طالب، مطلوب را یاری نمی‌کند.

(۴) ای خدای من، همه آن اسباب بدست توانای تو است، و فرار و گریز به سوی تو است، پس بر محمد و آل او درود فرست، بدرگاه خویش پناهم ده و آرزویم را برآور.

(٥) اللَّهُمَّ إِنَّكَ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَنَعْتَني فَضْلَكَ
الْجَسِيمَ أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ
إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ. وَلَمْ أَقِدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَقْوَنَةٍ سِوَاكَ.
فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ. نَاصِيَتِي بِيَدِكَ. (٦) لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ.
مَاضٍ فِي حُكْمِكَ. عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ. وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ
سُلْطَانِكَ. وَلَا أَسْتَطِيعُ مُجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ. وَلَا أَشْتَمِلُ هَوَاكَ. وَلَا أَبْلُغُ
رِضَاكَ. وَلَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ. (٧) إِلَهِي
أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاجِرًا لَكَ. لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ثَلْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا
بِكَ. أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي. وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي.
فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي. وَكُنْ لِي مَا أَيْتَنِي. فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ
الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْخَفِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ.
(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَلَا تُجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا
أَوْلَيْتَنِي. وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَيْتَنِي. وَلَا أَيْسًا مِنْ إِبْرَافِيمَ لِي
وَإِنْ أَبْطَأْتُ عَنِّي. فِي سَرَّاءَ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءَ. أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ. أَوْ غَافِيَةٍ
أَوْ بَلَاءٍ. أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ. أَوْ جِدَّةٍ أَوْ لَأْوَاءٍ. أَوْ قِسْرٍ أَوْ غِنَى.
(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَاجْعَلْ ثَنَانِي عَلَيْكَ. وَمَذْحِي إِثَّاكَ.
وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ خَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا أَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا. وَلَا
أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا. وَأَشِعْزْ قَلْبِي تَقْوَاكَ. وَاسْتَغْفِرْ بَدَنِي
فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي. وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا
أُحِبَّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِكَ. وَلَا أَشْغَطَ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ. وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ. وَانْعَشْهُ

(۵) پروردگارا، اگر روی کریم خویش را از من برگردانی با از فضل و احسان بزرگ محروم داری با روزیت را بر من دریغ نمایی، با اگر وسيله و سبب رحمت را از من قطع کنی جر تو را می به سری چبری از آرزویم نمی بایم، و توان رسیدن به آنچه نزد تو است به کمک غیر تو ندارم، زیرا، من منته نو و در مشت توام، موی پیشانی من در دست توانای تو است. (۶) برای من هیچ امری با بودن فرمان تو نیست. فرمان تو درباره من جاری است و فیه و قدر تو درباره من عین عدالت است، و من توانایی بیرون رفتن از سلطنت تو را ندارم، و نمی توانم از حیطه قدرت تو فراتر روم، و تیر نمی توانم محبت و دوستی تو را متوجه خود کنم، و نه خشنودیت نمی رسم، و به آنچه نزد تو است جز با اطاعت و فرمانبرداری و فروزی رحمت نمی رسم.

(۷) پروردگارا، من، شب را بروز می آورم و روز را به شب می رسانم در حالی که بنده خوار توام، نمی توانم حر با کمک تو نفی به خویش برسانم و ضروری را از خویش دور کنم درباره خودم با آنچه گفتم گواهی میدهم و نه ناتوانی و بیچارگی خویش اعتراف می کنم، پس نو ای خدای بزرگ آنچه را به من وعده داده ای وفا کن و نعمتهایی را که به من ارزانی داشته ای بکمال و انعام برسان، زیرا، من، بنده بی جبر فروتن، ناتوان، سدا حال، کم و بیش، خوار، ضعیف، نارسا و پناهنده نو هستم.

(۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و بگذار که باد تو از باد بزم و نعمتهای تو را فراموش کنم و پیوسته که از احسان تو در مورد آنچه به من بخشیده ای غفلت کنم، و روا مدار که از روا ساختن و احابت تو سست به خودم هر چند دیرتر مرا دریابد نومید شوم خوا، در آسایش باشم و خوا، در ریح، خوا، در سختی و خوا، در خوشگذرانی، در ندرستی باشم با در گرفتاری و بیماری، نیازمند و بد حال باشم با در نعمت، خوا، در توانگری باشم و خوا، در دریشی، نیازمند باشم با بی نیاز.

(۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و چنان کن که سپاس و ستایشم ویژه تو باشد و تنها تو را تپاش کنم و تنها به سپاسگزاری تو در همه احوال لب بگشایم، تا به آنچه از دنیا به من داده ای شاد شوم و بر آنچه از آن باز داشته ای و از کف دادم، اندوهگین نگردم، در دلم برهیزکاری از خودت را الهام کن و بدین را در آنچه مقبول تو است بکار گمار و نفس مرا از هر چه به من رو آورد به طاعت خویش مشغول ساز تا آنچه تو را به خشم می افکند دوست نداشته باشم و آنچه رضای تو را تأمین کند مغرور ندارم. (۱۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و قلب مرا از هر چه جز

يَخَوِّفَكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَقُوَّةً بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَمِلَّهُ إِلَى طَاعَتِكَ،
وَأَجْرِ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ، وَذَلَّلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيْنَا عِنْدَكَ أَيَّامَ
حَيَاتِي كُلِّهَا. (١١) وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى رَحْمَتِكَ
رِخْلِي، وَفِي مَرْضَاتِكَ مَذْخَلِي، وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ، وَهَبْ لِي
قُوَّةً أَتَمِّيلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَاجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ، وَرَغْبَتِي فِيْنَا
عِنْدَكَ، وَالْأَمْسَ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ بَرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْإِنْسَ بِكَ
وَبِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ. (١٢) وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِثَّةً،
وَلَا لَهْ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً، بَلِ اجْعَلْ سُكُونُ قَلْبِي وَأُنْسَ
نَفْسِي وَامْتِعَانِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ. (١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَامْنُنْ عَلَيَّ
بِشَوْقِي إِلَيْكَ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يُسِيرٌ.

(٢٢)

﴿ وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشَّدَّةِ
وَالْجَهْدِ وَتَعَسَّرِ الْأُمُورِ: ﴾

(١) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ أَهْلُكَ بِهِ مِنِّي، وَقُدِّرْتَكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيَّ أَغْلَبَ مِنْ قُدْرَتِي، فَأَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَلَيَّ، وَخُذْ
لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ.

محبت نو است خالی کن، و بباد خود مشغول گردان و از خوف و ترس خویش بلند مرتبه و بیدارش ساز و با رغبت و عشق به سوی خویش توانا باش کن، و به طاعت خویش روی آور نما، و در خوشایندترین راههای به سوی خودت روانه باش فرما، و با رغبت و اشتیاق در آنچه نزد تو است در همه روزهای زندگیم رام و خواری کن.

(۱۱) خدای من، چنان کن که نغزای تو نوشته من از دنیا باشد. و سفر من به سوی رحمت واسعه تو گردد و در خشنودیت مرا داخل کن، و جایگاهم را در بهشت فرار بده و به من توانی عنایت فرما تا ما آن همه خوشنودی تو را بدست آورم. گریزم را بسوی خودت و اشتیاق و خواهش مرا به آنچه نزد تو است فرار ده. خدای من، بر قامت دلم، از آفریدگان بد و شریر، لباس ترس بپوشان و بر من دوستی و انس با خودت و با دوستان و اهل طاعت را ارزانی دار.

(۱۲) پروا مذار آنان که معصیت تو می کنند و تو را به یکتایی نمی پرستند بر من منت گذارند و بر من دسمنی داشته باشند، و نخواه که من دست نیاز به سوی آنها بگشایم، بلکه چنان کن که آرامش دل و آلف جان و بی نیازی و کفایم به تو و نیکان خلق نویسته باشد.

(۱۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا هم نشین آنها فرارم ده و لباقت باری آنها نصیب کن و با شوق و دل باختگی به سوی خودت و با انجام آنچه دوست داری و خوشنود می گردی بر من منت گزار، زیرا تو هر چه چیز توانایی و خواسته من برای تو آسان است.

دعای بیست و دوم:

هنگام سختی و رنج

(۱) پروردگارا، تو به چیزی مرا مکلف فرموده ای که خود به انجام آن از من توانایی، و توانایی تو بر آن و بر من بیشتر از توانایی من است. پس، آنچه تو را از من خشنود می کند به من عطا فرما در حال عاقبت و نندرسنی از من خشنود باش.

(٢) اَللّٰهُمَّ لَا طَاقَةَ لِيْ بِالْجَهْدِ، وَلَا صَبْرَ لِيْ عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِيْ
عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْطُرْ عَلَيَّ رِزْقِيْ، وَلَا تَكِلْنِيْ اِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ
بِحَاجَتِيْ، وَتَوَلَّ كِفَايَتِيْ، (٣) وَانْظُرْ اِلَيَّ وَانْظُرْ لِيْ فِيْ جَمِيعِ اُمُوْرِيْ،
فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنِيْ اِلَى نَفْسِيْ عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ اُقِمْ مَا فِيْهِ مَصْلَحَتُهَا،
وَ اِنْ وَكَلْتَنِيْ اِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّوْنِيْ، وَ اِنْ اَلَجَّائْتَنِيْ اِلَى قُرَابَتِيْ
حَرَمُوْنِيْ، وَ اِنْ اَعْطَوْا اَعْطَوْا قَلِيْلًا تَكِدُّا، وَ مَتَّوْا عَلَيَّ طَوِيْلًا، وَ ذَمُّوْا
كَثِيْرًا، (٤) فَيَبْضُلِكَ، اَللّٰهُمَّ، فَاغْنِنِيْ، وَبِعَظَمَتِكَ فَاغْنِنِيْ، وَبِسَعَتِكَ
فَابْسُطْ يَدِيْ، وَبِمَا عِنْدَكَ فَاكْفِنِيْ، (٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَ خَلِّصْنِيْ مِنَ الْحَسَدِ، وَ احْصُرْنِيْ عَنِ الذُّنُوْبِ، وَ وَرِّعْنِيْ عَنِ الصَّخَاوَةِ،
وَلَا تُجَرِّثْنِيْ عَلَى الْمَعَاصِي، وَ اجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ، وَ رِضَايَ فِيمَا يَرْضَى
عَلَيَّ مِنْكَ، وَ بَارِكْ لِيْ فِيمَا رَزَقْتَنِيْ وَ فِيمَا حَوَّلْتَنِيْ وَ فِيمَا اَنْعَمْتَ بِهِ
عَلَيَّ، وَ اجْعَلْنِيْ فِيْ كُلِّ حَالَةٍ مَحْفُوْظًا مَكْلُوْمًا مَشْهُورًا مَتَّوْعًا مُعَاذًا
مُجَارًا، (٦) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اقْضِ عَنِّيْ كُلَّ مَا اَلَزَمْتَنِيْهِ
وَ قَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِيْ وَجْهِ مِنْ رُجُوْء طَاعَتِكَ اَوْ لِيَخْلُقَ مِنْ خَلْقِكَ
وَ اِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِكَ بَدَنِيْ، وَ هَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِيْ، وَ لَمْ تَنْتَلِ مُقَدَّرَتِيْ،
وَ لَمْ يَسْغُهُ مَالِيْ وَلَا ذَاتُ يَدِيْ، ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيتُهُ، (٧) هُوَ، يَا رَبِّ،
مِثْلًا قَدْ اَخْصِيْتُهُ عَلَيَّ وَ اَغْلَقْتُهُ اَنَا مِنْ نَفْسِيْ، فَاَدِّمْ عَنِّيْ مِنْ جَزَائِلِ
عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيْرٍ مَا عِنْدَكَ، فَاِنَّكَ وَاَسْعُ كَرِيْمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ
مِنْهُ تُرِيدُ اَنْ تُفَاخِصَنِيْ بِهِ مِنْ حَسَنَاتِيْ، اَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِيْ يَوْمَ
الْقَالِكِ يَا رَبِّ، (٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَزْرِقْنِيْ الرُّغْبَةَ
فِي الْعَمَلِ لَكَ لِاخْرَجْتَنِيْ حَتَّى اَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِيْ، وَ حَقِّي

(۲) پروردگارا، بر رنجها و مشغولیا نوائی ندارم و سرگرفتاری و بلا، بردبار و شکیا نیستم و در فقر و تنگدستی نائونم، پس، روزم را از من دریغ مدار و مرا به خلق خویش و امگزار، بلکه خود به تنهایی خواستهم را بر آور و امورم را کفایت کن (۳) و به سوی من بظرکن و در همه کارها بم به من نظر نما، زیرا، اگر مرا بخود و گذاری از انجام آن کارها نائوان خواهم شد و به آنچه مصلحتم در آن است همت نمی گمارم، و اگر مرا به خلق خویش و گذاری با نرشوئی به من بنگرند، و اگر مرا به خویشايم و گذاری از مساعدت، محروم و نومید کنند و اگر ببخشند، اندک و ناگرا ببخشند و منت مراوان نگذارند و نکوهش بسیار روا دارند. (۴) پس به فصل و احسان خویش، ای پروردگار من، بی نیازم گردان و به بزرگی خویش، مرتهام بالاسر، و به قدرت کامله ات، دستم را بگشای (گره از کار فرو بسته من باز کن) و به آنچه نزد تو است بی نیازم کن. (۵) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از نکبت رشک برهان و از آلابش گناهان بازدار، و از حرامها پرهیزگرم فرما و بر گناهان، جوانم ده، و چنان کن که مبل و حواشم نزد تو باشد و خوشنودیم در چیزی باشد که از جانب تو بر من می رسد. و ای خدای من، در آنچه روزم کرده ای و آنچه به من بخشیده ای و احسان کرده ای، برکت و فزونی فرار ده، و مرا در همه حالات، محفوظ دار و عیبها و زشتمیهايم در پرده، پنهان ساز، و از ناگرایهای عالم نگاهم دار و در حوار رحمت پناهم ده. (۶) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در انجام نکالنی که بر من الزام کرده ای موفق بدار، هر چند بدتم از انجام آن، چه برای خود و چه برای آفریده ای از آفریدگانت نائوان باشد و نیرویم از بجا آوردنش سستی نشان دهد. و نوانم به حد آن برسد و سرمایه و دستبارم گنجایش آن را نداشته باشد، خواه آن را بباد داشته یا فراموش کرده باشم (۷) ای پروردگار من، آن تکلیف از نکالنی است که تو بر من واجب شمرده ای و من از روی غفلت آن را انجام نداده ام، پس، به خاطر عطای بزرگ و مراوانی آنچه در خزانه رحمت وجود دارد انجام آن را از جانب من بعهده گیر، زیرا، تو نوانگر بخشنده ای. آری، ای پروردگار بزرگ چنین کن تا در روزی که با تو ملاقات می کنم هیچ چیزی نباشد که بخواهی به خاطر آن، نیکیهایم را کم کسی با پریدهایم ببزایی. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و برای آخرتم شوق و رغبت در عمل برای تو را

يَكُونُ الْغَالِبُ عَلَى الرَّهْدِ فِي دُنْيَايَ. وَحَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا،
وَأَمِنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ قَرَقًا وَخَوْفًا. وَهَبْ لِي نُورًا أُنْشِي بِهِ فِي النَّاسِ،
وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ. وَاسْتَقْبِلِيَّ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَالتَّشْبِهَاتِ
(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَارْزُقْنِي خَوْفَ عَمِّ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ
ثَوَابِ الْمُؤَعَّدِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ، وَكَاتِبَةَ مَا اسْتَجِبُ بِكَ مِنْهُ
(١٠) اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمُ مَا يُضِلُّخَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِخَوَاتِمِي
خَفِيًّا. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِندَ
تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصُّحَّةِ
وَالسَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَطُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي
بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَخْدُثُ فِي خَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمَنِ وَالرِّضَا وَالشُّخْطِ
وَالضَّرِّ وَالنَّفْعِ. (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَارْزُقْنِي سَلَامَةَ
الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَخْضُدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ
فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ
دُنْيَا أَوْ غَايِبَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ
بِكَ وَبِمَنِّكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.
وَارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَالْإِحْرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ فِي خَالِ الرِّضَا وَالْعُصْبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمَا
بِمَنْزِلَةٍ سِوَايَ. غَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَى مَا سِوَا هُمَا فِي
الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجُورِي، وَيَأْمَنَ
وَلِيِّي مِنْ مَنِيْلِي وَانْحِطَاطِي هَوَايَ (١٤) وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا
فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

روزیم فرما تا نور صدق و صفای عمل را در قلب خویش مشاهده کنیم و تا آنکه بی‌رغبتی و زهد در دنیا پر من چیره گردد و از روی اشتیاق کارهای نیک انجام دهیم، و به خاطر بیم و ترس از نو، از کردار زشت ایمن و آسوده باشیم، و به من نوری عنایت فرما که (فراراهم را روش کند و) با آن در میان مردم راه بروم، و در تاریکیها راه را از چاه باز شناسم و از شک و اشتباه روشنی یافته و ایمن باشم. (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و ترس و اندوه از سرانجام سخت و اشتیاقی به پاداشی که وعده داده‌ای روزیم فرما تا لذت چیزی را که نور را برای آن می‌خوانم و مانع چیزی که از آن به نو پناه می‌برم در ذائقه خویش ادراک کنم. (۱۰) خدایا، تو صلاح امر دنیا و آخرت را خوب می‌دانی، پس، به خواسته‌هایم با مهربانی نظر کن.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست. (۱۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنگاه که در سپاسگزاری از تو به خاطر نعمتهایی که در آسایش و سخنی و تندرستی و بیماری پر من ارزانی داشته‌ای کوفته‌ای ورم حزن‌شناسی را روزیم فرما، تا شادی رضا و آراستگی قلب خود را در ادای وظیفه نسبت به تو در حال ترس و ایمنی و خشنودی و خشم، و سود و زیان دریابم. (۱۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به سببم از بیماری حسد سلامتی بخش تا به هیچ یک از آفریدگانت بر نعمتی که از روی فضل و بخشش عطا می‌کنی رشک نبر و تا آنکه هیچ یک از نعمتهای تو را در دین یا دنیا، تندرستی یا پرهیزگاری، گشایش یا آسایش بر هیچ یک از بندگانت نسبم مگر آنکه بهتر از آن را به لطف تو و از سوی تو آرزو کنم ای خدای بی‌شریک. (۱۴) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و به من خودداری از گناهان و دوری از لغزشها را در دنیا و آخرت و در حال خشنودی و خشم ارزانی دار تا حالتی در رویکرد هر یک از آن دو پکسان باشد و به طاعت تو مشغول باشم و در حق دوستان و دشمنان، خشنودی تو را بر غیر خشنودی و طاعت تو برگزینم تا دشمنم از ستم من ایمن باشد و دوستم از خواسته و رویکرد هوای نفسم نومید گردد. (۱۵) و مرا از کسای قرار ده که نور را در حال خوشی و آسایش بسان درماندگان مخلص می‌خوانند، همانا تو ستوده و بزرگواری.

(٢٣)

﴿وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَالَ
اللَّهُ الْعَافِيَةَ وَشَكَرَهَا:﴾

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَلِّسْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلِّسْنِي
عَافِيَتَكَ، وَخَصِّصْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَغْنِنِي
بِعَافِيَتِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَقْرِشْنِي
عَافِيَتَكَ، وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَةً
كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُولِّدُ فِيَّ بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ. (٣) وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالصُّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي
وَبَدَنِي، وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَالتَّغَاذِي فِي أُمُورِي، وَالْحَشْيَةِ لَكَ،
وَالْخَوَافِ مِنْكَ، وَالْقُوَّةَ عَلَى مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَالْاجْتِنَابَ
لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ. (٤) اللَّهُمَّ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْعِجِّ
وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا،
مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ. (٥) وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ
وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِإِنْسَانِي، وَاشْرَحْ لِعِمْرَانِي دِينِكَ قَلْبِي.

دعای بیست و سوم:

دعای آن حضرت در طلب عافیت و شکر آن

(۱) خداوند ابر محمد و آلش درود فرست، و لباس عافیت بر من بپوشان و مرا به عافیت فرو بر، و به عافیت نگه دار، و به عافیت گرامیم دار، و به عافیت بی نیازم کن، و عافیت را بر من صدقه ده، و به من عافیت ببخش، و برایم بسز عافیت بگستر، و امر عافیت را برایم از هر جهت اصلاح کن، و در دنیا و آخرت من و عافیت جدایی مینداز.

(۲) خداوند ابر محمد و آلش درود فرست و مرا عافیت بخش عافیتی کامل و شفا بخش و برتر و روز افزون، عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند و در یک کلمه عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و بر من منت گذار به نذر سنی و امنیت و سلامت در دین و بدن، و بصیرت در دل، پیشرفت در کارها، و هراس و بیم از نو، و سوان و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن فرمان داده‌ای و دوری و پرهیز از نافرمانی که مرا از آن باز داشته‌ای

(۴) خداوند ابر محمد و آلش درودت بر همه آنان باد - گردم، همیشه تا وقتی که مرا در دنیا زنده می‌داری، در امسال و همه سال، و آن عبادات را پذیرفته و مایه پاداش و منظور نظر و ذخیره‌ام نزد خود قرار ده

(۵) و زبانم را به حمد و شکر و باد و ستایش حبلت گویا کن، و قلبم را برای پذیرش هدایای دینت گشاده ساز.

(٦) وَأَعِزَّنِي وَذَرِّئِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ
وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَثْرَفٍ خَفِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ
وَشَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَضَعِيفٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ،
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ
بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا،
إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ
أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي، وَادْخِرْ عَنِّي مَكْرَهُ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ،
وَرُدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، (٨) وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُسْغِمَ عَنِّي
بَصْرَهُ، وَتُصِمَ عَنْ ذِكْرِي سَمْعَهُ، وَتُغْفِلَ دُونَ إِحْطَارِي قَلْبَهُ،
وَتُحْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ، وَتَقْمَعَ رَأْسَهُ، وَتُذِلَّ عِزَّهُ، وَتَكْسِرَ جَبَرُوتَهُ،
وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ، وَتَنْسَحَ كِبَرَهُ، وَتُؤَمِّسَ مِنْ جَمِيعِ ضَرَرِهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ
وَهَمِّهِ وَلَمَزِهِ وَحَسَدِهِ وَغَدَاوَتِهِ وَحَسْبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ وَرَجْلِهِ
وَخَيْلِهِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

﴿٢٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْوِيهِ
عَلَيْهَا السَّلَامُ:

(١١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَآهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ،
وَاحْضَنْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شهبان رانده شده و از شر جانوران زهردار عبر کشیده و زهردار گشوده، و سایر جانوران و چشم زخم، و از شر هر شهبان سرکش و از شر هر پادشاه منمگر، و از شر هر خوشگدوان ناز پرورده سرکش، و از شر هر ضعیف و قوی، و از شر هر عالی مقام و فرومایه، و از شر هر کوچک و بزرگ، و از شر هر نزدیک و دور، و از شر هر کسی از جن و انس که به جنگ پیامبر و اهل بیتش شتافته و از شر هر جنبه‌ای که مسخر قدرت نوست پناه ده، زیرا که تو در سلطنت بر صراط راست و عدلی.

(۷) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و هر که درباره من اندیشه بد داشته باشد او را از من بگردان، و بیرنگش را از من دور کن و شورش را از من بازدار، و مکرش را به خودش برگردان.

(۸) بر سدی در مقابلش بیاکن که چشمش را از دیدن من کور، و گوشش را از شنیدن باد من کمر سازی، و دلش را هنگام باد من قفل نمایی، و زیانش را از گفتگو درباره من لال سازی، و سرش را به گزند بگیری، و عزنش را به ذلت بدل کنی، و بزرگیش را بشکنی، و گردنش را به خوار فرود آوری، و کبر پایش را بر هم زنی، و مرا از همه زبان و بدی و طعن و خبیثت و عیب جویی و حسد و دشمنی و بندها و دامها و پیاده‌ها و سواره‌های او ایمن سازی، زیرا که تو غالب غیر مغلوب و دارای توانایی بی‌نهایتی

دعای بیست و چهارم:

دعای آن حضرت برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوند! بر محمد بنده و فرستاده‌ات و بر خاندان پاکش درود فرست، و آنان را به بهترین درودها و رحمت و برکات و سلام خود اختصاص بفرما.


(٢) وَاخْصِصِ اللَّهُمَّ وَالِدَيَّ بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَوةَ وَمِثْلَكَ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآلِهِنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ
 لِهَذَا عَلَى الْهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَاماً، ثُمَّ اسْتَغْلِيْنِي بِمَا
 تُلْهِمُنِي مِنْهُ، وَوَقِّنِي لِلتَّوَدُّ فِيْمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي
 اسْتِعْمَالُ سَيِّئَةٍ عَلَّيْتَنِيهِ، وَلَا تَنْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْخُفُوفِ فِيْمَا آلَهْتَنِيهِ
 (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَيِّمِهِ. (٥) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
 أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بِرَ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ
 طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَبِرِّي بِهِمَا أَقَرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ، وَأَسْلَجَ
 لِيْصْدِرِيْ مِنْ شَرِّبَةِ الظُّلُمَانِ حَتَّى أُوْرِيَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأُقَدِّمَ
 عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَاسْتَكْبِرَ بِرَّهُمَا بِيْ وَإِنْ قُلْتُ، وَأَسْتَقِيلَ بِرِّيْ
 بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ. (٦) اللَّهُمَّ خَلِّصْ لِهَذَا صَوْنِي، وَأَطِبْ لِهَذَا كَلَامِي،
 وَارْنِ لِهَذَا عَرِيْكَتِي، وَاعْظِفْ عَلَيَّهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقاً،
 وَعَلَيْهِمَا شَفِيقاً. (٧) اللَّهُمَّ اسْكُرْ لِهَذَا تَرْبِيَّتِي، وَارْتَبِّهْهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي،
 وَاحْفَظْ لِهَذَا مَا حَفِظَهُ مِنِّي فِيْ صَغَرِيْ. (٨) اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي
 مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّيْ مِنْ مَكْرُوْهِ، أَوْ ضَاعَ قِبَلِيْ لِهَذَا مِنْ حَقٍّ
 فَأَجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُؤُوبِهِمَا، وَعَسْوَاً فِيْ دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيَادَةً فِيْ
 حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبْدِلَ السَّنَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ. (٩) اللَّهُمَّ وَمَا
 نَعَدْتُ يَا عَلَيَّ فِيْهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفْتُ عَلَيَّ فِيْهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَعَّاهُ لِيْ مِنْ
 حَقٍّ، أَوْ قَصَّرْتُ بِيْ عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لِهَذَا، وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا
 وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيْ وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَنْهَمُهُمَا عَلَى نَفْسِي،
 وَلَا أَشْتَطِيطُهُمَا فِيْ بِرِّيْ، وَلَا أَكْزِرُهُمَا تَوَلِّيَّاهُ مِنْ أَمْرِيْ يَا رَبِّ.

(۲) الهی پدر و مادرم را به کرامت نرد خرد و درود از سوی خود ممتاز کن. ای مهربانترین مهربانان. (۳) خداوند ابر محمد و آلش درود فرست؛ و دانستن آنچه در باره ایشان بر من لازم است به من الهام کن، و آموختن همه آن واجبات را بی کم و کاست برابم فراهم نما، آنگاه مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده‌ای بکارگیر، و توفیق ده تا نسبت به آنچه به من نصبت می‌دهی اقدام کنم، تا بکار بستن چیزی از آنچه به من تعلیم داده‌ای از دستم نرود و از خدمتی که به من الهام فرموده‌ای احساس سنگینی نکنند. (۴) خداوند ابر محمد و آلش درود فرست همانطور که ما را به وجودش شرافت بخشیدی و بر محمد و آلش درود فرست آن سان که به نسبت آن حضرت برای ما حقی بر عهده مردم واجب نمودی (۵) خداوند چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیساک باشم، و به هر دو چون مادری مهربان بکنی، و اطاعت از آنان و خوشرفتاری با آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلود شیرینتر و برای سببم از شربت گوارا در ذائقه تشنه گواراتر گردان، تا حواسه ایشان را به خواسته خود ترجیح دهم، و حوسندی آنان را بر حوسندی خود مقدم دارم، و حوسنی ایشان در ماره خود هر چند اندک باشد زیاد بینم، و نسکویی خود را در ماره ایشان هر چند بسیار باشد کم بشمارم. (۶) خداوند، صدایم را در محضر آنان ملایم کن و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما، و خویم را نسبت به آنان نرم کن، و فلیم را بر آنها مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو خوشرفتار و دلسوز قرار ده. (۷) خداوند به آنها به پامن نریخت من جزای بیکو عنایت فرما و در مقابل آنکه مرا گرامی داشتند جزای حبر عطا فرما، و هر رنجی را در کودکی نسبت به من تحمل کرده‌اند در حق ایشان منظور کن. (۸) خداوند اگر از جانب من آزاری به آنان رسیده یا از من کار ناحوشابندی دیده‌اند یا حقی از آنان بوسیله من از بین رفته همه را موجب پاک شدن آنان از گناهانشان و ساقیه رفعت مقامشان و افزونی حسانتشان قرار ده، ای که ندبها را با چندین برابر به حوس تبدیل می‌کنی. (۹) الهی اگر در گفتار یا من از اندازه بیرون رفته‌اند یا در عملی نسبت به من زیاده روی نموده‌اند یا حقی را از من صایع کرده‌اند یا از وطیقه پدری و مادری در باره من کوتاهی نموده‌اند، من این حق خود را به آنان بخشیدم و آنرا مایه احسان بر آنها قرار دادم و از تو می‌خواهم که و زرو و مال آنرا از خوش آنان بر داری زیرا که من نسبت به خود، آنان را متهم نمی‌کنم و آنان را در مهربانی در حق خودم سهل انگار نمی‌دانم و از آنچه درباره‌ام انجام داده‌اند ناراضی نیستم ای پروردگار من.

(١٠) فَهَمَّا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّْ، وَأَعْظَمُ مَسْئَةً لَدَيَّ
 مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدَلٍ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلٍ، أَيْنَ إِذَا - يَا إِلَهِي -
 طَوَّلُ شُعْلِهِمَا بِتَرْبِيتِي؟! وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعْبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟! وَأَيْنَ
 إِثَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوْبَةِ عَلَيَّ؟! (١١) هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ
 مِنِّي حَقَّهُمَا، وَلَا أَذْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَلَا أَنْبَاقِضُ وَظِيفَةَ
 خِدْمَتِهِمَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِّي يَا حَيُّ مَنْ اسْتُجِبَ بِهِ،
 وَوَفَّقَنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الشُّعُوقِ
 لِلْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.
 (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاحْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ
 مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ. (١٣) اللَّهُمَّ لَا تُسَيِّئْ ذِكْرَهُمَا فِي أَذْيَارِ صَلَوَاتِي،
 وَفِي إِنَاءٍ مِنْ أَنَاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي.
 (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَاعْفِرْ
 لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَشًّا، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا
 رِضًى عَزْمًا، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ. (١٥) اللَّهُمَّ
 وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ
 لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ
 مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ، وَأَنْتَ
 أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۱۰) زیرا رعایت حق آنان بر من واجبتر و احسانشان نسبت به من دیرینتر و نعمشان بر من بیشتر از آن است که آنان را از روی عدل فضاصل کنم، یا نسبت به ایشان مانند آنچه نموده‌اند رفتار کنم، الهی اگر چنین کنم پس روزگار مدیدی که در تربیت من سپری کرده‌اند، و رنجهای زیادی که در نگاهداری من تحمل نموده‌اند و آن همه که بر خود تنگ گرفتند تا به زندگی من گشایش بخشند چه می‌شود؟

(۱۱) بعد است که پدر و مادرم بتوانند حق خود را از من بستانند و من نمی‌توانم حقوقی را که از آنها بر عهده دارم ندارک نمایم و وظیفه خدمت آنان را انجام دهم، پس بر محمد و آلش درود فرست، و مرا باری ده ای بهترین کسی که از نو باری جویند، و مرا توفیق ده ای راهنماینده هر کسی که به او روی می‌آورند، و در آن روز که همه بدون آنکه بر آنان ستم رود حرامی بپسد مرا در زمرة آنان که عاق پدر و مادرند قرار ده.

(۱۲) خداوند! بر محمد و آل او و پس از درود فرست، و پدر و مادرم را به بهترین چیزی که پدران و مادران بینندگان با ایمانت را به آن امیناز داده‌ای مخصوص گردان، ای مهربانترین مهربانانم  مسوئ
(۱۳) خداوند! باد آنان را در پس نمازهایم، و در اوقات ششم و در ساعات روزم از صفحه قلمم بردای.

(۱۴) خداوند! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان دارم بیمارز، و آنان را بخاطر خوبیهای که در حق من داشته‌اند مشمول آموزش حمی خود قرار ده و به شفاعت و میانجیگری من از آنان بطور مسلم خشنود شو و آنان را با کرامت به سر منزل مقصودشان در بهشت برین برسان.

(۱۵) خداوند! اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیدی پس ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنان مورد آموزش خود قرار دادی پس مرا شفیع ایشان بنما، تا در پرتو مهربانیت در سرای کرامت، و جایگاه مغفرت و رحمت گرد آیم، زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرین هستی و تو مهربانترین مهربانانی.

(٢٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلِيهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بِقَاءُ وَلَدِي وَبِاصْلَاحِهِمْ لِي وَبِامْتِنَاعِي
بِهِمْ. (٢) اَللّٰهُمَّ اَمْدُدْ لِي فِيْ اَعْمَارِهِمْ. وَزِدْ لِي فِيْ اَجَالِهِمْ.
وَرَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ. وَقَسْوَلِيْ ضَعْفَهُمْ. وَاصْحَ لِي اَبْدَانَهُمْ
وَأَرْبَابَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ وَعَافِيَهُمْ فِيْ أَنْفُسِهِمْ وَفِيْ جَوَارِهِمْ
وَفِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِمْ مِنْ أَمْرِهِمْ. وَأَذْرِ لِي وَعَلَى يَدِيْ
أَرْزَاقَهُمْ. (٣) وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتَيْنَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ
لَكَ. وَلِأَوْلِيَائِكَ مُجْتَبِينَ مُنَاصِحِينَ. وَلِجَمِيعِ أَغْدَانِكَ مُغَانِدِينَ
وَمُتَبِعِينَ. آمِينَ. (٤) اَللّٰهُمَّ اشدِّدْ بِهِمْ عَضْدِي. وَأَقِمْ بِهِمْ
أَوْدِي. وَكثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي. وَزَيِّنْ بِهِمْ مَخْضَرِي. وَأَخِي بِهِمْ
ذِكْرِي. وَانْكِنِيْ بِهِمْ فِي غَيْبِي. وَأَعِزِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي. وَاجْعَلْهُمْ
لِي مُجْتَبِينَ. وَعَلَى خَدِيدِيْنِ مُسْتَقِيمِيْنِ لِي. مُطِيعِيْنِ غَيْرِ
عَاصِيْنِ وَلَا عَاقِبِيْنِ وَلَا مُخَالِفِيْنِ وَلَا خَاطِبِيْنِ. (٥) وَأَعِزِّي عَلَى
تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ. وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَاداً ذُكُوراً.
وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْراً لِي. وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْناً عَلَى مَا سَأَلْتُكَ.

دعای بیست و پنجم:

دعای آن حضرت درباره فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا با بغای فرزندانم و با شایسته نمودن ایشان برای من و با برحورداری من از آنان، بر من منت گذار.

(۲) خداوندا عمر آنان را برابم طولانی گردان، و ایام زندگیشان را برای من ببلغا و خودسائشان را برابم نریب کن و نانوایشان را برابم نبرو ده و بدنهای و دین و اخلافتشان را برابم به سلامت دار، و به آنان در جان و اعضا و هر کارشان که برابم مهم است عافیت بخش و برای من و به دست من روزی آنان را وسعت ده.

(۳) و آنان را نیکوکارانی با تقوا، و صالحان بصیرت و شنوای حق و مطیع خودگردان و نسبت به اولیاء خود عاشق و خیر خواه، و نسبت به دشمنان دشمن و کینه نوز قرار ده، الهی دعایم را اجابت فرما.

(۴) خداوندا بازویم را با و جریشتان نیرومند، و اختلال امورم را با آنان اصلاح و دودمانم را به سبب آنان بسپار، و مجلسم را با وجودشان آراسته و بادم را با آنان زنده دار و کارم را در سودم بوسیله آنان کفایت کن و بدست آنان در پر آمدن نیازم باریم کن آنان را دوستان من قرار ده و بر من عطف و مهربان ساز و رویشان را به سوی من و براء مستقیم من بدار تا از من اطاعت کنند و روی در نافرمانی من ننهند و نسبت به من نافرمانی و بدی و مخالفت و خطا نداشته باشند.

(۵) و مرا در نریب و خوبی کردن به آنها باری فرما و با عنایت خود علاوه بر آنان بر من فرزندان ذکر دیگر نیز عطا فرما و در این کار برابم حیر قرار ده و آنان را بر آنچه از تو می خواهم بار و باور قرار ده.

(٦) وَأَعِزَّنِي وَذَرِّسْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَعَيْتَنَا فِي ثَوَابٍ مَا أَمَرْتَنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ. وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سُلْطَنَةً مَنَا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ؛ أَشَكَّتَهُ صُدُورَنَا، وَأَخْرَيْتَهُ مَجَارِي دِمَائِنَا. لَا يَقُولُ إِنْ عَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ، وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ. (٧) إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ سَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَخَّلْنَا عَنْهُ. يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذَبْنَا، وَإِنْ مَنَّا أَخْلَفْنَا، وَالْأَفْئِدَةُ عَنَّا كَيْدُهُ يُمِضُّنَا، وَالْأَفْئِدَةُ خِيَالُهُ يَشْتَرِنَا. (٨) اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَخْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتَضَيِّعَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَقْصُومِينَ بِكَ. (٩) اللَّهُمَّ أَغْنِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَعْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ. (١٠) وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَنْعُومِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ. (١١) الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ، الزَّاهِبِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِبِينَ بِعِزِّكَ، الْمُوسِعَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقُ الْخَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُعْرِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِبِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ، وَالْمُعَافَيْنَ مِنَ الْجَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُعْتَنِينَ مِنَ السَّقَرِ بِغِنَاكَ، وَالْمَقْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزُّلْمِ وَالْخَطَا بِسِقْوَالِكَ، وَالْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ، الثَّارِكِينَ لِكُلِّ مَغْصَبِكَ، الشَّاكِينَ فِي جَوَارِكَ.

(۶) پوچرا و فرزندانم را از شر شیطان رانده شده حفظ کن، زیرا تو ما را آفریده‌ای و به ما امر و نهی فرموده‌ای و در اجر اطاعت از امر خود نشوین کرده‌ای و به ارتکاب نهی خود با عذاب نهدیدمان نموده‌ای و برای ما دشمنی فرار داده‌ای که با ما نیرنگ می‌کند و به او تسلطی داده‌ای که ما به اندازه او سلطه‌ای نداریم او را در دلهای ما جای داده‌ای و در شهرهای خونیان روانه کرده‌ای اگر ما از او غفلت کنیم او از ما غافل می‌شود و اگر فراموشش کنیم او ما را فراموش نخواهد کرد ما را از عقاب تو ایمن می‌سازد و از صبر تو می‌ترساند (۷) چون به کار رشت همت کنیم ما را به آن دلیر می‌نماید و چون به عمل صالح رو آوریم ما را از آن باز می‌دارد با شهوات در حسنجوی ماست و با شهوات برای ما دام می‌گسند اگر به ما وعده دهد دورغ گوید و اگر ما را به نویدی دلخوش کند تحلف می‌کند ای خدای بزرگ اگر تو حیل و نیرنگش را از ما نگردانی ما را گمراه می‌کند و اگر از فساد او نگاهمان نداری ما را دچار لغزش می‌سازد. (۸) خداوند تسلط تو را با سلطت خودت از ما دور کن تا با دعای فراوان ما او را از ما بارداری در پناهت از میرنگ او در رمه بی‌گناهان فرار گیریم. (۹) خداوند تمام خواسته‌هایم را عطا کن و حوائج ما را بر آور، مرا از اجابت دعا ممنوع نکن که تو خود اینچنان دعا را برابم تضمین کرده‌ای و دعایم را از خودت محبوب می‌ساز که تو خود مرا به دعا فرمان داده‌ای، ای خدای بزرگ بر من ما هر چه که در این جهان و آن جهان باعث اصلاح حالم شود منت گذار خواه آن را باد آور شده خواه فراموش کرده باشم اظهار کرده باشم آشفته باشم آشکارا در خواست کرده باشم یا در پنهانی. (۱۰) بودر تمام این حوائج به سبب نفاضایی که شما از تو دارم موا از کسانی که کار خود به اصلاح آورند فرار ده آنان که به درخواستشان از تو در شمار کامیابان در آمدند و به خاطر اعتماد بر تو از لطفت محروم نشدند. (۱۱) از آن گروه که به پناه آوردن به تو سو کرده و از سوداگری یا نوسود سرشار بردند آنان که در پناه عزت جای گرفتند و به خود و کرم از فضل واسع تو روزی حلال و وسیع یافتند و به عنایت تو از خواری به عزت رسیده و از منم در پناه عدل تو زندگی می‌کنند و به رحمت از بلا رهیده و به بی‌نیازی تو از فقر و نداری به توانگری رسیده‌اند و به حفظ تو از گناهان و لغزشها و خطاها در امان مانده و در مابۀ طاعت به حیر و رشد و ثواب موفق گردیده‌اند و به قدرت تو میان آنان و گناهان حایلی ایجاد شده و هر گونه نافرمانی تو را رها کرده و در حوار رحمت ساکن شده‌اند.

(١٢) اَللّٰهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَرْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَاعِزَّنَا مِنْ عَذَابِ
السَّعِيرِ. وَاعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
وَأَجَلِ الْآخِرَةِ. إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ رَوْفٌ رَحِيمٌ.
(١٣) وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

﴿٢٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ
وَأَوْلِيَّائِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَمَوَالِي
الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَانِيكَ. (٢) وَفُتِّهِمْ
لِلْإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَخَاسِنِ آدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعْفِهِمْ، وَسَدِّ
خَلَّتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِيهِمْ، وَمُنَاصَحَةِ
مُسْتَشِيرِيهِمْ، وَتَعَهُّدِ قَادِيهِمْ، وَكَيْفَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَسَرِّ عَوْرَاتِهِمْ،
وَنُصْرَةِ مَظْلُومِيهِمْ، وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ
بِالْجِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ (٣) وَاجْعَلْنِي
اَللّٰهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسْتَهْتَمًا، وَأَعْرِضْ بِاتِّجَاوِزٍ عَنْ ظَالِمِيهِمْ،
وَأَسْتَغْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ، وَاتَوَلَّنِي بِأَلْبَرِّ عَامَّتِهِمْ، وَأَعْصُ
بَصَرِي عَنْهُمْ عَقَّةً، وَأَلْبِنْ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضَعًا، وَأَرِقْ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ

(۱۲) خداوند همه این امور را به نوبین و رحمت خودت به ما عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ پناه ده و به مقام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان همه آنچه را که برای خود و فرزندان از نوحا ستم در این جهان فانی و در آخرت باقی عنایت کن که نو نزدیک و احابت کنند و شنوا و دانا و عفو کننده و آمرزنده و دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) یو ما را در دنیا حسنه و در آخرت حسنه مرحمت فرما و از عذاب جهنم حفظ کن.

دعای بیست و ششم: در باره همسایگان و دوستانش

(۱) بار خداها بر محمد و آلش درود فرست و مرا در مورد رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در سبزند به بهترین صورت باری فرما.

(۲) پر ایشان را برای به پا داشتن سنت خود و بکارگرفتن آداب نیکوبت در ارفاقی به ضعیفان و بر آوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خبرخواهی نسبت به مشورت کنندگان و دبدار نمودن از مسافران برگشته به وطن و پنهان داشتن راز مردمان و پوشاندن عیوب ایشان و باری دادن به ستم‌بدگان و حسن مواسات در مباحثات زندگی با آنان و دریغ نروریدن از پیشکش و بخشش فراوان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است، پیش از در خواست موافق فرما.

(۳) بار خداها مرا نوبین ده که پاداش بذکارشان با احسان دهم و از ستمکارشان باگذشت و بخشش صرف نظر کنم و نسبت به همه آنان با گمان نیک رفتار کنم و با همه آنان به نیکی رفتار کنم و چشم از خطای آنان عیبفانه پیوشم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و بر بلاد بدگان آنان از روی رحمت رفت آورم و در نبودشان دوسنی و محبت خود را بر آنان فراوان سازم و از سر اخلاص دوام

مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً، وَأَجِبْ بَقَاءَ التَّغَنِّي عِنْدَهُمْ نُصْحًا،
وَأُوجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِخَاصَّتِي، وَأَزْعِ لَهُمْ مَا أَزْعِي لِخَاصَّتِي.
(٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ
لِي أَوْفَى الْخُطُوطِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَعْرِفَةً
بِقُضَايَايَ حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَاسْعَدَ بِهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

﴿٢٧﴾

وَكُنْ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ،
وَإَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ، وَاسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جَدَّتِكَ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَاسْحَدْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَاحْرُسْ
حَوَازِيَهُمْ، وَاسْنَعْ حَوَاسِيَهُمْ، وَآلِفْ جَنَفَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَوَارِزْ بَيْنَ
مِيَرِهِمْ، وَتَوَخَّذْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ، وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَاعْنِهِمْ بِالصَّبْرِ،
وَاطْفُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرِّفْهُمْ مَا
يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ. (٤) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُشَانِهِمْ
الْخِدَاعَةِ الْغُرُورِ، وَامْشَعْ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ السَّالِ الْفِتُونِ،
وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نَضَبَ أَعْيُنِهِمْ، وَلَوْحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا
مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَالْحُورِ الْحِسَانِ وَالْأَنْشَارِ

نعمت آنان را آرزو کنم و هر چه را برای خوبشان خود لازم می‌دانم در حق آنان لازم بدانم و آنچه را برای نزدیکان خود رعایت می‌کنم برای آنان نیز رعایت نمایم

(۴) خداوند ابر محمد و آل او درود فرست و بر من نیز چنین رفتاری را از سوی آنان نصیب فرما و براهم از بیشترین بهره‌ها و بکیهائی که نزد آنان است فرار ده و بصیرت آنان در حق من و معرفشان را به فضل من زیاد کن تا به وسيله من اهل سعادت شوند و من نیز به سبب آنان سعادتمند شوم خداوند ا دعایم را مستجاب فرما.

دعای بیست و هفتم:

دعای آن حضرت برای مرز دلران

(۱) بار الها بر محمد و آلش درود فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت پاس دلو و نگهبانان مرزها را به قوت تأیید کن و عطایای ایشان را به توانگری بی‌پایانت سرشار ساز *و از آنکه در مرزهای خود*

(۲) بار خدا یا بر محمد و آلش درود فرست و بر شمار ایشان بهزاد و اسلحه و جنگ افزارشان را مژائی ده و از قلمرو آنان محافظت فرما و حوالب جبهه آنان را محکم و نفوذ ناپذیر گردان و جمع آنان را یکدلی و هماهنگ ساز و کارشان را روپراه کن و آذوقه‌شان را پیاپی برسان و خود به تنهایی مؤونه آنان را کفایت فرما و به نصرت خود نقویشان فرما و به صبر باریشان ده و بر آنها در چاره جورثها مهربان باش.

(۳) بار خدا یا بر محمد و آلش درود فرست و به آنان آنچه نمی‌دانند بیاموز و از آنچه بی‌خبرند آگاهشان ساز و به آنچه بهشت ندارند بیش عطا کن.

(۴) بار خدا یا بر محمد و آلش درود فرست و به هنگام برخورد با دشمن، دنیای دلفریب را از خاطرشان ببر و اندیشه‌های مال و دارائی فتنه‌انگیز را از دلهایشان محو کن و بهشت را نصب العین آنان قرار ده و در برابر دبدگانشان آنچه که در بهشت فراهم آورده‌ای از مساکن ابدی و منازل کرامت و حوریان زیبا روی

الْمُطَرِّدَةِ بِالنَّوْاعِ الْأَشْرَبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمَدْلِيَّةِ بِصُوفِ الشَّرِّ حَتَّى
لَا يَهُمَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْأَذْبَارِ. وَلَا يُحْدِثُ نَفْسُهُ عَنْ قِرْنِهِ بِغَيْرِهَا.
(٥١) اللَّهُمَّ اكْشُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَاقْلِبْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَفَرِّقْ
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَاخْلَعْ وَثَاقَ أَسِيدَتِهِمْ، وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ
وَبَيْنَ أَرْوَاحِهِمْ. وَخَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ،
وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعُدَّةَ. وَامْلَأْ أَسِيدَتَهُمُ الرُّغْبَ،
وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَاخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ التُّطْقِ، وَشَرِّدْ
بِهِمْ مَنْ خَلَقَهُمْ وَتَكَلَّ بِهِمْ مَنْ وَزَّاهُمْ، وَاقْطَعْ بِخَزَائِهِمْ أَطْنَاعَ
مَنْ بَعْدَهُمْ. (٦١) اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَبَيِّنْ أَضْلَابَ رِجَالِهِمْ،
وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَائِبِهِمْ وَانْغَامِهِمْ، لَا تَأْذَنَ لِنِسَائِهِمْ فِي قَطْرِ،
وَلَا لِأَرْحَامِهِمْ فِي ثَبَابِ. (٧١) اللَّهُمَّ وَقِّ بِذَلِكَ مَحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ،
وَخَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَتَمَرِّبْ أَمْوَالَهُمْ، وَفَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ
لِعِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخُلُوعِ بِكَ حَتَّى لَا يُغْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ
غَيْرُكَ، وَلَا تُعْتَرِ لَأَحَدٍ مِنْهُمْ جَنَّةٌ دُونَكَ. (٨١) اللَّهُمَّ اعْزُ بِكُلِّ
نَاجِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَازَانُهُمْ مِنَ الشُّرَكَاءِ، وَامْدِدْهُمْ
بِمَلَائِكَتِكَ مِنْ عِندِكَ مُزِدِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ الثَّرَابِ قَتْلًا
فِي أَرْضِكَ وَأَشْرًا، أَوْ يُقَرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ. (٩١) اللَّهُمَّ وَاعِظْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ
مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالْثُرُكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالْثُوبَةِ وَالزُّنْجِ
وَالسَّقَاتِيَّةِ وَالْدِّيَالَمَةِ وَسَائِرِ أُمَمِ الثُّرُكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ
وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَخْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.

و نه‌رهای روان با آشامیدنهای رنگارنگ و درختانی بارور با میوه‌های گوناگون جلوه ده تا هیچ کدام از آنان آهنگ پشت کردن به دشمن ننماید و فکرگریز از هم‌آورد را از خاطر نگذارند.

(۵) بار خدا با بدین وسیله دشمنانشان را درهم شکن و چیره‌گی دشمن را نیست به آنان نآورد کن و بین دشمن و جنگ افروشان جدایی افکن و بندهای دلشان را بگسل و میان دشمن و ره نوشته آنان جدایی انداز و در راهها سرگردانشان کن و از مقصد گمراهشان ساز و کمک و مدد را از آنان قطع فرما و از شمار آنها بکاه و دلشان را پر از رعب و وحشت کن و دشمنشان را از انجام فعالیت گسترده کوتاه کن و زبانشان را از سخن بر علیه آنان قطع فرما و با شکست دشمن، جمع پشت سر ایشان را متفرق کن و بواسطه شکست ایشان، پیروانشان را از ادامه جنگ باز دار و باخواری و رسانی آنها، طمع کسانی را که پس از آنها می‌آیند قطع فرما.

(۶) بار خدا با زنانشان را از بارداری عظیم کن و صلب مردانشان را خشک فرما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفندشان را قطع کن، به آسمانشان اجازه باریدن و به زمینشان اذن روئیدن مده. (۷) الهی بدانچه تو خواستم قدرت و تدبیر اسلامیان را بیرو بخش و شهرهایشان را در دژ مستحکم فرار ده و اموالشان را مزوی ده و حاکمیشان را از جنگ با دشمن برای زندگی حودت و از کارزار با آنان برای خلوت و راز و نیاز با حودت آسوده کن تا در سراسر زمین تو جز تو را نپرسند و احدی از آنان خبر برای تو صورت به حاک نمایند. (۸) بار خدا با به وسیله مسلمانان در هر ناحیه با مشرکانی که در برابر آنان مبارزه کن و بر ایشان از جانب خود با صفوف پیاپی از مرشنگانت مدد فرست تا دشمنان را به دورترین نقطه زمین رانده و شویشان را ماکشتن و اسارت آنان از سر مردم بردارند با اینکه به وحدانیت تو که برایت همنا و شریکی نیست افرا نمایند.

(۹) بار خدا با همه دشمنان را به این سروشت گرفتار کن در هر سرزمینی که باشند چه در هند و روم و ترکستان و خزر و حشه و یوه و زنگبار و سرزمین سفالیه و دهلان و دیگر طوائف مشرکین که نام و نشانشان بر ما معلوم نیست و تو به علم خود شمارشان را می‌دانی و به قدرت خود بر ایشان اشراف داری.

(١٠) اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالشُّرَكِيِّ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ
 الْمُسْلِمِينَ، وَخُذْهُمْ بِالنَّقِصِ عَنْ تَنْقِصِهِمْ، وَتَسْطِطْهُمْ بِالنَّفَرَةِ
 عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. (١١) اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَةِ، وَابْدَأْهُمْ
 مِنَ الْقُوَّةِ، وَادْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ، وَأَوْهِنِ أَرْكَائَهُمْ عَنِ
 مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ، وَجَبِّتْهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْإِبْطَالِ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ
 جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَنْأَسُ مِنْ بَأْسِكَ كِفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ
 دَابِرَهُمْ وَتَحْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَتُفَرِّقُ بِهِ عِدَدَهُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ
 وَامْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَأَطْعِمْتَهُمْ بِالْأَذْوَاءِ، وَارْزُقْهُمْ بِبِلَادِهِمْ
 بِالْخُسُوفِ، وَالْإِسْحَاقِ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ، وَافْرِغْهَا بِالْمُغُولِ،
 وَاجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصَى أَرْضِكَ وَابْتَعِدْهَا عَنْهُمْ، وَامْسَحْ حُصُونَهَا
 مِنْهُمْ، أَصِيبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسُّتْمِ الْإِلِيمِ. (١٣) اللَّهُمَّ وَإِنَّمَا
 غَارَ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهِدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُلْطَتِكَ
 لِيَكُونَ دَيْنُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَهُ
 الْيُسْرَ، وَهَيَّئْ لَهُ الْأَمَرَ، وَتَوَلَّهِ بِالنَّجْحِ، وَتَخَيَّرْ لَهُ الْأَصْحَابَ،
 وَاسْتَقْوِ لَهُ، الظَّلْمَ، وَاسْبِغْ عَلَيْهِ فِي التَّقَاتِ، وَمَتَّعْهُ بِالنَّشَاطِ،
 وَأَطْفِئْ عَنْهُ حَرَارَةَ الشُّوْقِ، وَأَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ، وَأَنْسِهِ
 ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ. (١٤) وَأَنْزِلْهُ حُسْنَ النِّيَّةِ، وَتَوَلَّهِ بِالْغَافِيَةِ،
 وَأَضْحِجْهُ أَسْلَامَةً، وَأَغْنِهِ مِنَ الْجُبْنِ، وَالْهَيْئَةُ الْجُرْأَةَ،
 وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَأَيِّدْهُ بِالثُّبُورَةِ، وَعَلِّمْنَهُ السَّيْرَ وَالسُّنَنَ،
 وَسَدِّدْهُ فِي الْحُكْمِ، وَأَغْرِزْهُ عَنْهُ الرِّيَاءَ، وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّعْيَةِ،
 وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَفْعَهُ وَإِفَامَتَهُ، فَيْكَ وَلَكَ.

(۱۰) بار خدا یا مشرکان را با گرفتار شدن به خویش از دستیابی بر سرزمینهای مسلمانان بازدار و آنان را با کاستن عدویشان از کاستن مسلمین باز دار و رشته اتحادشان را با تفرقه بگسل تا از همدستی علیه مسلمانان باز مانند.

(۱۱) خدا یا دلہاشان را از آرامش و بدہاشان را از نوانایی پی بہرہ کن و دلہاشان را از چارہ جویی غافل ساز و اعضائشان را در ہماوردی ہا مردان مسلمان مست گردان و از زد و خورد ہا دلبر مردان اسلام در دلشان ہراس افکن و سپاہی از ملائکہات را برای نرس و عذاب بر آنان ہر انگیز چنانکہ روز بدر چنین کردی و بدہنسان ہپانشان را ہر گنی و شوکنشان را ریشہ کن سازی و جمعہیشان را پراکنده مہایی.

(۱۲) بار خدا یا آب آشامیدنی آنان را بہ ویہ و خوراکشان را بہ بیماریہا مخلوط کن و شہرہایشان را در زمین فرو بر و بہرہستہ بر آنان سنگ باران و بہ فحطی و خشکسالی دچارشان ساز و آذوقہ آنان را در می برکت نرس و دور نرس مفاط زمین فرار دہ و دژہای آن زمین را او حذافہت آنان باز دار و گرسنگی دائم و بیماری دردناک بہ آنان برسان.

(۱۳) خدا یا ہر روز منندہ از اہل آیین نو کہ یا آنان شُرَد کند و ہر محاہد از ہیرون سُنّت نو کہ با آنان جہاد نہاہد تا دین نو ہر نری باید و حزب نو نیرو مند تر شود و بہرہ دوستان نو در اعتلای دینت افرون گردد پس آسانی نصیبش کن و کار را بر او سہیل فرما و رستگاری او را نو خود بر عہدہ گیر و ہر ایش ہمیشہ پیمان نہکر برگزین و ہشت وی را فوی کن و در آمدش را فراوان گردان و او را از نشاط و خرمی کامباب ساز و آتش شوق و آرزو را در دلش فرو نشان و او را از غم و حشت تنہایی پناہ دہ یاد ہمسر و فرزندان را از دلش ہیرون کن

(۱۴) بونہت نہکر را ہر ایش برگزین و عافیش را خودت بہ عہدہ گیر و سلامت را رہ نوشہاش فرار دہ و او را از نرس معاف دار و بہ او جوأت دہ و نیرومندی را روزیش کن و بہ نصرت خود نابہدش فرما و سہرہ و سنن اسلامی را بہ او تعلیم کن و در داوری محکم و یابدارش گردان و ریا را از او دور کن و از عشق بہ شہرت و آوازہ رہایش بخش و فکر و ذکر و مساہرت و افامتش را در راہ خود و برای خود فرار دہ.

(١٥) إِذَا صَافَ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقُلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِمْ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ، وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلَّهُمْ مِنْهُ، فَإِنْ حَسَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَخْتِاجَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْآسَرُ، وَ بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ أَنْ يُؤَلَّى عَدُوَّكَ مُذْبِرِينَ. (١٦) اَللَّهُمَّ وَ إِنَّمَا مُسْلِمٌ خَلَفَ غَارِيًّا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي عَيْنَيْهِ، أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعَتَادٍ، أَوْ شَحَدَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَأَجَزْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زُنَا يَوْزَنِ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَضًا حَاضِرًا يَتَّعَجَّلُ بِهِ نَفْعٌ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورٌ مَا آتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعَدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ. (١٧) اَللَّهُمَّ وَ إِنَّمَا مُسْلِمٌ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحَزَّتْهُ تَحَرُّبُ أَهْلِ الشَّرِكِ عَلَيْهِمْ قَتْلَى غَزَوِيٍّ، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ لَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ انْطَاطَ بِهِ فَاقَةٌ، أَوْ أَحْزَتْهُ عَنْهُ خَادِتٌ، أَوْ غَرَضَ لَهُ دُونَ إِزَادَتِهِ مَانِعٌ فَلَا كُشْبَ اسْمَةٍ فِي الْغَايِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. (١٨) اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِقةً قُوقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَوةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا، وَ لَا يَنْقُطِعُ عَدَدُهَا كَأَتَمِّ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ الْمُبْدِيُّ الْمُعْبِدُ الْقَوَالِ لِمَا تُرِيدُ.

(۱۵) و فنی که با دشمنانت که دشمن او نیز هستند به مصاف ایستد، شمار ایشان را در چشم او اندک نمای و شأن و مقامشان را در دل او کوچک ساز و او را بر دشمنان پیروزی عنایت فرما و دشمن را بر او پیروز مساز و اگر زندگی او را به نیکبختی پایان دادی و شهادت را سرنوشت او ساختی شهادتش را و فنی فرار ده که دشمنت را ریشه کن ساخته و اسارت، آتان را به رنج و تعب افکنده و اطراف مرزهای مسلمین امنیت یافته و دشمنت هربست کرده باشد.

(۱۶) بار خدا یا به و فنی که جنگجو در میدان جنگ است و مرزدار به مرزدار می مشغول است هر مسلمانی را که به امور خانه آنها رسیدگی کند یا در نبود او به کفالت خانواده اش برخیزد یا او را به قسمی از مال خود باری دهد یا او را به ساز و برگ جنگ کمک رساند یا همت او را نه نبرد با دشمن برانگیزد یا در حضور او در باره اش دعای خیر کند یا حرمش را در نبود وی رعایت کند به او نیز اجر همان برمنده را همگی آن عنایت کن و عمل او را پاداشی بقدر عطا فرما که بدون درنگ سود خبری را که پیشاپیش فرستاده و شادی خاطری که نتیجه کار اوست در همین دنیا به چنگ آورد تا آنکه فراوسد زمان فضل و پاداشی که بر او روا داشته ای و و کرامتی که برای او آماده ساخته ای.

(۱۷) بار خدا یا هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع اهل شرک در برابر ملت اسلام اندوهگین شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد نماید ولی ضعف و ناتوانی او را حایه نشین کند یا تنگدستی کارش را کند سازد یا پیشامدی تصمیم او را به تاخیر اندازد یا در برابر اراده اش مانعی فرار گیرد پس نامش را در زمره عابدان پنگار و ثواب مجاهدان را بر او حتمی گردان و وی را در زمره شهیدان و صالحان فرار ده.

(۱۸) بار خدا یا بر محمد که سنده و فرستاده نوشت و بر آتش درود فرست درودی برتر از درودها و بالاتر از نخبه ها درودی که زمانش پایان نپذیرد و رشته شمار آن قطع نگردد مانند کاملترین درودهایی که در روزگاران گذشته به هر یک از اولیائت نثار فرمودی چرا که تو عطا بخش ستوده ای، آغاز کننده و بارگرداننده ای و نویی که هر چه اراده فرمایی انجام دهی.

﴿٢٨﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَفَرِّعًا
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ (٢) وَأَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ
(٣) وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَنْ يَحْتَاجُ إِلَى رِفْدِكَ (٤) وَقَلْبْتُ مَسْأَلَتِي
عَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ فَضْلِكَ (٥) وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى
الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَصَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ (٦) فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ - يَا
إِلَهِي - مِنْ أَنَايِسَ طَلَبُوا الْعَزَّ بِغَيْرِكَ قَدْ لُؤَا، وَرَأَمُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ
فَانْتَقَرُوا، وَحَاسُوا إِلَّا نَفَاعَ مَا تَضَعُوا (٧) فَصَحَّ بِمُعَايِنَتِهِ أَمَثَالِهِمْ
حَازِمٌ وَفَقَهُ اعْتِبَارُهُ، وَارْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ اخْتِبَارُهُ (٨) فَأَنْتَ
يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مُوَضِّعُ مَسْأَلَتِي، وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ
وَلِيٌّ حَاجَتِي (٩) أَنْتَ الْمَخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِي، لَا
يَشْرَكَكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي، وَلَا يَنْفِقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي، وَلَا يَنْظِمُهُ
وَإِيَّاكَ يَدَّائِي (١٠) لَكَ - يَا إِلَهِي - وَحْدَانِيَّةُ الْعَدَدِ، وَمَلَكَةُ الْعُدَّةِ
الصَّمَدِ، وَفَضِيلَةُ الْخَوْلِ وَالْقُوَّةِ، وَدَرَجَةُ الْعُلُوِّ وَالرَّفْعَةِ (١١) وَمِنْ
سِوَاكَ مَرْحُومٌ فِي غُيْرِهِ، مَعْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَسْهُورٌ عَلَى شَأْنِهِ،
مُخْتَلِفٌ الْحَالَاتِ، مُتَنَقِّلٌ فِي الصُّفَاتِ (١٢) فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ
وَالْأَضْدَادِ، وَتَكَبَّرْتَ عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ، فَسَبَّحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

دعای بیست و هشتم:

به وقت پناه بردن به خدای عزوجل

(۱) یا خدا یا من با انقطاع از غیر و بهیوستنم به تو خود را از هر شائبه‌ای خالص کرده‌ام.

(۲) و با تمام وجود به تو رو آورده‌ام.

(۳) و از آنکه نیازمند به عطای توست روی گردانده‌ام.

(۴) و در خواست خود را از کسی که از فضل تو بی نیاز نیست گردانده‌ام

(۵) و دانستم که حاجت خواستن محتاج از محتاج دیگر به خاطر سبک‌رایی و گمراهی عقل اوست.

(۶) چه بسیار مردم را دیده‌ام که از غیر تو عزت خواستند و خواو شدند و از غیر تو ثروت طلبیدند و نه بدست گشتند و در طلب بلندی و مقام برآمدند و پست شدند.

(۷) پس انسان دوراندیش بدین امثال ایشانه بر راه راست رود و پندگرفتن مایهٔ توفیق او شود و این انتخاب را که به راه صواب و رهنمون گردد.

(۸) پس ای مولای من، مرجع خواهش من نوی نه هیچ مسئول دیگر. و بیاورندهٔ نیازم نوی نه هرکس که از او طلب و خواهش می‌شود.

(۹) پیش از آنکه کسی را بخوانم فقط تو را می‌خوانم، احدی در چشم انداز امید من با تو شریک نیست و در دعای من هیچ کس با تو رفیق نمی‌باشد و ندای من کسی را با تو همسنگ و برابر نمی‌کند.

(۱۰) الهی وحدانیت و یگانگی و ملکهٔ قدرت بی نیاز و فضیلت توان و قوت و بلندپایگی و رفعت شایستهٔ تو است.

(۱۱) و ماسوای تو در همهٔ عمر خود نیارم و رحمت تو و درکار خویش عاجز و مغلوب و در امور خود ناتوان است و حالانش گوناگون و صفانش ناهایدار است.

(۱۲) پس تو برتر از آنی که همانند و همتایی داشته باشی و بزرگتر از آنی که همتان و همتایی برای تو باشد. پس پاک و منزهی معبودی جز تو نیست.

﴿٢٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُرَّ عَلَيْهِ الرُّزْقُ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِيْ اَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَفِيْ اَجَالِنَا بِطُولِ
الْاَمَلِ حَتَّى التَّمَسْنَا اَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرُوءِقَيْنِ، وَطَمِعْنَا بِاَمَالِنَا فِيْ
اَعْمَارِ الْمُعْتَمِرَيْنِ. (٢) فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لَنَا يَقِيْنًا صَادِقًا
تَكْفِيْنَا بِهِ مِنْ مَّرُوْنَةِ الطَّلَبِ، وَآلِهْمُنَا نَفْعًا خَالِصَةً تُغْفِيْنَا بِهَا مِنْ يَسَدُوْ
النَّصَبِ (٣) وَاجْعَلْ مَا صَرَّخْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِيْ وَحْيِكَ، وَانْتَبَعْتَهُ مِنْ
قَسْمِكَ فِيْ كِتَابِكَ، فَاطِيعًا لاهْتِمَامِنَا بِالرُّزْقِ الَّذِي تَكَلَّمْتَ بِهِ، وَحَسْمًا
لِلْاِسْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ (٤) فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الْاَصْدَقُ،
وَأَقْسَمْتَ وَقَسَمُكَ الْاَبْرُؤُ الْاَوَّلِيُّ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُوْنَ.
(٥) ثُمَّ قُلْتَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا اَنْتُمْ تَنْطِقُوْنَ.

﴿٣٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَعْوَنَةِ
عَلَى قَضَاءِ الدِّيْنِ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِيْ الْعَافِيَةَ مِنْ دِيْنٍ تُخَلِّقُ بِهِ
وَجْهِيْ، وَيَخَارُ فِيْهِ ذَهْنِيْ، وَيَسْعَبُ لَهُ فِكْرِيْ، وَيَطْوِلُ بِمَسَارَسِيْهِ شُغْلِيْ

دعای بیست و نهم:

وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد

(۱) بار خدایا ما را در روزهایمان به بدگمانی و در مدت زندگی به آرزوهای دراز آزموده‌ای تا اینکه روزهای نو را از روزی حواریان خواستیم و به آرزوهای خود در عمر کهنسالان طمع بستیم.

(۲) پس بر محمد و آلش درود فرست ربه ما بنهی راسخ بخش که بدان وسیله از رنج خواستن آسوده‌مان کنی و آرامشی خاص در دل ما انداز تا به آن از شدت و حسنگی رنج معافمان داری.

(۳) و آنچه در وحی خود آشکارا وعده داده‌ای و از پی آن در کتابت سوگند یاد کرده‌ای وسیله‌ای فرارده تا ما را از دوبدن دجال آن روزی که رساندنش را برای ما کفالت نموده‌ای باز دارد و نسبت به آنچه ضامن کفایت آن گشته‌ای، مانع برپاشی خاطر ما شود.

(۴) پس چنین گفته‌ای و گفته نو حق و راست‌ترین است و سوگند حواری و سوگند راست‌ترین و راست‌ترین است و روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان است.

(۵) سپس گفته‌ای پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند همان گونه که شما سخن می‌گوئید این سخن حق است.

دعای سیام:

در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام

(۱) بارالها بر محمد و آلش درود فرست و مرا پزیهان از وامی که ابرویم را بربرد و ذهمم را پریشان کند و اندیشه‌ام را پراکنده سازد و کارم در چاره آن طول کشد.

(٢) وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدِّينِ وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدِّينِ وَسَهَرِهِ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ، وَأَسْجِرْ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذَلِيلِهِ
فِي الْحَيَاةِ، وَمِنْ تَبَعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْنِي
مِنْهُ بِوَسْعِ فَاضِلٍ أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ. (٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَاجْبُنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَسِّمْنِي بِالسَّبْدِ وَالْإِفْتِصَادِ،
وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَأَقْبِضْنِي بِطُفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ، وَأَجِرْ مِنْ
أَسْبَابِ الْخَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي، وَارْزُقْ عَنِّي
مِنَ السَّالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًّا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَسْعَفُ مِنْهُ
طُغْيَانًا. (٤) اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَأَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ
بِحُسْنِ الصَّبْرِ (٥) وَمَا زَوَّيْتُ عَنِّْي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَائِتَةِ فَادْخِرْهُ لِي
فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ (٦) وَاجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَعَجَلْتَنِي
مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جَوَارِكِ وَوَصْلَةً إِلَى قُرْبِكَ وَذَرِيعَةً إِلَى جَنَّتِكَ،
إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

(٣١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ
التَّوْبَةِ وَطَلَبِهَا:

(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ
رَجَاءُ الرَّاجِينَ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ

(۲) ای پروردگارم از غصه و ام و اندیشه در آن و از دلی مشغول به مسأله قرض و بپخواهیش به نو پناه می‌برم. پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا از زحمت و مشقت و ام پناه ده - ای پروردگار من - از ذلت فرض در این چند روز زندگی و از وبال آن پس از مرگ به نو پناه می‌برم پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به ثروت بسیار با زندگی توأم ناکفایت که همیشه باشد از آن پناه ده.

(۳) بار خداها بر محمد و آلش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده‌روی باز دار و در بخشش و مبادنه‌روی استوار دار و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن و روزم و از راههای حلال جاری ساز و خرج کردن مالم را در کارهای نیک فرار ده و ثروتی که مرا به کسر و خودبینی آلوده کند با به سنم بکشاند تا از مرز عبادت و ادب درگذراند از من دور کن.

(۴) بار خداها رفاقت و همشیمی با فقیران را محبوب من فرار ده و در شست و برخاست با آنان مرا نه صبر نیکو باری فرما

(۵) و آنچه را از کالای نابود شدنی دنیا از من گرفنی همان را در گنجینه‌های همیشگیست برابم اندوخته کن.

(۶) و آنچه از نوشته ناجیز دنیا به من داده‌ای و هر متاعی از آن که در همین دنیا به من عطا فرموده‌ای و میباید رسیدن به جنوار خود و پیوستن به مقام قرب و سبب رسیدن به بهشت فرار ده زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و بخشنده بررگوارای.

دعای سی و یکم:

در ذکر توبه و درخواست توفیق آن از پروردگار

(۱) بار خداها ای کسی که توصیف و صفت کنندگان، تو را وصف نمی‌کند.

(۲) و ای کسی که امید امیدواران از او فرائر نمی‌رود

(۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران نزد او پناه نمی‌شود

(٤) وَيَا مَنْ هُوَ مُتَّبَعِي خَوَافِ الْعَابِدِينَ. (٥) وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ
خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ (٦) هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ. وَقَادَتْهُ
أَزِمَّةُ الْخَطَايَا. وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ
تَقَرُّبًا. وَتَغَاطَى مَا نَهَتْ عَنْهُ تَغَرُّبًا. (٧) كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ،
أَوْ كَالْمُتَكَبِّرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى،
وَتَشَقَّعَتْ عَنْهُ سَحَابَةُ الْعَمَى. أَخْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَّرَ فِيهَا
خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ. فَرَأَى كَبِيرَ عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا.
(٨) فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤْمَلًّا لَكَ مُسْتَحْيِيًّا مِنْكَ. وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ بِمَقَّةٍ
بِكَ. فَأَمَّاكَ بِطُوعِهِ يَقِينًا. وَقَصَدَكَ بِخَزْفَةِ إِخْلَاصٍ. قَدْ خَلَا طَمَعُهُ
مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرُكَ. وَأَفْرَحَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ
سِوَاكَ. (٩) فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُضْطَرِعًا. وَعَقَضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ
مُتَّخِصًا. وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا. وَأَبْنَكَ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا. وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَخْصَى لَهَا خُشُوعًا.
وَاسْتَعَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي
حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَاتُهَا فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ.
(١٠) لَا يُنْكِرُ - يَا إِلَهِي - عَذْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ. وَلَا يَسْتَغْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ
عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ. لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَغَاطِمُهُ عُفْرَانُ
الذَّنْبِ الْعَظِيمِ (١١) اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا ذَا قَدْ جَشَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيهَا أَمَرْتَ بِهِ
مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَنَجِّزًا وَعَدَّكَ فِيهَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ. إِذْ تَقُولُ:
أَدْعُونِي أَجْتَجِبْ لَكُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَالْقَنِي
بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي. وَارْقَنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا
وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي. وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيْتَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي.

(۴) وای آنکه ترس عبادت کنندگان به او منتهی شود. (۵) وای آنکه نهایت بیم پرهیزکاران او است. (۶) این جایگاه کسی است که بازچه دست گناهان فرار گرفته و مهارهای حطاها او را کنبده اند و شیطان بر او چیره گشته از این جهت در اجرای امر نو کوناهی ورزیده و از سرنادانی و مرور به آنچه از آن بهی کردی جامه عمل پوشیده است. (۷) مانند کسی که به قدرت نو بر خود نا آگاه است و با فضل و احسانت را در یازده خویش انکار می کند تا چون دهنده هدایتش گشوده شود و اسرهای کوری از برابرش بر طرف گردد، ستمهایی که بر خود نموده بشمرد و در اموری که با خدای خود مخالفت کرده ببندد بشد آنگاه سزگی گناهش را ببیند و به عظمت مخالفتش پی ببرد. (۸) پس در حالی که دل به امید نو بسته و از حضرت شرمسار است به سوی تو رو آورده و از روی اطمینان به نو با شوق و رغبت متوجه نو شده و از روی یقین یا طمع خود آهنگ نو نموده و از روی اخلاص با نوشته ترس قصد تو کرده در حالی که جز نو به احدی طمع نداشته و از هیچ چیز غیر نو نمی ترسد. (۹) پس در حضورت با حال زاری ایستاده و دیده اش را از روی فروتنی به زمین دوخته و در برابر عزت نو با خواری سر به زیر افکنده و تضرع و توبه و ترس را از نو بهتر از او بدان آگاهی برایت آشکار ساخته و از خویش گناهان خود را که حضرتت به شمار آنها آگاهتری بر شمرد و از مهلکه ای بزرگ که بر علمت گذشته و ارکار رشتی که به فرمان نو او را رسوا کرده، به نو پناه آورده گاهانی که لذتهایش سپری شده ولی پیامدهای زیان بخشش بهای مانده است. (۱۰) الهی اگر این بنده را عفویت کی عدل و داد نو را انکار نمی کند و اگر اروی بگذری و بر او رحمت آوری عفو تو را عظیم نشمرد زیرا که نو خدای کریمی هستی که عفو گاه بزرگ در نظرت بزرگ نیست.

(۱۱) بار خدایا اینک منم که در پیشگاهت مطیع و سر به فرمان آمده ام در اینکه خود بما گفتی که نو را بخوانیم اکنون وفای به وعده ای را که در مورد اجابت خواسته ام داده ای از تو می خواهم زیرا که مرموده ای مرا بخوانید تا خواسته شما را اجابت کنم. (۱۲) بار خدایا پس بر محمد و آلش درود فرست و با آموزش خود به من رو آور چنانکه من با احترام بر گناه به نو رو آوردم و مرا از نمرشگاههای گناهان برگیر چنانکه در برابر نو پستی گزیدم و مرا در پرده خود پیوشان چنانکه در انتقام از من درنگ فرمودی.

(١٣) اَللّٰهُمَّ وَثِّقْ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِيْ، وَ اَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِيْ،
وَوَقِّفْنِيْ مِنَ الْاَعْمَالِ لِمَا تُغَيِّرُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّيْ، وَ تَوَقِّفْنِيْ
عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - اِذَا تَوَقَّيْتَنِيْ.
(١٤) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتُوْبُ اِلَيْكَ فِي مَغَامِيْ هَذَا مِنْ كِبَائِرِ ذُنُوْبِيْ
وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِيْ وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَّاتِيْ
وَ عَوَادِيْهَا، تَوْبَةً مِّنْ لَاْ يُحْدِثُ نَفْسُهُ بِمَغْصِبَةٍ، وَ لَا يُضْمِرُ اَنْ يُّقُوْدَ فِيْ
خَطِيْئَةٍ (١٥) وَ قَدْ قُلْتُ - يَا اِلٰهِيْ - فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ: اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ
عَنْ عِبَادِكَ، وَ تَغْفُوْ عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِيْ كَمَا
وَعَدْتَ، وَ اغْفُ عَنِ سَيِّئَاتِيْ كَمَا وَصَّيْتَ، وَ اَوْجِبْ لِيْ مَحَبَّتَكَ كَمَا
شَرَطْتَ (١٦) وَ لَكَ - يَا رَبِّ - شَرْطِيْ اَلَّا اَعُوْدَ فِيْ مَكْرُوْهِكَ، وَ ضَمَانِيْ
اَنْ لَا اَرْجِعَ فِيْ مَذْمُوْمِكَ، وَ عَهْدِيْ اَنْ اَهْجُرَ جَمِيْعَ مَغَاصِبِكَ.
(١٧) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ قَاعِيْرَ لِيْ مَا عَلِمْتَ، وَ اضْرَفْنِيْ
بِقُدْرَتِكَ اِلَى مَا اَخِيْتُ. (١٨) اَللّٰهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ،
وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيْتُهُنَّ، وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْتِكَ الَّتِي لَا تُنَامُ، وَ عَلِمِكَ الَّذِي
لَا يَنْسَى، فَعَوِّضْ مِنِّهَا اَهْلَهَا، وَ اَخْطِطْ عَنِّيْ وَ زَرْهَا، وَ خَفِّتْ عَنِّيْ ثِقْلَهَا،
وَ اغْصِنِيْ مِنْ اَنْ اَفَارِفَ مِنْهَا. (١٩) اَللّٰهُمَّ وَاِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِيْ بِالتَّوْبَةِ
اِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَ لَا اسْتِمْسَاكَ بِيْ عَنِ الْخَطَايَا اِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَسَوِّرْنِيْ
بِقُوَّةٍ كَافِيَةٍ، وَ تَوَلَّنِيْ بِعِصْمَةٍ مَّارِنَةٍ. (٢٠) اَللّٰهُمَّ اِنَّمَا عَبْدٌ ثَابٍ اِلَيْكَ
وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخِرْ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَانِدٌ فِيْ ذَنْبِهِ وَ خَطِيْئَتِهِ،
فَاِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَكُوْنَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِيْ هَذِهِ تَوْبَةً لَا اَحْتَاجُ
بَعْدَهَا اِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُّوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةِ فِيمَا بَقِيَ.

(۱۳) بار الها نهیتم را در طاعت استوار کن و ببشتم را در بندگیت پایرجا فرما و مرا به اعمالی موفق کن که به سبب آن چو گناهان را از من بشویی و هنگام خروج از دنیا مرا بر آیین خود و پیامبرت محمد ﷺ بهیران.

(۱۴) بار الها در این موفعینی که دارم از گناهان بزرگ و کوچکم و از گناهان پوشیده و آشکارم و از لغزشهای گذشته و نازمام به سویت ماز می گردم مانند نوبه کسی که خیال گناه در درویش نگذرد و اندیشه بازگشت به گناه را به خاطرش راه ندهد. (۱۵) و تو خود ای پروردگار من در کتاب محکمت فرموده ای که نوبه را از بندگانت می پذیری و از زشتی گناهان درمی گذاری و نوبه کنندگان را دوست داری پس بر اساس وعده خود نوبه ام را بپذیر و همانطور که ضمانت نموده ای از گناهانم بگذر و چنانکه شرط فرموده ای محبت را بر من لازم فرما. (۱۶) و من هم نعهد می کنم که به آنچه پسند تو بیست بر نگردم و ضمانت می نمایم که به کاری که مورد نکوهش توست باز نگردم و پیامبر می بدم که از تمام گناهان دوری کنم (۱۷) بار خدا یا تو به آنچه من انجام داده ام آگاهتری پس بر من بیحش و بیامرز آنچه را از من حبر داری و مرا با قدرت خود به سوی آنچه دوست داری متوجه ساز. (۱۸) خداوند اگر گرفتاریهای تو دوشم نینگینی می کند که آنها را به باد دارم و گرفتاریهایی نبر هست که فراموش کرده ام و همه آنها در برابر دهنه توست که به خواب نمی رود و نزد علم توست که در آن فرموانی راه ندارد پس در مقابل آن گرفتاریها به صاحبانش عرض بده و گوانی آن را از من دور کن و سنگینی آن را از دوش من بردار و مرا از نزدیک شدن و انجام ماسد آن باز دار.

(۱۹) الهی جز با حفظ تو قدرت وفای به نوبه خرد ندارم و جز به فوت تو توان خودداری از گناهان ندارم پس مرا با نیروی کافی تقویت کن و خود عهده دار نیروی باز دارنده از گناهانم باش.

(۲۰) الهی هر بنده ای که به سویت باز گردد و حضرتت به علم غیبی که داری می دانی که او نوبه شکن و باز گردنده به گناه و خطای خویش است پس من به تو پناه می برم از آنکه چنین باشم اینک این نوبه مرا چنان نوبه ای فرلده که پس از آن نیازمند نوبه ای دیگر نباشم نوبه ای که سبب نابودی گناهان گذشته و ایمنی از گناه در بقیه ایام عمر باشم.

(٢١) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعْتَذِرُ اِلَيْكَ مِنْ جَهْلِيْ، وَاسْتَؤْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِيْ،
 فَاضْمَنْتَنِيْ اِلَى كَتَبِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً، وَاسْتُرْنِيْ بِسِرِّ عَافِيَّتِكَ
 تَفَضُّلاً. (٢٢) اَللّٰهُمَّ وَ اِنِّيْ اَتُوْبُ اِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفتْ اِرَادَتَكَ،
 اَوْ زَالَ عَنِ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَايَا قَلْبِيْ، وَ لَحْظَاتِ عَيْنِيْ، وَ حِكَايَا
 لِسَانِيْ، ثَوْبَةً تَسْلُمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلٰى حِيَالِهَا مِنْ تَبَاعُثِكَ، وَ تَأْتُرُ
 مِمَّا يَخَافُ الْمُتَعَدُّونَ مِنَ اَلِهَمِّ سَطَوَاتِكَ. (٢٣) اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ وَ خَذْنِيْ
 بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ وَجِبْ قَلْبِيْ مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ اضْطِرَابِ اَرْكَانِيْ مِنْ
 هَيْبَتِكَ، فَقَدْ اَقَامْتَنِيْ - يَا رَبِّ - ذُنُوْبِيْ مَقَامَ الْحَزَنِيْ بِفِعَائِكَ، فَاِنْ
 سَكَتُ لَمْ يَنْطَلِقْ عَنِّيْ اَحَدٌ، وَ اِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِاَهْلِ الشَّفَاعَةِ.
 (٢٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ شَفِّعْ فِيْ خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَ عُدْ
 عَلٰى سَيِّئَاتِيْ بِغُفْوِكَ، وَ لَا تَجْعَلْنِيْ جَزَائِيْ مِنْ عُقُوْبَتِكَ، وَ ابْسُطْ
 عَلٰى طَوْلِكَ، وَ جَلِّلْنِيْ بِسِرِّكَ، وَ اَفْعَلْ بِيْ فِعْلَ عَزِيْزٍ تَضَرَّعَ اِلَيْهِ
 عَبْدٌ ذَلِيْلٌ فَرَجَحَهُ، اَوْ غَنِيٌّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقَبِرَ فَنَعَشَهُ. (٢٥) اَللّٰهُمَّ
 لَا خَفِيْرَ لِيْ مِثْلَكَ فَلْيَخَفْنِيْ عِزُّكَ، وَ لَا شَفِيْعَ لِيْ اِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِيْ
 فَضْلُكَ، وَ قَدْ اَوْجَلَّتْ خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِيْ عَفْوُكَ. (٢٦) اَنَا كُلُّ مَا
 نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلٍ مِّنِّيْ بِسُوءِ اَثَرِيْ، وَ لَا اِسْمِيَّانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ دَمِيْ
 فِعْلِيْ، لٰكِنْ لِيَسْمَعْ سَمَاؤُكَ وَ مَنْ فِيْهَا وَ اَرْضُكَ وَ مَنْ عَلَيْهَا مَا
 اَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ اِلَيْكَ فِيْهِ مِنَ التَّوْبَةِ. (٢٧) فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ
 بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِيْ لِسُوءِ مَوْقِفِيْ، اَوْ تُذَرِّكُهُ الرِّقَّةُ عَلٰى لِسُوءِ خَالِي
 فَيُنَالَنِيْ مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ اَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِيْ، اَوْ شَفَاعَةٌ اَوْ كَدٌّ
 عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِيْ تَكُوْنُ بِهَا نَجَاتِيْ مِنْ غَضَبِكَ وَ قَوْرَتِيْ بِرِضَاكَ.

(۲۱) خداوند از نادانی خود از پیشگاهت عذر می خواهم و درباره کردار بدم از تو بخشش می طلبم پس از روی احسان مرا در پناه رحمت خویش در آور و از راه فضل لباس عافیت بر من بیوشان. (۲۲) الهی و از هر چه مخالف خواست تو بوده با از گردونه محبت تو بیرون می برد از خاطراتی که در قلبم گذشته و نگاههای چشمم و گفتارهای زبانم چنان نوبه ای می کنم که هر یک از اندامم به سهم خود از کفرت سالم ماند و از انعام و فطری که پیدادگران از آن می هراسند ایمن گردد.

(۲۳) الهی بر نهاییم در پیشگاهت و نهیدن قلبم از نرسیت و لرزه اندامم از هیبت رحم کن زیرا گناهانم - ای پروردگار من - مرا در جای رسوایی و خواری در پیشگاهت نشانده پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نمی گوید و اگر شفیع و میانجی بطلبم سزاوار شفاعت نیستم

(۲۴) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و بزرگواریت را درباره خطاهایم شفیع من فرما و گناهانم را با گذشته خود بر من بخش و حرایم را از عفویت خود فرار مده و امان احسانت را بر من بگستر و مرا در برده عفویت بیوشان و با من پسان نیرومندی رفتار کن که بنده ای ذلیل بازاری به درگاهش رفته و او بروی تو رحم نموده با پسان رفتار تو نمندی رفتار کن که فطری سر راهش نشسته و او از وی دستگیری نموده (۲۵) بار الهی مرا از (کفر) تو پناه دهنده ای نیست پس باید عزت توانایت پناهم دهد و برای من شفیع به سوی تو نیست پس باید فضل و احسان تو شفیع شود و گناهانم مرا نرسانده است، پس باید (گذشت) مرا ایمن سازد (۲۶) پس آنچه بر زبان آوردم از روی نادانی به کردار زشتم و در اثر فراموشی کارهای بد گذشته ام نیست بلکه برای آن است که آسمان تو و هر که در آن است و زمین تو و هر که بر روی آن است پشیمانی را که برای تو آشکار کردم و نوبه ای را که به سبب آن به تو پناه بردم بشنوند. (۲۷) نا شاید برخی از آنان در ساقه رحمت بر جا بگاه بدم رحم کند یا بر پریشان حالی من رفت آورد آنگاه دعایی به حال من کند که از دعای خود من نزد تو به اجابت نزدیکتر باشد یا شفاعتی نماید که از شفاعت خودم نزد تو استوارتر باشد و رها بدم از خشم تو و دستنهاییم به خشنودیت در آن باشد.

(۲۸) الهی اگر پشیمانی در پیشگاه حضرت نوبه است پس من از همه پشیمان
نرم و اگر ترک گناه نوبه محسوب می شود پس نخستین نوبه کننده منم و اگر
استغفار سبب ریختن گناهان است پس من در برابر تو از استغفار کنندگانم.
(۲۹) بار الها همان گونه که به نوبه و بازگشت فرمان دادی و پذیرش آن را
ضمانت فرمودی و بر دعا ترغیب نمودی و سبب به آن وعده احابت دادی پس
بر محمد و آلش درود فرست و نوبه ام را بپذیر و از رحمتت با نومیدی باز
مگردان زیرا که حضرت پرگناهکاران بخشیده ای و بر خطا پشیمانان که از صمیم
دل به تو باز می گردند مهربانی.

(۳۰) بار الها بر محمد و آلش درود فرست همچنان که یوسیفه او ما را هدایت
فرمودی و بر محمد و آلش درود فرست همچنان که به سبب او ما را رهایی
کرامت کردی و بر محمد و آلش درود فرست، درودی که در قیامت و در روز نیاز
به تو از ما شفاعت کند زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو سهل و آسان است.



دعای سی و دوم: در

پس از نماز شب

- (۱) خدایا، ای صاحب سلطنت جاوید و ابدی.
- (۲) وای سلطان مفتر بدون لشکر و پشیمان.
- (۳) وای عزیزی که در گذر روزگار و گذشت سالها و سپری شدن ازمان و ایام
همچنان باقی و پابداری.
- (۴) سلطنت تو بر خوردار از چنان عزنی است که نه ابتدای آن حدی دارد
و نه منتهای آن معلوم است.
- (۵) و مقام پادشاهی تو چنان عالی است که همه چیز پیش از وصل به آن
مقام عاجز و ناتوان می شود.
- (۶) پوئهایت توصیف وصف کنندگان، به پایین ترین درجه مقام و مرتبت
اختصاصی تو نمی رسد.

(٧) ضَلَّتْ فِيكَ الصَّفَاتُ، وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ التَّوَهُتُ، وَخَارَتْ فِي
 كِبَرِيَّاتِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ (٨) كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَتَى أَوَّلِيَّتِكَ،
 وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ (٩) وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْبَجْسِمُ
 أَمَلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدَيَّ أَشْبَابُ الْوَصْلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ،
 وَتَقَطَّعْتَ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ (١٠) قُلْ
 عِنْدِي مَا أَعْتَدْتُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبَوْتُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ
 يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ، فَاعْفُ عَنِّي. (١١) اَللّٰهُمَّ وَقَدْ
 أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ، وَانْكَشَفَ كُلُّ مَشْهُورٍ دُونَ خُبْرِكَ،
 وَلَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَلَا تَغْرُبُ عَنْكَ غَيِّبَاتُ السَّرَائِرِ
 (١٢) وَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَظَرَّكَ لِقَوَائِسِي فَانْظُرْتُهُ،
 وَاسْتَشْهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الَّذِينَ لَا ضَلَالِي فَاْمَهْلُهُ. (١٣) فَأَوْقَعْنِي وَقَدْ
 هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُؤَبِّقَةٍ، وَكِبَائِرِ أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتَّى
 إِذَا فَارَقْتُ مَعْصِيَتَكَ، وَاسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطُكَ، فَكَلَّ عَنِّي
 عِذَارَ عَذْرِهِ، وَتَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ، وَتَوَلَّى السِّرَازَةَ مِسِّي. وَأَذْهَرَ
 مُوَلِّيًا عَنِّي، فَأَصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا، وَأَخْرَجَنِي إِلَى فِسَاءٍ نَقَمَتِكَ
 طَرِيدًا. (١٤) لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ، وَلَا حَفِيزٌ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ، وَلَا
 حِصْنٌ يَحْجُبُنِي عَنْكَ، وَلَا مَلَأُ الْجَأَلَ إِلَيْهِ مِنْكَ. (١٥) فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ
 بِكَ، وَمَحَلُّ الْمُتَعَرِّفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقُنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَلَا يَفْضُرُنَّ
 دُونِي عَفْوُكَ، وَلَا أَكُنْ أَحَبَّ عِبَادِكَ الثَّانِيَيْنِ، وَلَا أَقْنَطُ وَفُودِكَ
 الْأَمِلِينَ، وَاعْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. (١٦) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي
 فَرَكْتُكَ، وَتَهَيَّيْتَنِي فَرَكَيْتُنِي، وَسَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَعَرَّطْتُ.

(۷) اوصاف در نوگم شده‌اند و صفنها در نزد تو درهم ریخته‌اند و اذهان ظریف در بزرگی تو حیوان‌اند (۸) و این چنین است که تو حدائی همسنى که در اوّل بودن، اوّلی و در این ویژگی، دائم و جاویدی و هرگز زوال نسبی‌پذیری (۹) و من بنده‌ای هستم که در عمل ضعیفم و اما امل و آرزویم بزرگ است، اسباب وصول به سعادت از دست من خارج شده مگر آنچه رحمت تو به دست من رسانیده است و رشته‌های آرزوها از من گسیخته شده مگر آنچه من بدان چنگ انداخته‌ام که همان عفو و بخشش تو است (۱۰) آنچه از طاعت که نتوانم آن را به حساب آورم، در نزد من اندک است و آنچه که بدان باز می‌گردم بعضی معصیت و نافرمانی تو، زیاد است و بر تو سخت و دشوار نیست که بنده‌ات را - گر چه بد کرده باشد - ببخشی، پس ابک از من درگذر (۱۱) خداوند! علم تو بر اعمال پنهان ما اشراف دارد و در نزد آگاهی تو، هر پنهانی، آشکار است و حرثیات امور هرگز بر تو مخفی نیست و محفیات سریره‌ها هرگز برای تو مغفول نیست (۱۲) و بر من غالب آمده دشمنی تو (شطان) که برای گمراه نمودنم از تو مهلت خواست و تو به او مهلت دادی، و تا روز قیامت برای اضلال من فرصت طلبید و تو به او فرصت دادی (۱۳) و او - در حالیکه من از گناهان کوچک هلاکت آور و از اعمال بزرگ پشیمانم - مرا مغلوب نمود. همبکه به معصیت تو نزدیک شدم و در اثر کردار بد خود، مستوجب خشم تو گشتم، همان مکر و فریبی را از من گردانید و با سخن کفر آمیز با من رویو شد و از من تبری جست و به من پشت نمود و روی بر تافت و سپس مرا در بیابان صلائت برای خشم تو تنها گذاشت و بی کس و یگانه، مرا به دهار نفیست فرستاد. (۱۴) در حالیکه نه شفبعی هست که برای من در نزد تو شفاعت نماید و نه هشدار دهنده‌ای که مرا در نزد تو ایمن گرداند و نه حصار محکمی که حاجب بین من و تو باشد و نه پناهی در کار است که از خشم تو به او روکنم. (۱۵) این است مقام کسی که به تو پناه آورده و جایگاه کسی که در برابر تو اعتراف می‌کند پس نیابد فضل تو از من دریغ آید و عفو تو شامل حال من نگردد، و من محرومترینندگان تائب تو و مأیوس‌ترین آرزوسندان نزد تو باشم، و مرا ببخش، که تو بهترین آمرزندگانی (۱۶) خدا یا تو مرا امر کردی و من آن را ترک کردم، و نهی کردی و من مرتکب آن شدم. و فکر نادرست، خطا را برای من جلوه داد و من کوتاهی و تفصیر کردم.

(١٧) وَلَا أَشْهَدُ عَلَى صِيَامِي نَهَاراً، وَلَا أَتَجَبِرُ بِتَهْجُدِي لَيْلاً، وَلَا تُثْنِي عَلَيَّ بِأَحْيَائِهَا سُنَّةَ حَاشِي فُرُوضِكَ الَّتِي مِنْ ضَيِّعِهَا هَلَكَ.

(١٨) وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرٍ مَا أَغْلَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ، وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَاجِهَا، وَكَبَائِرِ ذُنُوبِ اجْتِرَاحِهَا، كَأَنْتَ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا سِرّاً.

(١٩) وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَسَخِطَ عَلَيْهَا، وَرَضِيَ عَنْكَ، فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ، وَظَهَرِ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا وَاقِفاً بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ. (٢٠) وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ رَجَاءِ، وَأَحَقُّ مِنْ خَشْيَةٍ وَأَتَقَاهُ، فَأَعْطِنِي يَا رَبُّ مَا رَجَوْتُ، وَأَمْنِي مَا خَذَرْتُ، وَعُدَّ عَلَيَّ بِغَايِدَةِ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمُسْتَوَلِينَ. (٢١) اَللّٰهُمَّ وَإِذْ سَرَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ، فَأَجِرْنِي مِنْ قَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، مِنْ جَارِ كُنْتُ أَكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي، وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ أَحْتَسِمُ مِنْهُ فِي سِرِّرَاتِي. (٢٢) لَمْ أَتَقِ بِهِمْ رَبُّ فِي السِّرِّ عَلَيَّ، وَوَسَّيْتُ بِكَ رَبُّ فِي الْمَعْفُورَةِ لِي، وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ وُثْقٍ بِهِ، وَأَعْطَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَأَزَافَ مَنْ اسْتَرْجِمَ، فَارْحَمْنِي. (٢٣) اَللّٰهُمَّ وَأَنْتَ خَذَرْتَنِي مَاءَ مَهِيناً مِنْ صُلْبِ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ، خَرَجَ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقَةِ سَرَرَتِهَا بِالْحُبِّ، تُصَرِّفُنِي خَالاً عَنْ خَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَأَنْبَتَ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعَتْ فِي كِتَابِكَ: نُطْقَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً ثُمَّ عِظْماً ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً، ثُمَّ أَلْبَسْتَنِي خَلْقاً آخَرَ كَمَا شِئْتَ.

(۱۷) ومن هیچ روزی را بر روزه گیرم، گواه نمی گیرم و هیچ شبی را پناه شب زنده داری خود سراغ ندارم و هیچ سنت مستحبی مرا نحسین نمی کند که آن را احباء کرده باشم، مگر واحبات نو که هر کس آنها را زیر پا گذارد، هلاک می شود. (۱۸) ومن هرگز با فضیلت نافله به نو منوسل نمی شوم، در حالیکه عقلت من درباره واجبات تو زیاد است و من از حدود نو تجاوز کرده، محرمانی را مرتکب شده ام و گناهان کبیره ای را انجام داده ام که مصون داشتن من از رسواییهای آنها توسط نو، برای من پوششی است. (۱۹) و این مقام کسی است که از خودش در نزد نو شرمند شده و بر خویش، خشمگین و از نوراضی و خشنود است و از این رو با روحی خاشع و گردنی خاضع و پشنی سنگین از بار خطاها، با نو رویور شده، در حالیکه بر سر دو راهی ابد به نو و هراس از تو ایستاده است. (۲۰) و نویی شایسته ترین کسی که باو ابد داشته و سزاوارترین کسی که باید او بنرسد و بپرهیزد. پس بار پروردگارا، آنچه ابد دارم به من عطا کن و از آنچه می ترسم، حفظم کن! و با رحمت خود به من بار کن، زیرا نو بهترین در خواست شدگانی. (۲۱) بار خدایا، تو که در حضور همانند هیم در دار دنیا با دعوت مرا پوشانیدی و فضیلت را شایسته آن گردانیدی، پس در آخرت نیز مرا از رسوائیهای قیامت - در حضور گناهان یعنی غرضندگان مغرب و رسولان مکرم و شهدا و صالحان مثل همسایه ای که گناهانم را از او پنهان می کردم و حیثیاتی که در کارهای مخفیانه خود از او شرم داشتم - حفظ فرما (۲۲) خدایا من در حفظ و پوشانیدن اسرارم، اعتمادی به آنها (نردبکان) ندارم ولی در آموزش گناهانم به نو اعتماد نموده ام، و نو شایسته ترین فرد مورد وثوقی و بخشنده ترین فرد مورد رغبتی و ثواب ترین شخصی هستی که از او طلب رحمت می شود، پس بر من رحم کن. (۲۳) خدایا، تو کسی هستی که مرا - در آن هنگام که نطفه ناچیزی بودم - از صلب پدر که استخوانهایی در هم فرو رفته و راههای تنگ است به تنگای رحم مادر که آن را با حجابهایی پوشانیده ای منتقل کردی، در حالیکه مرا از حالتی به حالت دیگر در می آوردی تا اینکه صورت مرا کامل گردانیدی و در بیکر من اعضا و جوارح قرار دادی، بدانگونه که در کتابت قرآن توصیف فرموده ای. نخست نطفه و سپس علفه (خون بسته) و مضغه (پاره گوشت) و استخوان و سپس استخوان را با گوشت پوشانیدی و نهایتاً مرا خلطی ویژه دادی آن گونه که خود خواستی.

(٢٤) حَتَّى إِذَا اخْتَبْتُ إِلَى رِزْقِكَ، وَلَمْ أَسْتَفِنْ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ،
 جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ أَجْرِيتهُ لَأَمَتِكَ الَّتِي أَشْكَنْتَنِي
 جَوْفَهَا، وَأَوْدَعْتَنِي قَوَارِرَ رَحِمِهَا. (٢٥) وَلَوْ تَكَلَّمْتُ يَا رَبِّ فِي بَيْتِكَ
 الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ نَضَطَّرْتُ إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي
 مُعْتَرِلاً، وَلَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً. (٢٦) فَقَدْ وَدَّعْتِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ
 اللَّطِيفِ، تَغْلُ ذَلِكَ بِي تَطَوُّلاً عَلَى إِلَى غَايَتِي هَذِهِ، لَا أَعْدَمُ بَرَكَةَ، وَلَا
 يُبْطِئُ بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ، وَلَا تَتَاكُدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرَّغَ لِسَا هُوَ
 أَخْطَى لِي عِنْدَكَ. (٢٧) قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ
 الْيَقِينِ، فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَطَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَاسْتَفْصَاكَ
 مِنْ مَلَكِهِ، وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي. (٢٨) وَأَسْأَلُكَ فِي أَنْ
 تُسَهِّلَ لِي رِزْقِي سَبِيلاً، فَكَلِّ الْحَسَدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ،
 وَإِلْهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَسَهِّلْ عَلَى رِزْقِي، وَأَنْ تُقَنِّغَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي، وَأَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي
 فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَغَمْرِي فِي سَبِيلِ
 طَاعَتِكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاغِبِينَ. (٢٩) اَللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَطُ
 بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَمِنْ نَارٍ
 نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَهَيْئَتُهَا أَلِيمٌ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بِغَضِّهَا
 بَغْضٌ، وَيَصُولُ بِغَضِّهَا عَلَى بَغْضٍ. (٣٠) وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِماً،
 وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِماً، وَمِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَلَا تُرَخِّمُ
 مَنْ اسْتَغْلَطَهَا، وَلَا تُقَدِّرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ حَسَّعَ لَهَا وَاسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا
 تَلْقَى سُكَّانَهَا بِآخِرِ مَا لَدَيْهَا مِنَ الْإِيمِ الْكَمَالِ وَشَدِيدِ التَّوْبَالِ

(۲۴) نا اینکه چون من به رزق تو محتاج بوده‌ام و هرگز از باوری و فضل تو بی‌نیاز نبوده‌ام، برای من از فضل طعام و شراب، غذایی فرار دادی و آن را در اندرون کنیز خودت (مادر) جای دادی و در جایگاه رحم او به ودهمت نهادی. (۲۵) پروردگارا اگر در این حالات مرا به توان خودم و امی‌گذاشتی و مرا به قدرت خودم مضطر می‌ساختی، قطعاً نیرو و توان از من سلب می‌شد و توانائی از من دور می‌گشت. (۲۶) پس تو مرا از ره احسان همانند یک بیکرکار مهربان، غذا دادی و این کار را همچنان تا این زمان که هستم از باب کرم انجام می‌دهی من هرگز نیکی تو را از یاد نمی‌برم، و ریشائی رفتار تو در حق من هیچگاه اندک نمی‌شود. با این همه، اطمینان من به تو را سخر می‌شود که خود را برای انجام آنچه نزد تو برای من پر بهره‌تر است مهیا سازم. (۲۷) شیطان زمام مرا در سوءظن و ضعف بفریب بدست گرفته، و از بدی محاورت شیطان با من و بیروی قسم از وی به تو شکایت می‌کنم و از سلطه او به دامن تو چنگ می‌زنم (۲۸) و نه سوی تو ناله می‌کنم که راه رزق مرا آسان کنی. پس حمد و سپاس از آن نوست در برابر نعمتهای زیادی که در اندام من عطا کردی و در برابر سپاس و شکری که به خاطر احسان و انعامت به من الهام فرمودی پس هر حضرت محمد ﷺ و آل او درود فرست و رزق را بر من آسان فرما و مرا در آنچه برابم مفید ساخته‌ای فانی کن و در آنچه فاسد است من فرار داده‌ای راضی‌ام گردان و آنچه از جسم و عمرم گذشته است را در راه طاعت خودت فرار ده که تو بهترین روزی دهندگانی (۲۹) خدا با من به تو پناه می‌آورم از آتشی که آن را بر عاصبان سخت گرفته‌ای و به آن وعده داده‌ای کسانی را که روی از رصابت تو برنابند و از آتشی که بوش، ظلمت است و آسایش، دردناک و دورش، بردک است. و از آتشی که بعضی شعله‌های آن، دیگر شعله‌ها را می‌بلعد و پاره‌ای بر پاره دیگر حمله می‌برد. (۳۰) و از آتشی که اسنحواتها را پودر می‌کند و بر اهل آتش، نوشابه‌ای گداخته می‌نوشاند. و از آتشی که هرگز باقی نمی‌گذارد کسانی را که به سوی آن نضرع می‌کنند و رحم نمی‌آورد بر کسانی که از آن طلب عطف دارند و قدرت ندارد که نخبه‌نی فائل شود در حق کسی که در آن خاشع است و تسلیم آن شده است. آتشی که با ساکنان خود با دردناکترین آنچه دارد بر خورد می‌کند بعضی با انتقام دردآور و ابتلاء شدبد.

(٣١) وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَارِيهَا النَّاعِرَةِ أَقْوَاهُهَا، وَحَيَاتِهَا الصَّالِقَةِ بِأَنْبِيَائها، وَشَرَابِهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَأَنْفِدَةَ سُكَّانِهَا، وَبِتَرْعِ قُلُوبِهِمْ، وَاسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَآخَرَ عَنْهَا. (٣٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْزِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَأَقِلْنِي عَثْرَاتِي بِحُسْنِ إِفَاتِكَ، وَلَا تَحْذُنِي يَا حَيُّ الْمُجِيرِينَ (٣٣) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ نَعَى الْكَرْبَةِ، وَتُعْطِي الْحَسَنَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، صَلَوةٌ لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا، وَلَا يُخْصَى عَدَدُهَا، صَلَوةٌ تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَتَمَلَأُ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ. (٣٥) صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى، وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا، صَلَوةٌ لَا حُدَّ لَهَا وَلَا مُنْتَهَى، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مَرْحُومَةُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
(٣٣)

وَكُنَّ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ:

(١) اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَقْصِ لِي بِالْخَيْرَةِ (٢) وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِحْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْبَةً إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَأَرْخِ عَنَّا رَبِّ الْإِزْيَابِ، وَابْذُلْنَا بِتَقِينِ الْمُخْلِصِينَ. (٣) وَلَا تُسْئَلْنَا عَجْزَ الْمَعْرِفَةِ عَنَّا تَخَيَّرْتَ فَتَغَيَّبْتَ قُدْرَكَ، وَتَكْرَهُ مَوْضِعَ رِضَاكَ، وَتَجَنَّبَ إِلَى النَّبِيِّ هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْغَافِيَةِ

(۳۱) و به نو پناه می برم از عفرت های دوزخ که برای آزار دوزخیان دعان باز کرده اند، و از مارهای جهنم که با نیش هایشان بر چهنمیان حمله می برند و از نوشیدنهای آن که امعاء و احشاء ساکنان دوزخ را در هم می ریزد و دلهايشان را می درد. و من از تو هدایت می طلبم در امری که آتش را از من دور کند و عذاب را تأخیر اندازد.

(۳۲) خدا یا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به فصل و رحمت مرا از دوزخ حفظ فرما و به خُس گذشت خود، از خطاهای من درگذر و مرا خوار مگردان، ای بهترین پناهان

(۳۳) نولی که از زشنها باز می داری زیباییها را عطا می کنی و آنچه اراده کنی انجام می دهی، و تو بر هر چیز توانایی.

(۳۴) خداوند! آنجا که از نیکان باد می شود و مادام که شب و روز در کارند، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که ابتدا آن هرگز قطع نشود و عدد آن قابل شمارش نباشد. درودی که صبا را پر کند و زمین و آسمان را فراگیرد (۳۵) درود بر رسول خدا ﷺ تا آنجا که راضی شود و درود بر او و آل او پس از رضایت، درودی که حد و منتهای برایش نباشد، ای مهربانترین مهربانان.

دعای سی و سوم:

هنگام استخاره

- (۱) پروردگارا من به علم و آگاهی از تو طلب خبر می کنم پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در حق من به خبر و سعادت حکم فرما
- (۲) و به ما شناخت خیر را الهام نما و این را طریقی به سوی رضا به مفرات و تسلیم در آنچه حکم می کنی فرار بده. پس زنگار شک را از ما دور کن و ما را با یقین اهل اخلاص، تأیید فرما. (۳) و ما را به عجز از شناخت آنچه به عنوان خبر در نظر گرفته ای، گرفتار مساز که در نتیجه ما قدر تو را نشناسیم و در موارد رضای تو، اکراه داشته باشیم و تمایل پیدا کنیم به چیزی که از نیکویی عافیت دورتر است و به ضد عافیت و سلامت، نزدیکتر.

(٤) حَبَّبَ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَسَهَّلَ عَلَيْنَا مَا نَشْتَعِبُ مِنْ حُكْمِكَ (٥) وَالْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ، وَلَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَكْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ، وَلَا تَتَحَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. (٦) وَاجْتَمَعَ لَنَا بِأَنْتَ هِيَ أَخْخَدُ عَاقِبَتَهُ، وَأكْرَمُ مَصِيرًا، إِنَّكَ تُغِيدُ الْكَرِيمَةَ، وَتُعْطِي الْجَسِيمَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٣٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتُلِيَ
أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِمُضِيحَةٍ بِذَنْبٍ:



(١) اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِرِّكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَمُغَافَاةِكَ بَعْدَ حُسْرِكَ، فَكَلَّمْنَا قَدْ افْتَرَفَ الْعَابَةِ فَلَمْ تَشْهَرُهُ، وَارْتَكَبَ الْفَاجِسَةَ فَلَمْ تَنْصَحْهُ، وَتَسْتَرَّ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَذَلُّ عَلَيْهِ. (٢) كَمْ نَهَى لَكَ قَدْ آتَيْنَاهُ، وَآخِرٍ قَدْ وَقَفْنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ، وَسَيِّئَةٍ اِكْتَسَبْنَاهَا، وَخَطِيئَةٍ ارْتَكَبْنَاهَا، كُنْتَ الْمُطَّلِعُ عَلَيْهَا دُونَ النَّاطِرِينَ، وَالْمُغَادِرُ عَلَى اِعْلَانِهَا دُونَ الْمُغَادِرِينَ، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ، وَرَدْمًا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ (٣) فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ، وَأَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ، وَاعِظًا لَنَا، وَرَاجِعًا عَنِ سُوءِ الْخُلُقِ، وَاقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ، وَسَعِيًّا إِلَى الثَّوْبَةِ الْمَاجِيَةِ، وَالطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ (٤) وَاقْرَبِ الْوَقْتَ فِيهِ، وَلَا تَسْمُنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنَ الذُّنُوبِ نَاجِسُونَ.

- (۴) خدا با آنچه را از احکامات که از پذیرش آن اکراه داریم در نزد ما محبوب کن و آنچه را که ما سخت و دشوار می‌شماریم، بر ما آسان فرما.
- (۵) و به ما انضاد در برابر خواست خود را الهام نما تا اینکه ما تأخیر آنچه را نو در آن تعجیل داری طلب نکنیم و نیز تعجیل آنچه را نو بتأخیر انداخته‌ای، نخواهیم و آنچه را نو دوست می‌داری، ما مکروه ندانیم و آنچه را دوست نمی‌داری، اختیار نکنیم.
- (۶) خانه کار ما را شایسته‌ترین عافیتها و شریفترین سرانجام‌ها قرار بده زیرا نوئی که کرامت می‌دهی و بزرگی عطا می‌کنی و آنچه اراده کنی انجام می‌دهی و نو بر هر کاری توانایی.

دعای سی و چهارم:

هنگام مشاهدۀ رسوایی گناهکاران

- (۱) خدا با شکر تو را سزااست در خطا پوشش بعد از علمت، و در گذشت بعد از آگاهیت. هر یک از ما به گناه و خطا نزدیک شده، اما تو او را شهرة عام و خاص نکرده‌ای، و مرتکب کار ناپسند نشده، اما تو او را مضمضح ننموده‌ای و گناهان را همچون پوشش خود قرار داده اما تو بر گناهان او کسی را راهنمایی نکرده‌ای.
- (۲) چه بسیار از نهی‌های تو را ما مرتکب شدیم و چه بسیار از او امر تو که ما را بر آنها آگاه ساختی اما نافرمانی کردیم و چه بسیار گناهان که آنها را اکتساب کردیم و چه بسا خطاها که مرتکب شدیم و تو بر آنها مطلع بودی اما ناظرین دیگر نمی‌دیدند، و تو پسر از همه قدرتمندان، می‌توانستی آنها را اعلان کنی عفو و گذشت تو حجابی است که چشمان دیگران خطاهای ما را نبیند و مانعی است که گوش آنها نشنود.
- (۳) پس آنچه را از زشتیهای ما که پوشانیده‌ای و از کمبودها که پنهان داشته‌ای، پندی برای ما و مانعی از سوء خُلق و فساد اعداد در خطا قرار ده و باعثی برای تلاشی در جهت توبه محوکننده گناهان و راه نیکوی سعادت مقرر فرما. (۴) و زمان این بازگشت را نزدیک فرما و ما را به غفلت از خودت گرفتار مساز. ما به سوی تو راغب و از گناهان نايب هستیم.

(٥) وَصَلْ عَلَى خَيْرَتِكَ أَلَلْهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَعِشْرَتِهِ الصُّفْوَةِ
مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا
أَمَرْتَ.

﴿٣٥﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
الرِّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا:

(١) أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشَ عِبَادِهِ
بِالْعَدْلِ، وَأَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ (٢) أَلَلْهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ، وَلَا تُفْسِنِي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ، وَلَا تُفْسِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَخْسُدَ خَلْقَكَ،
وَأَعْطَ حُكْمَكَ. (٣) أَلَلْهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِهِ، وَطَيِّبْ بِقَضَائِكَ
نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثَّمَنَ لِوَفْرِ مَعَهَا بِأَنْ
قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا رَزَوْتَنِي عَنْتِي
أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا حَوَّلْتَنِي (٤) وَاعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ
بِذِي عَدَمِ خُسَاسَةٍ، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ قُرْوَةٍ فَضْلًا، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مِنْ
شَرَفَتِهِ طَاعَتَكَ، وَالْعَزِيزَ مِنْ أَعَزَّتِهِ عِبَادَتَكَ (٥) أَفْصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ، وَمَنِّعْنَا بِقُرْوَةٍ لَا تُفْقَدُ، وَابْذُنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ، وَاسْرُخْنَا فِي مُلْكِ
الْآبِيدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْآخِذُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ
كُفْرًا أَحَدٌ.

(۵) خدا با پرندگان خویش درود فرست یعنی بر پیامبر و عنرت برگزیده او که پاک و مطهرند. و ما را سامع و مطیع آنها فرار ده همانگونه که خود امر کرده‌ای.

دعای سی و پنجم: در مقام رضا و خشنودی

(۱) ستایش و سپاس از آن خدائی است که راضی به فضای او هستم. گواهی می‌دهم که خداوند روزی پندگان خویش را بر اساس عدالت تقسیم کرده است و نسبت به جمیع مخلوقاتش فضل و بخشش دارد.

(۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به آنچه به دیگران داده‌ای مفتون و شغفته ساز و آنان را به آنچه از من منع کرده‌ای مهتلا مکن که در نتیجه من به خلق تو خستد برم و نسبت به حکم تو خشمگین گردم

(۳) خداوند! بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اندرون مرا نسبت به حکم خویش پاک گردان و سببه مرا در موارد احکام خود فراح ساز و به من اطمینانی عطا کن که اقرار کنم فضای تو جز بر نیکی‌ها جاری نمی‌شود. و شکر مرا در آنچه از من منع کرده‌ای بیشتر کن از سپاسم در آنچه به من عطا فرموده‌ای.

(۴) و مرا حفظ کن که نسبت به ففیران گمان حقّت و خواری نزنم و با نسبت به ثروتمندان گمان فضل و برتری بهم. شرافتمند کسی است که طاعت تو او را شرافت بخشد و عزیز کسی است که پندگی تو به او عزت دهد.

(۵) پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از ثرونی بر خوردار ساز که پایان نپذیرد و با عزنی تأبیدمان فرما که از دست نرود و ما را در ملک ابدی رها ساز، که توئی آن بکنا و بی همنا و بی بازی که نه فرزند دارد و نه فرزند کسی می‌باشد و برای او هرگز همنا و موره‌ای نیست

﴿٣٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى
السَّحَابِ وَالْبَرْقِ وَ سَمِعَ صَوْتَ الرُّعْدِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَيْنِ اَيَّانِ مِنْ اَيَّانِكَ، وَهٰذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ اَعْوَانِكَ،
يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ اَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُمِطْنَا بِهِمَا
مَطَرُ السَّوْءِ، وَلَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ. (٢) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَانْزِلْ عَلَيْنَا نِعْمَ هَذِهِ السَّحَابِ وَبَرَكَتَهَا، وَاضْرِفْ
عَنَّا اَذَاهَا وَمَضَرَّتَهَا، وَلَا تُصِيبْنَا فِيهَا بَاقَةٌ، وَلَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَغَائِشِنَا
غَاةً. (٣) اَللّٰهُمَّ وَاِنْ كُنْتُ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَاَرْسَلْتَهَا سَخِطَةً فَاِنَّا
نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَنَسْتَهْلُ اِلَيْكَ فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ، فَيَلِ
بِالْقَضَى اِلَى الْمُشْرِكِينَ، وَادْرِ رَحَى نِقْمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ.
(٤) اَللّٰهُمَّ اَذْهَبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُفْيَاكَ، وَاخْرِجْ وَخَرَّ صُدُورُنَا
بِرِزْقِكَ، وَلَا تَسْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ، وَلَا تَنْطَعْ عَنْ كَافِّيْنَا مَادَّةَ بِرِّكَ،
فَاِنَّ الْغِيَّ مِنْ اَعْنَيْتِ، وَاِنَّ السَّالِمَ مِنْ وَفَيْتِ (٥) مَا عِنْدَ اَحَدٍ
دُونِكَ دِفَاعًا، وَلَا بِاَحَدٍ عَنْ سَطَوَتِكَ امْتِنَاعًا، تَحْكُمُ بِنَا يَشْتِ عَلَى
مَنْ يَشْتِ، وَتَقْضِي بِنَا اَرَدْتَ فَيَمَنْ اَرَدْتَ (٦) اَللّٰهُمَّ الْحَمْدُ عَلَى
مَا وَفَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلْتَنَا مِنَ التَّغْنَاءِ،
عَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَأَاهُ، حَمْدًا يَمْلَأُ اَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ

دعای سی و هشتم: به هنگام مشاهدۀ ابر و رعد و برق

(۱) خداوند! این دو پدیده، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو باور از باوران تو هستند که تحت اطاعت تو، با موجب رحمت نافع می‌باشند و با اسباب فخر مضر. پس بر ما بوسیله این دو باران سوء مریر و با آن دو، لباس ملا بر ما مهوشان.

(۲) خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و نفع و برکت این ابرها را بر ما نازل کن و اذیت و مضرت آنها را از ما دور کن و با آنها بر ما آفتی مرسان و به معیشت ما ضرری منوچه مسار.

(۳) خداوند! اگر این ابرها را برای نعمت و از روی غضب فرستاده‌ای، ما از خشمیت به سوی خودت پناه می‌آوریم و در درخواست بخشش به سوی خودت نضیع می‌کنیم، پس غضبت را به سوی مشرکین منوجه کن و چرخه نعمت را به جانب مقلبدین بگردان.

(۴) خداها! خشکی سرزمینهای ما را به برفایت و آبیاری خودت زائل گردان و عفة دل ما را به رزق و روزیت بگشای و ما را به غیر خود مشغول مساز و رشتۀ احسانت را از جمع ما قطع مفرما. زیرا بی‌نیاز کسی است که تو او را بی‌نیاز سازی و سالم کسی است که تو او را حفظ کنی.

(۵) غیر از تو کسی توانائی دفاع ندارد و هیچ کس از سلطه و فخر تو قدرت امتناع ندارد. بر هر کس که بخواهی به آنچه می‌خواهی حکم می‌کنی و آنچه را اراده فرمائی در حق هر کس که بخواهی، صادر می‌کنی.

(۶) پس حمد و سپاس مر نوراست در بلاهائی که ما را از آنها محفوظ داشتی و شکر و ستایش تو را سزااست در نعمتهائی که به ما عطا فرمودی. حمدی که سپاس سپاسگزاران دیگر را پشت سر اندازد، حمدی که زمین و آسمان الهی را پر سازد.

(٧) إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسَمِ الْمَيَّنِ، الْوَهَّابُ لِغَظِيمِ النَّعَمِ، الْقَائِلُ بِسِرِّ
الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلَ الشُّكْرِ، الْمُحْسِنُ الْمُجِيزُ ذُو الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

﴿٣٧﴾

وَكُنْ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ
بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ
مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا (٢) وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ
وَأِنْ اجْتَهِدَ إِلَّا كَانَ مُنْقَصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ (٣) فَأَشْكُرُ
عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدُكَ مُنْقَصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ (٤) لَا يَجِبُ
لِأَحَدٍ أَنْ تَعْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ
(٥) فَسَرَّ عَفَرْتُ لَهُ فُطُولَكَ، وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ فَيَفْضِلَكَ
(٦) تَشْكُرُ بِسِرِّ مَا شَكَرْتَهُ، وَتُغِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى
كَانَ شُكْرُ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبَتْ عَلَيْهِ ثَوَابُهُمْ وَأَعْظَمَتْ عَنْهُ جَزَاءُهُمْ
أَمْرٌ مَلَكَوا اسْطِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ
سَبَبُهُ بِبَدَلِهِ فَبَارَيْتَهُمْ (٧) بَلْ مَلَكَتْ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ
يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ، وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ،
وَذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ، وَعَادَتَكَ الْإِحْسَانُ، وَسَبِيلَكَ الْغَنَى

(۷) همانا نوئی که با موهبنهای بزرگ بر ما منت داری و نعمتهای عظیم را به ما عطا فرموده‌ای، نوئی که سپاس اندک ما را می‌پذیری و شکر ناچیز ما را سپاس می‌گویی، صاحب احسان و نیکی و بخشش هستی. جز تو معبودی نیست و بازگشت همه به سوی توست.

دعای سی و هفتم:

در ناتوانی از اداء شکر الهی

(۱) خداوند! هیچکس در سپاسگزاری از تو به نهایی نمی‌رسد مگر اینکه از احسان تو چیزی به او می‌رسد که شکری دیگر را بر او لازم می‌کند.

(۲) و در طاعت تو هر چقدر هم کسی بکوشد، به جایی نمی‌رسد جز آنکه نسبت به آنچه شایسته فضل توست، مفسر خواهد بود

(۳) پس شاکرترین بندگانت، عاجز از انجام سپاس توست و عابدترین آنان در طاعت تو مفسر است.

(۴) آموزش نسبت به هیچکس پیر حسب استبحافش، ضروری نیست و رضایت از احدی به لحاظ در حواسش لازم نمی‌باشد.

(۵) پس هر که را بخشی از مرحمت توست و هر که را مورد رضایت قرار دهی، از فضل توست.

(۶) کارهای اندک از آنچه را می‌پسندی، مورد شکر قرار می‌دهی و بر طاعت کم، ثواب عطا می‌نمایی، گویا شکر بندگانت - که به خاطر آن به آنان ثواب می‌دهی و پاداششان را بیشتر از شکرشان عطا می‌کنی - امری است که خود می‌توانند در آن توفیق یابند و نه فقط پاداش می‌دهی و گویا سبب این شکر به دست تو نبوده و فقط جزایشان می‌دهی.

(۷) حال آنکه (ای خدای من) قبل از آنکه آنان به عبادت تو بپردازند، تو عهده‌دار امور آنان بوده‌ای و قبل از اینکه آنان در راه طاعت تو قدم بگذارند، ثوابشان را آماده ساخته‌ای زیرا سنت تو اعطا فضل و عادت تو احسان و مسیره تو عفو و بخشش است.

(٨) فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُغَيَّرَةٌ بِأَنَّكَ غَيَّرْتَ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَشَهِدَهُ بِأَنَّكَ
مُتَّعِضٌ عَلَى مَنْ عَاقَبْتَ، وَكُلُّ مُقَرَّرٍ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّصْغِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ
(٩) قُلُوبًا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَكُلُّ
أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ
(١٠) فَسُبْحَانَكَ مَا أَتَيْنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مِنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ: تَشْكُرُ
لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ، وَتُعَذِّبُ لِلْعَاصِي فِيمَا تَتْلِكُ مُعَاجِلَتُهُ فِيهِ.
(١١) أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ، وَتَفَضَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا
يَقْصُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ. (١٢) وَكَأَنَّكَ الْمُطِيعُ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَا وَشَكَ
أَنْ يَفْقِدَ ثَوَابَكَ، وَأَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ، وَلِكَيْتَكَ بِكَرَمِكَ جَارِيَتُهُ عَلَى
الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْغَايَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ
الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدْبُورَةِ الْبَاقِيَةِ. (١٣) ثُمَّ لَمْ تُسَمِّهِ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ
مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَتَوَلَّى بِهٍ عَلَى طَاعَتِكَ، وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ
فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْيَرَتِكَ، وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهٍ
لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَجُنَّدَهُ مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصَّغْرِى مِنْ أَيَادِيكَ
وَمِثْلِكَ، وَلَبَيَّ وَهِنًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نَعِيمِكَ، فَتَمَسَّى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا
مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا مَتَى؟ (١٤) هَذَا - يَا إِلَهِي - حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ، وَ سَبِيلُ
مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ، فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمَوَاقِعَ تَهْنِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ
لِكَيْ يَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالُ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ لَقَدْ كَانَ
يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعُصْيَانِكَ كُلِّ مَا أَهْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ
عُقُوبَتِكَ. (١٥) فَجَمِيعُ مَا أَحْزَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ انْطَأَتْ بِهٍ عَلَيْهِ مِنْ
سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَوَكَّدَ مِنْ حَقِّكَ، وَ رَضِيَ بِدُونِ وَاجِبِكَ

(۸) ولذا همگان معترفند که نو نسبت به آنکه عفویش می کنی ظالم نیستی.
و همه گواهی می دهند که نو نسبت به آنکه او را می بخشی، با فضیلت رفتار
می کنی، و هر کس به خود می نگرد، در انجام آنچه شایسته نوست افراد به تفصیل
می کند (۹) اگر مکر و قریب شیطان نبود، هیچکس تو را عصبان نمی کرد و اگر
شیطان باطل را در چهره حق جلو، نمی داد، هیچکس از راه، تو منحرف نمی شد.
(۱۰) پس منزهی تو! و چه روشن است بزرگاری تو در رفتار با کسی که از تو
اطاعت کند و با تو را عصبان نماید. در حق مطیع از آنچه خود برایش فراهم
ساخته ای تشکر می کنی و در حق گناهکار، در آنچه می توانی به عفویش شتاب
کنی، مهلت می دهی. (۱۱) به هر یک از مطیع و عاصی، چیزی عطا می کنی که
برایش لازم نیست و به آنان عطایایی نفضل می کنی که عمل آنها کمتر از آن است
(۱۲) و اگر در مورد اهل طاعت، نسبت به آنچه خود متولی آن بوده ای، به عدالت
رفتار می کردی، چه بسا شخص ثواب تو را از دست می داد و نعمت تو از او زایل
می شد. اما تو با کرم خود، او را با پاداش همیشگی در برابر اعمال ناجیز دنیای
فانی جزا دادی و در برابر اهداف بزرگ و زوال پذیر دنیا، او را به نتایج طولانی
و پایدار اخروی رساندی. (۱۳) و در مقابل آنچه از روزهای تو استفاده کرده، و بر
طاعت تو توانایی یافته، باز خواست نموده ای و نسبت به ابزاری که با آنها از تو
طلب غفران کرده، منافسه و سخت گیری نکرده ای. و اگر چنین می کردی، همه
آنچه برای آن رحمت کشیده و تلاش نموده به عنوان جزای لطف و مثنی
کوچک از سوی تو به حساب نمی آمد و همچنان در نزد تو نسبت به سایر نعمتها
بدهکار بود. پس کی چنین بنده ای مستحق ثوابی از جانب توست؟ هرگز،
هرگز! (۱۴) ای خدای من، این امت حال کسی که مطیع توست و بندگی تو را
دارد. و اما تو نسبت به کسی که امر تو را نافرمانی کرده و بهی تو را مرتکب شده
نیز معجل در عذاب و گرفتاری نکرده ای تا او را از حال معصیت، به حال توبه
و طاعت بازگردانی و حال آنکه او، در همان آغاز که قصد معصیت تو را نمود،
استحقاق همه عذابهایی را که برای جمیع بندگان مهیا ساخته ای، داشت.
(۱۵) پس همه عذابهایی که در حق او به تأخیر انداخته ای و همه بلاها
و عفوینهایی که در انجام آنها کندی کرده ای، حقی برای تو است که آن را ترک
فرموده ای و بخشودنی است که بر تو لازم نبوده است.

(١٦) فَمَنْ أَكْرَمُ - يَا إِلَهِي - مِنْكَ، وَمَنْ أَشَقَى مِنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟ لَا مَنْ؟ فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَكَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، لَا يُخْشَى جُورُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَلَا يُخَافُ إِغْفَاؤُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي أَعْلَى، وَزِدْنِي مِنْ هَذَا مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَثَانٌ كَرِيمٌ.

﴿٣٨﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِذَارِ
مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ وَمِنْ التَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِهِمْ
وَفِي فَكَاكَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ:

مَرْحُومٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أُنْصُرْهُ،
وَمِنْ مَغْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسِيئَةٍ اعْتَذَرَ إِلَيَّ فَلَمْ
أَعْذِرْهُ، وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوِزْهُ، وَمِنْ حَقٍّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي
لَمْؤَمِنٍ فَلَمْ أَوْفِرْهُ، وَمِنْ عَيْبٍ مُمِيزٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَمِنْ كُلِّ إِفْمٍ
عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ. (٢) أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُمْ وَمِنْ
نَظَائِرِهِمْ اعْتِذَارَ نَدَامَةٍ يَكُونُ وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِمْ.
(٣) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نَدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ
الزَّلَّاتِ، وَعِزِّمْ عَلَى تَرْكِ مَا يَغْرِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، ثَوْبَةٌ تُوجِبُ
لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُجِيبَ التَّوَابِينَ.

(۱۶) پس ای معبود من، چه کسی کریمتر از نوست و چه کسی شفیقتر از آن کس است که در مخالفت با تو به هلاکت افتد؟ آیا چه کسی؟! پس تو بر تو از آنی که جر به احسان توصیف شوی و کریمتر از آنی که کسی جز از عدل تو پشیمد. از ظلم تو بر کسی که تو را عیببان کند، نرسی بیست و از غفلت تو در ثواب دادن کسی که تو را خوشنود سازد، هراسی نمی باشد. پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و آنچه آرزو دارم به من عطا فرما و از هداینت چندان بر من افزون نما که توفیق عمل پیدا کنم، که تو صاحب منتهای فراوان و اهل کرامتی.

دعای سی و هشتم :

به هنگام کوتاهی در اداء حقوق بندگان خدا

(۱) خداوند من از تو پوزش می خواهم دربارهٔ مظلومی که در حضور من مورد ستم واقع شده و من او را باری نکرده‌ام و خبری که در حق من انجام شده و من شکر آن را بجای نیاورده‌ام؛ و خطاکاری که از من عذر خواسته و من عذر او را نپذیرفته‌ام و بیچاره‌ای که از من چیزی طلب کرده و من به او نداده‌ام و حق صاحب حق مؤمنی که برگردن من آمده و آن را به کمال ادا نکرده‌ام و عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و من آن را نهوشانده‌ام و گاهی که از من سر زده و من آن را ترک نکرده‌ام.

(۲) ای معبود من، از درگاه تو عذر می خواهم نسبت به این گناهان و نظایر آنها، عذری که از روی پشیمانی است و برای من در امثال این گناهان که پیش می آیند، پندآموز است.

(۳) پس بر پیامبر ﷺ و آل او درود فرست و پشیمانی مرا در خطاهایی که انجام داده‌ام و تصمیم مرا بر ترک گناهانی که در آینده پیش می آیند، به منزله نوبه‌ای فرارده که موجب محبت نسبت به من شود، ای کسی که نوبه کنندگان را دوست می داری.

﴿٣٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْخِزْ شَهَوَتِي عَنْ كُلِّ
مَحْزَمٍ، وَازْوَجْ صِيَّيَ عَنْ كُلِّ مَأْتَمٍ، وَامْتَنِعْنِي عَنْ أَذَى كُلِّ مُؤْمِنٍ
وَمُؤْمِنَةٍ، وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ. (٢) اللَّهُمَّ وَأَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي
مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَاتَّهَكَ مِنِّي مَا حَبَرْتَ عَلَيْهِ، فَمَضَى بِظُلَامَتِي
مَيِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِي قَبْلَهُ حَيَاتًا فَأَعْفُ لِي مَا أَلَمَ بِهِ مِنِّي، وَاعْفُ لِي عَمَّا
أَدْبَرَ بِهِ عَنِّي، وَلَا تَبْقَعْ عَلَيَّ مَا أَرْتَكِبُ فِيَّ، وَلَا تُكْشِفْهُ عَمَّا اكْتَسَبَ
بِي، وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتَ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَتَبَرَّعْتَ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ
عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَأَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ
(٣) وَغَوْضَنِي مِنَ غَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَمِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ
حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ، وَتَنْجُو كُلُّ مِنَّا بِمَنِّكَ. (٤) اللَّهُمَّ
وَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَذْرَكَهُ مِنِّي ذَرَكٌ، أَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاجِيَتِي أَذَى،
أَوْ لِحَقَّهُ بِي أَوْ بِسَبَبِي ظُلْمٌ فَلَنَّهُ بِحَقِّهِ، أَوْ سَبَقَتْهُ بِظُلْمِيَّتِهِ، فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ، وَأَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ
عِنْدِكَ (٥) ثُمَّ قِنِي مَا يُوجِبُ لِي حُكْمُكَ، وَخَلِّصْنِي مِمَّا يَسُخِّرُكُمْ بِهِ
عَدْلُكَ، فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِيلُ بِتَقِيَّتِكَ، وَإِنْ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ،
فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي، وَإِلَّا تُعَفِّدْنِي بِرَحْمَتِكَ تُؤَيِّقْنِي.

دعای سی و نهم :

در طلب بخشش و رحمت الهی

(۱) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و میل و شهرت مرا نسبت به هر حرامی درهم بشکن و حرص مرا نسبت به هر گناهی نابود کن و مرا از اذیت و آزار هر زن و مرد مؤمن و مسلمان باز بدار.

(۲) خدایا هر کس از بندگان را که از من به او ضروری رسیده که از آن منع کرده بودی و یا آبرویش را برده‌ام که نو آن را پوشیده بودی و اینک آن بنده از دنیا رفته و با هنوز در دنیا است، بجای اذیتی که من به او رسانده‌ام، او را مورد عفو قرار ده و اگر من حقوفی به گردن او داشته‌ام و او پشت پا انداخته، از او درگذر و او را فردای قیامت نسبت به آنچه در حق من کرده، متوقف ساز و پرده از خطاهایی که در مورد من انجام داده بر مدار و گذشته مرا از او و صدفه‌ای را که به دلخواه خودم در حق وی می‌دهم، از پاکترین صدقات قرار ده و از بالاترین عطایای مهربی درگاهت محسوب فرما.

(۳) و در مقابل عمو من نسبت به گذشته‌گان، عفو و بخشش خودت را به من عطا فرما و در برابر دعای من در حق آنان، رحمت خودت را شامل حالم گردان، تا اینکه هر یک از ما با فضل تو به سعادت نایل آئیم و با لطف و منت تو، به ساحل نجات برسیم.

(۴) خدایا هر بنده از بندگان که از من به او نفی وارد شده و با از جانب من آزاری دیده و یا توسط من ظلمی بر او شده و من حق او را ضایع کرده‌ام و با درستم، من بر او بی‌بقت هستم، پس ای یک بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و از فضل خود او را راضی گردان و از جانب خود حقش را عطا کن.

(۵) و مرا از آنچه حکم تو اقتضا می‌کند یعنی گرفتاری به مظلومه او حفظ فرما و از آنچه مفتضای حکم عادلانه توست آزاد ساز. زیرا توان من ناب انتقام تو را ندارد و طاقت من نمی‌نواند خشم تو را تحمل کند. پس تو اگر بر اساس حق و عدالت با من رفتار کنی مرا به هلاکت می‌اندازی و اگر با رحمت لباس مغفرت بر من نبویشی، مرا خوار و پست خواهی کرد.

(٦) اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتَوْحِيْلُكَ - يَا اِلٰهِيْ - مَا لَا يَنْفَعُكَ بَذْلُهُ، وَ اَسْتَخِيْلُكَ
 مَا لَا يَنْهَظُّكَ حَمْلُهُ. (٧) اَسْتَوْحِيْلُكَ - يَا اِلٰهِيْ - نَفْسِيْ الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا
 لِتَمْتِنَ بِهَا مِنْ سُوءٍ، اَوْ لِتَطْرُقَ بِهَا اِلَى نَفْعٍ، وَلٰكِنْ اَنْشَأْتَهَا اِنْشَاءً
 لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَ اَحْتِجَا جُأ بِهَا عَلَى شَكْلِهَا. (٨) وَ اَسْتَخِيْلُكَ مِنْ
 ذُنُوبِيْ مَا قَدْ بَهَظَنِيْ حَمْلُهُ، وَ اَسْتَعِيْنُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِيْ ثِقَلُهُ.
 (٩) فَضَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ هَبْ لِنَفْسِيْ عَلَى ظَلَمِهَا نَفْسِيْ، وَ وَكُلْ
 رَحْمَتَكَ بِاَحْتِمَالِ اِضْرِيْ، فَاَنْتُمْ قَدْ لَحِقْتُمْ رَحْمَتَكَ بِالسُّبُحَةِ، وَ كَمْ قَدْ
 شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِيْنَ. (١٠) فَضَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اجْعَلْنِيْ اُسُوَّةَ
 مَنْ قَدْ اَنْهَضْتُهُ بِسَجَاوِزِكَ عَنْ مَضَارِعِ الْخَاطِيَةِ، وَ خَلَصْتُهُ
 بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَابِ الْمُجْرِمِيْنَ، فَاصْبِحْ طَلِبَقَ عَفْوِكَ مِنْ اِسَارِ
 سُخْطِكَ، وَ عَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وِثَاقِ عَذَابِكَ. (١١) اِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا
 اِلٰهِيْ - تَفْعَلُهُ بِمَنْ لَا يَجِدُ اسْتِحْقَاقَ عَفْوَتِكَ، وَ لَا يَبْرِيْ نَفْسَهُ مِنْ
 اسْتِحْبَابِ نِقْمَتِكَ (١٢) تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا اِلٰهِيْ - بِمَنْ خَوَّفَهُ مِنْكَ اَكْثَرُ مِنْ
 طَمَعِهِ فِيكَ، وَ بِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ اَوْ كُدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْعَلَاصِ، لَا اَنْ
 يَكُوْنَ يَأْسُهُ قُتُوْطًا، اَوْ اَنْ يَكُوْنَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ
 سَيِّئَاتِهِ، وَ ضَعْفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبَاعِيْهِ (١٣) فَاَمَّا اَنْتَ - يَا اِلٰهِيْ -
 فَاهْلُ اَنْ لَا يَغْتَرِبَكَ الصَّدَبُوقُ، وَ لَا يَنَاسَ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ
 الرَّبُّ الْعَظِيْمُ الَّذِي لَا يَنْتَعُ أَحَدًا فَضْلُهُ، وَ لَا يَسْتَصْصِيْ مِنْ أَحَدٍ حَقُّهُ.
 (١٤) تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُوْرِيْنَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ
 الْمُسْتَوْبِيْنَ، وَ قَسَتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوْقِيْنَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

(۶) خداوند، ای معبود من، از تو می‌طلبم مطلوبی را که بذل آن چیزی از تو نمی‌کاهد و از تو باری می‌خواهم که تحمل آن برای تو مشقنی ندارد.

(۷) خداوند از درگاهت برای نفس ناطقه خود مرهبت می‌طلبم، نفسی که آن را نپایزیدی تا ضرری را از خود دور کنی و با به نفعی برسی. بلکه آن را آمریدی تا اثبات کنی که قدرت بر آفرینش مثل آن را داری و تا نشان دهی که می‌توانی چنین موجودی را شکل و صورت بخشی (۸) و از تو درخواست می‌کنم که پادشاهان را که مرا پی‌ناب کرده از دوشم برداری و از تو باری می‌جویم در آنچه که سنگینی اش مرا گرفتار ساخته است. (۹) پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ستمی را که من در حق خویش روا داشته‌ام بر من ببخش. و رحمت خویش را بر گذشت از گناهان من بکار گیر. پس چه بسیار از رحمت تو که شامل حال گناهکاران گردیده و چه بسیار از عفو و بخشش تو که به ستمکاران رسیده است (۱۰) پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا نمونه‌ای قرار ده برای خطا کارانی که از آنها در گذشته‌ای و با توفیق خود آنها را از ورطه سقوط نجات داده‌ای و در نتیجه از اسارت غلبه تو آزاد شدند و در قلمرو عفو تو داخل شدند و از محدوده عدل تو جو آمریدی و در گستره حلم تو جای گرفتند. (۱۱) ای خدای من، اگر تو یا من چنین رفتار کنی، رفتار با کسی است که متکرر استحقاق عذاب تو نیست و هرگز خودش را از استحقاق انتقام تو بیرون نمی‌کند. (۱۲) آری ای خدای من، رفتار با کسی است که نرسش از تو بیش از طمعش در توست، و کسی که نومیدی‌اش از حیات، بیشتر از امیدش به رهایی است. البته نه به این خاطر که بائسش به درجه نومیدی کامل و یا طمعش به مرتبه غرور و غفلت رسیده باشد، بلکه به خاطر کمی نیکی‌هایش در کنار بدیهایش و به خاطر ضعف استدلالش در جمیع گناهانش. (۱۳) و اما تو ای معبود من، شایسته آنی که صدیقان به رحمت تو مغرور بشوند و خطاکاران از تو مأیوس نگردند، چرا که تو پروردگار بررگی هستی که فضل خود را از احدی منع نمی‌کنی و حق خود را از کسی بازخواست نمی‌نمایی (۱۴) باد تو از هر آنچه باد می‌شود بالاتر است و نامهای تو از هر اسمی که به تو نیست می‌دهند، مقدس‌تر است. و نعمتهای تو در بین جمیع مخلوقات منتشر است. و ای پروردگار عالمیان، بر این نعمتها سپاس و شکو، تو را می‌مزد.

(٤٠)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعِيَ
إِلَيْهِ مَيِّتٌ، أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَقَصِّصْهُ
عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا تُؤَمِّلَ اسْتِغْنَامَ سَاعَةٍ بِسَعْدِ سَاعَةٍ،
وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بِغَدِ يَوْمٍ، وَلَا انْضَالَ تَفْسٍ بِتَفْسٍ، وَلَا لُحُوقَ
قَدَمٍ بِقَدَمٍ (٢) وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَامْنًا مِنْ شُرُورِهِ، وَانْصِبْ
الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا (٣) وَاجْعَلْ
لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا تُشْتَبِطُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَنُخْرِصْ
لَهُ عَلَى وَشِكِّ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسًا الَّذِي نَأْسُ
بِهِ، وَمَأْلَقًا الَّذِي نَشْتَأِي إِلَيْهِ. وَحَافَةً أَلَسِي نُحِبُّ الدُّنْيَا مِنْهَا
(٤) فَإِذَا أَوْرَدْتُهُ عَلَيْنَا وَانْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْبَعْنَا بِهِ زَائِرًا، وَأَنْسَنَا
بِهِ قَادِمًا. وَلَا تُشَقِّنَا بِضِيَائِهِ. وَلَا تُخْرِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَاجْعَلْهُ
بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ (٥) أَمْنًا
مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ
وَلَا مُصِرِّينَ، بِنَا ضَامِنِينَ جَزَاءِ السُّعْيَةِ، وَمُسْتَظْلِحَ عَمَلِ
الْمُعْسِدِينَ.

دعای چهلیم :

به هنگام شنیدن خبر مرگ و در یاد مرگ

(۱) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود مرست و ما را از آرزوهای دراز باز دار
و با عمل درست، آرزوهای ما را کوتاه کن تا اینکه ساعتی پس از ساعت دیگر را
آرزو نکنیم و فردا را بعد از امروز، و جهانی پس از این جیات و قدمی بعد از این
قدم را انتظار نکنیم

(۲) و ما را از غرور آرزوی دراز محافظت فرما و از شرور آن در امان نگهدار
و مرگ را همواره در برابر ما نصب العین قرار ده و باد مرگ را برای ما هراز گاهی
فرار مده (بلکه همیشه کن).

(۳) و از کارهای شایسته، عملی به ما عطا فرما که با آن به عنوان زاد و نومه
به سوی تو سیر کنیم و به خاطر آن بر قوت دبدار نو حریص گردیم، به گونه ای که
مرگ، رمان انس ما باشد و موعد اقصی باشد که به آن اشیاف پیدا کنیم
و پناهگاهی باشد که دوست داشته باشیم به آن نزدیک شویم

(۴) پس هرگاه مرگ را بر ما فرود می آوری و آخل را بر ما بار می کنی، ما را به
زیارت آن سعادتمند گردان و ما را با او مأنوس کن و ما را در میهمانی مرگ
شقاوتمند مساز و به دبدار مرگ ما را پست و حوار مگردان. و مرگ را بپای از
ایواب آموزش و کلبیدی از کلبدهای رحمت خود مقرر بدان

(۵) و ما را در حالیکه هدایت شده ایم، گمراه نبینیم، مطیع نویسیم، از دبدار
تو کراهت نداریم، ناثب ایم، گناهکار نبینیم و برگناه اصرار نداریم، سبیران. ای
ضمانت کننده پاداش نیکوکاران و ای اصلاح کننده اعمال نیکوکاران.

﴿٤١﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
السِّرِّ وَالْوَفَايَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْرِشْنِي مِهَادَ كَرَامَتِكَ،
وَأُزِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَأَخْلِلْنِي بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ، وَلَا تُسَمِّنِي
بِالرَّدِّ عَنْكَ، وَلَا تُخَرِّمْنِي بِالْحَبِيبَةِ مِنْكَ. (٢) وَلَا تُفَاقِصْنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ
وَلَا تُنَاقِصْنِي بِمَا اكْتَسَبْتُ، وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي، وَلَا تُكْشِفْ
مَشْتُورِي، وَلَا تُخِيلْ عَلَى مِيزَانِ الْإِنصَافِ عَلَيَّ، وَلَا تُغْلِبْ عَلَيَّ
عُيُونُ الْعِلَاءِ خَبْرِي (٣) أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرَهُ عَلَى عَارًا، وَاطْوِ
عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَارًا (٤) أَشْرَفَ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَأَكْمِلْ
كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ، وَأَنْظِمْ لِي فِي أَصْحَابِ السَّيَمِينَ، وَوَجْهِي فِي
مَسَالِكِ الْأَمِينِينَ، وَاجْعَلْنِي فِي نَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَاعْمُرْ لِي مَجَالِسَ
الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

﴿٤٢﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَمَنْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ
مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ.

دعای چهل و یکم :

به هنگام در خواست خطا پوشی از خداوند

(۱) خداوند! پر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا پر خوان کرامت خود
مهمان کن و به سر چشمه های رحمت وارد گردان و در وسط فردوس پرینت
جای ده و مرا از خود دور مکن و از درگاہت ناامید مساز.

(۲) و به آنچه مرنکب شده ام از من نفاص مگیر و در اعمالم منافسه مفرما.
و آنچه پنهان کرده ام آشکار مساز و رازهای نا پیدایم را برملا مکن و عمل مرا با
میزان انصاف سنجش منما و وضعیت مرا در برابر دندگان همه مردم آشکار
مساز.

(۳) آنچه را که پخش شدش برای من بنگ است از آنان مخفی ندار و آنچه را
که موجب سر شکستگی من در نزد توست، پنهان فرما.

(۴) ما رضایتمندی خود درجات مرا بالا ببر و با آموزش خود، کرامت مرا
کامل گردان و مرا در زمرة اصحاب پیمین (شایستگان) قرار ده و مرا در راهی که
اهل ایمان می روند، جهت بخش و در گروه مسکوران قرار ده و مرا طوری بساز
که مجالس صالحان با وجود من آباد گردد. دعایم را مستجاب گردان ای
پروردگار عالیمان.

دعای چهل و دوم:

به هنگام ختم قرآن

(۱) خداوند! تو مرا بر ختم قرآن که به عنوان نور نازل کرده ای یاری فرمودی.
کنایی که آن را بر همه کتابهای دہگری که فرو فرستاده ای، سیطره بخشیدی و بر
هر سخن دہگری که حکایت نموده ای برتری دادی.

(٢) وَفَرَّقَانَا فَرَّقْتَ بَيْنَ خَلَايِكَ وَحَرَائِمِكَ، وَقُرْآنًا أَغْرَبْتَ
 بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَكِتَابًا فَصَّلْتُهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَوَحْيًا
 أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَنْزِيلًا. (٣) وَجَعَلْتَهُ
 نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلُمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَشِفَاءً لِمَنْ
 أَنْصَبَتْ بِهِمُ الْقُصْدِي إِلَى اسْتِغَاةِهِ، وَمِيزَانًا قَسَطَ لَا يَحِبُّ
 عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَنُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بِرُضَائِهِ، وَعِلْمَ
 نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قُصْدَ سُلَيْمِهِ، وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ
 تَعَلَّقَ بِعُزْوَةِ عِصْمَتِهِ. (٤) اَللَّهُمَّ فَإِذَا أَقْدَمْنَا السَّعُودَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ،
 وَسَهَّلْتَ جَوَاسِي السِّتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِنْ يَرْعَاهُ حَقَّ
 رِعَايَتِهِ، وَيَدِينُ لَكَ بِإِغْتِنَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَيَسْتَرْعُ
 إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَمُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ. (٥) اَللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ
 عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُجْتَمَلًا، وَالْهَمْنَةَ عِلْمَ
 عَجَائِبِهِ مُكْتَمَلًا، وَوَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُنْسَرًّا، وَقَضَلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ
 عِلْمَهُ، وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِنَزَقْنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِيقْ حَمْلَهُ. (٦) اَللَّهُمَّ
 فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ وَقَضَلَهُ، فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخُرَّانِ لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَغْتَرِفُ
 بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُغَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِّيقِهِ، وَلَا يَحْتَلِبُنَا
 الزَّيْغُ عَنْ قُصْدِ طَرِيقِهِ. (٧) اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا
 مِنْ يَغْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِزْزِ مَغْفِلِهِ،
 وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَيَسْتَعْدِي بِسَبْلِجِ
 إِسْفَارِهِ، وَيَسْتَطْبِعُ بِمِصْبَاحِهِ، وَلَا يَسْتَلِمُسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ.

(۲) کتابی که آن را جداکننده بین حلال و حرام فرار داده‌ای و فرآنی که با آن از احکام و شرایع خود سخن می‌گویی، و کتابی که آن را برای بندگانت به تفصیل بیان کرده‌ای و وحی که آن را بر پیامبر حضرت محمد ﷺ (که درود نو بر او و آل او باد) نازل کرده‌ای. (۳) و آن را همچون نوری فرا راه ما فرار دادی که با تبعیت از آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی نجات با بیم و شفا فرار دادی برای کسی که از سر فهم و اذعان به آن گشت فرا دهد. کتابی که میزان عدالت است و زیانش هرگز از حق باز نمی‌ایستد و نور هدایتی است که برهانش برای آنها که در آن بنگرند هرگز محو نمی‌شود. پرچم بجانی است که اگر کسی قصد پیروی از آن را داشته باشد هرگز گمراه نمی‌شود. و هر کسی که به ریسمان محکم آن چنگ بزند هرگز گرفتار هلاکت و بدبختی نخواهد شد. (۴) خدا یا، پس اینک که ما را یاری نمودی تا آن را تلاوت کنیم و عبارات نیکوی آن را به زبان ما روان ساختی، ما را از آنان فرار ده که حق رعایت قرآن را بحا می‌آورند و با اعتقاد و تسلیم نسبت به آیات محکم آن، متدین به دین تو هستند و نسبت به منشاها و آیات روشن قرآن، اقرار دارند. (۵) خداوند تو قرآن را به صورت مجمل بر پیامبر محمد (که درود خدا بر او و آل و صحابه و پیروان او باد) نازل کردی و علم به شگفتیهای آن را به نحو کامل به او الهام فرمودی و برای ما علم تفسیر شده آن را به ارث گذاشتی و ما را بر کسی که به قرآن جاهل است برتری دادی. و ما را نسبت به او فدوت بخشیدی تا مقام ما را رفیع تر از کسی گردانی که طافت حمل قرآن را ندارد. (۶) خداوند امانگونه که فلهای ما را حامل قرآن فرار دادی و به رحمت خود ما را نسبت به شرافت و فضیلت قرآن و افع گردانیدی، پس بر محمد ﷺ که با قرآن سخن می‌گوید و بر آل پیامبر که خزانه دار قرآنند درود فرست و ما را از کسانی فرار ده که اعتراف می‌کنند قرآن از جانب نوست تا اینکه شک در تصدیق به آن بر ما عارض نشود و دلالتگی نسبت به پیمودن راه قرآن در قلب ما پدید نیابد. (۷) خداوند ابر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی فرار ده که به ریسمان او چنگ زده‌اند و در منشاها، به پایگاه او پناه آورده‌اند و در سابه او مسکن گزیده‌اند و در پرنو طلوع او هدایت شده‌اند و به فروغ و روشنی او افتدا کرده‌اند و از مشعل او، نور گرفته‌اند و از غیر او هدایت نمی‌طلبند

(٨) اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِهِ
سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا
إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ، وَسَلْمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ،
وَسَبَبًا نُجْزِي بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَمَةِ، وَذَرْبَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى
نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ. (٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْطُطْ بِأَقْرَانِ
عَنَّا يَنْقُلُ الْأَوْزَارَ، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ سَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَأَقْصُ بِنَا أَسَارَ
الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهَ أَتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ
دَنَسٍ يَبْطِئُ بِهِ، وَتَقْشُرَ بِنَا أَسَارَ الَّذِينَ اسْتَضَؤُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِمِهِمُ
الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُذَعِ غُرُورِهِ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلْمِ اللَّيَالِي مُوسِمًا، وَمِنْ نَزَعَاتِ
الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَلِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى
الْمَغَاصِي حَاسِبًا، وَلِالْإِسْتِنَا عَنِ الْخَوَاضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا أَفَى
مُخْرِسًا، وَلِجَوَارِحِنَا عَنْ اقْتِرَافِ الْأَنَامِ زَاجِرًا، وَلِمَا طَوَّبَ الْعَقْلُ عَنَّا
مِنْ تَصَفُّحِ الْإِغْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عِبَادَتِهِ،
وَرَوْاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنِ
اِحْتِمَالِهِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادِّمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ
ظَاهِرِنَا، وَاجْتَنِبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَانِنَا،
وَاعْمِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَاجْتَمِعْ بِهِ مُتَشَرُّ أُمُورِنَا،
وَأَزِدْ بِهِ فِي مَوَاقِفِ الْغَرَضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا، وَاحْكُسْنَا بِهِ حُلُلَ
الْأَمَانِ يَوْمَ الْقَرَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا. (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاجْبُزْ بِالْقُرْآنِ حُلُسَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَسُقِ إِلَيْنَا بِهِ رَعْدَ

(۸) خدا با همانگونه که به وسیلهٔ قرآن، حضرت محمد ﷺ را نشانه‌ای برای راهبایی به سوی خودت نصب فرمودی و عنرت طاهرینش را شاهراه رضایت خودت قرار دادی، پس بر او و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما همچون وسیله‌ای قرار ده که به شریفترین مراتب کرامت نایل آئیم و آن را نردبانی ساز که با آن به جایگاه سلامت دست یابیم و وسیله‌ای فرارش ده که با آن در عرصهٔ فہامت نجات یابیم و آن را راهی قرار ده که با گام نهادن در آن به نعمتهای دایر جاوید دست یابیم. (۹) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به وسیلهٔ قرآن، سنگینی بار گناه را از دوش ما کم کن و به ما حویبهایی صفات نبکان را عطا فرما و ما را پیرو کسانی گردان که در راه رضای تو بیمه‌های شب و در ساعات روز به تلاوت قرآن مشغول‌اند. نا از این طریق در پرنو طهارت قرآن ما را از هر پلبدی پاک گردانی و ما را دنباله‌رو کسانی سازی که از پرنو قرآن، نور گرفته‌اند و آرزوها آنان را از عمل صالح باز نداشته و گرفتار غرور و فریشتان نساخته است

(۱۰) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در تاریکی‌های شب قرآن را مویس ما و حافظ ما از فریبه‌ها و وسوسه‌های شیطان قرار ده و به وسیلهٔ قرآن گامهای ما را از رفتن به سوی معاصی بازدار و زیانهای ما را از فرو غلطیدن در سخنان باطل - بدون تحمل ضرر و آفت - لال کن. و قرآن را وسیله‌ای برای بازداشتن اعضاء ما از فرو رفتن در گناهان قرار ده و با آن پرده‌های غفلت دل ما را برای عبرت‌گیری باز کن، نا اینکه فهم شگفتیهای قرآن و پندگیری از حکمتها و مثالهای آن را بر دل‌های ما عنایت فرمائی، مثالها و حکمتهایی که کوههای سخت و استوار از تحمل بار آنها عاجزاند. (۱۱) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در پرنو قرآن، صلاح ظاهر ما را همیشگی کن و با قرآن، خطر وسوسه‌های شیطانی را از باطن سالم ما به دور دار و زنگارهای فلوب و دل‌پستگی‌های گناهان ما را با قرآن بشوی. و ناسامانیهای زندگی ما را با قرآن سامان بخشی و در روز محشر و عرضهٔ اعمال نشنگی دل‌های ما را با قرآن سیراب کن و در روز سخنی بزرگ (فہامت) در پناه قرآن تر ما لباس امنیت بپوشان.

(۱۲) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و کثافتی و فتنه‌ها را با قرآن جبران کن که ننگدستی بر ما غلبه نکند و اسباب خوشی و آسایش در

الْعَيْشِ وَخُضْبِ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَبْنَا بِهِ الصَّرَائِبَ السَّامُومَةَ
وَمَدَائِنِ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصَيْنَا بِهِ مِنْ هَوَاةِ الْكُفْرِ وَدَوَائِيِ الثُّغَاكِ حَتَّى
يَكُونُ لَنَا فِي الْقِيَمَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا، وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ
سُخْطِكَ وَتَعْدِي حُدُودِكَ دَائِدًا، وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَخْلِيلِ خَلَائِهِ وَتَحْرِيمِ
حَرَائِمِهِ شَاهِدًا. (١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَوِّنْ بِالْقُرْآنِ
عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السُّيَاقِ، وَجَهْدَ الْآتِسِينَ، وَتَرَادُفَ
الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ الثُّغُوسُ الثَّرَاقِي، وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ؟ وَتَجَلَّى مَلَكُ
الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْغُيُوبِ، وَرَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَانِ بِأَسْهُمِ
وَحْشَةِ الْفِرَاقِ، وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَايِ الْمَوْتِ كَأْسًا مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ،
وَدَنَامِنًا إِلَى الْأَخِرَةِ رَحِيلًا وَأَسْطَلَاقًا، وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ
فِي الْأَعْنَاقِ، وَكَانَتِ الْقُبُورُ مِنَ الْمَأْوَى إِلَى مَبِيتَاتِ يَوْمِ الثَّلَاقِ
(١٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ السَّلَى،
وَطُولِ الْمَقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا حَيْرَ
مَنَازِلِنَا، وَاسْخَ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا، وَلَا تَسْفِضْخَنَا فِي
خَاضِرَى الْقِيَمَةِ بِمُؤَبَّاتِ آثَامِنَا. (١٥) وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْغَرَضِ
عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَتَبَتَّ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جَسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا
رَلَّلَ أَقْدَامِنَا، وَتَوَزَّ بِهَ قَبْلَ الْبَغْتِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَنَجَّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبِ
يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَشَدَّ أَيْدِيَ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ (١٦) وَبَيِّضْ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَةِ
وُجُوهِ الظُّلَمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَالتَّدَامَةِ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ
الْمُؤْمِنِينَ وَدَأً، وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكَدًا. (١٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتُكَ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ.

معبشت و وسعت در رزقی را برای ما فراهم ساز و ما را به وسیله قرآن از صفات نکوهیده و اخلاقی ناپسند باز بدار و از فرو افتادن در سیاه چال کفر و نفاق محفوظ بدار تا اینکه قرآن در مسیر رضوان و بهشت تو در قیامت ما را راهنما باشد و در این دنیا نیز ما را از برانگیختن خشم خود و تعدی از مقررات باز بدارد و در نزد خودت شاهد باشد که ما حلال تو را حلال می دانیم و حرام تو را حرام می شماریم.

(۱۲) خداوند! بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با قرآن در هنگام مرگ، سخنی ارنحال و مشقت ناله و فریادهای پی در پی را آسان فرما: آن هنگام که جان به گلو رسد و گفته شود چه کسی است که روح را بالا برد؟ آن هنگام که ملک الموت برای فسخ روح انسان از پرده غیب در آید و جان را از کمان مرگ با نیرهای وحشت فراق، نشانه رود و کاسه ای زهر آلود از شربت مرگ به ما بنوشاند و باندایی و حرکتی ما را به سوزی دیگر نزدیک کند، و اعمال و رفتارمان فلاحه گردنمان شوند و فیرها تا روز حشر و یقین، جایگاه ما گردند.

(۱۳) خداوند! بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و درود ما را به حانه فخر و طول اقامتمان در زیر طبقات زمین و آسمان برگردان و پس از مفارقت از دنیا، قبرها را بهترین منازل ما قرار ده. و با رحمت خود، نسگی بکشد را به فراخی و وسعت مبدل فرما و ما را در عرصه قیامت به خاطر آثار زشت گناهانمان رسوا مکن. (۱۴) و به حق قرآن، در آن هنگام که اعمال بر تو عرضه می شود بر ذلت و پستی ما ترحم فرما. و در آن زمان که پهل دورخ هنگام عبور لرزان می شود، قدمهای ما را محکم گردان، و به حق قرآن ما را از سختیهای روز قیامت و از شدت هراسهای آن روز نجات بخش (۱۵) و در آن روز که هنگام حسرت و پشیمانی ظالمان و ستمکاران است و روزی است که چهره آنان سیاه می گردد، صورت ما را سفید گردان، و در قلب مؤمنین نسبت به ما محبت و دوستی قرار ده و زندگی را بر ما سخت و ناگوار مساز.

(۱۶) خدا یا: بر محمد که بنده و فرستاده نوست درود فرست، چنانکه او به خوبی تبلیغ رسالت تو نمود و باندای رسا امر تو را به مردم رسانید و بندگان را نصیحت فرمود.

(١٨) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَيْتَنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اٰلِهِ - يَوْمَ الْقِيَمَةِ اَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَامْكِنْهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَاجْعَلْهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَاَوْجِهْهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا. (١٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِّفْ بُيُوتَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَآيَمِ نُورَهُ، وَارْقِعْ دَرَجَتَهُ (٢٠) وَآخِضْنَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَتَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذِنَا مِنْهَا جَهْدًا، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاخْشُرْنَا فِي رُفُوتِهِ، وَآوِرْ دُنَا حَوْضَهُ، وَاسْرِخْنَا بِكَاسِهِ (٢١) وَصَلِّ اَللّٰهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُبَلِّغُهُ بِهَا اَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، اِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَفَضْلٍ كَرِيمٍ. (٢٢) اَللّٰهُمَّ اجْزِهِ بِمَا يَلِغُ مِنْ رِسَالَتِكَ، وَادِّئْ مِنْ اَيَاتِكَ، وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ، وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ، اَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ اَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَرُسُلِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

(٤٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ:

(١) أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّعْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّذْيِيرِ. (٢) أَمِنْتُ بِمَنْ تَوَرَّكَ الظُّلُمُ، وَأَوْضَعَ بِكَ الْبُهِمَ، وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ

(۱۸) خداها، جابگاه پیامبر ما را - که درود تو بر او و آل او باد - در روز قیامت، نزدیکتر به خودت از سایر انبیا، فرارده و شفاعت او را از شفاعت سایرین، ممکن تر ساز و ارزش او را در نزد خودت بالاتر از آنان فرارده و منزلت او را رفیعتر گردان.

(۱۹) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اساس کار او را شرافت بخش و برهان او را بزرگ بدار و میزان اعمالش را سنگین گردان و شفاعتش را قبول فرما و او را وسیله ای نزدیک به خودت فرارده (تا به حضورش نوسل جویم) و صورتش را سفید و نورش را نام گردان و درجه اش را رفیع فرما.

(۲۰) و ما را بر سست او زنده بدار و بر دین او بمیران و در آیین و طریقت او راهبرمان باش. ما را از پیروان او فرارده و در زمرة باران او محشور فرما و ما را به حوض کوثر او وارد ساز و با جام او سیرابمان گردان.

(۲۱) و خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که با آن او را به بهترین آنچه آرزو دارد از خیر و فضل و کرامت ناهل گردانی، زیرا تو دارای رحمت واسعه و فضل کریمانه ای.

(۲۲) خداها به خاطر اینکه پیامبر ﷺ، رسالات تو را ابلاغ فرمود و آیات تو را به مردم رسانید و پندگانت را موعظه فرمود و در راه تو جهاد کرد، بهتر از حزایی که به احدی از فرشتگان مغرب و پا به پیامبران برگزیده ات داده ای به او عطا فرما. و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر عترت پاک و مظهر او باد

دعای چهل وسوم:

هنگام رؤیت هلال

(۱) ای (ماه) آفریده فرمانبردار، ای منحرک شتاب دار، ای رفت و شد کننده در جابگاههای مقرر شده و ای جابجا شونده در فلک نظم و تدبیر.

(۲) من ایمان دارم به خالفی که ما تو ظلمتها را روشن کرده و ابهامها را بر طرف نموده، و تو را نشانه ای از نشانه های قدرتش و علامتی از علامات

سُلْطَانِهِ، وَامْتَنَهَكَ بِالرِّبَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، وَالطَّلُوعِ وَالْأَقْصُولِ،
وَالْإِنَارَةِ وَالْكُصُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَى
إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ (٣) سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ! وَالْطُّفَ
مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ
(٤) فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ، وَمُقَدِّرِي
وَمُقَدَّرَكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ: أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَةٍ لَا تَمَحُّهَا الْأَثَامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدَسُّهَا
الْأَثَامُ (٥) هِلَالِ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ الشُّوْنَاتِ، هِلَالِ
سَعْدٍ لَا تَحْسُ فِيهِ، وَيُؤْمِنُ لَا تَكْذِبُهُ، وَيَسُرُّ لَا يُعَارِضُهُ عُشْرٌ،
وَحَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلَالِ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ
وَإِسْلَامٍ. (٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي
مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَارْكَبِي مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ، وَأَسْعِدْ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ،
وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِسُلُوبَةٍ، وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْخَوْبَةِ، وَاحْفَظْنَا فِيهِ
مِنْ مُبَاشَرَةِ مَغْصَبِكَ (٧) وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْهَيْسَنَاءِ فِيهِ
جُنَّ الْغَايَةِ، وَاتَّسِمِ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الِئْمَةِ، إِنَّكَ
الْمَتَّانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

سلطنتش فرار داده و با زیادت و نقصان، طلوع و غروب، و فروغ و خاموشی تو را به کار گرفته است. در همه این امور مطیع خداوندی و به سوی آنچه او اراده کند می‌شایی.

(۳) خدا پاک و مزه است و چه شگفت آور است ندبیری که در مورد تو بکار بسته و چه ظریف و زیاست آنچه که در شأن تو انجام داده است: تو را کلید ماه نو برای کار تو فرار داده است.

(۴) پس از خدایی که ربّ من و ربّ نوست، خالق من و خالق نوست، نذیر کننده امور من و نوست، نصویرگر من و نوست، می‌طلبم که سر محمد ﷺ و عثرت او درود فرستد و تو را هلال برکائی فرار دهد که گذشت اتمام آنها را از بین نبرد و هلال پاکی و طهارتی که گناهان آن را ناپود نسازد

(۵) هلال امنیت از آفات و سلامت از گناهان، هلال سعادت که در آن هیچ نحوست نباشد و خوشی که با آن هیچ امر ناگواری همراه نباشد، و آسانی که سختی در آن راه نیافته باشد و خبری که هرگز در آن شرّ دیده نشود. هلال امنیت و ایمان، نعمت و احسان و سلامت و اسلام

(۶) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرستد و ما را از رضایمندترین افرادی فرار دهد که این هلال بر آنان طلوع کرده و از پاکترین اشخاصی مفرر فرما که نظر بر ماه افکنده‌اند. و از سعادتمندترین انسانهایی محسوب فرما که در این ماه به عبادت تو مشغولند. و در این ماه به ما توفیق تو به عطا فرما و ما را از گناه محافظت کن و از ارتکاب معصیت مصون بدار.

(۷) پرشکر نعمتهایت را به ما عنایت فرما و بر ما زره سلامتی و عافیت ببوشان و با توفیق کمال اطاعت، منت را بر ما تمام گردان که همانا تو صاحب منت و ستوده‌ای. و درود خدا بر محمد ﷺ و عثرت پاک و مطهر او باد.

(٤٤)

﴿ وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ: ﴾

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ
مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَّا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ (٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّةِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْتَلْكَهَا
بِمَنَّةٍ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَتَّى يَسْتَقْبِلَهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِمِ عَنَّا (٣) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ،
وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطُّهُورِ، وَشَهْرَ التَّوْحِيدِ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي
أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِلنَّاسِ، وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
(٤) فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْخُرُمَاتِ
الْمَوْفُورَةِ، وَالنِّصَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا،
وَحَبَرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ إِكْرَامًا، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيِّنًا لَا يُجِيزُ
بِجَلٍّ وَعَزٍّ أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يُتَبَلَّ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ. (٥) ثُمَّ فَضَّلَ
لَيْلَتَهُ وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاَهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ،
تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَاتِ
إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ.

دعای چهل و چهارم: در آغاز ماه رمضان

(۱) شکر خداوندی را سزاست که ما را به حمد و ستایش خود هدایت فرمود و ما را از سپاسگزاران قرار داد تا نسبت به احسان او سپاس گوئیم و او به ما پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

(۲) و سپاس خداوندی را که ما را برای ذبح خود سرگرد و آبیش را اختصاصاً به ما ارزانی داشت و ما را در طریق احسانش به پیش بُرد تا با لطف او به سوی رضوانش حرکت کنیم. ستایشی که آن را از ما قبول فرماید و با آن از ما خشنود گردد.

(۳) و ستایش خدایی را سزاست که یکی از راههای رضوانش را ماه خودش یعنی ماه رمضان قرار داد، ماه روزه، ماه اسلام، ماه طهارت، ماه پاکسازی درونی و ماه قیام، ماهی که در آن قرآن به عنوان کتاب راهنمایی مردم همراه با حجتهای روشن هدایت و براهین جداکننده حق از باطل نازل شده است.

(۴) پس خداوند برتری ماه رمضان را بر دیگر ماهها از این راه نشان داده که در این ماه محرمات زیاد و فضیلتهای آشکار و مشهوری مغفور شده است. و لذا از باب بزرگداشت این ماه، چیزهایی را که در دیگر ماهها حلال است، در ماه رمضان حرام شمرده و به خاطر نکیریم آن، خوردنهای و نوشیدنهای را ممنوع فرموده است. و برای آن وقت خاصی مشخص کرده که نه اجازه می دهد در این وقت تقدیمی صورت گیرد و نه تأخیری.

(۵) و فضیلت یک شب از شبهای این ماه را بر فضیلت شبهای هزار ماه دیگر ترجیح داده و نام آن را شب قدر نهاد که در آن فرشتگان و جبرائیل در مورد هر امری با اجازه پروردگار نازل می شوند، شبی که تا طلوع سپیده شب سلامت است و هنگام نزول برکات همیشگی بر هر کس از بندگانش که بخواهد و آنچه که حکم و فرمانش اقتضا کند.

(٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْهِنَا مَغْرَقَةً قَضِيلِهِ وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَالتَّحَقُّظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ، وَاعِثًا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِغْنًا لَهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا تُضْغَى بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْنِهِ، وَلَا تُسْرِعَ بِإِبْصَارِنَا إِلَى لَعْنِهِ (٧) وَحَتَّى لَا تَبْسُطَ أَيْدِيَنَا إِلَى مَحْظُورٍ، وَلَا نَخْطُو بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ، وَحَتَّى لَا تَبْعَى بَطُونَنَا إِلَّا مَا أَخْلَلْتَ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَانَا إِلَّا بِمَا مَثَلْتَ، وَلَا تَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَتَغَاطَى إِلَّا الَّذِي يَتَقَى مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلَصَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِثَاءِ الْمُرَاتِبِينَ، وَسُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ، لَا تَشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا تَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ. (٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَقِنَّا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَواتِ الْخَمْسِ بِخُذُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوَقَائِعِهَا الَّتِي وَظَنْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ (٩) وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مِثْرَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْخَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَأَهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَّوْا نَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ قَوَاضِيهَا عَلَى أَسْمِ الطَّهْورِ وَاسْتِغْفِهِ، وَابْتِنِ الْخُسُوعَ وَابْلَغِهِ. (١٠) وَوَقِّنَّا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَأَنْ نَتَغَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخْلَصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّيَغَاتِ، وَأَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاوَاتِ، وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا خَاشِينَ مِنْ عَوْدِي فِيكَ وَلكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تُؤَالِيهِ، وَالْجَرْبُ الَّذِي لَا تُصَافِيهِ. (١١) وَأَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَغْصِنُنَا فِيهِ بِمَا نَسْتَأْنِفُ

(۶) خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و توفیق شناخت فضیلت این ماه و بزرگداشت حرمت آن و خودداری از آنچه در آن ممسوع فرموده‌ای را به ما الهام فرما. و ما را یاری کن که رمضان را روزه بگیریم با نگهداشتن اعضا و جوارح از ارتکاب گناهان و بکارگیری آنها در آنچه که موجب خشودی نو می‌شود. تا با گوشمان به صداهای بهبوده گوش نکبیم و با دهن‌گمانان به سمت لهویات سرعت نگیریم. (۷) دست به سوی ممنوعی نبریم و قدم به سمت حرامی بر نداریم. و شکم ما پر نشود مگر از آنچه حلال فرموده‌ای و زبان ما چیزی نگوید مگر آنچه خود گفته‌ای. و خود را به زحمت نباندازیم مگر در آنچه ما را به ثواب نزدیک می‌سازد و به چیزی نپردازیم مگر آنچه که ما را از عذاب نو مصون می‌دارد. پس نعام این امور را از ریاء و شمهه (یعنی اینکه دوست داشته باشیم دیگران کارهای خوب ما را بشنوند و تعریف کنند) خالص گردان تا خبر از تو کسی را شریک نگیریم و در کارها بمانیم تا خبر از تو را بر نگزینیم

(۸) خداوند! بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را بر فہام به نماز در موافقت آن همراه با حدودی که برای آن مشخص فرموده‌ای و واجباتی که در آن مفتر نموده‌ای و وظایف‌هایی که برای آن تعیین کرده‌ای و اوفانی که برای آن در نظر گرفته‌ای، موقف بدار. (۹) و ما را در نماز از حمله کسانی فرار ده که به درجات آن رسیده، ارکان آن را حفظ و آن را در وفش همانگونه که بنده و پیامبرت ﷺ سنت فرار داده ادا می‌کنند و رکوع و سجود و همه فضیلت‌های آن را در نهایت طهارت و پاکی و با کمال خشوع و فروشی انجام می‌دهند. (۱۰) و ما را در این ماه مبارک توفیق ده که با کار نیک نسبت به خویشان خود صلوة رحم بجا آوریم و با فضل و بخشش با همسایگانمان رابطه دوسنی برقرار کنیم و اموال خود را از حرام پاک کنیم و آنها را با دادن زکات‌ها خالص نماییم. و از کسی که با ما فہر کرده، دیدار کنیم و نسبت به کسانی که بر ما سنم روا داشته‌اند، انصاف را رعایت نماییم و نسبت به دشمنانمان با مسالمت بر خورد کنیم، بجز آنها که در راه و به خاطر تو مورد عداوت ما هستند؛ اینان دشمنانی هستند که هرگز با آنها دوسنی نمی‌کنیم و از حزی هستند که هرگز با آنها صفا و یکرنگی نداریم. (۱۱) و به ما توفیق ده که در این ماه به سوی تو تفریب جویم با اعمال شایسته‌ای که ما را از

مِنَ الْعُيُوبِ، حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِّنْ مَّلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ
 مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ. (١٢) اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْنِ آدَمَ
 إِلَى وَفَّتِ قُلُوبُهُمْ: مِنْ مَلِكٍ قَرِيبَةٍ، أَوْ نَسِيٍّ أَرْسَلْتَهُ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ
 اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ
 أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَاغَةِ
 فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مِّنْ اسْتَعْقِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى بِسِرِّهِ
 (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَبُّنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ،
 وَالتَّقْصِيرِ فِي تَعَجُّدِكَ، وَالشُّكِّ فِي دِينِكَ، وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ،
 وَالْإِغْفَالِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْإِلْحَادِ لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (١٤) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلَائِي شَهْرِنَا
 هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُّهَا غَفْلَتُكَ، أَوْ يَهْبِطُهَا ضَعْفُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ
 الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ. (١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هِلَالِهِ، وَاسْلَخْ عَنَّا
 ثِيَابَنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَثَامِهِ حَتَّى يَنْقُضَى عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْنَا فِيهِ
 مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَأَخْلَصْنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (١٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ قَعْدُنَا، وَإِنْ رُغْنَا فِيهِ فَقَوْمُنَا، وَإِنْ اشْتَمَلْ
 عَلَيْنَا عَدْوُكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ. (١٧) اللَّهُمَّ اشْحَلْهُ بِعِبَادَتِنَا
 إِيَّاكَ، وَزَيِّنْ أَوْفَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَأَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ،
 وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَالْخُشُوعِ لَكَ، وَالدَّلَّةِ
 بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ، وَلَا لَيْلُهُ بِتَقَرُّبٍ.

لوث گناهان پاک کنند و از اینکه دوباره عیوب و زشتیها را از سر گیریم، حفظ کنند. نا اینکه هیچ فرشته‌ای از فرشتگان مأمور بندگان، چیزی از گناهان بر تو نیاورد مگر آنکه از طاعت و پسندگی ما و نفرت به درگاهت، کمتر باشد. (۱۲) خداوند اینه حق این ماه و به حق کسی که از ابتداء تا انتهاء آن، به بندگی نو پرداخته مثل فرشته‌ای که او را مقرب درگاهت ساخته‌ای و یا پیغمبری که به رسالت مبعوث نموده‌ای و یا بنده شایسته‌ای که از خواص فرارش داده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد ﷺ و اهل بیت او درود فرست و ما را اهل کرامتهایی فرارده که در این ماه به اولیاءت وعده داده‌ای. و آنچه که در حق ساعیان در طاعت و بندگیت لازم کرده‌ای، در حق ما نیز واجب گردان و ما را در زمره کسانی قرارده که در پرتو رحمت تو، شایستگی جاهگاهی رفیع در نزد تو را بدست آورده‌اند. (۱۳) خداها بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از انکار بکنایی خود و از کوناهی در ستایشت و از نردید در دینت و از کوری نسبت به راهت و غفلت نسبت به حرمتت و فریب خوردن از دشمنت یعنی شیطان رانده شده، بدوردار. (۱۴) خداوند اینه حق بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اگر در هر شب از شبهای این ماه، عمو نو با غایت آزادی بندگانی می‌شود و گذشت آنها را مورد بخشش قرار می‌دهد، پس ما را نیز از زمره همان بندگان قرارده و ما را برای این ماه از بهترین شایستگان و اصحاب محسوب فرما. (۱۵) خداها بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با محور ندریجی هلال ماه رمضان، گناهان ما را نیز محو کن و با سیری شدن روزهای این ماه، زشتیها و پلیدیها را از جان ما بکن و نا اینکه این ماه بگذرد در حالی که در آن تو ما را از خطاها پاک و از گناهان پیراسته باشی.

(۱۶) خداها بر محمد ﷺ و عترت او درود فرست و اگر در این ماه از راه راست منحرف شدیم ما را بازگردان و اگر به بیراهه رفتیم ما را مستقیم ساز و اگر دشمنت شیطان بر ما مسئولی شد، ما را از چنگ او برهان

(۱۷) بار خداها این ماه را از بندگی ما به درگاه خودت، پر کن، و ساعات این ماه را با طاعتان مبین فرما و در روزهایش هر روزه گرفتن باریمان نما و در شبهایش به نماز و زاری بآسمانت و فروتنی در پیشگاهت و خواری در بارگاهت کمکمان کن تا روز این ماه بر غفلت ما و شیش پر کوناهی ما شهادت ندهند.

(١٨) اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْاَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا،
وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَسِرُّونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ
رَاجِعُونَ، وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ.
(١٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي كُلِّ وَتْبٍ وَكُلِّ اَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ
حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَاضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ
بِالْاضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، إِنَّكَ قَعَالٌ لَنَا تُرِيدُ.

﴿٤٥﴾



(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَزْغِبُ فِي الْجَزَاءِ (٢) وَيَا مَنْ لَا يَسْتَدِمُّ عَلَى
الْعَطَاءِ (٣) وَيَا لَا يُكَافِي عَبْدُهُ عَلَى السُّوَاءِ. (٤) مِسْتَكَّ ابْتِدَاءً،
وَعُثُوكَ تَفْضُلُ، وَعُثُوبُكَ عَدْلُ، وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ (٥) إِنْ أُعْطِيتَ
لَمْ تَنْسُبْ عَطَاءَكَ بِشَيْءٍ، وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعْدِيًا. (٦) تَشْكُرُ
مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ الْهَيْئَةُ شُكْرَكَ. (٧) وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ
عَلَمَتُهُ حَمْدَكَ. (٨) تَسْتُرُّ عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَتَجُودُ عَلَى
مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَكَلَامُهَا أَهْلُ مِنْكَ لِلتَّضْيِيقِ وَالْمَنَعَ غَيْرُكَ أَنَّكَ
بَيِّتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفْضُلِ، وَأَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ.

(۱۸) خداوند در دهر ماهها و روزها نیز تا آن هنگام که به ما عمر می‌دهی، همچنین فرامان ده و ما را از بندگان شایسته‌ات محسوب فرما؛ آنها که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاوید می‌مانند، و آنها که آنچه را می‌دهند، در حالی است که دلهاشان از باد خدا نرسان است و به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، و ما را از کسانی فرار ده که در امور حیرت‌ناگ دارند و بر دیگران پشی می‌گیرند.

(۱۹) خدا یا پر محمد ﷺ و آل او درود فرست، در هر وقت و در هر زمان و در هر حالی. درودی به تعداد همه آنها که سلامشان داده‌ای و باز هم بیش از آن، به مفداوری که غیر تو نمی‌تواند آن را شماره کند! همانا تو آنچه را اراده کنی، انجام می‌دهی.

دعای چهل و پنجم:

در وداع با ماه مبارک رمضان

- (۱) خداوند ای آنکه میل به گرفتن پاداش نداری.
- (۲) و ای کسی که از عطا و بخشش پشیمان نیستی.
- (۳) و ای آنکه به بنده‌ات پاداش بزرگتر نمی‌دهی،
- (۴) بخشش تو، ابتدایی است و گذشت تو از باب تفضل است و کبروت عین عدل است و فرمانت، خیر و صلاح است.
- (۵) تو اگر چیزی ببخشی، همراه با منت نیست و اگر چیزی را معسوم کنی، ظلم و ستم محسوب نمی‌شود.
- (۶) تو نسبت به آنکه شکر تو گوید، سپاسگزاری می‌کنی و حال آنکه خود شکر را به او الهام نموده‌ای.
- (۷) و عوض می‌دهی به آنکه تو را سنايد و حال آنکه خود سنايش را به او آموخته‌ای.

(۸) عیوب کسانی را می‌پوشانی که اگر می‌خواستی رسوایشان می‌ساختی. وجود تو شامل حال کسانی می‌شود که اگر بخواهی می‌توانی آنها را محروم کنی. و هر دو گروه فوق بحق، شایسته رسوایی و محروم‌بندند، اما این تویی که اساس کار را بر تفضل نهاده‌ای و قدرت خود را در عفو و گذشت نشان می‌دهی.

(٩) وَ تَلَقَّيْتَ مِنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ. وَ أَهْمَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ. تَسْتَظِرُّهُمْ بِأَنَانِكَ إِلَى الْإِنَانَةِ، وَ تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ، وَ لَا يَسْمَنَ بِسِنْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ إِلَّا عَنْ طَوْلِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ. وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ، وَ عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ. (١٠) أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضَلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ: تَبَارَكَ اسْمُكَ: تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (١١) يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟ (١٢) وَ أَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّورِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ قَوَزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةِ مِنْكَ، فَقُلْتَ: تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتَ: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا، وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا. (١٣) وَ قُلْتَ: مَثَلُ الَّذِينَ يُسْلِفُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ، وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً. وَ مَا أُنْزِلَتْ مِنْ نُظَائِرِهِمْ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعُفِ الْحَسَنَاتِ. (١٤) وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ عَيْنِكَ وَ تَرْغِيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَقْلُهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَرَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ

(۹) یا کسی که در برابر تو سرکشی می‌کند، یا بردباری برخورد می‌کنی و به کسی که (با گناه) فصد سنم بر خویش دارد مهلت می‌دهی و آنان را نا لحظه رجوع و بازگشت، به مدارای خود و عده می‌دهی و نارمان نوبه از شتاب در عذاب آنان خودداری می‌کنی تا هلاکت شوند. از جانب تو نباشد و آن کس که شفی است، با نعمت تو گرفتار شفاوت نشود، مگر پس از حذر بسیار و حجت‌های پی‌درپی و آشکار و اینها هم از عفو نوست ای کریم، و بهره‌ای است از مهربانی تو ای خدای بردبار. (۱۰) نویی که برای بندگانت دری به سوی عفو گشوده‌ای و آن را دویه نام نهاده‌ای. و برای راهنمایی به سوی این در، راهنمایی و حباتی گذاشته‌ای که هرگز آن را گم نکنند و خود - که نامت مبارک است - فرموده‌ای: به سوی خدا نوبه کنبد، نوبه‌ای پاک و خالص، بدان امید که خداوند گناهان شما را بپوشاند و شما را در بهشتی داخل سازد که مهرها در آن جاری است. (۱۱) در روزی که خداوند پیامبر ﷺ و آنان را که به او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌گرداند، نور آنان از پیش رو و از جانب راست آنان حرکت می‌کند (درحالی‌که) آنان می‌گویند: ای پروردگار ما، تو ما را کامل گردان و ما را به امروز، که تو بر هر کاری توانایی (۸، نحریم). پس عذر کسی که از این منزل غفلت کند - بعد از اینکه تو در آن را گشوده‌ای و برایش راهنما فرار داده‌ای - چیست؟ (۱۲) و نویی آنکه به نفع بندگانت، زیاد خود را به مشقت و سختی می‌اندازی و دوست می‌داری که آنان در تجارت با تو سود ببرند و با وارد شدن بر تو و زهدات خواستن از تو رستگار شوند. و لذا تو خود - که نامت مبارک و بلند است - فرموده‌ای: هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر اجر می‌برد و هر آن کس که کار ناپسندی مرتکب شود، جز به اندازه همان عمل مجازات نمی‌شود (۱۶۰، انعام). (۱۳) و نیز فرموده‌ای: مثل آنها که اموال خودشان را در راه خدا اتفافی می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خروشه می‌رویند و در هر خروشه‌ای صد دانه است و خداوند به هر کس که بخواهد چند برابر پاداش می‌دهد. (۲۶۱، بقره) و همچنین فرموده‌ای: کیست آن کس که به خدا فرض نیکو بدهد تا در نتیجه خدا به او چندین برابر عطا فرماید (۲۴۵، بقره) و نیز نظیر این سخنان که حسنات را چند برابر پاداش می‌دهی در قرآن نازل فرموده‌ای. (۱۴) و نویی آنکه با گفتار بندگان را نسبت به عالم ضعیب راهنمایی کردی و با ترغیب

أَبْصَارُهُمْ. وَلَمْ يَعِهِ أَشْنَاعُهُمْ، وَلَمْ تَلَحُّهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتُ: أَذْكُرُونِي
 أَذْكُرْكُمْ. وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ، وَقُلْتُ: لَيْسَ شَكْرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ،
 وَلَيْسَ كَفَرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (١٥) وَقُلْتُ: أَذْغُونِي أَشْتَجِبْ لَكُمْ،
 إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِرُونَ عَنِّ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمِعْتُ
 دُعَاءَ عِبَادِهِ، وَتَرَكُهُ أَشْتَكْبَارًا. وَتَوَعَّدْتُ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ
 جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (١٦) أَفَذْكُرْكَ بِمَنِّكَ، وَشْكُرْكَ بِفَضْلِكَ، وَدَعَاكَ
 بِأَمْرِكَ، وَتَصَدَّقُوا لَكَ طَلِبًا لِتَزِيدَكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ
 غَضَبِكَ، وَقَوَّزُهُمْ بِرِضَاكَ. (١٧) وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ
 عَلَى مِثْلِ الَّذِي ذَلَّلْتَ عَلَيْهِ عِبَادَكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِحْسَانِ،
 وَمَتَّعُونًا بِالْإِمْتِنَانِ، وَمَغْفُورًا بِكُلِّ لِسَانٍ. فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ
 فِي حَتِّكَ مَذْهَبٌ، وَمَا بَقِيَ لِلْعَمْدِ لَنَفْظٍ تُعَمِّدُ بِهِ، وَمَغْنًى يَنْصَرِفُ
 إِلَيْهِ. (١٨) يَا مَنْ تَعَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَمَرَهُمْ
 بِالنُّورِ وَالطُّوْلِ، مَا أَنَسَى فِينَا نِفْتَكَ، وَأَسْتَعِزَّ عَلَيْنَا بِمَنِّكَ،
 وَأَخَصَّنَا بِبِرِّكَ! (١٩) هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اضْطَقَمْتُ، وَمَسَلْتِكَ الَّذِي
 ارْتَضَيْتَ. وَسَبِيلَكَ الَّذِي سَهَّلْتَ، وَبَصُرَتَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ، وَالْوُصُولَ
 إِلَى كَرَامَتِكَ (٢٠) اللَّهُمَّ وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَائَا بِلَاكَ الْوُظَائِنِ،
 وَخَصَّائِنِ بِلَاكَ الْقُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ
 الشُّهُورِ، وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَالذُّهُورِ، وَأَثَرْتَهُ عَلَى
 كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أُنْزِلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْثَوْرِ، وَضَاعَفْتَ
 فِيهِ مِنَ الْإِسْمَانِ، وَفَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصَّيَامِ، وَرَعَّبْتَ فِيهِ
 مِنَ الْقِيَامِ، وَأَجَلَّلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

و نشوین، آنان را به سویی پردی که از بهرۀ کامل بر خوردار شوند. حقایق را به آنان نشان دادی که اگر از انسان می پوشاندی، چشمانشان هرگز آنها را نمی دید و گوشه اشان نمی شنید و ذهن آنها بدان نمی رسید. و حدوث فرمودی: ما را یاد کنبد تا من نیز به باد شما باشم و شکر مرا بجای آورید و کفران نکنید. و فرمودی: اگر شکر گزار باشید بر نعمتهای شما می افزایم و اگر کفران پیشه کنید، به راسنی عذاب من شدید است. (۱۵) و نو فرمودی مرا بخواند تا شما را استجابت کنم، به راسنی کسانی که با روحۀ استکبار، خود را هراتر از سگی من ببینند به زودی به آتش دوزخ داخل خواهند شد و در آن جاوید می مانند، پس دعا و در خواست از خود را عبادت و ترک دعا را استکبار نامیده ای و نه بد کرده ای که ترک دعا موجب دخول همیشگی در آتش دوزخ می شود. (۱۶) پس بندگان تو را به خاطر لطف باد می کنند و با قسوت سیاس می گزارند و به موجب فرمانت تو را می خوانند و در راه تو صدفه می دهد تا از تو زیادت نعمت طلب نمایند و در این امر برای آنان، نجات و رهایی از غضب تو و فلاح و رسنگاری در پرتو رضایت تو محقق می شود. (۱۷) و اگر یکی از مخلوقات تو از جانب خودش دیگری را مثل آنچه تو بندگان را به آنها راهمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به صفت احسان و اعطاء نعمت موصوف می شد و به هر زبانی مورد متابعت قرار می گرفت پس حمد و تسبیح برای توست مادام که راهی برای حمد تو باز است و لفظی باقی است که با آن حمد تو گفته شود و معنایی در کار است که به ستایش تو بار گردد. (۱۸) ای کسی که به سبب احسان و فضل، در نزد بندگان، شایسته ستایش شده ای و آنان را غرق در نعمت و بخشش نموده ای، نعمات تو در بین ما چه آشکار و پیداست و بخششهايت بر ما چه فراوان و اختصاص یافتن ما به نیکیهای تو چه زیاد است! (۱۹) تو ما را به دین برگزیده و آیین مورد رضایت و راه سهل و آسان خود هدایت نمودی و نسبت به طریقه تقرب به خودت و رسیدن به کرامت ما را بصیرت دادی. (۲۰) خداوند تو در ممرۀ برگزیده این طبایف و احوال و ویژه از واجبات، ماه رمضان را فرار دادی، ماهی که آن را از سایر ماهها ممتاز نمودی و ازین همه زمانها و اقام، آن را انتخاب فرمودی و آن را بر همه اوقات سال به نزول فرآن و نور مقدم داشتی و ایمان را در این ماه مضاعف نمودی و روزه را در آن واجب گردانیدی و بندگان را به پیام در آن برای عبادت تو رغیب فرمودی و شب قدر را که از هزار شب بهتر است در آن تجلیل نمودی.

(٢١) ثُمَّ أَثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأَمَمِ، وَاصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْبَيْلِ، فَصُنَّا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَقُنَّا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَوْتِكَ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ، الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاولَ قُرْبَكَ. (٢٢) وَقَدْ أَقَامَ فِيْنَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَصَحْبَتَا صُحْبَةٍ مَبْرُورٍ، وَأَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ طَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَانْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَوَفَاءِ عَدَدِهِ.

(٢٣) فَتَحْنُ مُودَعُوهُ وَدَاعٌ مِنْ عَزِّ فِرَاقِهِ عَلَيْنَا، وَعَمْنَا وَأَوْحَسْنَا انْصِرَافَهُ عَنَّا، وَلَزِمْنَا لَهُ الذُّمَامَ الْمَحْفُوظَ، وَالْحُرْمَةَ الْمَرْغَبَةَ، وَالْحَقَّ الْمُنْقَضِيَّ، فَتَحْنُ قَاتِلُونَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَيَا عَيْدَ أَوْلِيَانِهِ. (٢٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الْحَرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَيَا حَيِّزَ شَهْرِ فِي الْآيَاتِ وَالسَّاعَاتِ. (٢٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قُرْبَتِ فِيهِ الْأَمْوَالُ، وَنُبْرَتِ فِيهِ الْأَعْمَالُ. (٢٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينِ جَلِّ قَدْرُهُ مَوْجُوداً، وَأَفْجَعِ قُدْرُهُ مُفْقُوداً، وَمَرْجُو أَلَمِ فِرَاقِهِ. (٢٧) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ أَلْفِ أَنْسٍ مُتَبَلِّغٍ قَسْرٍ، وَأَوْحَشٍ مُنْتَضِيٍّ قَمَضٍ. (٢٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ، وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ. (٢٩) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ، وَصَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ. (٣٠) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُتْمَاءَ اللَّهِ فِيكَ، وَمَا أَشَدَّ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ! (٣١) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْنَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَأَسْتَرَكَ لِأَسْوَاعِ الْعُيُوبِ! (٣٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى السُّجَرِ مِيزَانٍ، وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ! (٣٣) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ لَا تُنَافِسُهُ الْآيَاتُ.

(۲۱) میس ما را برای این ماه بر سایر اَمَنها مَقَدَّم داشنی و برای فضیلت آن، ما را انتخاب فرمودی نه سایر مَلَنها را، و ما نه فرمان نوروز این ماه را روزه گرفتیم و با باری نو شب را به فِیام در عبادت سپوی کردیم و با روزه گرفتن و سرخاسنن برای عبادت، خود را در معرض رحمت که ما را در جوار آن نهاده‌ای، قرار دادیم و آن را وسیله‌ای برای دریافت ثواب تو ساختیم و حرانۀ تو پر است از آنچه در راحت مورد رغبت باشد. و در آنچه از فضل و عطا از تو در خواست شود، بخشنده‌ای و نسبت به کسی که در راه قُرب تو می‌کوشد، نردبک هستی (۲۲) و این ماه به گونه‌ای شایسته ستایش در بین ما و همچون باری نیکو همراه ما بود و بهترین سودهای جهانبان را به ما رسانید، و میس آن هنگام که وفش به پایان آمد و سَدش تمام شد و عدد روزهایش به آخر رسید، از ما جدا شد. (۲۳) پس اینک ما با رمضان وداع می‌کنیم، همچون وداع با کسی که حدایی از او بر ما سحت و ماگوار است و روی گرداندن اواز ماه موجب حُزن و هراس است و بر ما لازم است که عهد محفوظ و حرمت شایسته رعایت و حق ادا شدنی او را نگاه داریم پس اینک می‌گوئیم: سلام بر نوای بزرگترین ماه خدا و ای حیدر دُستانِ خلد (۲۴) سلام بر نوای لرزشمندترین اوفانی که با ما همراه بودی و ای بهترین رُوزها و ساعاات. (۲۵) درود بر نوای ماهی که در آن آرزوها بر آورده و نردبک می‌شوند و اعمال شایسته در آن فراوان است. (۲۶) سلام بر نو دوسنی که رفتی هستی، ارزش نو بسیار بالا است و آن هنگام که نیستی، فُقدان تو درد آور است و نقطه امیدی هستی که جدایت بسیار رنج آفرین است. (۲۷) درود بر نو مونسکی که رفتی آمدی، با ما انس گرفتی و اسباب سرور و شادی گشتی و وقتی از کنار ما رفتی، در دل ما هراس انداختی و غمگینان ساختی. (۲۸) درود بر نو همسایه و همنشبی که در کنار تو قلبها نرم شد و گناهان کاهش یافت. (۲۹) سلام بر نو باوری که ما را علیه شیطان باری نمودی و دوسنی که راههای احسان و نیکی را آسان فرمودی. (۳۰) درود بر نو که چه فراوان است آزاد شدگان راه خدا در تو چه خوشبخت است کسی که به خاطر تو، احترام را نگه ندارد. (۳۱) سلام بر نو که چقدر گناهان را می‌پوشانی و انواع عیوب و زشتیها را می‌زدایی (۳۲) درود بر نو که جفدر بر مجرمان، بخشش داری و چه اندازه در دلهای مؤمنان هیبت و عظمت داری! (۳۳) سلام بر تو ماهی که هیچ اِثام دیگری شایستگی رفابت با تو را ندارد.

(٣٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ (٣٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ
 غَيْرَ كَرِهٍ الْمُصَاحِبَةِ. وَلَا دَمِيمٍ الْمَلَابِسَةِ (٣٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا
 وَقَدَتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلَتْ عَنَّا دَسَسَ الْخَطِيئَاتِ (٣٧) السَّلَامُ
 عَلَيْكَ غَيْرَ مُودَعٍ بَرَمًا وَلَا مُتْرُوكٍ صِيَامُهُ سَامًا. (٣٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ
 مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ، وَمَخْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ قَسْوَتِهِ. (٣٩) السَّلَامُ
 عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنْهُ، وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفْضَى بِكَ عَلَيْنَا
 (٤٠) السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ
 (٤١) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَضَنَا بِالْأَمْنِ عَلَيْكَ. وَأَشَدَّ شَوْقَنَا عَدَا
 إِلَيْكَ. (٤٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَاهُ، وَ عَلَى مَاضٍ
 مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَاهُ. (٤٣) اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ،
 وَفَقَّطْنَا بِمَنَّاكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْيَاءَ وَقْتَهُ، وَحُرِّمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ.
 (٤٤) أَنْتَ وَ لِي مَا أَتْرَكْنَا بِهِ مِنْ مَغْرَقَتِهِ، وَ هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنْبَتِهِ، وَ قَدْ
 تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ، وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلْبًا مِنْ
 كَثِيرٍ. (٤٥) اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِفْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ،
 وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ. فَأَجْرُنَا
 عَلَى مَا أَضَابْنَا فِيهِ مِنَ التَّغْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْقُضْلَ الْمَرْغُوبَ
 فِيهِ، وَ نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذَّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ. (٤٦) وَ أَوْجِبْ لَنَا
 عَذْرَكَ عَلَى مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ
 شَهْرِ وَمُضَانِ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَا فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَ أَجِرْ لَنَا مِنْ
 ضَالِحِ الْقَعْلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ.

(۳۴) سلام بر نو ماهی که از هر آفت و خطری در امان و سلامتی. (۳۵) درود بر نو ماهی که مصاحبت با تو کراحت ندارد و معاشرت با تو موجب مذمت نیست. (۳۶) درود بر نو که برکات فراوان به ما رساندی و زنگار خطاها و گناهان را از ما شستی. (۳۷) سلام بر نو که وداع با تو از روی دلشکی نیست و ترک روزه تو به جهت خستگی و ملال نمی باشد. (۳۸) سلام بر نو که قبل از فرا رسیدنت، مورد طلب ما هستی و پیش از فوت، مورد حزن و اندوه ما. (۳۹) درود بر نو که چه بسیار بلاها به خاطر تو از ما دور شد و چه بسیار از خیرات، بواسطه تو به ما رسید. (۴۰) سلام بر تو و بر هر شب قدری که بهتر از هزار ماه است. (۴۱) درود بر نو که دبروز نسبت به تو چه بسیار حریص بودیم و فردا چه شوقی به تو داریم. (۴۲) سلام بر تو و بر فصل نو که ما از آن محروم شدیم و برکات گذشتهات که از ما سلب گردید. (۴۳) خداوند! ما اهل این ماهی هستیم که ما را بدان شرافت بخشیدی و با فضلت به ما توفیق درک آن را عطا فرمودی، در حالیکه شرافت پیشگان نسبت به وقت گرانبهای آن جاهل و به خاطر شرافتشان از فصل آن بی بهره اند. (۴۴) خدایا نویی صاحب آنچه ما را برای آن برگزیدی یعنی شناخت این ماه و آنچه بدان هدایمان فرمودی یعنی آداب و اعمال این ماه. و ما به توفیق توست که با تفصیر و کوناهای آن را در روز می گیریم و عبادت را در این ماه به پا می داریم و در آن اندکی از بسیار را نجا می آوریم. (۴۵) خدایا تو را سپاس می گیریم و در عین حال اقرار به بدیهای خود داریم و معترفیم که حق تو را ضایع ساخته ایم. عفته پشیمانی که در دل داریم و صدافی که در مقام پوزش در زبان مانست، تنها برای توست، پس ما را در برابر آنچه بحاطر تفریط و کوناهای به ما رسیده، اجری عطا فرما که با آن، فضل مورد امید در این ماه عزیز را جبران کنیم و از انواع ذخایری که همه بدان حرص دارند، چیزی به عنوان عوض دریافت نماییم. (۴۶) و برای ما عذر خواهی از درگاهت را به خاطر آنچه که در حق تو تفصیر کرده ایم، مقدر فرما و عمر ما را تا رمضان آینده طولانی فرما و آن هنگام که ما را به رمضان آینده رساندی به ما کمک کن تا آنچه را که تو اهل آن هستی یعنی عبادت، انجام دهیم و ما را به حدی رسان که به آنچه شایسته آن ماه است یعنی طاعت، قیام کنیم و از اعمال صالح در طول ماههای سال، آنچه را که جبران کننده حق تو در دو ماه رمضان حال و آینده است، برای ما پیش آور.

(٤٧) اللَّهُمَّ وَمَا أَلَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمٍ أَوْ إِيْمٍ، أَوْ وَاقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ، وَاکْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعْتُدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوْ اتَّهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَلَا تُصِيبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ، وَلَا تُبْسِطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَتَّكَرَتْ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْقُذُ، وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ. (٤٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا، وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِيهِ لِعَفْوٍ، وَامْحَأْهُ لِدَنْبٍ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ. (٤٩) اللَّهُمَّ اسْلُخْنَا بِاسْلَاحِ هَذَا الشَّهْرِ مِنْ خَطَايَانَا، وَأَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَشْعَدِّ أَهْلِ بِهِ، وَاجْزِلْهُمْ قِسْماً فِيهِ، وَأَوْفِرْهُمْ حِطّاً مِنْهُ. (٥٠) اللَّهُمَّ وَمَنْ وَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَقَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا، وَاتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ، وَعَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وَجْدِكَ، وَاعْطِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بِلِ تَفْهِضُ، وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَنْفِي، وَإِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهِتَأِ. (٥١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. (٥٢) اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيداً وَسُرُوراً، وَلِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْتَمَعاً وَمُخْتَشِداً مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَاهُ، أَوْ سَوَّيْ اسْلُفْنَاهُ، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ، تَوْبَةً مِنْ

(۴۷) خداوند در این ماه اگر به گناه کوچک یا بزرگی نزدیک شدیم و با اگر در معصیتی افتادیم و با عمداً مرتکب خطایی شدیم و با از روی فراموشی بر خود ستم نمودیم و با حریم و حرمت کسی را زیر پا گذاشتیم پس نو بر محمد و آل او درود فرست و ما را در پرده عفو و بخشش و بر ما ببخش و ما را نصب العین ملامتگران قرار مده و زیان طعنه زندگان را بر ما باز مکن و ما را به کاری وادار که سبب جبران و کفاره گناهی باشد که در ماه رمضان از آن نهی کرده بودی، به حق رافقت که هرگز پایان ندارد و فضیلت که هرگز کاستنی نمی پذیرد.

(۴۸) خدا یا بر محمد و آلش درود فرست و مصیبت و اندوه ما را در غم رفتن این ماه، خودت جبران کن و روز عید فطر را بر ما مبارک گردان و آن را از بهترین روزهایی قرار ده که بر ما گذشته است تا پستنده ترین روز برای جلب عفو و بخشش و محو گناهان باشد و گناهان پنهان و نهان ما را مورد آمرزش قرار ده. (۴۹) خدا یا با گذشتن این ماه، از گناهان ما در گذر و ما حروج آن ما را از متحلب گناهان خارج کن و ما را در زمرة سعادتمندترین افراد به وسیله این ماه و بهره مندترین اشخاص در این ماه و با نصب نری افراد از این ماه قرار ده.

(۵۰) خدا یا، کسی که به طور شایسته رعایت حق این ماه را نموده و حرمت آن را به حیوی حفظ کرده و به شایستگی حدود و احکام این ماه را بجای آورده و از گناهان در این ماه خودداری نموده و با به گونه ای به قرب نوراء یافته که حتماً از او راضی شده ای و رحمت خودت را شامل حالش گردانیده ای، پس از خزانه دارالبت مثل آن را به ما هم عطا فرما و چندین برابر آن از فضل خویش بر ما ببخشی، که به راسنی فضل تو کاستنی ندارد و هزینه های تو کم نمی گردد بلکه افزونتر می شود و معادن احسان تو هرگز فنا نمی پذیرد و به راسنی بخششهای تو، عطایی است خوش گوار.

(۵۱) خدا یا بر محمد و آلش درود فرست و برای ما پاداشی روزه داران و یا اجر کسانی که این ماه را تا روز قیامت به عبادت مشغولند ثبت فرما.

(۵۲) خداوند ما به سویت نوبه می کیم در روز عید فطر که آن را برای اهل ایمان روز عید و شادی قرار دادی و برای اهل دین خود روز اجتناع و همیاری مقرر نمودی، نوبه از گناهانی که مرتکب شده ایم و از کارهای ناپسندی که انجام

لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ. وَلَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ. تَرَبُّةٌ
 نَصُوحاً خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِزْيَابِ، فَتَقَبَّلَهَا مِثْلًا، وَارْضَ عَنَّا،
 وَتُبَّنَّا عَلَيْهَا. (٥٣) اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ. وَشَوْقَ ثَوَابِ
 الْمَوْعُودِ حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ. وَكَاتِبَةَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ.
 (٥٤) وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ الثَّوَابِينَ الَّذِينَ أُوجِبَتْ لَهُمْ مَحَبَّتُكَ. وَقَبِلَتْ
 مِنْهُمْ مُرَاجَعَةُ طَاعَتِكَ. يَا أَغْدَلَ الْعَادِلِينَ. (٥٥) اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا أَبَانَا
 وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلَ دِينِنَا جَمِيعاً مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.
 (٥٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ
 الْمُقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَسْبَابِكَ الْمُرْسَلِينَ.
 وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلَ مِنْ
 ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. صَلَوةً تَبْلُغُنَا بِرُكْنِهَا، وَتَنَاثُرُ نَفْعُهَا. وَتُسَجِّجُهَا
 لَهَا دُعَاؤُنَا، إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ، وَكَفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطَى
 مَنْ سَأَلَ مِنْ فَضْلِهِ، وَأَتَتْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٤٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ
 إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَوتِهِ قَامَ قَائِمًا ثُمَّ اسْتَقْبَلَ
 الْقِبْلَةَ، وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

- (١) يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحُمُهُ الْعِبَادُ (٢) وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْعِبَادُ
 (٣) وَيَا مَنْ لَا يَخْشَى أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ (٤) وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ.

داده‌ایم با نیت‌های بدی که در دل داشته‌ایم، نوبه‌ای خالص از هرگونه شک و اضطراب پس خداوند این نوبه را از ما بپذیر و از ما راضی شو و ما را بر این نوبه ثابت و پایدار بدار.

(۵۳) خداوند! به ما نرس از عذاب جهنم و اشیای به ثواب موعود و اکرم فرما تا لذت آنچه بدان تو را می‌خوانیم و ناگواری آنچه از آن به تو پناه می‌آوریم را دریابیم.

(۵۴) و ما را از نژادین درگاهت فرار ده، آنان که محبت خودت را در حق آنان لازم کرده‌ای و بازگشت آنان به طاعت و بندگیست را پذیرفته‌ای ای عادلت‌ترین عدالت‌پیشگان.

(۵۵) خداوند! از تمامی پدران و مادران و اهل دین ما درگذر، چه آنها که در گذشته‌اند و چه آنها که تا روز قیامت می‌آیند و باقی می‌مانند.

(۵۶) خدا یا بر محمد، پیغمبر ما و آل او درود فرست همچنانکه بر فرشتگان مقرب درگاهت درود می‌فرستی و بر او و آل او درود بفرست آن گونه که بر انبیاء و رسولان درود می‌فرستی و همانگونه که بر بندگان صالح درود فرستاده‌ای و بلکه بالاتر از آن، ای پروردگار عالمیان، درودی که برکت آن به ما برسد و نفع آن شامل حال ما گردد و دعای ما به خاطر آن مستجاب شود به راضی تو که بهترین کسی هستی که مورد رغبت و میلی و پاکفایت‌ترین فردی هستی که مورد توکل قرار می‌گیری و بخشنده‌ترین کسی هستی که از فضل‌ت درخواست می‌شود و تو بر هر کاری توانایی.

دعای چهل و ششم:

در روز عید فطر و روز جمعه

(۱) ای کسی که رحم می‌کنی بر کسی که بدگانت بر او رحم نمی‌کنند.

(۲) و ای آنکه می‌پذیری کسی را که سرزمین‌ها او را نمی‌پذیرند.

(۳) و ای کسی که نیازمندان آسمان را خوار و کوچک نمی‌کنی.

(۴) و ای آنکه اصرار کنندگان درگاهت را نا امید نمی‌سازی.

(٥) وَيَا مَنْ لَا يَجْبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّائِلَةِ عَلَيْهِ (٦) وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يَتَخَفُ بِهِ، وَيَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُحْمِلُ لَهُ. (٧) وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ (٨) وَيَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ. (٩) وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ. (١٠) وَيَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ السُّعْمَةَ، وَلَا يُبَادِرُ بِالنِّعْمَةِ. (١١) وَيَا مَنْ يُثِيرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُثْبِتَهَا، وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُغْفِقَهَا. (١٢) انْصَرَفَتِ الْأُمُالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَاتَّالَتْ بِبَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطُّلُبَاتِ، وَتَفَسَّحَتْ دُونَ بُلُوغِ نَفْتِكَ الْأَصْفَاتُ، فَلَكَ الْعُلُوكُ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَالْجَلَالُ الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ. (١٣) كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي حَسْبِ شَرَفِكَ خَقِيرٌ، خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَحَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ الْمُتَمَلِّقُونَ إِلَّا بِكَ، وَأَجْدَبَ الْمُتَسَجِّعُونَ إِلَّا مِنْ أَسْجَعِ فَضْلِكَ (١٤) بِأَبْنِكَ مَفْتُوحٌ لِلزَّاعِقِينَ، وَجُودُكَ مُبَاعٌ لِلْسَّائِلِينَ، وَإِعَانَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ. (١٥) لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْأُمُودُ، وَلَا يَنَاسُ مِنْ عَطَايِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَلَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُسْتَغِيثُونَ. (١٦) رَزَقَكَ مَبْسُوطٍ لِمَنْ عَصَاكَ، وَجِلْمَكَ مُعَرِّضٍ لِمَنْ ثَاوَاكَ، عَادَتَكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسْتَغِيثِينَ، وَسُتُوكَ الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْمُغْتَدِبِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّهُمْ أَنَا نَتَكَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَصَدَّهُمْ إِمْنَالُكَ عَنِ التُّرُوعِ. (١٧) وَإِنَّمَا تَأَثَّبْتَ بِهِمْ لِيَنْبِثُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَأَمَهَلْتَهُمْ نَفْعَهُ بِدَوَامِ مُلْكِكَ، فَسَمَّ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ حَسَمَتْ لَهُ بِهَا، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا. (١٨) كُلُّهُمْ صَائِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ، وَأُمُورُهُمْ آيِلَةٌ إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهْنِ عَلَى طَوْلِ مَدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَلَمْ يَدْخَضْ لِقُوتِكَ مُعَاجِلَتُهُمْ بُرْهَانُكَ.

(۵) وای کسی که دست رد بر سینه روی آوردنگان به پارگاهت نمی زنی.
 (۶) وای آنکه تحفه های کوچک را می پذیری و در برابر کارهای اندک، سپاس می گویی (۷) وای کسی که کار ناچیز را شکر می گذاری و پاداشی بزرگ عطا می کنی.
 (۸) وای کسی که به هر که به تو نزدیک شود، نزدیک می شوی (۹) وای آنکه کسانی را که به تو پشت می کنند، حودت می خواستی (۱۰) وای کسانی که معنهای را تغییر نمی دهی و در انتقام و عذاب، شتاب نمی کنی (۱۱) وای آنکه حساسات را ثمر بخش می سازی تا رشد دهی و از گناهان در می گذری تا پسانشان سازی. (۱۲) با تأمین حاجات، آرزوها پیش از نیل به منتهای کرم تو روا شدند و ظرف در حواسنها با قبض بختشهای تو برگشتند و اوصاف قلی از وصول به کعبه وصف نو از هم پاشیدند و محو شدند. پس برتر از هر عالی، علو و بلندی از آن نوست و بزرگی و جلال بالاتر از هر بزرگی، مخصوص نوست (۱۳) هر بزرگی در نزد تو کوچک است و هر شریعی در کنار شرافت تو حقیر و ناچیز است. آنها که بر غیر تو وارد شدند یعنی سرگردند و آنها که به جز تو به سوی دیگران رشد و ترقی گشتند و آنها که در آستان غیر تو گرد آمدند، نباه شدند و همه آنها که به دنبال کسب چیزی بودند گرفتار فحطی گشتند مگر آنها که به دنبال کسب فعلی تو بودند. (۱۴) درگاه تو به روی علاقه مندان گشوده و جود و بخشش تو برای گذران آسایش جاری است و باریت نسبت به باری حیوان نزدیک است (۱۵) آرزومندان هرگز از تو نا امید نمی شوند و آنها که به سوی تو می آیند هیچگاه مأیوس نمی شوند و آموزش خواهان هرگز با انتقام و عتاب تو به شقاوت گرفتار نمی گردند. (۱۶) پروری تو (حنی) برای کسی که تو را با فرمانی می کند نیز گسترده است و شکیبایی تو شامل آن کس که با تو دشمنی نموده نیز می شود. عادت تو بیکی به گناهکاران است و سیره و روش تو مدارا با تجاوز کاران است تا آنجا که این ملاحظات تو آنان را از نوبه و بازگشت عاقل نموده و این مهلت دادها ایشان را از اجتناب از گناه باز داشته است. (۱۷) خداها تو فقط از این جهت درباره گناهکاران نانی نمودی که آنان به امر تو باز گردند و مهلتشان دادی چرا که به دوام سلطنت خود مطمئن بودی. پس هر کس که اهل سعادت باشد پایان کارش را سعادت رفیع زدی و آن کسی که اهل شقاوت باشد، در جهت آن او را گرفتار خذلان ساختی. (۱۸) همه آنان سرانجام به حکم تو باز می گردند و امور آنان به فرمان تو بازگشت می کنند، در طول مدت و مهلت آنان، استلزال تو از استعکام نمی افتد و به خاطر عدم شتاب در فضاوت درباره آنان، برهان تو باطل نمی گردد

(١٩) حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ. وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ. قَالُوا بَلِ
 الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَعَ عَنكَ. وَ الْخَبِيْثَةُ الْخَادِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ. وَ الشَّقَاءُ
 الْأَشْمَى لِمَنْ اغْتَرَبَكَ. (٢٠) مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ. وَ مَا أَطْوَلَ
 تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ. وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ. وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولِهِ
 الْمَخْرُجِ!! عَذْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ. وَ إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا
 تَحِبُّ عَلَيْهِ. (٢١) فَقَدْ ظَاهَرَتْ الْحُجُجُ. وَ أَبْلَيْتِ الْأَعْدَارَ. وَ قَدْ
 تَعَدَّدَتْ بِالْوَعْدِ. وَ تَلَطَّعَتْ فِي التَّرْغِيبِ. وَ ضَرَبَتْ الْأَمْثَالَ. وَ أَطْلَتْ
 الْإِهْمَالَ. وَ أَخْرَتْ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ. وَ تَأَيَّيْتُ وَ أَنْتَ مَسْلِيٌّ
 بِالْمُبَادَرَةِ (٢٢) لَمْ تَكُنْ أَنَا تَكْ عَجْزًا. وَ لَا إِهْمَالًا وَ هُنَا. وَ لَا إِمْسَاكَ
 عَقْلًا. وَ لَا ابْتِظَارًا مُدَارَاةً. بَلِ لَتَكُونُ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ. وَ كَرُمُكَ أَكْثَلَ.
 وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى. وَ نِعْمَتُكَ أَمَّ. كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَزَلْ. وَ هُوَ كَأَنَّ
 وَ لَا تَزَالُ. (٢٣) حُجَّتُكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا. وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ
 أَنْ يُحَدَّ بِكُلِّهِ. وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَشْرَها. وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ
 مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ (٢٤) وَ قَدْ قَصَّرَ بِي السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ
 وَ فَهَيْتَنِي الْإِمْسَاكَ عَنْ تَمْجِيدِكَ. وَ قُضِيَ أَرَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ. لَا
 رَعْبَةَ يَا إِلَهِي - بَلِ عَجْزًا. (٢٥) فَهِيَ أَنَا ذَا أَوْثَمِكَ بِالْوَفَادَةِ. وَ أَسْأَلُكَ
 حُسْنَ الرِّفَادَةِ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ. وَ اسْتَجِبْ
 دُعَايَ. وَ لَا تَحْتِمِ يَوْمِي بِخَيْبَتِي. وَ لَا تَجْبِئْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي.
 وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُتَضَرِّفِي. وَ إِلَيْكَ مُتَقَلِّبِي. إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ.
 وَ لَا عَاجِزٌ عَمَّا تُسْأَلُ. وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(۱۹) دلیل تو پا برجا و زایل نشدنی است و سلطهٔ نوثابت و پابدار است. پس عذاب دائم برای کسی است که از نو روی برگرداند و پأس ذلت بار از آن کسی است که از درگاه تو نومید شود و بالاترین شقاوت از آن فردی است که در پیشگاه تو غرور و تکبر بورزد. (۲۰) چه بسیار است تغیر و تحول او در عذاب تو، و چه طولانی است درنگ حیرت آمیز او در عذاب تو، و چه دور است سرانجام او از گشایش، و چه نومید است از آسانی راحتی و رهایی! همهٔ اینها البته بر مبنای قضاوت عادلانه‌ای است که هرگز در آن ظلم نمی‌کنی و حکم مصفاة‌ای است که ابداً در آن ستم نمی‌نمایی. (۲۱) تو حجتها را آشکار ساخته‌ای و حذر و بهانه را از میان برداشته‌ای و شهید و انذار از عذاب را اعلام فرموده‌ای و در نشوین و ترغیب بندگان با مهربانی اقدام نموده‌ای، و مثالهای عبرت آموز بیان داشته‌ای و مهلت بسیار در اختیار آنان قرار داده‌ای، و در عین حال که در عذاب آنان می‌توانی شتاب کنی، آن را به تأخیر انداخته‌ای و با اینکه می‌توانی در بازخواست، سرعت به خرج دهی، در آن تألی می‌کنی (۲۲) درنگ تو البته از روی ناتوانی نیست و مهلت دادنت از جهت سستی نمی‌باشد و خودداری تو به خاطر غفلت نبوده و انتظارت از باب معاشقه نیست بلکه برای آن است که دلیل تو رساتر و کرم تو کاملتر و احسان تو فراوانتر و نعمت تو نامنور باشد. (آری)، همهٔ این امور بوده و تو این چنین بوده‌ای و این چنین هستی و تو نیز پا بر جایی. (۲۳) دلیل تو برتر از آن است که کاملاً توصیف شود و محدود و عظیم تو بالاتر از آن است که گنه و انتهای آن معلوم گردد و نعمت تو افزونتر از آن است که تماماً به شمارش در آید و احسان تو بیشتر از آن است که بتوان کمترین آن را سپاس گفت. (۲۴) سکوت، مرا از منابش تو باز داشته و اساک و خودداری، مرا از تمجید تو ناتوان ساخته است و نهایت تلاش من، افزای به واماندگی است. حدایا خود رغبتی به این حالت ندارم، اما چه کنم که عجز مرا به این حالت گشاده است. (۲۵) پس اینکه، این من عاجزم که قصد ورود به محضر تو دارم و راز تو حسن عطا و بخشش طلب می‌کنم پس بر محمد و آل او درود فرست و راز و نیاز مرا بشنو و دعایم مستجاب گردان و روزگار مرا با ناامیدی به پایان گیر و درخواستم دست رد پر پشانی من مزن و رفتنم از پیشگاهت و بازگشتم به درگاهت را کربمانه مورد عنایت قرار ده. به راستی تو در آنچه اراده کنی در تنگنا قرار نمی‌گیری و در اعطاء آنچه از تو درخواست شود ناتوان نمی‌باشی و تو بر هر کاری توانایی. و هیچ تعوّل و نواتی نیست مگر به قدرت خدای بلند مرتبهٔ بزرگ

﴿٤٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢) اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيحِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَيْهِ كُلُّ مَأْلُوهِ،
وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَغْزُبُ
عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.
(٣) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْقَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ (٤) وَأَنْتَ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ
(٥) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمُحَالِ
(٦) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ،
(٧) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ
(٨) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْاَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْاَدْوَمُ
(٩) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ
(١٠) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ
(١١) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبَرِيَاءِ وَالْحَمْدِ
(١٢) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ،
وَصَوَّرْتَ مَا صُوِّرَتْ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلاَ اخْتِذَاءٍ.

دعای چهل و هفتم:

در روز عرفه

(۱) شکر از آن خداوند است که پروردگار عالمیان است.

(۲) خدایا سپاس تو را است ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای صاحب جلالت و اکرام، ای پروردگار پرورندگان و ای معبود همه معبودهای دیگر و ای خالق همه مخلوقات و ای وارث همه اشیاء که هرگز چیزی شبیه تو نیست و علم به هیچ شبی از تو مخفی نمی باشد و تو بر هر چیز محیط هستی و بر همه چیز نگهبانی.

(۳) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، بکنایی، نهایی، بگانه‌ای، بی‌مانندی.

(۴) و نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، گرمی، بزرگواری، عظیم و بزرگی، نهایت کبریایی از آن نوبست
(۵) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، عالی و بلند مرتبه‌ای، انتقام

و عذاب بسیار سخت و شدید است و تو بر همه چیز ماهر و توانا

(۶) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، رحمانی، رحیمی، دانای حکیمی. (۷) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، شنوای بتیابی، قدیم و آگاهی (۸) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، کریمترین کریمانی، دائمی و پایداری

(۹) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، و تو قبل از هر چیز، اولی و پس از همه اعداد، آخر نوبی (۱۰) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، در عین حال که بلند مرتبه‌ای به همه نزدیکی و در عین حال که به همه نزدیک هستی، رفیع و بلند مرتبه‌ای

(۱۱) نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، دارای شوکت و عظمتی و کبریا و سپاس از آن نوبست (۱۲) و نوبی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، نو اشیاء را بدون الگو و نمونه‌ای ایجاد کردی، و مخلوقات را بدون شبیه، تصویر کردی و پدیده‌های تو را بدون الگوگیری، وجود بخشیدی.

(١٣) أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَبَشَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَسْبِيرًا، وَهَبْتَ مَا دُونَكَ تَذْبِيرًا (١٤) أَنْتَ الَّذِي لَمْ تُعِثْكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكًا، وَلَمْ يُوَارِثْكَ فِي أَمْرِكَ وَزَيْرٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ. (١٥) أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَشًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَذْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ. (١٦) الَّذِي لَا يَخُوبُكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُغَيِّكْ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ. (١٧) أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. (١٨) أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ ذَاتِكَ، وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكَ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْمِيَّتِكَ. (١٩) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مُحْدُودًا، وَلَمْ تُثَمَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا. (٢٠) أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُغَايِزُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَافِرُكَ، وَلَا نِدَّ لَكَ فَيُغَارِضُكَ. (٢١) أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَأَخْتَرَعَ، وَاسْتَعْدَتْ، وَابْتَدَعَ، وَأَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ. (٢٢) سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلُ شَأْنِكَ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَانِ مَكَانَكَ، وَأَضْدَعُ بِالْحَقِّ قُرْفَانِكَ! (٢٣) سُبْحَانَكَ! مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَنَكَ، وَرَوْوَفٍ مَا أَرَاهُ فَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَعْرِفُكَ! (٢٤) سُبْحَانَكَ! مِنْ مَلِكٍ مَا أَسْتَعْلَقُ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعُكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعُكَ! ذُو الْبَهَاءِ وَالتَّجَدِّدِ وَالْكَسْبِ بِنَاءٍ وَالْحَمْدِ. (٢٥) سُبْحَانَكَ! بَسْطْتَ بِالْحَيَرَاتِ نِدْكَ، وَعَرَفْتَ الْهِدَايَةَ مِنْ عَثْرِكَ، فَمَنِ السَّمْسُكَ لِذِي أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ! (٢٦) سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَسَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَانْقَادَ لِسُلْطَانِكَ كُلُّ خَلْقِكَ!

(۱۳) نویی که برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر ساختنی و هر امر ممکن را مبسر نمودی و امور موجودات و مخلوقات را تدبیر کردی. (۱۴) نویی که در آفرینش هیچ شریکی تو را باری ننمود و هیچ وزیری تو را معاضدت نکرد و هیچ کس شاهد بر کار تو و نظیر تو نبود.

(۱۵) نویی که اراد، کردی و بلافاصله آنچه اراده نمودی محقق شد و نویی که به فضاوت نشستی و آنچه تو بدان فضاوت کردی عین عدل بود و حکم نمودی و حکومت بر اساس انصاف بود. (۱۶) نویی که هرگز مکان تو را هرا نمی‌گیرد و در برابر سلطنت تو هیچ سلطنتی ناب مقاومت ندارد و هیچ برهان و یبانی تو را عاجز نمی‌کند. (۱۷) نویی که عدد همه اشیاء را شمارش کرده‌ای و برای هر چیزی پایانی قرار داده‌ای و هر چیزی را به اندازه‌اش خلق کرده‌ای. (۱۸) نویی که اندیشه‌ها و اوهام از درک ذات تو قاصرند و فهمها از رسیدن به کفایت تو عاجزند و چشمها نمی‌توانند موضع و جایگاه تو را دریابند. (۱۹) نویی که حد و مرز نداری تا محدودی شوی و متمثل نمی‌شوی تا که تو وجدان شود و زایدی نمی‌شوی تا مولود محسوب گردی. (۲۰) نویی که هرگز چیزی با تو ضد نیست تا تو را دشمنی کند و همانندی نداری تا در رقابت با تو افزونی نشکند دهد و طبری برایت نیست که با تو به معارضة برخیزد. (۲۱) نویی که به آفرینش ابتدا کردی و اختراع و ابداع و توآوری در موجودات از آن نوست و چه نیکو آفریده‌ای. (۲۲) خدا با منزهی تو! چه والا است شأن تو و چه بلند است منزلت تو و چه آشکار است حق بودن تو! تو! (۲۳) پاک و منزه‌ای تو ای صاحب لطف، چقدر اهل احسان و لطفی و ای مهربان، چه قدر مهربانی و ای دانا، چه بسیار است دانش تو! (۲۴) پاک و منزه‌ای تو! ای پادشاهی که چه بلند است مقام تو و ای بخشنده‌ای که چه وسیع است بخششهای تو و ای بلند مرتبه‌ای که چه رفیع است جایگاه تو! ای که ارزش و مجد و کبریا و ستایش از آن نوست. (۲۵) خدا با پاک و منزه‌ای تو! دست خود را در خیرات باز کرده‌ای و مسیر هدایت از سوی تو شناخته می‌شود، پس هر که برای وصول به دین با دنیا تو را طلب کند، تو را می‌یابد! (۲۶) پاک و منزه‌ای تو، هر چه که معلوم نوست، در برابر تو خاضع است و آنچه فروتر از جایگاه والای نوست، دو برابر تو خاضع است و همه مخلوقات در برابر تو تسلیم و متفادند!

- (٢٧) سُبْحَانَكَ! لَا تُعَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُسُّ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُسَاطُ
وَلَا تُنَارِعُ وَلَا تُجَارِي وَلَا تُسَارِي وَلَا تُخَادِعُ وَلَا تُسَاكِرُ!
(٢٨) سُبْحَانَكَ! سَبِيلُكَ جَدَّةٌ. وَأَمْرُكَ رَشْدٌ، أَنْتَ حَيٌّ صَمَدٌ.
(٢٩) سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ. وَقَضَاؤُكَ حَسْمٌ. وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ!
(٣٠) سُبْحَانَكَ! لَا رَأْدَ لِمَشِيَّتِكَ. وَلَا مُبْدَلَ لِكَلِمَاتِكَ! (٣١) سُبْحَانَكَ!
بَاهِرِ الْآيَاتِ، فَاطِرِ السَّمَوَاتِ، بَارِي السَّمَابِ! (٣٢) لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى
يَدُومَ يَدَايِمُكَ (٣٣) وَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى خَالِدِ أَبْنِعَمَتِكَ. (٣٤) وَلَكَ الْحَمْدُ
حَتَّى يُوَازِي صُنْعَكَ (٣٥) وَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَزِيدَ عَلَى رِضَاكَ.
(٣٦) وَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرٍ يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ
كُلِّ شَاكِرٍ (٣٧) حَمْدًا لَا يَنْفَعُنِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يُسْتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ
(٣٨) حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ. وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ. (٣٩) حَمْدًا
يَسْتَظَاعِفُ عَلَى كُرُورِ الْأَرْسَةِ، وَيُثَرِّبُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً.
(٤٠) حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْخَفِظَةُ، وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي
كِتَابِكَ الْكُتُبَةُ (٤١) حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ
الْزَّافِعَ. (٤٢) حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ نَوَائِبُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ
(٤٣) حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِيَصْدِقِ النِّيَّةِ (٤٤) حَمْدًا لَمْ
يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ (٤٥) حَمْدًا يُغَانُ مِنْ
اجْتِهَادٍ فِي تَعْدِيدِهِ، وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَضَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ. (٤٦) حَمْدًا
يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ. (٤٧) حَمْدًا
لَا أَحَدٌ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحَدٌ مِثْلُ يَحْمَدُكَ بِهِ. (٤٨) حَمْدًا
يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوَقُورِهِ، وَتَبَصُّلُهُ بِمَزِيدٍ يَغْدُو طَوْلًا مِنْكَ

(۲۷) پاک و منزهی تو! به حس در نمی آبی و مورد تماس جسمانی واقع نمی شوی و کبد و مکر در تو بی اثر است و دور نمی شوی و با تو نزاع نتوان کرد و غلبه بر تو نا ممکن است و جدال و جدعه و فریب در مورد تو امکان ناپذیر است! (۲۸) پاک و منزهی تو! راه تو مستقیم و هموار است و اوامر تو در راستای رشد و هدایت است و نو زنده استوار و محکم! (۲۹) پاک و پیراسته ای تو! سطح تو حکم و قانون است و فضاوت تو فطمی و اراده تو استوار است. (۳۰) پاک و منزهی تو! رد کننده ای برای مشیت تو نیست و کسی نمی تواند کلمات تو را تبدیل کند. (۳۱) پاک و مبرهی تو! ای که آیات و نشانه هایت آشکار است، ای که خالق آسمانها و آفریننده جانهای! (۳۲) حمد و سپاس مخصوص توست، حمدی که دائم به دوام تو می باشد (۳۳) و از برای توست حمدی که جاوید است به حار دانگی نعمت هایت. (۳۴) و از آن توست حمدی که موازی با آفرینش توست (۳۵) و از توست حمدی که افزون بر رحمت تو می باشد (۳۶) و برای توست سپاسی که همراه با سپاس هر سپاس گزار است و شکری که شکر هر شکر گزاری از آن کمتر است. (۳۷) سپاسی که ضابسته عبرت و بهشت و با آن عز به سوی تو تقرب توان خست. (۳۸) سپاسی که با آن لطف اول دوام یابد و استمرار الطاف در آید در حواصل شود (۳۹) حمدی که با گذشت زمانها افزایش یابد و پی در پی بیشتر و بیشتر گردد. (۴۰) حمدی که حافظان و نگاهبانان از شمارش آن عاجز شوند و از آنچه که نویسندگان و وحی در کتاب فرآن شمرده اند، بیشتر باشد. (۴۱) سپاسی که برابر با عرش عظیم تو و همسنگ جایگاه بلند تو باشد. (۴۲) سپاسی که ثوابش در نزد تو کامل باشد و پاداش آن همه پاداشها را شامل گردد. (۴۳) حمدی که ظاهرش با باطنش موافق باشد و باطن آن همراه با صدق در نیت باشد. (۴۴) حمدی که هیچ یک از مخلوقات مثل آن را بجای نیاورده باشد و کسی عزت و به فضیلت آن عالم نباشد. (۴۵) سپاسی که هر کس در افزایش آن نکوشد از جانب خداوند باری می شود و هر کس در اداء کامل آن شوق سبار داشته باشد مورد تأبید قرار می گیرد. (۴۶) حمدی که جامع همه حمد های مخلوق باشد و حمد های پس از این را نیز منتظم سازد. (۴۷) حمدی که هیچ حمد دیگری زود پیکر از آن به قول تو نباشد و سپاسگزاری، سپاسگزاری از آنکه بدان تو را سپاس می گوید، موجود نباشد. (۴۸) حمدی که با افزونش موجب شود که از راه کرم تو نعمتها افزونتر شود و تو آن را با افزایش پی در پی به عطا و بخشش متصل فرمایی.

(٤٩) احْتَدَأَ يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَتَقَابُلِ عِزِّ جَلَالِكَ. (٥٠) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَجَبِّ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمَّعَ رَحْمَاتِكَ. (٥١) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً زَاكِئَةً لَا تَكُونُ صَلَوةً أَرَكِي مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً ثَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوةً أُنْمِي مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوةً لَوْ قَهَا. (٥٢) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. (٥٣) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَتَبْصِلُ انْصَافَهَا بِتَقَاتِكَ، وَلَا يَنْقُذُ كَمَا لَا تَنْقُذُ كِلِمَاتِكَ. (٥٤) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تَنْظُمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشْمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّاتِكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِبْجَائِكَ، وَتَجْمَعُ عَلَى صَلَوةٍ كُلُّ مَنْ ذَرَاتٍ وَبَرَاتٍ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. (٥٥) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَوةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأْتِفَةٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَوةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ، وَتُسْئِلُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتِ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْإِتِّمَامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِفِهَا لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ. (٥٦) رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حَزَنَةً عِلْمِكَ، وَحَفَظَةً دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهْرَتَهُمْ مِنَ الرُّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً يَارَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَسَدِكَ

(۴۹) حمدی که به خاطر کرم تو واجب گردد و برابر با بزرگی جلال تو باشد.
 (۵۰) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، او که برگزیده و پسندیده و مکرم و مقرب درگاه توست. درودی که برترین درودها باشد و کاملترین برکانت را بر او نازل و پربارترین رحمتهاست را به او عطا فرما.
 (۵۱) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی پاک که هیچ درودی پاکتر از آن نباشد و درودی که فزاینده تر از آن موجود نباشد و درودی همراه با خشنودی که درودی بالاتر از آن نباشد.

(۵۲) پروردگار بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که رضایت او و بالاتر از آن را نآمین کند، و بر او درودی بفرست که تو را راضی گرداند و از رضایت تو نسبت به پیامبر ﷺ افزونتر باشد و بر او درودی فرست که برای او جز به آن خشنود نمی گردی و جز او را شایسته آن نمی دانی.

(۵۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که از رضوان تو بگذرد و اسنمراو آن همراه با نفع تو باشد و همانگونه که کلمات تو پایان ندارد، بی پایان باشد. (۵۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که همه درودهای فرشتگان و انبیاء و رسولان و بندگان فرمانبردارش را هماننگ سازد و مشتمل بر درودهای بندگان از جن و انس و اشخاص پذیرای دعوت تو باشد و جامع درودهای همه انواع مخلوقات باشد که آنها را خلق کرده ای.

(۵۵) پروردگارا بر پیامبر و عنرت او درود بفرست. درودی که بر همه درودهای گذشته و نازده احاطه داشته باشد و بر او و آل او درود فرست، درودی که مورد خشنودی تو و غیر تو باشد و منشأ درودهای دیگری شود که مجموع آنها چند برابر گردد و موجب شود که در طول اقام این درودها به قدری زیاد شود که جز تو کسی نتواند آنها را بشمارد.

(۵۶) پروردگارا بر پاکان از اهل بیت پیامبر درود فرست، همانها که برای امر خودت انتخابشان کردی و آنها را خزانه علم و نگاهبانان دین خود قرار دادی و به عنوان جانشینان خود در زمین و حجت‌های خود بر بندگان برگزیدی و با اراده خود آنان را از پلبدی و ناپاکی، پاک ساختی و آنان را به عنوان وسیله ای به سوی خود و راهی به سوی بهشت برگزیدی.

(٥٧) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. صَلَوةٌ تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَكَرَامَتِكَ. وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَائِلِكَ. وَتَوْفُرُ عَلَيْهِمُ الْحَظُّ مِنْ غَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. (٥٨) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَوةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا. وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا. وَلَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا. (٥٩) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ. وَمِلَأْ سَمَوَاتِكَ وَمَا قَوْفَهُنَّ. وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ. صَلَوةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى. وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى. وَمُصَلَّةً بِسَطَائِرِ هِمٍّ أَبَدًا. (٦٠) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ. وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ رَضَلَتْ خَبَلُهُ بِحَيْثُكَ. وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ. وَاتَّعَزَّضَتْ طَاعَتُهُ. وَخَدَّرَتْ مَعْصِيَتُهُ. وَأَسْرَتِ بِسَامِيَتَالِ أَوَامِرِهِ. وَالِاسْتِهَامَ عِنْدَ نَهْيِهِ. وَالْأَيْتَقَدَمَةَ مُتَقَدِّمًا. وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مَتَأَخَّرُ فَهُوَ عِصْمَةُ الْأَلْمُذِينِ. وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ. وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ. (٦١) اللَّهُمَّ فَارْزُقْ لِرُؤُوسِكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ. وَارْزُقْنَا مِثْلَهُ فِيهِ. وَارْبِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. وَافْتَحْ لَهُ قَسْحًا يَسِيرًا. وَأَعِزَّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزَّ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ. وَقَوِّ عَضْدَهُ. وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ. وَآخِمْ بِجَنْطِكَ وَانْصُرْهُ بِسَلَابِكَ. وَامْدُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَى. (٦٢) وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ. صَلِّوَانُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَآخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَغَالِمِ دِينِكَ. وَاجْلُ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ. وَابْنِ بِهِ الصُّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ. وَأَزِلْ بِهِ الثَّاكِبِينَ عَنْ جِرَاطِكَ. وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَسْصِكَ عِوَجًا

(۵۷) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که با آن بخششها و نکریمهاست را در حق آنان افروغ گردانی و همه چیز را با عطایا و هدایا بهت برای آنان کامل نمایی و بهره آنان را از سودها و منفعتهای فراوان گردانی.

(۵۸) پروردگارا بر او و آل او درود فرست، درودی که آغارش را حدی و پایان و سرانجامش را نهایی نباشد. (۵۹) ای پروردگار من، سر پیغمبر و آتش درود فرست به میزان عرش و مادون عرش، و به مقدار آنچه آسمانها و فوق آسمانهاست را پر کرده است، و به اندازه رمبها و آنچه در زیر آنها و در پس آنهاست، درودی که آنان را به تو نزدیک سازد و موجب رضایت تو و آنها شود و به درودهای دیگر همیشه متصل باشند. (۶۰) حجابا تو در هر زمانی، دینت را بوسیله امامی نابید کردی و او را شانه‌ای برای بندگان و علامتی در سرزمین هایت قرار دادی، پس از آنکه رشته او را به ریمان خود وصل کردی و او را طرفی برای وصول خود قرار دادی و طاعتش را واجب و معصیتش را ممنوع ساختی و امر کردی که او امر او را امتثال کنیم و نواهی او را مرنکب نشویم و هبجکی بر او پیشی نگیرد و از او عیب نگیرد که او پناه پناه آورندگان و جاهگاه مؤمنان و مستمسک جنگ زندگان و چشم روشنی عالمیان است (۶۱) خداوند ا به ولایت توفیق شکر نعمتهایی را که باو داده‌ای الهام کن و به ما نیز توفیق سپاس چنین ولی ای را عنایت فرما و او را از جانب خود باری کن تا بر همگان سلطنت یابد و باسانی امیاب پیروزی را برایش فراهم گردان و با استواسه‌های محکم خود او را باری کن و کمر او را محکم بیند و بازوانش را قوی گردان و او را به دهنده خود مورد عنایت فرارده و در کتف حفاظت خود او را حمایت و با فرشتگان او را باری کن و با سربازان فراوان و پیروزمندان او را امداد فرما

(۶۲) و بوسیله او کتاب و قوانین و شرایع و سننهای رسولت - که درودت بر او و آل او باد - را بر پا دار و بواسطه او آنچه را از نشانه‌های دینت که ستمکاران آنها را نابود کرده‌اند، دوباره احیا کن و بوسیله او تعرض ستم پیشگان نسبت به راحت را از میان بردار و سختی و مشقت طریقت را توسط او بر طرف ساز و آنها را که با پیمان شکنی از راه تو منحرف شدند از میان بردار و آنها را که در صدد ایجاد انحراف در مقصد تو هستند، نابود ساز

(٦٣) وَإِلَى جَانِبِهِ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَاقَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاةِ سَاعِيَةٍ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مَكْنُفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. (٦٤) اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ بِمَقَامِهِمْ، الشُّبَّاعِينَ مَنِهَجُهُمْ، الْمُتَشَفِّعِينَ أَسَارَهُمْ، الْمُسْتَشْسِكِينَ بِغُزْوِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّعِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُسْتَظْرِبِينَ آيَاتِهِمْ، الْمَآذِينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ، الصُّلُوبَ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَاتِ الشَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. (٦٥) وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَاجْتَمِعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْلَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٦٦) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفْنَا يَوْمَ شَرَفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَغَضَّيْتَهُ، تَشَرَّفْتَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ، وَمَنْنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجَزَلْتَ فِيهِ بِعَظِيمَتِكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. (٦٧) اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِثَاءً، تَجَعَّلْتَهُ مِنِّي هَدِيَّةً لِدِينِكَ، وَوَقَّعْتَهُ لِحَقِّكَ، وَغَضَّيْتَهُ بِخِيْلِكَ، وَأَذْخَلْتَهُ فِي جِزْبِكَ، وَأَرْشَدْتَهُ لِسُؤَالِ الْأَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ. (٦٨) ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِ بِشَيْءٍ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزِجْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا رَئَيْتَهُ وَإِلَى مَا حَذَرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعْدِكَ، رَاجِئاً لِعَفْوِكَ، وَاتِّعَافاً بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنْنْتَ عَلَيْهِ أَنْ تَفْعَلَ.

(۶۳) و او را نسبت به دوستانم نرم گردان و نسبت به دشمنانم دست قدرت او را بگشای و مهربانی و رحمت و عطا و بخشش او را در حق ما به ما عنایت کن و ما را نسبت به او شنوا و مطیع و نسبت به حلب رسانش کوشا گردان و ما را در باری و دفاع از او حمایت فرما و از کسانی فرار ده که از این طریق به تو و به رسولت که درودت بر او و آل او باد - نغرب می جویند. (۶۴) خداوند و درود فرست بر دوستان امامان که معترف به مقام والاّی آنها باند و راه آنها را می پیمایند و در پی آثار آنها می روند و به ریسمان محکم آنان چنگ می ریزند و دست بر رشته ولایت آنان دارند و امامت آنها را پذیرفته اند و تسلیم اوامر آنها هستند و در طاعت آنها می کوشند و در انتظار روز حکومت آنها هستند و چشم ابد بسوی آنان دارند، درو دهائی مبارک و پاک و عزایند در بامداد و شامگاه. (۶۵) و بر آنها و بر ارواحشان درود فرست و امور آنها را بر نفوی قرار ده و مشورتشان را اصلاح کن و نوبه آنها را بپذیر، همانا تو بسیار نو به پذیر و مهربانی و بهترین آمرزندگان. و ما را در بهشت در زمرة آنان قرار ده به رحمت ای مهربانترین مهربانان. (۶۶) خدا یا امروز، روز عرفة است، روزی که به آن شرافت و کرامت و عظمت بخشیده ای، و در آن رحمت خودت را منتشر ساخته ای و با حقوت در این روز، مریدگان خودت گذشته ای و عطایات در این روز را بیکو قرار داده ای و بواسطه این روز مریدگان تفضل فرموده ای. (۶۷) و خدا یا من بنده ای از بندگان تو ام که قبل از حلف و پس از آفریدنم به من نعمت عطا کرده ای و مرا از کسانی فرار داده ای که بسوی دینت هدایتشان کردی و مرا نسبت به اداء حق خودت توفیق داده ای و با ریسمان محکم خودت مرا حبط نموده ای و در حزب خود داخل نموده ای و در جهت دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان ارشادم کرده ای. (۶۸) خدا یا من کسی هستم که فرمانم دادی اما اطاعت نکردم، نهی ام نمودی اما اجتناب نکردم، از معصیت خود بر حذر داشتم اما امرت را زیر پا گذاشتم و نهی ات را مرتکب شدم، اما این مخالفت ها از باب دشمنی با تو و به عنوان گردنکشی در برابر تو نبوده است، بلکه هوای نفس مرا بسوی آنچه تو کنار زده ای و نهی فرموده ای کشانید و این شیطان یعنی دشمن تو و دشمن من بود که مرا بر مخالفت یاری داد و با آنکه عالم به و عبادهای تو بودم و ابد به حق تو داشتم و اطاعتان به گذشت تو داشتم بر مخالفت اقدام نمودم با اینکه سزاوارتر از همه بندگان من بودم که با این همه نعمت و لطف، نا هرمانی تو را نکم.

(٦٩) وَهَآ أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ ضَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاضِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا
بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمُّلُهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتِرَافُهُ، مُسْتَجِيرًا
بِضَعْفِكَ، لَا بُدَّأَ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا
يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. (٧٠) فَقَعْدُ عَلَيَّ بِمَا تَعَوَّدُ بِهِ عَلَيَّ مِنَ اقْتِرَافِ مِنْ
تَعَمُّدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِبِدَةِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ،
وَأَمْنُ عَلَيَّ بِمَا لَا يَسْتَظَلُّكَ أَنْ تُشْرَ بِهَ عَلَيَّ مَنْ أَمَلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ،
(٧١) وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَقًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا
تُرُدَّنِي صَفْرًا مِمَّا يَتَقَلَّبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ (٧٢) وَإِنِّي وَإِنْ
لَمْ أَقْدُمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَتَقَى الْأَضْدَادِ
وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاءِ عَنْكَ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى
مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. (٧٣) ثُمَّ
أَتَيْتُكَ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالْثَدْلِيلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ
بِكَ، وَالثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قُلْتُ مَا يَحْبِبُ عَلَيْهِ
رَاجِيكَ. (٧٤) وَسَلَّاتُكَ مُسْتَلَّةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ
الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ حَبِيقَةً وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّدًا وَتَلَوُّدًا، لَا مُسْتَطِيلًا
بِكَبِيرِ الْمَكْبُورِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطْبَعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ
الشَّافِعِينَ. (٧٥) وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقَلِّينَ، وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَمِثْلُ الذَّرَّةِ
أَوْ دُونِهَا، قَبَا مِنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَلَا يَتَذَكَّرِ الْمُتَرْفِعِينَ، وَبَا مِنْ
يَسُرُّ بِإِقَالَةِ الْغَائِرِينَ، وَتَتَفَصَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ. (٧٦) أَنَا الْمُسْتَسْتَعِي
الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْغَائِرُ، (٧٧) أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا. (٧٨) أَنَا
الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. (٧٩) أَنَا الَّذِي اسْتَخَفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ.

(۶۹) واپنک من در محضر نو ہمنم در حالیکہ کوچک و خوار و خاضع و خاشع و ترسانم وہ گناہان بزرگی کہ مرتکب شدہ ام و استغاثات عظیمی کہ انجام دادہ ام، اعتراف دارم وہ درگاہ عفو نو و آستان رحمت نو پناہ آوردہ ام، در حالیکہ بفین دارم ہبچکس نمی تواند مرا از فہر نو امان دہد و ہیچ مانعی نمی تواند نو را از من باز بدارد. (۷۰) پس سوی من توجہ کن، همانگونہ کہ بدست آوردندگان عفو را مورد توجہ فرار میدہی و بر من ببخش چونان بخششی کہ در حق گذاپان آستان گذشت داری و بر من مت بگذار با الطافی کہ برای نو بزرگ نیست کہ آنها را بر شخص اہمداور بہ غفران کرم نمایی.

(۷۱) و برای من در این روز نصیبی فرار دہ کہ با آن بہ بہرہ ای از رضوان تو باطل گردم و دست مرا از آنچه بندگان متعذت بدان رو می کنند خالی بر مگردان.

(۷۲) و من گرچہ مانند آنان اعمال صالح پیش نفرستادہ ام، ولی اعتقاد بہ یگانگی و فی اصداد و ہما و شبہ برای نو را نفہم نمودہ ام و از درہای دلد شدہ ام کہ نو امر بہ ورود از آنها کردہ ای و نہ و مانتی سوی نو نفرب جستم کہ جر با آنها کسی نمی تواند نہ نو نزدیک گردد. (۷۳) پس بدنبال این امور سوی نو توبہ نمودم و خود را خوار و ذلیل درگاہ نو نمودم و بنو حسن ظن دارم وہ آنچه نزد توست معلومم و در کنار آن امید نہ نو دارم، امیدی کہ ہر کس آن را دارا باشد، کمتر مایوس گردد. (۷۴) و از نو مسألت دارم چونان مسئلت انسانی خوار و ذلیل و نیازمند و گدا و ترسان و جوہای پناہندگی. و این درخواست از روی ترس و زاری و پناہ طلبی است نہ از روی گردبکشی همچون متکبران و نہ از باب بلند پروازی نازکنندگان از اہل طاعت وہ از روی گردن فرازی بہ حجت شفاعت شافعان.

(۷۵) و من هنوز ہم کمترین کمترین و ذلیلترین ذلیلانم، و همچون ذرہ ای بلکہ کمتر از آنم. پس ای کسی کہ در عفویت گناہکاران شتاب می کنی و آزادی مرفہین اہل ناز و نعمت را از آنان نمی گیری و ای کسی کہ با گذشت از لغزش لغز شکاران بر آنان منت داری و یا مہلت دادن بہ خطاکاران بر آنان فضل می کنی. (۷۶) اپنک این منم آن گہکار معترف خطاکار لغزشکار (۷۷) منم آن کسی کہ در برابر نو جسارت ورزید. (۷۸) منم آن کسی کہ عمدأ نو را نافرمانی کرد (۷۹) منم آن کسی کہ خطا را از بندگان مخفی کرد ولی در برابر نو آشکارا مخالفت ورزید.

(٨٠) أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَآمَنَكَ. (٨١) أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطَوَتَكَ،
وَلَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ. (٨٢) أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِي (٨٣) أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْتِي.
(٨٤) أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. (٨٥) أَنَا الطَّوِيلُ الْغَنَاءِ. (٨٦) بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ
خَلْقِكَ، وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيئِكَ، وَمَنْ
اجْتَبَيْتَ لِشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلْتَ
مَغْفِيَتَهُ كَمَغْفِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مَوَالِيَتَهُ بِمَوَالِيَتِكَ، وَمَنْ نُطِئْتَ
مُعَادَاَتَهُ بِمُعَادَاَتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ
مُتَّصِلًا، وَعَادَ بِاشْتِغَارِكَ تَائِبًا. (٨٧) وَتَوَلَّيْ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ
طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَاتِيَةَ مِثْلَكَ. (٨٨) وَتَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ
مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَاتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَاجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ.
(٨٩) وَلَا تَوَاحِدْنِي بِتَرْبِيَّتِي فِي جَنَّتِكَ، وَتَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ،
وَمُجَاوَزَةَ أَحْكَامِكَ. (٩٠) وَلَا تَشْتَدِرْ جَنِّي بِأَمْلَانِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ
مَنْعَنِي خَيْرًا مَاعِدُهُ وَلَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. (٩١) وَنَبِّهْنِي مِنْ
رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَبِسُوءِ الْمُسْرِفِينَ، وَنَفْسَةِ الْمَحْدُولِينَ (٩٢) وَخُذْ
بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْفَائِزِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُسْتَعْبَدِينَ،
وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَانِينَ. (٩٣) وَأَعِدْنِي مِثْلًا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ
بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ (٩٤) وَسَهِّلْ لِي
مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَالْمُشَاقَّةَ
فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ. (٩٥) وَلَا تُخَفِّنِي فِيمَنْ تَمَحَقُّ مِنَ الْمُسْتَخَفِّينَ
بِمَا أَوْعَدْتَ (٩٦) وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ
لِمَقْتِكَ (٩٧) وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسید و از نو در امان بود. (۸۱) آری منم آنکه از قدرت تو هراسی نداشت و از عذاب و کبیر تو خونی بدل راه نداد. (۸۲) منم که بر حدود جنابت کرده‌ام (۸۳) منم که به بلای خویش گرفتارم (۸۴) منم که کم حیا و کم شرمم (۸۵) منم که به رنجی دراز مبتلایم. (۸۶) تو را نسیم می‌دهم به حق برگزیدگان از میان خلقت و به حق کسانی که آنان را برای خود برگزیده‌ای، بحق کسی که او را از میان بیکانت گزینش کرده‌ای، و کسی که او را مناسب با شأن و کار خود انتخاب فرموده‌ای و به حق کسی که اطاعت از او را با اطاعت از خودت پیوند زده‌ای و کسی که نافرمانی او را همچون نافرمانی خودت شمرده‌ای، بحق کسی که درستی با او را کنار دوستی خودت قرار دادی و کسی که دشمنی با او را منوط به دشمنی با خودت نموده‌ای، در این روز مرا تحت پوشش قرار بده یا آنچه که پوشش میدهی آنان را که در حال نفرت از گناه بسوی تو پناه می‌آورند و در حالی که از گناه نادم و پشیمان‌اند با استغفار به آستان تو پناهنده می‌شوند. (۸۷) و سرپرستی مرا به عهده بگیر همانطور که بعهده می‌گیری سرپرستی کسانی را که اهل طاعت هستند و در نزد تو قرب و منزلتی دارند (۸۸) و مرا اهل توحید کن همانگونه که در حق وفاداران به عهدهت آنها که حاشنان را در راه تو به سختی می‌انداختند و در مسیر جنابت تو جهاد با نفس می‌کنند، چنین کرده‌ای. (۸۹) و مرا در کوتاهی نسبت به حقوق و تجاوز از حدودت و نافرمانی از احکامات مؤاحده مکن. (۹۰) و از طریق فرصت دادن به من، تدریجاً گرفتار عظام مساز همانند عذاب کردن کسی که مرا از حبری که در نزدش بود منع کرد و حال آنکه در رسیدن نعمتش به من، شریک و همکار تو بوده و نیست. (۹۱) و مرا از حواب اهل غفلت و مجرت اسرافکاران و حواب آلودگی اهل ذلت بیدار کن. (۹۲) و قلب مرا علانمند کن به آنچه که اهل طاعت را بدان و داشنه‌ای و بندگان عابد را پوسنبه آن فرمانیر خویش ساخته‌ای و مسامحه کاران را از طریق آن به ساحل نجات رسانده‌ای. (۹۳) و مرا حفظ کن از کارهایی که از تو دورم می‌کند و مانع بهره‌گیری من از تو می‌شود و از آنچه نزد تو فصد می‌کنم بازم می‌دارد. (۹۴) و راه کارهای خیر در جهت رضای خودت را برایم آسان فرما تا در آنها آنگونه که امر فرموده‌ای صفت گیرم و همانطور که تو می‌خواهی نسبت به انجام آنها حریص باشم (۹۵) و مرا در زمره آنها که وعده عذاب تو را سبک می‌شماریده هلاک مساز (۹۶) و همراه آنها که در معرض خشم و عذاب تو هستند نابودم مکن. (۹۷) و مرا در میان منحرفینی که از راه تو بیرون رفته‌اند، درهم مشکن.

(٩٨) وَتَجْنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلْوَى،
وَأَجْزِلِي مِنْ أَخْذِ الْأَمْلَاءِ. (٩٩) وَخُلْ بَيْتِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي،
وَهَوًى يُؤَيِّنُنِي، وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي (١٠٠) وَلَا تُغْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ
لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ (١٠١) وَلَا تُؤَيِّنُنِي مِنَ الْأَمَلِ لِيُفَكَّ فَيُغْلِبَ
عَلَيَّ الْفُتُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ (١٠٢) وَلَا تُفَنِّحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَنْهَظُنِي
مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. (١٠٣) وَلَا تُزِيلْنِي مِنْ يَدِكَ إِزْزَالَ مَنْ
لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةً لَهُ (١٠٤) وَلَا تُزِمْ بِي رَمَى مَنْ
سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنِ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ
بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ السَّعْثُورِينَ،
وَزَوْطَةِ الْهَالِكِينَ. (١٠٥) وَغَافِلِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ
وَإِمَانِكَ، وَبَلَّغِي مَبَالِغَ مَنْ عَنِيتَ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضِيتَ عَنْهُ،
فَاعْشَشْتُهُ حَمِيداً، وَتَوَقَّعْتُهُ سَعِيداً (١٠٦) وَطَوِّفِي طَوَافِ الْإِقْلَاعِ عَمَّا
يُخْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَبِذْهَبِ الْبَرَكَاتِ (١٠٧) وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ
قَبَاحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ الْخَوْبَاتِ. (١٠٨) وَلَا تُشْغَلْنِي بِمَا لَا أَدْرِكُهُ إِلَّا
بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ (١٠٩) وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي
تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ اتِّعَايِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ
مِنْكَ. (١١٠) وَزَيِّنْ لِي التَّقَرُّدَ بِمُنَا جَانِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (١١١) وَهَبْ لِي
عِصْمَةً تُدَلِّينِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَخَارِمِكَ،
وَتُفَكِّكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعُظَائِمِ. (١١٢) وَهَبْ لِي التَّطَهُّرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ،
وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِبْلِي بِسِرْبَالِ غَافِيَتِكَ، وَرَدْنِي رِدَاءَ
مُغَافَاةِكَ، وَجَلِّلْنِي سَوَائِغَ نِعْمَاتِكَ، وَظَاهِرَ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ

(۹۸) و مرا از گرداب فتنه ها بجات ده وار گردنه های پلاها دور کن و از خطر فرست دادن برای عذاب ناگهانی رهاییم ده. (۹۹) و تو خود بین من و بین دشمن که می خواهد مرا فریب دهد و حواشی نفسی که مرا هلاک می گرداند و زیانی که همه وجودم را می گیرد مانع باش. (۱۰۰) و از من روی برگردان آنچنانکه روی می گردانی از کسانی که پس از غضب خود هرگز از آنان راضی نمی شوی. (۱۰۱) و مرا در آرزومندی به آسنانت نا امید مساز که یأس از رحمت بر من غالب گردد (۱۰۲) و بخششهایی را که من طاقت ندارم به من عطا مکن که بحاطر آنچه از افزونی رحمت بر دوشم می گذاری ببارم گران شود. (۱۰۳) و مرا از دست خود رها مکن همچون رها کردن کسی که خبری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برایش نیست. (۱۰۴) و مرا از خود دور مکن، چونان کسی که از چشم تو افتاده و مهر پستی و خواری از جانب تو بر او خورده است. بلکه دست مرا بگیر که گرفتار سقوط افتادگان در عذاب و هراس متحرقان و لغزش فریب خوردگان و گرداب هلاک شدگان نگردم. (۱۰۵) و مرا سلامت بدار از بلاهایی که اصناف زنان و مردان را بدان مبتلا ساخته ای و مرا به درجات کسانی برسان که به آنها عبادت نموده ای و رحمت در اختیارشان قرار داده ای و از آنها رسالت داری و حیات شایسته به آنان عطا فرموده ای و برگشتن را فرین سعادت ساخته ای. (۱۰۶) و این نکته را ملاحظه نمودم که خودم را از کارهایی که موجب خط و ناپردی حساست و بر باد دادن برکات می شود جدا سازم. (۱۰۷) و در قلب من چنان شعوری فرار ده که از زشتمیهای گناهان و رسوائیهای معاصی نفرت پیدا کنم. (۱۰۸) و مرا به اموری که جر با کمک تو به آنها نمی رسم (امور دنیا) مشغول مساز که از آنچه جز آنها تو را راضی نمی کند (امور آخرت) بار بمانم. (۱۰۹) و محبت دنیای پست را از دل من بکن، دنیایی که مرا از آنچه نزد توست باز می دارد و از توسل بسوی تو مرا منع می کند و از تقرب جستن به درگاهت عاقلم می سازد. (۱۱۰) و مناجات با حدوث را در نهائی و به هنگام شب و روز در نظرم ریا جلوه گر ساز. (۱۱۱) و به من عصمت و نقوابی ببخش که مرا به مقام نورس از خشمست نزدیک نماید و از ارتکاب مجرمات تو بدور دارد و از ابتلا به گناهان بزرگ رهاییم سازد. (۱۱۲) و به من توفیق پاک شدن از ناپاکی گناه را عطا فرما و آلودگی خطا را از من دور کن و پیراهن سلامت و عافیت را بر من بپوشان و ردای صحت را بر تن من بینداز و مرا با نعمتهای فراوانت در بر بگیر و فضل و بخششت را یکی پس از دیگری بر من نازل فرما.

(١١٣) وَأَيَّدَنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَشَدِّيدِكَ، وَأَعَيْتَنِي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ،
وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَفُؤَتِي
دُونَ حَوْلِكَ وَفُؤَتِكَ. (١١٤) وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَتُنِي لِبِلْقَائِكَ، وَلَا
تَقْضِخُنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي
شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِي فِي أَحْوَالِ السَّهْرِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَايِكَ،
وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتَنَّى بِمَا أَوْ لَيْسَ بِهِ، وَأَعْتَرِفْ بِمَا أَشَدَّيْتُهُ إِلَيَّ.
(١١٥) وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَخَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ
خَمْدِ الْعَامِدِينَ (١١٦) وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا
أَشَدَّيْتُهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْهَنْبُنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ
مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْقَضْلِ، وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ،
وَأَهْلِ التَّوْحِيدِ، وَأَهْلِ الصَّغِيرَةِ، وَأَنَّكَ بَانَ تَغْلُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُغَاقِبَ،
وَأَنَّكَ بَانَ تَشْتَرُ أَقْرَبَ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرَ. (١١٧) فَأَخْبِنِي حَيَوةً طَيِّبَةً
تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ خَيْرٍ لَا أَنِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَزْكَبُ
مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْنِي مَيِّتَةً مَنْ يَسْمَعُ نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ.
(١١٨) وَذَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَصَغِّنِي إِذَا خَلَوْتُ
بِكَ، وَارْقُغْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَنْهُ هُوَ غِنَى عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ
فَاقَةً وَفَقْرًا. (١١٩) وَأَعِزَّنِي مِنَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ،
وَمِنْ الدُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيهَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَسْتَعْمَدُ بِهِ
الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْنِ لَوْلَا جِلْمُهُ، وَالْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا أَنَاثَةُ
(١٢٠) وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ نِقْمَةً أَوْ سُوءَ فَتَنَجْنِي مِنْهَا لَوْ أَدَا بِكَ، وَإِذَا
لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

(۱۱۳) ویا توفیق و پشیمانی خود مرا تأبید فرما مرا در نیست شایسته و گشتار
مورد رضایت و رفتار نبکو باری کن و مرا بجای قدرت و توان خودت، به قدرت
و توان خودم و امگذار. (۱۱۴) و روزی که مرا برای ملاقات با خودت مبعوث
می کنی، حوارم مساز و در نزد دوستان رسوا می کن و ذکر خودت را از بادم میر
و شکرت را از من مگیر، بلکه در آهنگام که جاهلان، نسبت به تعنتهايت در
غفلت اند، مرا در حالات فراموشی، به شکر و سپاس خود ملایم بدار و به من
الهام کن که بر آنچه بمن در آنها ولایت داده ای شایسته تر را بگویم و به سبکی هایی
که ابتدا در حق من انجام داده ای اعتراف کنم. (۱۱۵) و رغبت من بسوی خودت را
بالا تر از رغبت دیگران و شکر مرا نسبت به خودت، پرنز از شکر دیگران قرار بده
(۱۱۶) و آن هنگام که بنو نیازمدم، مرا خوار مساز و بخاطر اعمالهایی که در حق تو
انجام داده ام هلاکم مگردان و یا من آنگونه که با دشمنانت بر حوردد می کنی
بر بخورد مکن، که همانا من در برابر تو تسلیم و می دانم که حجت و دلیل از آن
توست و تو در فصل، شایسته تر و در احسان، سود بخش تر از دیگرانی. و تو اهل
نفوی و آمرزش هستی و به اینکه غفور کنی شایسته تری تا به اینکه عذاب نمایی،
و به اینکه گناهان ما را ببوشانی نزد بختی تا به اینکه آنها را بر ملا کنی.
(۱۱۷) پس مرا زنده بدار با حیاتی پاک که هماهنگ با خواسته های من باشد و به
آنچه دوست می دارم منتهی گردد، چگونه ای که آنچه تو می پسندی انجام ندهم
و آنچه را نهی کرده ای مرتکب نشوم و مرا همچون کسانی بمیران که نور و فروغ
آنها از پیش رو و از جانب راست، اطرافشان را نورانی ساخته است. (۱۱۸) و مرا در
نزد خود کوچک کن و در نزد مخلوقات بزرگ بنما و آن هنگام که با تو خلوت
می کنم پس من کن و در بین بندگان نالایم بر و مرا بی نیاز کن از کسی که از من
بی نیاز است و فقر و گدائی مرا نسبت به خودت افزون فرما (۱۱۹) و مرا از سرزنش
دشمنان و از نزول بلا و از ذلت و مسخنی محفوظ بدار و مرا در آنچه از گناهان که
بدانها مطلعی نحت پوشش عفوت قرار بده، آنسان که می پوشاند کسی که اگر
بر دپارش مانع نباشد برانظام سخت فادراست و اگر درنگ و تأملش نباشد بر
مؤاخذه بر گناه توانایی دارد. (۱۲۰) و اگر خواستی فومی را گرفتار فتنه با امر
ناگواری بسازی، مرا بخاطر آنکه پسر پناه آورده ام، از آن نجات ده و چون مرا در دنیا
به ورطه فضا بحث و رسوائی نینداخته ای در آخرت نیز مرا در آن مبتداز.

(١٢١) وَاشْفَعْ لِي أَوْ أَيْلَ مِنْكَ يَا وَاحِدَهَا، وَقَدِيمَ قَوَائِدِكَ بِخَوَائِدِهَا،
وَلَا تُشْدِدْ لِي مَدًّا يَشْوِي مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تُفَرِّغْنِي فَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا
بَهَائِي، وَلَا تُسْغِنِي حَسْبَةً يَضَعُ لَهَا قَدْرِي وَلَا تَقْصِصْ يُجْهِلُ مِنْ
أَجْلِهَا مَكَانِي. (١٢٢) وَلَا تُرْغِنِي رَوْعَةً أُيْلِسُ بِهَا، وَلَا خِيفَةً أَوْجِسُ
دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَخَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِئْذَارِكَ،
وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ. (١٢٣) وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِبْقَاطِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ،
وَتَقَرُّدِي بِإِلْتِهَاجِكَ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِزْزَالِ حَوَائِجِي
بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاحِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ
أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. (١٢٤) وَلَا تَذَرْنِي فِي طُعْنَانِي عَامِيهَا، وَلَا فِي
عَمَرَتِي مَنَاهِيَا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تُخَفِّلْنِي عِظَةً لِمَنْ انْعَقَطَ، وَلَا نِكَالًا
لِمَنْ اغْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَقَلَ، وَلَا تُشْكِرْنِي فَيَمُنَ تُشْكِرُ بِهِ، وَلَا
تُسَبِّدْ لِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا
تُتَخِذْنِي هُزُوءًا لِحُلَّتِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا
مُسْتَهْنَأًا إِلَّا بِإِثْقَامِكَ لَكَ. (١٢٥) وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَخِلَافَةَ رَحْمَتِكَ
وَرَوْحَكَ وَرَيْحَانِكَ، وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ
بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِيلُ لَدَيْكَ وَعَيْدَكَ، وَأَنْحِفْنِي
بِخُفْيَةٍ مِنْ تُخَفَاتِكَ. (١٢٦) وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ
خَاسِرَةٍ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوْقِي لِقَاءَكَ، وَثُبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا
لَا تُبْقِ مَعَهَا ذَنْبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سِرِيرَةً.
(١٢٧) وَأَنْزِعِ السِّغْلَ مِنْ صَدْرِي لِسُلُومَنِي، وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى
الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلضَّالِّينَ، وَخَلِّني حِلْيَةَ السُّتُوبِينَ.

(۱۲۱) و در حق من نعمتهای پیشینت را به نعمتهای پسین و سودهای قدیمت را به منافع جدید متصل گردان و عمر مرا چندان طولانی مساز که قلمم فسادت گیرد و در سختیها چنان مرا مکویان که بخاطر آن ارزش من از دست برود و مرا به امر پستی که منزلت من در آن کوچک شود و نفعیه‌ای که بخاطر آن جایگاه و مرتبت من مجهول بماند، گرفتار مساز (۱۲۲) و مرا چنان مترسان که ناامید شوم و انسان ستمناکم مساز که وحشت در دل داشته باشم و ترس مرا در نهد بدیهایت از عذاب و پرهیز مرا در انعام حجت‌ها و اندازهای خود و هراس مرا در هنگام تلاوت آیات خودت فرار ده (۱۲۳) شب مرا طولانی گردان با بیدار کردنم برای عبادت و اینکه تنها، به مناجات با تو بپردازم و از دیگران دل بریده و تنها با تو آرامش یابم و بازهایم را بدرگاه تو آورم و دائماً از تو بخواهم که مرا از آتش خشم آزاد سازی و مرا از عذابی که اهل دوزخ در آن گرفتارند نجات دهی.

(۱۲۴) و مرا لحظه‌ای محروم و امگدار که در طعنان و سرکشی منحیر و در گرداب جهل و نادانی، غافل باشم؛ و سرنوشت مرا پستی برای پندپذیرها و سراجامی شوم برای عسرت بدبران و آزمایشی برای اهل نظر قرار مده و مرا در میان آنانکه با آنها مکر می‌کنی، مورد مکر قرار نده و بجای من دیگری را بهتر مگزین و اسم مرا در رمره بدگاست تعبیر مده و جسم مرا مبدل مساز و مرا و سبیل استهزاء و بندگاست و مورد تمسخر در آسمانست فرار مده و چنانم کن که تنها بدنبال رضایت تو و در انتقام از دشمنانست، تنها در خدمت تو باشم.

(۱۲۵) و مرا از لذت عفو و شرمی رحمت و آسودگی و رزق خویش و از بهشت نعمتهایت برخوردار ساز و با گشایشی از دریای بیکرانت مژده فارغ شدن از انجام طاعانی که تو دوست میداری و تلاش در آنچه ما را به تو نزدیک می‌سازد را در کام من بچشان و با نفعه‌ای از نفعه‌هایت مرا بهره‌مند فرما.

(۱۲۶) و تجارت مرا سودمند و بارگشتم بسوی خودت را بدون زیان فرار مده و مرا از مقام خود ترسان و شوق مرا برای دیدار با خودت افزون کن و بسوی من عنایت کن تا من نیز بسوی تو نوبه کنم، نوبه‌ای حنفی که در پرتو آن، هیچ گناه کوچک و بزرگ و هیچ خطای آشکار و پنهانی را بافی نگذاری. (۱۲۷) و هرگونه کینه‌ای نسبت به مؤمنین را از دلم بر کن و قلم را نسبت به حاشعین عطف گردان و انسان که با صالحان

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَايِبِينَ، وَذِكْرًا لِّأَمِيًّا فِي الْآخِرِينَ،
 وَوَأَبِ بِي عَزْصَةَ الْوَلَبِينَ، (١٢٨) وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَظَاهِرِ
 كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، امْلَأْ مِنْ قُوَّائِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كَرَامَتِمْ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ،
 وَجَاوِزِ بَيْنَ الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي رُبِّتَتْهَا لِأَصْفِيَائِكَ،
 وَجَلَّلْنِي شَرَّائِفَ نِعْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَجْنَائِكَ، (١٢٩) وَاجْعَلْ
 لِي عِنْدَكَ مَقْبَلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً أَتَّبِعُهَا، وَأَقْرُبُ عَيْتَهَا، وَلَا
 تُفَاقِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ
 عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ،
 وَأَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ تَوَالِكَ، وَفَرِّزْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ
 مِنْ إِفْضَالِكَ، (١٣٠) وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاتِّقَابِي عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَقَرًّا غَالِيًا
 هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تُسْتَقْبَلُ بِهِ خَالِصَتُكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ
 ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْبَغْنَى وَالْعَفَافَ وَالذَّعَّةَ
 وَالْمُغَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَانِينَةَ وَالْغَافِيَةَ، (١٣١) وَلَا تُحِطِّطْ
 حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوهُهَا مِنْ مَغْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَغْرِضُ لِي مِنْ
 نَوَاحَاتٍ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ،
 وَذَهَبِي عَنِ التَّحَاسُّسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، (١٣٢) وَلَا تُجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ
 ظَهْرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَخَوِ كِتَابِكَ يَدَأُ وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا
 أَعْلَمُ حِيَاظَةً تَقْبِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوَيْتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ
 وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنَّنِي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَاتَّسِمِ لِي إِسْمَاعَكَ، إِنَّكَ
 خَيْرُ الْمُتَسَمِّينَ (١٣٣) وَاجْعَلْ بَاقِيَ غُرِّي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءَ
 وَجْهِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
 الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا أَبَدِينَ،

هستی، بامن باش و بر من زیور اهل نفوا بیوشان و برای من سخنی صادق در میان گلشنگان و یادی والا در بین آبنندگان فرار ده و مرا به جابگاه پشینیان برسان. (۱۲۸) و کمال نعمت را بر من نعم کن و ارزشمندهای این نعمتها را برایم آشکار ساز، دم من را از عطا بابت پرکن و از بخششهای گراسی ات بسوی من روان کن و مرا در بهشت که برای برگزیدگانست زینت کرده ای، در کنار پاکترین دوستان جای ده و در مقامی که برای محبان خویش آماده ساخته ای مرا با شریفترین عطایای خویش بیوشان. (۱۲۹) و برای من در جوار خودت مأمنی فرار ده که با آرامش خاطر در آن پناه گیرم و جابگاهی که در آن مأوا گیرم و چشمم را بدان روشن کنم و مرا با گناهان بزرگم مورد اوریانی فرار مده و در آن روز که سریره ها آشکار می گردد، هلاکم مساز و از من هرگز نه شک و شبهه ای را برطرف فرما و در راستای حق، از هر رحمتی برایم راهی فرار ده و بهره های من از بخششها را فراوان کن و بهره مند من از احسان و فصلت را زیاد گردان. (۱۳۰) و قلب مرا نسبت به آنچه نزد توست مطمئن گردان و عزمم را فقط نسبت به آنچه از آن توست متوجه کن و مرا به کارهایی وادار کن که خواص را به آنها وادار می کنی و آنها نگام که عقل از بندگی تو غفلت می کند، قلبم را از یاد تو پر کن و در من و برای من بی نیازی، عفت، آرامش، عافیت، صحت، گشایش، اطمینان و سلامتی را جمع گردان.

(۱۳۱) و کارهای پسندیده مرا با گاهانی که در آنها مخلوط است نابود کن و خلونهای راز آلود مرا بخاطر خطاهائی که در آزمایشها بت بدن مبتلا می شوم، از من مگیر و آبروی مرا از اینکه دست طلب بسوی فردی از بندگان دراز کنم مصون بدار و از التماس کردن برای آنچه نزد فاسقان است، حفظم کن.

(۱۳۲) و مرا پشینیان ستمکاران و دشمنان و یاور آنان دراز بین بردن فرانت فرار مده و از جایی که من نمی دهم مرا در حبسه عبادت خود فرار ده، آنسان که مرا از خطاها حفظ کنی و بر من درهای توبه و رحمت و رافت و روزی فراوانت را بگشای، که من از علاقه مندان آسمان توأم و بر من بخشش را نعم کن که تو بهترین نعمت دهندگانی (۱۳۳) و یافمانده عصر مرا در انجام حج و عمره برای رضای خودت فرار ده، ای پروردگار عالمیان، و بر محمد ﷺ و آل پاک و مطهر آنحضرت درود فرست و برای همیشه بر او و بر آنان سلام و درود باد.

(٤٨)

﴿وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمُ الْأَضْحَى
وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ﴾

(١) اَللّٰهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُّبَارَكٌ سَمِعُونَ، وَالمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ
فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاهِبُ
وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَاسْتَلْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (٢) وَأَسْأَلُكَ
اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ
الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمُتَنَانِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِدُفْعِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ، مِنْهَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ
بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ
إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِشْرَةَ دَرَجَةٍ، أَوْ تُغْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ أَنْ تُوفِّرَ خَطِيئِي وَنَصِيْبِي مِنْهُ. (٣) أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِأَنَّ لَكَ
الْمُلْكَ وَالْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ وَحَبِيْبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ
الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْآخِيَارِ صَلَوَةُ لَا يَسْقُوِي عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ،
وَأَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ،
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تُغْفِرَ لَنَا وَلَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

دعای چهل و هشتم : در روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوند! امروز، روز مبارک و میبوی است و مسلمانان در این روز در جای جای زمین گرد هم جمع اند و فقیر و طالب و رغبت کننده و نرسای آنان همه حاضرند و تو بر نیازهای آنان ناظری

پس ای یک من از تو مسئلت دارم که بخاطر جود و کرم و آسانی آنچه من از تو می طلبم، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست.

(۲) و خداوند! ای پروردگار ما، از آنجا که مُلک و سلطنت از آن نوست و سپاس و شکر تنها برای نوست، هیچ معبودی جز تو نیست، ای صبور کریم، ای مهربان بخشنده و ای صاحب حلالت و اکرام، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، آنهنگام که بین پندگاران مؤمنان فضا می کنی: خبر با عافیت با برکت با هدایت با توفیق عمل به طاعت، با خبری که به آن بر آنان منت می نهی و هدایتشان می کنی با آنان را در نزد خود درجه ای بالاتر عطا می کنی با در پر تو آن خبری از دنیا و آخرت به آنان ارزانی میداری، از تو در خواست می کنم که بهره و نصیب مرا از آن، زیادگردانی

(۳) خداوند! بخاطر اینکه سلطنت و سپاس از آن نوست و معبودی جز تو نیست از تو در خواست می کنم که درود فرستی بر محمد ﷺ که بنده و رسول و دوست و برگزیده و بهترین خلق نوست و سر آل او که نیکان و پاکان و برگزیدگان اند، درودی که جز خودت کسی شعارش آنرا نتواند. و از تو می طلبم که ما را در کار شایسته هر کسی از پندگاران مؤمنان که امروز دست دعا به سوی تو دارد شریک گردانی، ای پروردگار عالمیان، از تو می طلبم که ما و آنان را مورد آمرزش خود قرار دهی، براسنی تو بر هر کاری توانایی

(٤) اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي. وَإِلَيْكَ أُنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي
وَمُسْكِنَتِي. وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْثِقُ مِنِّي بِعَقْلِي. وَلَمَغْفِرَتِكَ
وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَتَوَلَّ
قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا. وَتَنْسِيهِ ذَلِكَ عَلَيْكَ. وَبِقُدْرَتِي
إِلَيْكَ. وَغِنَاكَ عَنِّي. فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ. وَلَمْ يَصْرِفْ
عَنِّي سُوءٌ قَطُّ إِلَّا مِنْكَ. وَلَا أَزْجُلُ مِنْ خَيْرِي وَدُنْيَايَ بِسِوَاكَ.
(٥) اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَأَعَدَّوْا اسْتَعْدَّ لِيُوفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ
رِفْدِهِ وَتَوَافُلِهِ وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَازِيَتِهِ. فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ الْيَوْمَ
تَهَيُّئَتِي وَتَعَبُّؤِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ
وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَازِيَتِكَ. (٦) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَلَا
تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنِّي رَجَائِي. يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ.
فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ بِقَعْدَةٍ مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدِّمْتُهُ. وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ
إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ. (٧) أَتَيْتُكَ مُسِيرًا
بِالْجُزْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي. أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ
بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ. ثُمَّ لَمْ يَنْتَفِكْ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُزْمِ أَنْ
عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. (٨) إِنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٍ. وَعَفْوِكَ
عَظِيمٍ. يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ. يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَتَعَطُّفِكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوْسَعِ عَلَيَّ
بِمَغْفِرَتِكَ. (٩) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِيُخْلَفَانِكَ وَأَصْفِيَانِكَ وَمَوَاضِعَ
أَمْنَانِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَرَزُوهَا. وَأَنْتَ
الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ. لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ. وَلَا يُجَاوِزُ السَّخْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ

(۴) خداها در نیازهایم تنها تو را قصد می‌کنم و امروز فخر و شنگدستی و بیچارگی‌ام را تنها به درگاه تو آورده‌ام و امید من به آمرزش و رحمت تو بیش از امیدم به عمل خودم می‌باشد و متحقیق مغفرت و عطف تو بیش از گناهان من است، پس بر محمد و آل او درود فرست و بر آوردن هر حاجتی که من دارم را خود به عهده بگیر بخاطر قدرتی که بر ریع حاجات داری و این امر بر تو آسان است و بخاطر نیازمندی من به تو و بی‌نیازی تو از من. همانا من به هیچ خبری نرسیده‌ام جز به توفیق تو و هیچکس جز تو نتوانسته است بدی‌ای را از من دور کند و من در امور آخرت و دنیا به جز به تو امید ندارم. (۵) خداوند! اگر کسی برای گرفتن چله و عطا و به امید بخشش و احسان خود را مهیا سازد و بسوی بنده‌ای از مخلوقات برود، اینک من در این روز، ای آقای من، خود را آماده و مهیا ساخته که بسوی تو آمم به امید عفو و بخشش و در طلب عطا و جایزه تو.

(۶) خداها پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در این روز، امید مرا نا امید مساز ای کسی که در خواست گذا او را رنجور نمی‌سازد و عطایش جبری از او کم نمی‌کند و براسنی من بسوی تو نیامده‌ام از باب اینکه به عمل شایسته انجام یافته‌ام اطمینان دارم و نه از باب امید به شفاعت مخلوقی از مخلوقات بجز شفاعت محمد ﷺ و اهل بیت او که درود تو بر او و بر آنان باد.

(۷) من بسوی تو آمده‌ام در حالی که به حرم و گناه خود نسبت به خودم معترفم، بسوی تو آمده‌ام در حالی که امید دارم به عفو عظیم تو که با آن از خطای خطاکاران در می‌گذری، و هرگز ایستادگی طرلانی آنان سرگناهان بزرگ مانع از این نمی‌شود که تو با رحمت و مغفرت با آنان بر خورد کنی. (۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است، ای بزرگ وای بزرگ، ای کریم وای کریم، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با رحمت به من توجه کن و با فضیلت با من مهربان باش و یاران آمرزش را بر من افزون فرما

(۹) خداوند! این مقام ارجمند که از آن جانشینان و برگزیدگان نوست و این مرتبه ائمه تو که از درجات بلندی است که به آنان اختصاص داده‌ای مورد غضب و دستبرد قرار گرفته است و تو خرد چنین تقدیر فرموده‌ای، فرمان تو هرگز مغلوب واقع نمی‌شود، و از تدبیر حشمت تو هرگز تجاوز نمی‌شود،

كَيْفَ شِئْتَ وَ أَتَى شِئْتَ. وَلِمَا أَنْتَ أَعْلَمَ بِهِ غَيْرُ مَنْتَهُمْ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا
 لِإِزَادَتِكَ حَتَّى عَادَصِفَتْكَ وَ خُلِقَ أَوْكَ مَقْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَرِينَ.
 يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا. وَ كِتَابَكَ مَبْذُورًا. وَ قَرَانِيكَ مُخَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ
 أَشْرَاعِكَ. وَ سُنَّ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً. (١٠) اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ
 وَ الْآخِرِينَ. وَ مَنْ رَضِيَ بِغَالِبِهِمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ. (١١) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ. كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ
 وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَانِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ. وَ عَجَلِ الْفَرَجِ
 وَ الرُّوحِ وَ النَّصْرَةِ وَ التَّنْكِينِ وَ التَّائِيدِ لَهُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ
 أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِسْلَامِ بِكَ. وَ التَّضَدِّيقِ بِرَسُولِكَ. وَ الْإِسْمَةِ الَّذِينَ
 حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ. آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.
 (١٣) اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ عَصِيكَ إِلَّا حِلْمُكَ. وَ لَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ.
 وَ لَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ. وَ لَا يُنْجِيْنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ
 وَ يَتَيْنُ يَدَيْكَ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. وَ هَبْ لَنَا - يَا إِلَهِي - مِنْ
 لَدُنْكَ فَرَجًا بِالتَّقْدَرِ الَّذِي بِهَا تُخَيِّبُ أَمْوَاتَ الْعِبَادِ. وَ بِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ
 الْبِلَادِ. (١٤) وَ لَا تُهْلِكْنِي - يَا إِلَهِي - عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي. وَ تُعَرِّقْنِي
 الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي. وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْغَايَةِ إِلَى مُشْتَهَى أَجَلِي. وَ لَا
 تُسَمِّتْ بِي عَدُوِّي. وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنْتِي. وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ (١٥) إِلَهِي
 إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي. وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
 يَرْفَعُنِي. وَ إِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهَيِّئُنِي. وَ إِنْ أَهْنَيْتَنِي فَمَنْ ذَا
 الَّذِي يُكْرِمُنِي. وَ إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي. وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي
 فَمَنْ ذَا الَّذِي يَغْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ. أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ. وَ قَدْ عَلِمْتُ

هرگونه و هرکجا که نو بخوامی انجام می‌شود. و نو خود خواسته‌ای که آنچه بدان دانانتری محقق گردد و نو هرگز در آفرینش و خواسته‌هايت مورد انهام نبستی. و سرانجام برگزیدگان و جانشینان نو مغلوب و مغهور و مورد غضب قرار گرفتند و می‌بینند که فرمان نو تبدیل یافته و کتاب نو مورد دستبرد قرار گرفته و احکام نو از راههای شریعت نو منحرف گشته و منتهای پیامرت ترک شده است.

(۱۰) خدايا دشمنان پیامبر ﷺ و آل او را از گذشتگان و آیندگان و همه کسانی را که راضی به فعل آنها هستند و رهروان راه آنها و پیروانشان را مورد لعن و نفرین خود قرار ده. (۱۱) خدايا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، همانا نو سنايش شده و بزرگی، همانند درود و برکت و سلامی که برای برگزیدگان یعنی حضرت ابراهيم و آل ابراهيم داشته‌ای و در گشایش و شارت و باری و فدرت بخشیدن و تأیید در حق پیامبر ﷺ و آل او سنايب کن.

(۱۲) خداوند! مرا از بکتاب‌پرستان و مؤمنان به خودت و از صدیق کنندگان به پیامرت و الیه معصومین ﷺ که پیروی از آنان را واجب دانسته‌ای قرار ده، از کسانی قرار ده که آن توحید و ایمان و سبیل و هدایت آنان محقق می‌گردد. دعایم مستجاب کن ای پروردگار عالمیان *بسم الله الرحمن الرحیم*

(۱۳) خدايا خشم نو را جز حلفت بر ظرف نمی‌سازد و غضبیت را جز عفو و فرو نمی‌نشانند و از عفايت نمی‌رهاند جز رحمت خودت و مرا از کبیر نو نمی‌رهاند جز نضیع بسویت و زاری بدرگاهت. پس بر محمد و آل محمد ﷺ درود فرست. و ای معبود من از جانب خودت و یا فدرتی که با آن مردگان زنده می‌سازی و سرزمینهای موده را حیاتی دوباره می‌بخشی، گشایشی در کار من فراهم ساز. (۱۴) و مرا - ای معبود من - در حال اندوه و حسرت نهمران نا اینکه دعایم مستجاب کنی و اجابت خواسته‌ام را به من بفرمائی و طعم سلامتی نا پایان عمرم را به من بپیشانی. و دشمنم را نسبت به من شاد مکن و او را بر من مسلط مساز و توانایش مده. (۱۵) ای خدای من، اگر نو مرا بلند گردانی، چه کسی تواند فروود آورد. و اگر نو مرا خوار و پست گردانی، چه کسی تواند بالايم برد. و اگر نو مرا بزرگ بداری، کبست که تواند مرا ذلیل گرداند و اگر نو مرا کوچک کنی، کبست که بتواند بزرگم بدارد. و اگر نو مرا عذاب فرمائی، چه کس بر من رحم

أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظَلَمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ. وَإِنَّمَا يَسْجُلُ مَنْ
يَخَافُ الْقُوَّةَ، وَإِنَّمَا يَخْتِاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَغَالَيْتَ يَا
إِلَهِي. عَنْ ذَلِكَ عَلُوُّ أَكْبَرًا. (١٦) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَلَا لِتَقَمَّتِكَ نَضْبًا، وَمَهْلَنِي، وَنَفْسُنِي،
وَأَقْلَبْ عَثْرَتِي، وَلَا تَبْثِلْنِي بِبَلَاءٍ عَلَى آثَرِ بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي
وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ. (١٧) اَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعِزَّنِي. (١٨) وَاسْتَجِبْ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ
سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْزِنِي (١٩) وَاسْأَلْكَ أَمْنًا مِنْ
عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآمِنِي. (٢٠) وَاسْتَشْهِدْ بِكَ، فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي (٢١) وَاسْتَنْصِرْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَانصُرْنِي. (٢٢) وَاسْتَرْحِمْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي
(٢٣) وَاسْتَكْفِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي (٢٤) وَاسْتَرْزُقْكَ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارزُقْنِي (٢٥) وَاسْتَعِظْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاعِظْنِي. (٢٦) وَاسْتَعِزْكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاعِزِّلْنِي. (٢٧) وَاسْتَفْصِحْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَاعْصِنِي، فَإِنِّي لَأَنْ أَعُوذَ لِيْشْنِي وَكَرِهَتُهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ.
(٢٨) يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا خَتَّانَ يَا مَتَّانَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ
فِيهِ إِلَيْكَ، وَارِدَهُ وَقَدَّرَهُ وَأَقْضِهِ وَأَمْضِهِ، وَخُذْ لِي فِيْهَا تَقْضِي مِنْهُ،
وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَقْضِلْ عَلَيَّ بِهِ، وَاسْعِدْنِي بِمَا تَعْطِينِي مِنْهُ،
وَرِزْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِشْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَصِلْ ذَلِكَ

آورد و اگر هلاکم سازی چه کسی تواند در کار تو نسبت به بنده ات اعراض و یا درباره او سؤال کند. و من می دانم که در حکم تو هرگز ستمی روا نمی شود و در انتقام تو هرگز شتابی نیست و شتاب فقط در کار کسی است که می نرسد فرصت از دستش برود و تنها فرد ضعیف است که نیازمند کار ظالمانه است و ای معبود من، تو بسیار بلند مرتبه تر از آنی که به این امور آلوده باشی. (۱۶) خداوند ابر محمد ﷺ و آل محمد (۱۷) درود فرست و مرا هدف یلایا و در معرض نیرهای انتقامت قرار مده و به من مهنی عطا کن و مرا از اندوه و غم بزرگان و از حطایم درگذر و مرا به گرفتاریهای پیاپی دچار مکن، که تو خود ضعیف و بیچارگی و زاری ام بدرگاهت را می بینی. (۱۷) خداوند امروز من از خشم تو به خودت پناه می آورم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا در پناه خود گیر. (۱۸) و امروز از فخر و عذاب تو به آستان خودت پناهنده می شوم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و پناهندگم را بپذیر. (۱۹) و از تو درخواست می کنم که مرا از عذابت در امان بگه داری، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و امانم بده. (۲۰) و از تو طلب هدایت می کنم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و هدایتم فرما. (۲۱) و از تو باری می جویم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا باری فرما. (۲۲) و از تو در خواست رحمت دارم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و بر من رحم کن. (۲۳) و از تو می خواهم که در هر امری کفایت کنی، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا کافی باش. (۲۴) و از درگاهت روزی می طلبم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و روزیم ده. (۲۵) و از آسائات کمک می طلبم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و کمکم بده. (۲۶) و نسبت به گناهانی که انجام داده ام از تو طلب آمرزش می کنم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا مورد آمرزش قرار ده. (۲۷) و از تو در خواست می کنم که مرا از لغزشها حفظ کنی، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا حفظ کن، براسنی اگر تو مرا حفظ کنی هرگز به انجام آنچه تو از آن کراهت داری باز نخواهم گشت. (۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای مهربان وای صاحب احسان، ای دارای جلالت و اکرام، پر محمد ﷺ و آل او درود فرست و برایم اجابت کن همه آنچه را که از تو مسألت نمودم و در طلب آن بسوی تو آمدم و در راه آن میل به تو پیدا کردم. و آن را اراده کن و مفید ساز و بدان حکم کن و به انعام رسان و در آنچه به آن حکم می کنی

يَحْيِرُ الْأَحْزَرَ وَتَجْعَلُهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأْتَكَ،
وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(٤٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعِ
كَتِيدِ الْأَعْدَاءِ، وَرَدِّ بَأْسِهِمْ:

(١) إِلَهِي هَذَيْتَنِي فَلَهَوْتُ، وَوَعِظْتَ فَعَسَوْتُ، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ
فَقَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتُ إِذْ عَرَفْتُكَ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلْتُ،
فَعُدْتُ فَسَرَرْتُ، فَتِلْكَ إِلَهِي الْعَبْدُ (٢) تَعَفَّيْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ،
وَخَلَلْتُ شِغَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَبَحَلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ.
(٣) أَوْسَلَيْتَ إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ، وَذَرَيْتَنِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا،
وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا، وَقَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَإِلَيْكَ مَعَرُّ الْمُسْتَيْءِ،
وَمَفْرَعُ الْمُضْطَّيْعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِي (٤) فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ اسْتَضَى عَلَيَّ
سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظَبَّةَ مُدَيَّتِهِ، وَأَزْهَقَ لِي شَبَاحْدَهُ، وَدَافَ
لِي قَوَائِلَ سُومِهِ، وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمِ عَنِّي
عَيْنُ جِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي السَّكْرُوءَ، وَيَجْرُعَنِي رُعَاقُ
مَرَارَتِهِ (٥) فَتَنَزَّلْتُ - يَا إِلَهِي - إِلَى ضَغْفِي عَنِ اخْتِمَالِ الْمَوَادِحِ،
وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ بِمَنْ قَصَدَنِي بِمُخَارَبَتِهِ، وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ
عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي، وَأَرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُغْمِلْ فِيهِ فِكْرِي.

برایم خبر بخواه ویر من مبارک گردان ویا آن یو من تفضل فرما ویا آنچه بمن عطا می فرمای سعادتمندم کن واز فضل وگشرد آنچه نزد توست بر من افزون فرما، همانا تو گشاده دست وکرمی، و این همه را به خبر آخرت ونعمتهای آن متصل فرما ای مهربانترین مهربانان.

تذکر: پس از این دعا، به آنچه بخواهی می توانی دهاکسی ویر محمد ﷺ و آل او هزار بار درود فرستی. و خود حضرت امام سجاد علیه السلام چنین می کردند.

دعای چهل و نهم:

در دفع حيلة دشمنان و باز گرد آیدن خطر و ضرر آنان

(۱) خدایا تو هدایت فرمودی ومن در لغیبات و غفلت ماندم، و تو مرا نصیحت فرمودی ومن سنگدل شدم، و به من نیکویی های فراوان دادی و من مرتکب معصیت شدم و بس از این همه در پرتو معرفتی که به من دادی، به آنچه تو در حقم انجام داده بودی آگاه شدم و لذا استغفار کردم و تو از عطایم در گذشته و دوباره بسوی تو باز گشتم، و تو گناهانم را پوشانیدی، بس ای مغفور من، نهان تو را سپاس. (۲) من در وادی هلاکت فرو افتاده ام و در راههای نطف و نابودی وارد شده ام و در آن وادیها در معرض علیه و سلطه سخت تو هستم و یا زود گز آن راهها خود را در معرض عذاب تو فرار داده ام (۳) و سببه من بسوی تو بگناه پرستی است و اسرارم پس است که چیزی را شریک تو فرار نداده ام و معبودی را در کنار تو برنگزیده ام و یا جان و دل بسوی تو گریخته ام. و راه فرار گناهکار تنها بسوی توست و نوی پناهگاه کسی که بهره جانش را ضایع ساخته و به تو پناهنده شده است. (۴) پس چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنش را در برابر من از نیام بر کشیده و لبه نبش را برای من نیز کرده و بنبه اش را برای من صیقل داده و زهرهای مرگبارش را برای من با آب مخلوط ساخته و مرا در برابر تو نهاده که هرگز بحفظ نمی روند هدف فرار داده و چشم نگاهبانش هیچگاه از من برداشته نشده و نخفته است و در دل خواسته که شر و بدیم به من برسد و قصد نموده که از آب تلخ و ناگوار آن شر به من پتو شوند. (۵) سپس ای معبود من، تو بر ضعف من در تحمل سختیها و یونانوانیم در انتقام از کسی که قصد جنگ با من دارد ویر نهائیم در برابر کثرت جمعیتی که با من دشمنی می کند و قصد دارد مرا در آنچه بدان نیاند بشیده ام گرفتار سازد، نظر کردی.

(٦) فَأَبْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ، وَشَدَدْتَ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ قَالَتْ لِي خَدُّهُ،
وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَخَدُّهُ، وَأَعْلَيْتُ كَفْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ
مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ، فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشِبْ غَيْظُهُ، وَلَمْ يَسْكُنْ غَلْبُهُ،
قَدْ عَصَّ عَلَى شَوَاهٍ وَأَذْبَرُ مُؤَلِّياً قَدْ أَخْلَقْتَ سَرَايَاهُ، (٧) وَكَمْ مِنْ
بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكَ مَصَائِدِهِ، وَكُلَّ بِي تَفَقُّدَ
رِعَائِيهِ، وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ الشَّيْخِ لِطَرِيدِهِ اسْتِظْاراً لِاسْتِهْزَاءِ
الْفَرَصَةِ لِلْفَرَسِيَّةِ، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلِكِ، وَيَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ
الْحَقْنِ، (٨) فَلَمَّا رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ - دَعَلَ سَرِيرَتِهِ،
وَقَبَعَ مَا نَطَوَى عَلَيْهِ، أَرْكَشْتُهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي رُيَّتِهِ، وَرَدَدْتُهُ فِي
مَهْوِي خُرَّتِهِ، فَانْتَمَعَ بَعْدَ اسْتِطْلَاحِهِ ذَلِيلاً فِي رَبِّي جِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ
يَقْدُرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي لَوْلَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ
بِسَاحَتِهِ، (٩) وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرَى بِي بِغَضَبِهِ، وَشَجَى مِنِّي
بِغَيْظِهِ، وَسَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَخَرَنِي بِقَرَفِ عُيُوبِهِ، وَجَعَلَ
عِزِّي عَرَضاً لِمَرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالاً لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَخَرَنِي
بِكَيْدِهِ، وَقَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ، (١٠) أَفَنَادَيْتُكَ - يَا إِلَهِي - مُسْتَعِيناً
بِكَ، وَائْتِغَا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، غَالِماً أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ
كَفِكَ، وَلَا يَنْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَقِيلِ انْبِصَارِكَ، فَحَصَصْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ
بِقُدْرَتِكَ، (١١) وَكَمْ مِنْ سَخَائِبٍ مَكْرُورٍ جَلَيْتُهَا عَنِّي، وَسَخَائِبٍ نَعَمٍ
أَهْطَرْتُهَا عَلَيَّ، وَجَدَاوِلَ رَحْمَةٍ نَشَرْتُهَا، وَغَافِيَةَ أَلْسِنَتِهَا، وَأَعْيُنَ
أَخْدَاطٍ طَمَسْتُهَا، وَغَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَسَفْتُهَا، (١٢) وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ
حَسَنِ حَقَّقْتُ، وَعَدَمٍ جَبَرْتُ، وَصَرَعَةٍ أَلْعَشْتُ، وَمَسْكَنَةٍ حَوَّلْتُ.

(۶) پس خود به باری من آغاز نمودی ویا توانائیت پیشم را محکم ساختی و سپس تیزی حریه دشمن را در هم شکستی و او را پس از آنکه به جماعتی مبدل شده بود تنها ساختی و مرا بر او غلبه دادی و آنچه را او محکم ساخته بود به خودش بازگرداندی و در حالیکه خشمش فرو نشسته و غضبش آرام نگرفته او را پس زدی، و او سرانگشتان خود به دندان گزید و روی برتافت در حالیکه باورانش به وعده‌هایی که به او داده بودند، عمل نکردند. (۷) و چه بسیار طالعی که با مکر و حيله بر من ستم نمود و در برابر من دام شکارش را گسترانید و مرا بت و جستجویش را بر روی من متمرکز ساخت و در گمین من نشست آنسان که درندگان در گمین شکارشان می‌نشینند و در انتظار به چنگ آوردن فرصت برای شکار طعمه خویش‌اند در حالیکه دشمن من در ظاهر به من روی خوش نشان می‌دهد و نملق می‌گوید و در عین حال با حشمتی تند به من نگاه می‌کند. (۸) پس تو - ای پروردگار من که مبارک و برتری - چون فریبکاری باطن او و وزشی آنچه در صمبوش پنهان است را دیدی او را در چاله‌ای که برای شکارش کنده بود با مهر سر، در افکیدی و در برنگاه چاهی که حفر نموده بود، سرگون ساختی و سرانجام پس از طغیان و سرکشی و در اوج ذلت و خواری در بندی گرفتار شد که می‌خواست مرا در آن گرفتار بیند و اگر لطف تو نبود نزدیک بود آنچه بر سر او آمد، بر من مرود آید. (۹) و چه بسا بخیلی که بخاطر حسادت بر من غم و غصه گلوگیرش شد و خشمش چون استخوان در حنجره‌اش ماند و بارانش مرا نیش زد ویا نسبت دادن عیوب خودش به من، مرا مورد غضب شدید فرار داد و حیثیت مرا آماج تیرهای خود گرفت و صفات ناپسند را که همواره در خودش بود همچون فلاده‌ای برگردنم آویخت ویا حقه و بیرنگ مرا مشمول غضب فرار داد ویا فریبکاری قصد من نمود. (۱۰) پس - ای پروردگارم - من تو را فریاد کردم واز تو کمک خواستم، چرا که به سرعت اجابت تو مطمئن بودم و می‌دانستم که اگر کسی در پرتو حمایت تو جای گیرد، هرگز مغلوب نمی‌گردد و آنکس که مشمول یاری و پیروزی تو فرار گیرد، هرگز به دبگری پناه نمی‌برد، و تو با قدرت خود مرا از خطر دشمن حفظ فرمودی. (۱۱) و چه بسیار ابرهای مصیبت بار که آنها را از بالای سر من کنار ردی و چه فراوان ابرهای نعمت که از آنها باران رحمت بر سرم ریختی و نهرهای مرحمت که بسوی من جاری ساختی و لباس هافیت که بر من پوشاندی و چشمهای مصیبت آفرین که آنها را کور کردی و پرده‌های مشکلات و بلاها که از هم دریدی. (۱۲) و چه بسیار گمانهای خوب که آنها را محقق ساختی و نقص و کمبودها که آنها را جبران فرمودی و افتادگی‌ها که بر پاداشنی و تنگدستی‌ها که به توانگری مبدل ساختی.

(١٣) كُلُّ ذَلِكَ إِنْغَاماً وَتَطَوُّلاً بِكَ، وَفِي جَمِيعِهِ أَنْهَمَاكَ مِنِّي عَلَى
مَعَاصِيكَ، لَمْ تَنْتَفِكْ إِسَاءَتِي عَنْ إِنْغَامِ إِحْسَانِكَ، وَلَا حَجَرَنِي ذَلِكَ
عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ. (١٤) وَأَلْقَدْ سُئِلْتُ
فَأَعْطَيْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ فَأَبْذَنْتَ، وَاسْتَمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْذَبْتُ، أَتَيْتَ
يَا مَوْلَايَ - إِلَّا إِحْسَاناً وَامْتِنَاناً وَتَطَوُّلاً وَإِنْغَاماً، وَأَتَيْتُ إِلَّا تَقَحُّماً
لِحُورِ مَايَتِكَ، وَتَعَدُّياً لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، فَالِكَ الْحَمْدُ
- إِلَهِي - مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أَنَاةٍ لَا يَغْجَلُ. (١٥) هَذَا مَقَامُ مَنْ
اعْتَرَفَ بِسُبُوحِ النِّعَمِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ.
(١٦) اَللّٰهُمَّ قَاتِلِيْ اَتَّقَرُّبُ اِلَيْكَ بِاَلْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَالسَّعْلَوِيَّةِ
الْبَيْضَاءِ، وَاتَوَجَّهْ اِلَيْكَ بِهَمَانِ اَنْ تُعِيدَنِيْ مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا، فَاِنَّ ذَلِكَ لَا
يَضِيْقُ عَلَيْكَ فِيْ وَجْدِكَ، وَلَا يَكَاوُلُكَ فِيْ قُدْرَتِكَ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ (١٧) فَهَبْ لِيْ يَا اِلٰهِيْ مِنْ رَّحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا
اَتَّخِذْهُ سُلْماً اَخْرُجُ بِهِ اِلَى رِضْوَانِكَ، وَامْنٌ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ، يَا
اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

(٥٠)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ سَوِيًّا، وَرَبَّيْتَنِيْ صَغِيرًا، وَرَزَقْتَنِيْ مَكْنِيًّا

(۱۳) همه اینها از لطف و احسان نوست و در تمام آنها من در نافرمانی و معصیت تو کوشیده‌ام اما بدی من هیچگاه از احسان تمام تو در حق من جلوگیری نکرده است و این همه نعمت مرا از ارتکاب آنچه موجب خشم نوست باز نداشته است. و از تو در آنچه انجام می‌دهی سؤال نمی‌شود.

(۱۴) ویراستی هرگاه از تو چیزی در خواست شده، عطا فرموده‌ای و آنگاه هم که چیزی در خواست نشده، خود به بخشش آغاز نموده‌ای و اگر از احسانت در خواست شده، کم نداده‌ای. ای مولای من، تو جو احسان و اکرام و بخشش و انعام برای ما چیزی نمی‌خواهی ولی من جز فرورفتن در محرمات و تجاوز نسبت به قوانین تو و غفلت از نهادهای نوکاری ندارم. پس سپاس و شکر تنها از آن نوست. ای معبود من، ای قادری که هرگز مغلوب واقع نمی‌شوی و ای مهلت دهنده‌ای که هرگز در عفویت، شتاب نمی‌کنی.

(۱۵) جایگاه من، هم اینک، جای کسی است که به و هور نعمتهای تو اعتراف دارد اما در برابر این همه نعمت کوتاهی کرده و خود گواهی می‌دهد که حق تو را تضییع نموده است.

(۱۶) بار پروردگارا من به مقام **بِسْمِ اللَّهِ يَا مُحَمَّدٌ صَلَّیْ عَلَیْهِ وَآلَیْهِ وَسَلَّمَ** و مرتبت والای علوی **عَلَوِی** بسوی تو غریب می‌جویم و تو بهم به نوست که به حق آن دو پررگوار مرا از شرّ این و آن مصون بداری که این امر با توجه به توانگری تو هرگز سخت و دشوار نیست و با قدرتی که داری هرگز تو را رنجور نمی‌سازد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای معبود من، از رحمت و توفیق مستمر خویش آن قدر به من عطا کن که آن را نودبائی سازم و به سوی مقام رسولان تو بالا روم و از عقاب تو در امان باشم. ای مهربانترین مهربانان.

دعای پنجاه :

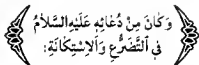
در باب توسل از خدا

(۱) خدایا تو مرا با اعتدال آفریدی و در طفولیت پرورش دادی و به میزان کفایت روزی‌ام عطا کردی.

(٢) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ وَجَدْتُ فِيْهَا اَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ
 اَنْ تَقُلْتَ: يَا عِبَادِىَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْطَعُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ،
 اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيعًا، وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّيْ مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ
 بِهِ مِنِّيْ، فَيَا سَوَادَنَا مِمَّا اَخْصَاهُ عَلٰى كِتَابِكَ (٣) قُلُوْا لَا التَّوَاقِفُ اَلَّتِيْ
 اَوْمَلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِيْ شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَا لَقِيْتُ بِيَدِيْ، وَلَوْ اَنْ اَحَدًا
 اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ اَنَا اَحَقُّ بِالْهَرَبِ بِكَ، وَ اَنْتَ لَا تَخْفَى
 عَلَيْكَ خَافِتَةٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ اِلَّا اَتَيْتَ بِهَا، وَكَفَى بِكَ
 جَارِيًا، وَكَفَى بِكَ حَسْبًا. (٤) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ طَالِيْتِ اِنْ اَنَا هَرَبْتُ،
 وَمُدْرِكِيْ اِنْ اَنَا فَرَرْتُ، فَهَآ اَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَكِيْلٌ رَاغِمٌ، اِنْ
 تُعَذِّبْنِيْ فَاِنِّيْ لِدَيْكَ اَهْلٌ، وَهُوَ يَا رَبِّ - مِنْكَ عَذْلٌ، وَ اِنْ تَغْفُ عَنِّيْ
 فَقَدْ بِمَا شَمَلْتَنِيْ عَفْوُكَ، وَ اَلْبَشَنِيْ عَافِيَتَكَ. (٥) اَسْأَلُكَ - اَللّٰهُمَّ -
 بِالْمَحْزُوْنِ مِنْ اَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَاَرَتْهُ الْحُبُّ مِنْ بَهَائِكَ، اِلَّا رَجِمْتَ
 هٰذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوْعَةَ، وَهٰذِهِ الرُّمَّةَ السَّهْلُوْعَةَ، اَلَّتِيْ لَا تَسْتَطِيْعُ
 حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيْعُ حَرَّ نَارِكَ؟! وَ اَلَّتِيْ لَا تَسْتَطِيْعُ صَوْتَ
 رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيْعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟! (٦) اَفَارْحَمْنِيْ - اَللّٰهُمَّ -
 فَاِنِّيْ اَمْرُوْهُ حَقِيْرٌ، وَخَطَرِيْ يَسِيْرٌ، وَ لَيْسَ عَذَابِيْ مِمَّا يَزِيْدُ فِيْ مُلْكِكَ
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْ اَنْ عَذَابِيْ مِمَّا يَزِيْدُ فِيْ مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ،
 وَ اَخْبَيْتُ اَنْ يَكُوْنَ ذَلِكَ لَكَ، وَلٰكِنْ سُلْطَانُكَ - اَللّٰهُمَّ - اَعْظَمُ، وَ مُلْكُكَ
 اَدْوَمُ مِنْ اَنْ تَزِيْدَ فِيْهِ طَاعَةُ السُّطُوعِيْنَ، اَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَغْصِيَّةُ
 الْمُذْنِبِيْنَ. (٧) اَفَارْحَمْنِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ، وَ تَجَاوَزْ عَنِّيْ يَا
 ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، وَ تَبَّ عَلٰى، اِنَّكَ اَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيْمُ.

(۲) خداوند! من در آهانی که بعنوان کتاب آسمانی نازل فرموده‌ای و پندگانت را بدان بشارت داده‌ای یافتم که چنین فرمودی: ای پندگان من که بر جان خویش اسراف کرده و تجاوز نموده‌اید، هرگز از رحمت خدا نا امید نشوید، چرا که خداوند همه گناهان را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد. و در گذشته گناهانی که تو خود از آنها آگاهی و کم و کبف آنها را از من بهتر میدانی از من سر زده است. پس وای بر من از آنچه تو در نامه اعمالم نوشته‌ای. (۳) و اگر جای امیدواری به عمر تو که همه چیز را شامل می‌شود نبود، خود را هلاک می‌ساختم و اگر امکان می‌داشت که کسی از پروردگارش بگریزد، براسنی من از همه سزاوارتر بودم که از تو بگریزم. و هیچ چیز در زمین و آسمان از تو پنهان نمی‌ماند و تو آن را حاضر می‌کنی و محازات و محاسنه تو در قیامت، کفایت خواهد کرد. (۴) پروردگارا، من اگر از تو می‌گریزم، تو طالب منی و اگر من از تو فرار می‌کنم، تو بدنبال منی. و ایستادن من با حال حضور و دلالت و افتادگی در پیشگاه تو سر به فرمانم. اگر مرا عذاب کنی، بحق شایسته آنم و این است از جانب تو عین عدل است. و اگر مرا ببخشی، همچون گذشته عفو شایسته منم شده و لباس بخشش را بر تنم پوشانده‌ای. (۵) پس ای پروردگار من! تو که خود را خدای من می‌گویی به حق اسمائی که نزد خود پنهان داری و به حق آن جمالی که پرده‌ها مانع از درخشش آن شده‌اند، بر این نفس نالان و بر این نکه استخوان نالوان رحم آور. نفسی که تحمل گرمای خورشید را ندارد پس چگونه حرارت آتش دورخت را تحمل تواند کرد؟ و نیز کسی که نمی‌تواند صدای رعد آسمان را بشنود، چگونه تاب شنیدن صدای خشم تو را دارد؟ (۶) پس ای خدای من، بر من رحم کن، من فردی کوچک و ناچیزم، و ارزشی اندک دارم و عذاب من هرگز به مقدار متغال و ذره‌ای بر سلطنت تو نمی‌افزاید و اگر عذاب کردن من چیزی بر ملک تو می‌افزود از تو می‌خواستم که به من صبر در این عذاب را عطا کنی و دوست می‌داشتیم که آن هرونی در ملک تو محقق گردد. ولی خدایا! سلطنت تو بزرگتر و ملک تو با دوام تر از آن است که اطاعت فرمانبران چیزی بر آن بیفزاید و یا نافرمانی گناهکاران چیزی از آن بکاهد. (۷) پس ای مهربانترین مهربانان، بر من رحم کن وای صاحب جلالت و اکرام، از من درگذر و نوبه‌ام بپذیر که براسنی تو، نوبه پذیر و مهربانی.

(٥١)



(١) إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ، وَسُبُوحُ
نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، وَجَزِيلُ عَطَائِكَ عِنْدِي، وَعَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ
رَحْمَتِكَ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدْ اضْطَنَعْتُ عِنْدِي مَا يَسْغِرُ
عَنهُ شُكْرِي. (٢) وَلَوْلَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَسُبُوحُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ
إِحْرَازَ حَقْلِي، وَلَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَلَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ،
وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ، وَصَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ،
وَمَنَعْتَ مِنِّي مَخْذُورَ الْقَضَاءِ. (٣) إِلَهِي فَكُمُ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ
عَنِّي، وَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَفْرَزْتَ بِهَا عَيْتِي، وَكُمُ مِنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ
لَكَ عِنْدِي (٤) أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتُ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَأَقَلَّتْ عِنْدَ
الْعَنَارِ رُكْنِي، وَأَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي. (٥) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ
بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُكَ، وَلَا مُتَّقِبًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي
سَامِعًا، وَلِنَطَائِي مُطِيعًا، وَوَجَدْتُ نِعْمَاكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ
مِنْ شَأْنِي وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ، وَصَنِيعُكَ
لَدَيَّ مَبْرُورٌ. (٦) تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَإِنْسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَتَّبِعُ الْوَفَاءَ
وَحَقِيقَةُ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي، فَتَجَنِّي مِنْ سُخْطِكَ.

دعای پنجاه و یکم: در هنگام خضوع و زاری به درگاه خداوند

(۱) ای معبود من، تنها تو شایسته حمد و سپاسی و من تو را شکر می‌کنم بر رفتار نیکویت در حق من، و بر وفور نعمت‌های و افزونی عطا‌هایت بر من، و بر رحمتی که بواسطه آن مرا برتری بخشیدی و بر نعمتی که آن را بر من نازل فرمودی، پرستی تو در حق من لطف‌هایی نموده‌ای که من از شکر و سپاس آنها عاجرم.

(۲) و اگر احسان و ریش نعمت‌های تو بر من نبود، من به بهره و سودی نمی‌رسیدم و نوبین اصلاح نفس را پیدا می‌کردم، اما تو در حق من به احسان و نیکی آغاز کردی و کفایت در همه امورم را به من ارزانی داشتی و بلا را از من دور کردی و عوایب دردناک فضا رفتار را از من باز داشتی.

(۳) ای معبود من، چه بسیار گرفتاری‌های سخت که از من بگردانیدی، و چه فراوان نعمت‌های بشمار که چشمم بدانها روشن ساختی و چه بسیار رفتارهای بزرگواریه که در حق من انجام دادی.

(۴) نوی که به هنگام بیچارگی، خواسته مرا احابت فرمودی و به هنگام لغزشها، از خطای من درگذشتی و انتقام مرا از ستمگران گرفتی.

(۵) خدا یا من هرگز تو را به هنگام مسئلت، بخیل نمی‌بینم و آنگاه که به تو رو می‌کنم، گرفته و متوسک نمی‌باشم، بلکه احساس می‌کنم که تو دعایم می‌شنوی و خواسته‌ام عطا می‌کسی و می‌بایم که نعمت‌های تو در هر شأنی از شئون و در هر زمانی از زمانها بر من فرو می‌ریزد. پس تنها تو مورد ستایش منی و این رفتار نوست که نزد من نیکوست.

(۶) جان و زبان و عقل من تو را سپاس می‌گویند، سیاسی که به حد کمال و به حقیقت شکر می‌رسد، سیاسی که بهایت و رضایت تو از من است، پس مرا از خشم و غضب خودت بزهان.

(٧) يَا كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُنِي الْمَذَاهِبُ وَيَا مُعَلِّي عَثْرَتِي، قُلْ لَا تُسْرُكْ
 عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُنْصُوحِينَ، وَيَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، قُلْ لَا تُسْرُكْ
 إِثَائِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى
 أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَيَا أَهْلَ الثَّقَوَى، وَيَا مَنْ
 لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بِرَبِّيًا
 فَأَعْتَذِرُ، وَلَا بِذِي قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا بِمُغْرَلِي فَأُفِرُّ، (٨) وَأَسْتَغِيثُكَ
 عَثْرَاتِي، وَأَتَقَرُّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْ بَعَثْتَنِي، وَأَخَاطَتْ بِي
 فَأَهْلَكْتَنِي، مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ - رَبِّ - نَائِيًا قُتِبَ عَلَيَّ، مَتَعُودًا فَأَعِزَّنِي،
 مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي، سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْ نِي مُقْتَصِمًا فَلَا تُسْلِفْنِي، دَاعِيًا
 فَلَا تَرُدَّنِي خَائِيًا، (٩) ادْعُوكَ - يَا رَبِّ - مُسْكِنًا، مُسْتَكِينًا، مُسْتَفِيقًا،
 خَائِفًا، وَجَلًّا، فَقِيرًا، مُضْطَرًّا إِلَيْكَ، (١٠) أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ
 نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ قَبِيحًا وَعَدَّةَ أَوْلِيَاءِكَ، وَالْمُجَانَبَةَ عَنَّا حَدَرَتَهُ
 أَعْدَاءِكَ، وَكَثْرَةَ هُمُومِي، وَوَسْوَسةَ نَفْسِي، (١١) إِلَهِي لَمْ تُلْصِخْنِي
 بِسَرِيرَتِي، وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي، ادْعُوكَ فَتُجِيبْنِي وَإِنْ كُنْتُ بِطِينًا
 حِينَ تَدْعُونِي، وَأَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي، وَحِينَ ضَاكُنْتُ
 وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي، فَلَا ادْعُو سِرَّكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ (١٢) لَيْبِكَ
 لَيْبِكَ، تَسْمَعُ مِنْ شَكَايَايَ إِلَيْكَ، وَتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَتُخَلِّصُ مِنْ
 اغْتَصَمَ بِكَ، وَتُفَرِّجُ عَمَّنْ لَادَ بِكَ، (١٣) إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْ نِي خَيْرَ الْآخِرَةِ
 وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي، وَاعْفِرْ لِي مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِي، (١٤) إِنْ تُعَذِّبْ
 فَاَنَا الظَّالِمُ الْمَقْرُطُ الْمُضْطَرُّ الْإِنِّمُ الْمُقْصَرُّ الْمُضْجَعُ الْمُغْفَلُ حَظًّا
 نَفْسِي، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۷) ای پاهگاه من هگامیکه راهبا و مسنکهای گوناگون مرا ناتوان مساخته‌اند. و ای درگذرنده از لغزشهای من، اگر چشم‌پوشی نو از زشتیهایم نبود، به تحقیق من از رسوایان بودم. و ای تأییدکننده من به باری و نصرت، اگو باری تو نبود، به راستی از شکست خوردگان بودم و ای کسی که پادشاهان در برابر او یوغ ذلت و خواری بر گردنهایشان افکنده‌اند و از هیبت و افتداز او هراسناکنده و ای اهل تقوی و ای کسی که نامهای زیبا از آن نوشت، از تو درخواست می‌کنم که مرا ببخشی و بیامیزی. من بی‌گناه نیستم که عذرم پذیرفته باشد و دارای توانی نیستم که پیروز گردم و راه فراری ندارم که بگیرم. (۸) و از تو می‌خواهم که از خطاهایم درگذری و در آسانت بیزاری می‌جویم از گناهانی که مرا به فلاکت انداخته و احاطه‌ام کرده و به هلاکت کشانده است. ای پروردگار من، از آن گناهان با حال پشیمانی به سوی تو گریخته‌ام، پس توبه‌ام بپذیر. به تو پناه آورده‌ام، پس پناه‌م ده. به تو روی آورده‌ام، پس حوارم مساز. دست‌گذاری به سوی نو دراز کرده‌ام، پس محروم مفرما. به ریسمان تو چنگ انداخته‌ام، پس تسلیم دیگری‌ام مکن. تو را می‌خواهم، پس سالمیدم باز مگردان. (۹) ای پروردگار من، تو را می‌خواهم در حالی که مسکینم، نالانم، ترسانم، هراسانم، بیمناکم، گدایم و بیچاره‌ام. (۱۰) ای مأمور من، به تو شکایت می‌آورم از ناتوانیم در اقدام سریع به آنچه که به اولیاست و عده داده‌ای، و در پرهیز از آنچه که دشمنانت را از آنها بیم داده‌ای، و از فرولانی ضمه‌ها و از وسوسه دلم. (۱۱) محمودا، تاکنون مرا به خاطر نینهایم رسوا نکرده‌ای و به خاطر گناهانم هلاک نساخته‌ای. هرگاه تو را می‌خوانم مرا اجابت می‌کنی گرچه من در آن هنگام که تو مرا می‌خوانی کاهلم. و هرگاه من حاجتی داشته باشم از تو درخواست می‌کنم و در هر کجا باشم رازم را نزد تو فاش می‌گویم و جز تو را نمی‌خوانم و به هیچکس غیر تو امید ندارم. (۱۲) خدایا! اجابت، اجابت. آنکس که به تو شکایت آورده صدایش می‌شنوی و آن کس که بر تو توکل نماید به دبدارش می‌روی و هر کس را که به ریسمان تو چنگ زند نجات می‌دهی و آن کس را که به تو پناه‌دهد، شود، از گرفتاری می‌رهانی. (۱۳) ای مأمور من، پس به خاطر کمی شکرگزاریم، مرا از غیر آخرت و دنیا محروم مفرما و آنچه از گناهانم می‌دانی ببخش. (۱۴) اگر عذابم کنی، البته ستم که ظالم و متجاوز و ضایع کننده و گناهکار و مقصر و واگذارنده و غافل از نصیب خویشم و اما اگر مرا ببخشی، تویی که مهربانترین مهربانانی.

(٥٢)

﴿وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ،
وَكَيْفَ يَخْفَى عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ، وَكَيْفَ لَا تُخْصِي
مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ، أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ، أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ
أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرُزْقِكَ، أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ
لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ. (٢) سُبْحَانَكَ! أَحْسَنَ خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ
بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَغْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ
تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَغْبُدُ غَيْرَكَ. (٣) سُبْحَانَكَ! لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مَنْ أَشْرَكَ
بِكَ، وَكَذَّبَ رُسُلَكَ، وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مِنْ كَرَمِ قَضَائِكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ،
وَلَا يَمْنَعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ، وَلَا يَقُوْتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ،
وَلَا يُعْمَرُ فِي الدُّنْيَا مِنْ كَرَمِ لِقَائِكَ. (٤) سُبْحَانَكَ! مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ،
وَأَفْهَرَ سُلْطَانَكَ، وَأَشَدَّ قُوَّتَكَ، وَأَعَزَّ أَمْرَكَ! (٥) سُبْحَانَكَ!
قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ: مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَكُلُّ
ذَاتِ الْمَوْتِ، وَكُلُّ صَائِرِ الْإِنْسَانِ، فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَحَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (٦) أَمْسَتْ بِكَ، وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ، وَقَبِلْتُ
كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرِثْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ.

دعای پنجاه و دوم:

اصرار در آستان خداوند

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان از تو پنهان نمی ماند، و ای معبود من، چگونه پنهان بماند چیزی که تو خود خالق آن هستی؟ و چگونه فابل شمارش نباشد چیزی که خود آن را ساخته ای؟ با چگونه از تو غایب شود چیزی که خود آن را تدبیر می کنی؟ با چگونه می تواند از تو بگریزد کسی که زندگی او جز به روزی تو بسته نیست؟ با چگونه می تواند از دست تو خود را رها کند کسی که در غیر مملکت تو راهی برای او نیست؟!

(۲) خدا یا پاک و پیراسته ای! بانوس ترین بندگانت از تو، عالمترین آنان به نوست و خاشع ترین آنان در بارگاه تو مطیعترین آنهاست و پست ترین آنان کسی است که تو او را روزی می دهی ولی او غیر تو را می پرسند.

(۳) خداوند! پاک و منزه ای! کسی که شرک شود و پامیرانت را نکذیب کند از سلطنت تو چیزی نمی کاهد و کسی که حکم تو را ناگوار می پندارد نمی تواند فرمان تو را بگرداند و کسی که قدرت تو را دروغ می شمرد نمی تواند از جنگ تو بگریزد و آنکس که غیر تو را پرستش کند از حاضر تو نمی رود و آنکس که دبدار تو برایش ناگوار است، در دنیا برای همیشه عمر نمی کند.

(۴) خدا یا پاک و منزه ای! چه قدر مقام تو بزرگ و سلطنت تو غالب و قدرت تو شدید و فرمان تو نافذ است!

(۵) پاک و پیراسته ای! برای جمیع بندگانت مرگ را امری حتمی فرار داده ای چه آنها که تو را به بکنایی می پرسند و چه آنها که به تو کافرنند، و همگان مرگ را خواهند چشید و همه به سوی تو باز می گردند. پس تو مبارک و والایی، هیچ معبودی جز تو نیست، بکنایی و هیچ شریکی برای تو نیست.

(۶) من به تو ایمان آوردم و رسولات را تصدیق کردم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی غیر تو کافر شدم و از هر کس که غیر تو را عبادت کند، بهراری جستم.

(٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَصِيبُ وَأُصِيبُ مُسْتَقِلًّا لِعَمَلِي، مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِي، مُقِرًّا بِخَطَايَايَ، أَنَا بِإِسْوَانِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلَكَنِي، وَهَوَايَ أَرَادَنِي، وَشَهْوَاتِي حَرَمَنِي. (٨) فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ تَقْسُ لَاهِيَةً لَطُولِ أَمَلِهِ، وَبَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرْوَقِهِ، وَقَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَفَرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ. (٩) سُؤَالَ مَنْ قَدْ حَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَقَتَّهُ الْهَوَى، وَاسْتَمْعَنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا، وَأَظْلَمَ الْأَجَلُ، سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْبَرَ ذَنْبُهُ، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ، وَلَا وَلِيَّ لَهُ دُونُكَ، وَلَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ. (١٠) إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنْ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ، وَأَنْ تُثَبِّتَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ. (١١) فَإِلَيْكَ أَفْرُ، وَمِنْكَ أَخَافُ، وَبِكَ أَسْتَعِثُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَلَكَ أَدْعُو، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ آتِي، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أُوْمِنُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكَلِّ.

(۷) خداوند! من همواره که شب را صبح می‌کنم و صبح را به شب می‌رسانم عمل خودم را اندک می‌بینم و به گناهانم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می‌کنم. من به خاطر نعدی به خویشن ذلیم، رفنام مرا هلاک ساخته و هوای نفسم مرا هست و ذلیل گردانیده و شهوانم مرا از نوافیات و بهره‌ها محروم ساخته است.

(۸) پس ای مولای من، به گدایی آمده‌ام، و این گدایی از سوی کسی است که به خاطر آرزوهای درازروحش بهبوده شده و به خاطر خشکی و بی‌تحریکی رگها جسمش غافل شده و دلش شبنه و شیدای فراوانی نعمتها گشته و فکرش نسبت به آینده‌ای که به سوی آن پیش می‌رود اندک است.

(۹) گدایی کسی است که به راستی آرزو بر او غالب آمده و هوای نفس او را فریب داده و دنیا بر او مسلط گشته و مرگ بر او سایه افکنده است. گدایی کسی است که گناهانش را بسیار می‌داند و به خطای خود معترف است. گدایی کسی است که جز نو پروردگاری برایش نیست و غیر او سرپرستی ندارد و هیچ کس او را از چنگ نو نجات نمی‌دهد و هیچ پناهی برای فرار از نو جز آستان خودت ندارد.

(۱۰) خدا! از نو درخواست می‌کنم به احترام حقّی که بر همه مخلوقات داری و به اسم اعظم که پیامبرت را فرمان دادی تا به آن اسم نو را تسبیح گوید و به عظمت ذات پررنگ که هرگز فرسوده و متغیر نمی‌گردد و دگرگونی و نیستی نمی‌پذیرد، که بر محمد و آل محمد درود فرمونی و در برنو بندگان خودت مرا از هر چیزی بی‌نیازگردانی و با نرس از خودت علاقه به دنیا را از دل من بکنی و با رحمت خود مرا با انبوه کرامت‌هاست جفت و همراه گردانی.

(۱۱) پس من به سوی تو می‌گریزم و از تو می‌ترسم و از تو پاری می‌جویم و تنها به تو امید دارم و تو را می‌خوانم و به تو پناهنده می‌شوم و تنها به تو اطمینان دارم و از تو کمک می‌طلبم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می‌کنم و بر بخشش و کرم تو اعتماد و تکیه دارم

(٥٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي التَّذَلُّلِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

(١) رَبِّ أَفْخَمَنِي ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَسْأَلَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي، فَإِنَّا
الْأَسِيرُ بِبَيْتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمَرْدُودُ فِي خَطِيئَتِي، الْمُسْتَخِيرُ عَنْ
قَضَائِي، الْمُنْتَطَعُ بِي. (٢) قَدْ أَوْقَلْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْآذِلَاءِ الْمَذْنُوبِينَ،
مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخِيرِينَ بِوَعْدِكَ (٣) سُبْحَانَكَ!
أَيُّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغَرُّبٍ عَزَّزْتُ بِنَفْسِي؟! (٤) مَوْلَايَ
ارْحَمْ كَبُوتِي لِخُرٍّ وَجْهِي وَكَوْلَةٍ قَدَمِي، وَعُدِّ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي
وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي، فَإِنَّا الْمُقَرَّبُ بِذُنُوبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي،
وَهَذِهِ يَدِي وَنَاصِيَتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقُرْآنِ مِنْ نَفْسِي، ارْحَمْ شَيْئَتِي،
وَتَفَادَ أَيْتَامِي، وَاقْتِرَابَ أَجَلِي وَصَغْفَى وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي.
(٥) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثَرِي، وَأَمَحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ
ذِكْرِي، وَكُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ (٦) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي عِنْدَ
تَغْيِيرِ صُورَتِي وَحَالَتِي إِذَا بَلَغَ جِسْمِي، وَتَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي، وَتَقَطَّعَتْ
أَوْصَالِي، يَا عِفْلَتِي عَمَّا يُزَادُ بِي. (٧) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي خَشْرِي
وَنَشْرِي، وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَفِي أَحِبَّائِكَ
مُضَدَّرِي، وَفِي جَوَارِكَ مَسْكَنَتِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دعای پنجاه و سوم: در هنگام خضوع و خشوع در برابر خداوند

(۱) پروردگارا، گناهانم مرا ساکت ساخته و مسح را پریده است، پس من هیچ دلیلی ندارم و از این رو من اسیر گرفتاریهایم هستم و درگرو اعمال خویشم و در گناهانم متحیرم و در تنبم سرگردانم و در راه وامانده‌ام.

(۲) خود را در حسابگاه فرومایگان گناهکار فرار داده‌ام، حسابگاه شقاوت پیشگانی که بر تو حسارت ورزیدند و وعده‌های تو را سبک پنداشته‌اند.

(۳) خدا یا پاک و پیراسته‌ای! چه جرأنی بود که به حریم تو حسارت کردم و چه فریبی برد که با آن خود را گول زدم؟

(۴) ای سرور من، بر ما صورت نه زمین خوردیم و بر لعلش گامهایم رحم کن و بر جهلم با بردباریت و بر سوء کردارم با احسانت رفتار نما. چرا که من به گناهانم اقرار دارم و به خطای خویش معترفم و اینک این دست من و این موی پشای من است که در کف نوسنگه‌ایم که مرا فضاصل کنی. رحم کن در سالخوردم و بر افول روزهای عمرم و بر نزدیکی شدن مرگم و بر ناتوانی و نیازمندی و بیچارگم.

(۵) ای آقای من، بر من رحم کن آن هنگام که التی از من در دنیا باقی نماند و باد من از میان مخلوقین تو پرود و من از فراموش شدگان باشم، گویی به کلی فراموش شده‌ام.

(۶) وای مولای من، بر من رحم کن آن هنگام که صورتم دگرگون شود و حالم عوض شود، و فنی که بدنم متلاشی شود و اعضاها از هم جدا گردند و مفاصلم پاره شوند! ای وای بر غفلت و بی‌خبری من از آنچه فرار است برایم پیش آید!

(۷) ای سرور من، به هنگام برانگیخته شدن و زنده شدنم در قیامت بر من رحم کن، و جایگاه مرا در آن روز در کنار اولیاء خودت و محل مرا در میان دوستان و مسکن مرا در جوار خودت قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

(٥٤)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي اسْتِكْشَابِ الْهُمُومِ:

(١) يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَكَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْرِجْ هَمِّي، وَاكْشِفْ
غَمِّي. (٢) يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، اغْصِنِي وَطَهِّرْنِي، وَادْهَبْ بِيَلَّتِي. وَاقْرَأْ آيَةَ
الْكَرْسِيِّ وَالْمُعَوِّذَ ثَلَاثِينَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ: (٣) اَللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ،
سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفَاقَتِهِ مُغْنِيًا، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا، وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا
غَيْرَكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ،
وَيَقْبَلُ ثَلَاثِينَ بِهِ مَنْ اسْتَيْسَرَ بِهِ حَقُّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ أَمْرِكَ. (٤) اَللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبِضْ عَلَيَّ الصَّدَقِ نَفْسِي، وَاقْطَعْ
مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَاجْعَلْ لِي مَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ، وَهَبْ
لِي صَدَقِ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ. (٥) أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا،
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا، أَسْأَلُكَ حُوفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَعِبَادَةَ
الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

دعای پنجاه و چهارم: در رفع غم و اندوه

(۱) ای برطرف کننده اندوه و ای دورکننده غمها، ای مهربان و عطوف در دنیا و آخرت، بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و غم و اندوه مرا برطرف فرما.

(۲) ای یگانه، ای بگنا، ای می نیاز، ای کسی که نه می زاید و نه زائده می شود و برای او همتایی نیست، مرا حفظ کن و از گناهان مرا ساز و گرفتاریم برطرف فرما. [آیه الکرسی و سوره قل و سوره ناس و سوره نوح را بخوان و بگو]

(۳) خدایا من از تو مسألت دارم، مسألت کسی که نیازش سخت و نوانش ضعیف و گناهانش افزون شده است. مسألت کسی که برای رفع نیازمندیش باوری نمی یابد و برای جبران نادرانش، تقویت کننده ای پیدا نمی کند و برای گناهانش آمرزنده ای سراغ ندارد جز تو ای صاحب حرمت و اکرام، از تو عملی را می خواهم که عامل به آن را دوست نمی داری و یقینی را درخواست می کنم که هرکس به آن درجه از یقین نسبت به نعوذ ازاده و فرمان تو برسد، نفع فراوان خواهد برد.

(۴) خداوند ابر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و مرا در حال صدق و راستی بمیران و حاجتم به دنیا را قطع کن و میل مرا در چیزهایی که نزد توست فرار بده که به دیدارت اشتیاقی پیدا کنم و صداقت در توکل بر خودت را به من عطا فرما.

(۵) از تو درخواست می کنم خبر آنچه را در نامه اعمالم ثبت شده و از شر آنچه مکتوب شده به تو پناه می آورم. از تو طلب می کنم نرمش آنهایی را که بندگی تو می کنند و بندگی آنهایی را که در برابر تو خاشعند و یقین آنهایی را که بر تو توکل دارند و توکل آنانی را که به تو ایمان دارند.

(۶) اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِيْ فِيْ مَسْأَلَتِيْ مِثْلَ رَغْبَةِ اَوْلِيَائِكَ فِيْ مَسْأَلَتِهِمْ، وَ رَهْبَتِيْ مِثْلَ رَهْبَةِ اَوْلِيَائِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِيْ فِيْ مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا اُثْرُكَ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِيْنِكَ مَخَافَةً اَخَذَ مِنْ خَلْقِكَ. (۷) اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ حَاجَتِيْ فَاَعْظِمْ فِيْهَا رَغْبَتِيْ، وَ اَظْهِرْ فِيْهَا عُذْرِيْ، وَ لَقِّنِيْ فِيْهَا حُجَّتِيْ، وَ غَافِ فِيْهَا جَسَدِيْ. (۸) اَللّٰهُمَّ مَنْ اَصْبَحَ لَهُ رِيقَةٌ اَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ اَصْبَحْتُ وَ اَنْتَ تَقْنِيْ وَ رَجَاؤِيْ فِيْ الْاُمُوْر كُلِّهَا، فَاقْضِ لِيْ بِخَيْرِهَا غَاقِبَةً، وَ نَجِّنِيْ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. (۹) وَ صَلَّى اللهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَّسُوْلِ اللهِ الْمُصْطَفٰى وَ عَلٰى اٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ.

انتهی ۷۵/۸/۱۵



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

(۶) خداها میل من به خواستام را همچون میل اولیائت به خواسته‌ها بشان و نرس مرا همچون نرس آنان فرار بده و مرا در راه رضایت خود به کارهایی موفق فرما که هیچ چیز از دین نور را به خاطر نرس از مخلوق ترک نکنم.

(۷) خداوند! این است حاجت من، پس میل مرا نسبت به آن افزون کن و در آنها زیانِ پوزش به من عطا فرما و استدلال در آنها را به من تلقین کن و تنم را در این حاجات سالم بدار.

(۸) خداها اگر دیگری شب را صبح می‌کند در حالی که اطمینان و امیدی به غیر تو دارد، من چنین نبسّم بلکه صبح می‌کنم در حالی که تو در همهٔ امور مورد اطمینان و محل امید منی، پس عافیت همهٔ کارها را برابم خبر فرار بده و مرا از گمراهیهای بلاها و آزمایشات نجات ده، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

(۹) و درود خدا بر آقای ما محمد ﷺ رسول برگزیدهٔ خدا و بر آل پاک او باد
والحمد لله رب العالمین.



مرکز تحقیق و پژوهش در متون اسلامی



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

فهرست موضوعات کلی صحیفه سجدیه^۱

باب اول: توحید	باب یازدهم: اقتصاد
باب دوم: نبوت	باب دوازدهم: انسان شناسی
باب سوم: امامت	باب سیزدهم: عالم هستی و وجود
باب چهارم: معاد	باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت
باب پنجم: اسلام و احکام آن	باب پانزدهم: علم و دانش
باب ششم: ملائکه و فرشتگان	باب شانزدهم: ایام و اوقات
باب هفتم: اخلاق	باب هفدهم: مسائل تاریخی
باب هشتم: طاعت و بندگی	باب هجدهم: صحت و ندرستی
باب نهم: ذکر و دعا	باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی
باب دهم: سیاست	

۱. در تهیه فهرست، از کتاب «الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه» تألیف آقای محمدحسین مظفر، از انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم استفاده کرده ایم.

فهرست تفصیلی موضوعات



تفکرة: برای پیدا کردن هر مطلب، می توانید شماره دعا و شماره عبارت را در کتاب پیدا کنید و به موضوع مورد نظر خود دست بایید، صحتاً شماره قبل از (/) برای دعا و بعد از آن برای عبارت است. بعنوان مثال.

۱- وحدانیت و ربوبیت خدا

۱۰/۱، یعنی دهای اول، عبارت دهم.

باب اول: توحید

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| ۱- وحدانیت و ربوبیت خدا | ۱۱۲/۲۲ ۱۱۲/۲۳ ۱۱۳/۲۷ ۱۱۳/۲۸ ۱۱۳/۲۹ |
| ۱۰/۱ ۱۱/۶ ۱۱۱/۱۷ ۱۲۲/۲۰ ۱۳/۲۱ | ۲۰، ۱۷۲ ۱۳/۲۹ ۲/۵۲ ۳، ۵، ۶، ۹ |
| ۱۱۰/۲۸ ۱۵/۳۵ ۱۷/۲۳ ۲/۲۷ ۳، ۱۲۲ | |
| ۱۱۲/۲۸ ۱۳/۲۹ ۵/۵۲ ۶، ۱۹ ۲/۵۲ | ۳- ذات و صفات خدا |
| | ۱۲/۱ ۱۸/۳ ۱۲/۵۲ ۱۱۹/۱۶ ۱۱/۳۱ |
| ۲- شرک و الحاد | ۱۷/۳۲ ۱۱۲/۲۶ ۲/۲۷ ۷، ۱۶ ۱۸، ۱۹ |
| ۱۱۰/۱ ۱۹/۲ ۷/۲۷ ۱۱۰- ۱۱۲/۲۸ ۱۳/۳۶ | ۱۰/۵۲ ۱۲۷ |

۴- تسبیح و تقدیس خداوند

۱۷۱/۲۵، ۲۷، ۱۵۰/۲۶، ۱۱/۲۷، ۲۳،
 ۶۶، ۱۲۹، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۱، ۱۲۲،
 ۲/۲۸، ۳، ۲۲، ۱۲۸، ۱۱/۲۹، ۱۱۷،
 ۱۰/۵۲، ۱۷/۵۲، ۱۱۰/۵۲

۱۰/۵۲، ۱۷/۵۲

۵- اسماء حسناى الهی

۱۷/۱، ۱۱۲/۳۹، ۱۱۰/۲۵، ۱۵/۵۰، ۱۷/۵۱،
 ۱۰/۵۲

۱۱- بی نیازی خدا

۱۳/۱۰، ۱۱/۱۳، ۱۲، ۱۱/۱۶، ۱۱۱/۲۵،
 ۱۱، ۱۱/۲۷، ۱۱۵/۳۷، ۶/۳۹، ۷، ۱۱۳،
 ۱/۲۵، ۲/۲۷، ۱۲۱، ۲/۲۸، ۶

۶- محبت خدا

۱۷/۱، ۱۱۳/۲، ۱۱۶/۶، ۱۱۷/۱۷، ۱۱۳/۲۱،
 ۱۱، ۱۱۳/۲۷، ۸۶، ۱۰۲

۱۲- توکل بر خداوند

۱۳۰/۱، ۱۱۵/۱۶، ۱۱۰/۲۵، ۱۵۶/۲۵،
 ۱۱۲/۵۱، ۱۱۱/۵۲، ۴/۵۲، ۵

۷- وصف لؤل و آخر

۱۱/۱، ۱۸/۳۷، ۷، ۹، ۲۸، ۵۳

۱۳- عظمت و کبریائی خدا

۱۷/۳، ۱۸، ۱۱/۵، ۵/۵، ۱۲، ۱۱۰/۷، ۱۵/۱۰،
 ۱۱۹/۳۶، ۱۱۳/۲۰، ۹/۲۱، ۲/۲۲، ۱۱۲،
 ۱۵/۲۴، ۱۱۰/۲۸، ۱۲/۳۱، ۱۷/۳۲، ۱۱۳/۳۹،
 ۱۲/۲۳، ۱۱۳/۲۲، ۱۱۲/۲۵، ۱۲/۲۶، ۱۳،
 ۱۲، ۱۲/۲۷، ۷، ۱۰، ۱۱، ۶، ۱۲،
 ۱۲، ۲۱، ۲۹، ۱۲۶، ۱۱۲۶، ۱۲/۲۸، ۱۸،
 ۱۷/۵۱، ۴/۵۲، ۵

۸- صفت قادر

۱۱/۲، ۱۱۸/۱، ۱۲/۶، ۱۲/۷، ۵، ۱۲/۱۲،
 ۱۳۳/۱۶، ۱۳۲/۲۰، ۱۲/۲۵، ۵/۲۱، ۶۳،
 ۱۱/۲۲، ۱۸/۲۳، ۱۱۰/۲۵، ۸/۲۸،
 ۱۳۰/۳۲، ۷، ۱۳۰/۳۲، ۱۲/۳۳،
 ۱۷/۳۹، ۱۲/۳۳، ۱۱۹/۳۶، ۱۲/۳۷،
 ۱۱۹، ۱۲/۳۸، ۱۳، ۱۵، ۱۲/۳۹، ۱۱۶،
 ۱۷/۵۱، ۴/۵۲، ۴

۱۴- قوت و قدرت الهی

۱۱۱/۵، ۱۱/۶، ۱۱۹/۹، ۱۵/۱۲، ۱۱۳/۱۲،
 ۱۱۱/۲۰، ۱۱/۲۷، ۱۱۰/۲۸، ۱۱۹/۳۱،
 ۱۲۲/۲۶، ۱۱۲/۲۷، ۱۱۲/۲۸، ۱۲۵، ۱۷/۵۱،
 ۲/۵۲

۹- علم الهی

۱۲۷/۱، ۱۶/۵، ۱۵/۱۶، ۱۱۶/۱۷، ۱۹/۲۷،
 ۱۱۱/۳۲، ۱۱۱/۳۳، ۱۱/۳۴، ۱۲،
 ۱۲۲/۲۶، ۱۲/۲۷، ۷، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۱۵۶،
 ۱۳/۵۰، ۱۰/۵۲

۱۵- عزیز بودن خداوند

۱۳/۱۲، ۱۸/۲۳، ۱۱۰/۲۵، ۱۱/۲۷، ۱۲۵/۳۱،
 ۳/۳۲

۱۰- صفت رحیم

۱۲۶/۳، ۱۳/۵، ۲۱/۶، ۱۲۲، ۱۸/۷، ۱۵/۱۰،
 ۱۹/۱۶، ۱۰، ۱۸، ۱۳۳،
 ۲۸/۲۰، ۱۳۰، ۱۳/۲۱، ۱۱۱/۲۲، ۱۱۵/۲۴،
 ۱۱/۲۵، ۱۱/۳۱، ۱۲/۳۲، ۹/۳۲، ۳۲، ۱۱/۳۶،
 ۳/۳۹، ۱۹، ۱۲/۴۰، ۱۲/۴۱، ۱۱/۴۲، ۱۵

۱۶- عدل الهی

۷، ۱/۱۰، ۱۲، ۱۲۰/۱۳، ۱۳۱/۱۶

باب سوم: امانت

۱- خلفا و جانشینان پیامبر (ص)	۹/۲۸ ۱۷۲ ۶۳ ۶۱/۶۱ ۱۶۰ ۵۶/۲۷
۴- ولایت اولیاء	۱۲/۲۲ ۱۶/۲۲ ۱۲۲/۶ ۱۲۵/۲ ۱۱۱
۵- رجعت	۱۷۳ ۱۷۲ ۵۶/۲۷ ۱۸ ۶ ۵/۲۲ ۱۵/۳۲
	۱۶/۲۹ ۱۱۰ ۹۰ ۶ ۲/۲۸ ۱۸۶

۲- حضرت جعفر بن الحسن العسكري (ع)

۱۱/۲۸ ۱۶۳-۶۰/۲۷

باب چهارم: معاد

۱- دنیا و آخرت	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
۵- قبر و عالم برزخ	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
۶- قیامت	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲

۲- وعد و وعید

۷- بهشت و دوزخ	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲

۳- مرگ و رستاخیز

	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲
	۱۲/۹ ۱۶/۶ ۱۱۶ ۱۵/۲

۴- حسن عاقبت

۱۱/۲۸ ۱۶۳-۶۰/۲۷

باب پنجم: اسلام و احکام آن

۷- حج و عمره

۱۳۳/۲۷ ۱۴/۲۲ ۱۱۸/۲

۸- نماز جمعه

۹/۲۸

۹- ایمان و مرتبة یقین

۱۲/۲۹ ۱۸/۲۲ ۱۲ ۱۱/۲۰ ۱۹ ۱۱/۲

۱۸۸/۲۷ ۱۲۰/۲۵ ۱۴/۲۳ ۱۲/۲۳ ۱۲۷/۲۲

۵ ۵۲/۵۲ ۱۱۱ ۶/۵۲ ۱۱۴/۲۸ ۱۱۲۹

۲- حق و باطل

۹- زیارت قبر پیغمبر (ص) و قبور اهل بیت (ع)

۲/۲۳

۱۲۷ ۱۲۳/۱۶ ۱۴/۹ ۱۲/۸ ۱۱۸/۶ ۱۱۳/۵

۴/۲۲ ۱۵/۳۹ ۱۹/۲۷ ۱۱۳/۲۰ ۱۷/۱۷

۱۲۹ ۱۲۲/۲۷ ۱۱۰

۱۰- دین اسلام و سایر مذاهب

۱۵ ۴/۲۳ ۱۲۱ ۱۷/۲۰ ۱۲/۹ ۱۹/۸

۲۱ ۱۹/۲۵ ۱۱۳ ۳/۲۲ ۱۲۰ ۱۷/۲۲

۲/۵۲ ۱۷/۵۱ ۱۶۷ ۶۲ ۲۸/۲۷ ۱۵۵

۳- شریعت و احکام دینی

۱۱/۱ ۱۰/۱ ۱۲۳ ۱۸/۶ ۱۹/۷ ۱۲۰ ۱۱۳/۲۲

۱۱۳/۲۲ ۱۱۲ ۱۲/۲۲ ۱۱۸ ۱۶/۳۲ ۱۲/۲۶

۹/۲۸ ۱۸۹ ۶۲ ۲۸/۲۷

۱۱- قرآن و کتب اسمانی

۱۱۳-۱۱۲ ۱۱۵ ۱۴/۲۲ ۱۲۰/۲۵ ۶۲/۲۷

۶/۵۲ ۱۹/۲۸ ۱۱۳۲ ۱۱۲

۴- هدایت و گمراهی

۱۲/۲ ۱۹/۵ ۱۱-۱۲ ۱۱۵ ۱۲/۸ ۴/۹

۱۶ ۱۱۶/۱۳ ۱۱۳/۱۴ ۵/۱۷ ۵/۲۰ ۱۷

۱۱ ۱۲ ۱۶-۱۲ ۱۳/۲۲ ۱۳/۲۳

۱۱۱/۲۲ ۱۱۱/۲۵ ۷/۳۱ ۱۱۱ ۳۰/۳۱ ۱۱۲/۳۲

۱۱۶/۳۲ ۱۹/۷ ۴/۲۲ ۱۵/۲۰ ۱۱۶ ۹/۳۷

۱۲۲/۲۵ ۱۲۲/۲۷ ۲۵/۲۷ ۶۲ ۹۱ ۹۹

۱۰۳-۱۰۵ ۱۱۳ ۱۱۲۴ ۱۲/۲۸ ۱۲۷ ۲۰

۸/۵۲ ۱۱/۵۲ ۱۱۷ ۱/۲۹

۱۲- ماه مبارک رمضان

۱۵-۳/۲۲ ۸-۱۰ ۱۲-۱۴ ۱۱۸-۲۰/۲۵

۱۳- شبهای قدر

۲۰ ۲۰/۲۵ ۱۵/۲۴

۱۴- عید فطر

۸۶ ۷۱ ۶۶/۲۵

۵- نماز

۱۱۷ ۹ ۸ ۳/۲۲ ۱۱۳/۲۲ ۱۳۰/۱۶

۲۲ ۲۱ ۲۰/۲۵

۱۵- روز عرفة

۸۶ ۷۱ ۶۶/۲۷

۶- روزه

۱۶- عید قربان

۲۷-۱۷ ۹ ۶-۲ ۱/۲۸

۱۱۷/۲۲ ۴/۲۲ ۲ ۶ ۷ ۱۱۷ ۲۰/۲۵

۵۱ ۲۲ ۳۷ ۱۲/۱

- ۱۷- بدعتِ فردین ۱۱۸/۶، ۱۱۰/۲، ۲۶/۲۷، ۱۲۵/۲، ۱۲/۲۲، ۱۱۵، ۲۵/۳۱، ۱۳۰، ۶/۲۸، ۱۱۹، ۱۸/۲۲، ۱۹- شفاعت
- ۱۸- مسالۃ بداء ۲/۱۸

باب ششم: فرشتگان

- ۱- فرشتگانِ کریم و نویسندہ اعمال ۱۱۳/۱، ۱۱۸/۳، ۱۱۵/۶، ۱۳/۱۱، ۱۵/۱۵، ۱۱۶/۱، ۱/۳، ۷-۹، ۱۱۱، ۱۱/۲۲، ۳- عبادتِ فرشتگان و تقدیس و تزیینِ انہا
- ۲- اصنافِ فرشتگان ۱/۳، ۶-۱۰، ۱۲۶-۱۶/۶

باب ہفتم: اخلاق

- ۱- صلاح و اصلاحِ خود و دیگران ۱۱۳/۲، ۱۳۳/۱۶، ۱۱۶/۱۷، ۲/۲۰، ۱۱۸/۲۷، ۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۵/۲۸، ۱۱۵/۲۹، ۱۲/۲۹، ۱۸، ۳۰، ۱۲/۲۱، ۱۱۳، ۱/۲۵، ۱۲، ۱/۲۶، ۱۲، ۱۳/۲۲، ۱۵/۲۰، ۱۲/۲۱، ۹/۲۲، ۱۱، ۱۱۲، ۱۵/۲۳، ۱۸/۲۳، ۱۵۶/۲۵، ۱۲/۲۳، ۱۱۳/۲۷، ۱۱۲۷، ۱۲/۲۸، ۲/۵۱، ۵- دوستی و محبت
- ۲- نیت و قلبِ آدمی ۱۱۲/۵، ۱۶/۸، ۱۶/۹، ۱۲/۱۲، ۱۱۶-۱۶/۱۷، ۱۸، ۱۸/۱۷، ۱۸/۲۰، ۲، ۱۵، ۱۸/۲۳، ۱۳/۲۳، ۱۱۲/۲۷، ۱۰/۲۲، ۱۱، ۱۱۶، ۱۸/۲۵، ۱۱۳، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۱۳۰، ۱۱۰/۵۱، ۷- سرزنش
- ۳- پرورش و تربیت ۷/۲۲، ۱۰، ۱۱۲، ۲/۲۵، ۵، ۴- عزت و شرافت ۱۸/۵، ۱۲/۲۸، ۱۲، ۱/۳۰، ۱۲
- ۶- ترس و اضطراب ۱۱۲۲/۲۷، ۱۲۰/۳۲، ۱۵/۲۵، ۱۲۵، ۷/۲۰، ۶/۵۲
- ۷- تواضع و فروتنی ۱۵/۲۵، ۱۳/۲۶، ۱۱۰، ۲، ۳/۲۰

۳۰- تعصب جاهلی

۱/۸

۲۷- عدالت

۱۰/۲۰

۳۱- فخر فروشی

۳/۲۰ ۱۳/۸

۲۸- زهد

۸/۲۲ ۱۹/۲۱ ۱۲۷/۲۰ ۱۱۶ ۱۵/۲

۳۲- عجب

۳/۲۰ ۱۲/۲۰ ۱۵/۸

۲۹- پرهیز از آزار رساندن به دیگران

۱/۳۹

باب هشتم: طاعت و بندگی

۱- بخشش الهی

۱- تقوا

۱۱۱/۱ ۱۲۹/۱ ۱۲/۳ ۱۹/۲ ۱۲۴/۶ ۱/۱۰ ۱۵/۱۷ ۱۳/۹ ۱۲۰/۶ ۱۱۹ ۲/۲ ۱۲۹/۱

۱۱۶ ۱۰/۲۰ ۱۰/۲۱ ۱۲۷ ۱۱۱ ۱۵/۲۲ ۱۲ ۱۱-۹/۱۲ ۱۳ ۱۵ ۱۱۶

۱۸ ۱۵ ۷ ۱۶/۱۶ ۱۶ ۲-۲/۱۵ ۱۵/۳۱ ۱۱۱ ۳/۲۵ ۱۲/۲۲ ۱۲۳/۲۲

۱۰/۳۱ ۱۱۵/۲۲ ۱۱۵/۲۰ ۱۳۲-۲۶ ۱۷ ۱۶/۲۲ ۱۹/۲۲ ۱۱/۳۹ ۱۲۰/۲۲

۱۰-۹/۲۲ ۱۲۵-۲۲ ۱۲۱ ۱۵ ۱۳-۱۲ ۱۲ ۱۲/۲۹ ۱۱۲۷ ۱۱۶/۲۷ ۱۵۰/۲۵

۱۲-۱/۲۲ ۱۲۲/۲۲ ۱۲۲ ۱۲۱ ۱۸ ۱۵

۱۱-۹ ۱۲/۳۶ ۱۲/۳۶ ۱۱۳ ۱۸ ۷/۲۷ ۱۲/۳۶

۱۲-۱۲ ۱۱۳ ۱۲/۲۰ ۱۲/۲۱ ۱۲/۲۲ ۳/۲۲ ۱۱ ۱۲

۱۵ ۱۲/۲۵ ۱۸ ۱۰ ۱۸ ۲۰ ۳۱ ۳۶

۲۷ ۱۲۸ ۱۱/۱۶ ۱۶ ۱۸ ۱۶

۱۱۶/۲۷ ۷۰-۷۵ ۱۸۶ ۱۰۵ ۱۱۶ ۱۱۹

۱۱۲۵ ۱۲/۲۸ ۳ ۵ ۷ ۸ ۱۳ ۱۶

۱۲/۲۹ ۱۲ ۷ ۱۱ ۱۲ ۱۲/۵۱ ۷ ۱۱ ۱۲

۵- توبه

۲- رضای خدا

۱۱/۱ ۱۲۹ ۱۷/۲ ۱۲/۲ ۱۲۰/۶ ۱۲/۱۲

۱۱۰ ۱۱/۲۰ ۱۶ ۱۲۱ ۱۲۸ ۱۲/۲۱ ۹

۱۱ ۱۱۲ ۱۲/۲۲ ۱۳ ۱۱۲/۲۲ ۱۱۷/۳۱

۱۲/۳۲ ۱۲۹ ۱۲/۲۷ ۵ ۱۱۶ ۱۲/۳۱

۱۱۶/۲۲ ۱۱۶/۲۲ ۱۲/۲۲ ۱۲/۲۵ ۱۶-۵۰

۱۵۲ ۳۵/۳۷ ۵۲ ۵۳ ۵۹ ۶۰ ۷۱ ۸۸

۱۰۵ ۱۰۵ ۱۱۷/۳۹ ۱۱۲۴ ۱۶/۵۳ ۱۶/۵۳

۳- ترس از خدا

۱۵/۲ ۱۱۶ ۱۱۶/۱۲ ۱۱۶/۱۶ ۱۱۹ ۱۲/۲۱

۱۱۰ ۱۲/۲۲ ۱۱۶/۲۵ ۱۲/۲۱ ۱۲۵

۱۱۱ ۱۹/۲۲ ۲۰ ۱۲ ۱۱۲ ۱۲۷ ۱۲

۱۳/۵۰ ۱۲/۵۲ ۱۰ ۱۱۱ ۵/۵۲ ۶

۶- پاداش کارها

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۵/۵۲ ۱۱/۵۰ ۱۱/۳۱ ۱۰/۷-۱۰/۲۷

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۹- استغفار و طلب آمرزش

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۷- طاعت و گناه

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۱۱- عصمت

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۱۲- عبادت و بندگی

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۸- شیطان

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۱۳- ستر و پوشش الهی

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۱۴- صبر خدا و مهلت دادن به گنہکاران

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۹- حسنات و سینات

۱۱/۲۶ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴
۱۱/۲۵ ۱۱/۲۳ ۱۱/۲۵ ۱۱/۲۹ ۱۱/۲۴

۱۱۴ ۱۶/۸ ۱۳ ۱/۲۱ ۵ ۱۹ ۱۲۲/۲۱
 ۱۱۳/۳۲ ۱۶/۳۶ ۱ ۳ ۱۵ ۱۲/۳۷ ۱۵
 ۱۶/۲۹ ۵/۱۰ ۱۱ ۱۱۲/۲۲ ۱۱۶/۲۵
 ۱۶/۳۶ ۱۵ ۱۸ ۱۲۱ ۵/۲۷ ۱۶ ۲۲
 ۱۰ ۸۱ ۱۰۰ ۱۱۶ ۱۱۹ ۱۳/۲۸
 ۱۵-۱۱۸ ۱۲/۲۹ ۱۵/۵۰ ۳/۵۱ ۶ ۱۷
 ۹/۵۲

۱۷- اتمام حجت و نفی عثر بینگان
 ۱۲۳/۱ ۱۲/۲ ۱۲/۲۵ ۹ ۱۱ ۱۲۶ ۱۶/۲۶
 ۱۱۳-۱۲۳ ۱۲۶/۲۷ ۱۱۲۲ ۱۱/۵۳ ۷/۵۲

۱۱۶/۲۸ ۱۱۲۲ ۱۱۹ ۹۸ ۹۰ ۷۵ ۲۲
 ۱۱۲/۲۹ ۱۱/۵۱

۱۵- عذاب الہی

۱۶/۱ ۱۲۱ ۱۹/۵ ۱/۱۰ ۱۲ ۱۵/۱۲ ۱۶
 ۱۵/۱۲ ۱۱۶ ۱۶/۱۶ ۱۲ ۱۳۱ ۱۶/۲۵
 ۱۰/۳۱ ۱۲۲ ۱۱۵/۲۲ ۱۲/۳۷ ۱۲ ۱۱۵
 ۱۱۱/۳۹ ۱۵/۲۰ ۱۲/۲۵ ۱۵۳ ۱۸/۲۶ ۱۲۰
 ۱۱۶ ۱۲۳ ۱۱۲۲ ۱۳/۲۸ ۱۵
 ۱۱۹ ۲/۲۹ ۱۱۷ ۲/۵۰ ۱۶ ۱۷/۵۱ ۱۲
 ۱۱/۵۲ ۷/۵۲

۱۶- خشم و انتقام الہی

۱۱/۱ ۱۲۹ ۱۲/۵ ۱۳/۹ ۱۲/۱۲ ۱۹ ۹/۱۲

باب نہم: ذکر و دعا



۱- بیچارگان

۱۵/۹ ۱۰-۲/۱۰ ۱۱۲/۱۲ ۱۲/۱۶ ۲۲-۱۲ ۱۲۲/۲۷ ۱۲۰ ۱۱۷/۲۸ ۱۸
 ۱۲/۲۰ ۱۲۰ ۱۲-۲/۲۱ ۱۲-۲/۲۱ ۱۱۲/۲۲ ۱۸/۲۵ ۱۲ ۱۱۶ ۱۰ ۳/۲۹ ۱۲
 ۱۲/۳۱ ۱۲۵ ۱۲/۲۲ ۱۲۲ ۲/۲۶ ۱۲
 ۱۲۵ ۱۲۶/۲۷ ۱۱۱۶/۵۱ ۱۲/۵۱ ۱۱/۵۲ ۳/۵۲

۲- دعا و راز و نیاز

۱۲۶/۲ ۱۸/۷ ۱۲/۱۰ ۱۲ ۱۵/۱۱ ۱۲-۱/۱۲
 ۱۲/۱۲ ۱۰ ۱۲ ۱۳ ۱۱۲ ۱۰/۱۳ ۱۸ ۱۲۱
 ۱۲۲ ۱۲۵ ۱۱/۱۲ ۱۱۲ ۱۳/۱۶ ۱۵ ۱۱۷
 ۱۱۶/۱۷ ۱۲۲/۲۰ ۵/۲۱ ۱۲/۲۱ ۱۸ ۱۹/۲۲
 ۱۱۲/۲۳ ۱۸/۲۵ ۱۹ ۱۷/۲۷ ۱۹/۲۸ ۱۲/۳۱
 ۱۱ ۲۲ ۱۲۹ ۱۲۰/۳۲ ۱۲/۳۳ ۱۱/۳۱
 ۱۱۷/۲۲ ۱۲/۲۵ ۱۲-۱۶ ۲۵ ۱۵۳ ۱۵۶
 ۱۱۰ ۵/۲۶ ۱۲۵ ۷۲-۷۲/۲۷ ۱۰۱ ۱۱۰
 ۱۱۸ ۱۱۲/۲۸ ۱۱۰/۲۹ ۱۱۰ ۳/۵۱ ۱۰ ۹
 ۱۱ ۱۱۲ ۱۱/۵۲

۲- اشتیاق و تقرب بہ خدا

۱۲/۱ ۱۶ ۱۲۲ ۲۳/۲ ۱۲۲ ۳/۲ ۱۸
 ۱۲-۱۲ ۱۱۶ ۲/۵ ۱۹ ۱۶/۱۰ ۱۶/۱۳ ۱۸
 ۱۲۰ ۱۱۷/۱۶ ۱۰/۲۱ ۱۱ ۹/۲۲ ۱۱
 ۱۶/۳۰ ۱۸/۳۱ ۱۹/۳۲ ۱۱ ۱۲/۳۳
 ۱۲/۳۹ ۱۸/۲۲ ۱۱/۲۳ ۱۲ ۱۲/۲۵
 ۵۰ ۱۵۶ ۱۸/۲۶ ۹ ۱۲ ۱۱۹ ۳۷/۲۷
 ۵۹ ۳۲ ۷۲ ۱۸ ۱۰۹ ۱۵ ۱۲۵
 ۱۱۲۲ ۱/۲۸ ۱۲۸ ۱۱۶/۲۹ ۱۱۶/۲۲

۵- سختی و آسانی

۱۱۸/۲۱۱۷/۲ ۱۸/۵ ۱۸/۶ ۱۷-۲/۷ ۱۹/۱۲

۳- پناہ خواہان

۱۱۰/۵ ۱۲۱/۲۰ ۱-۱/۲۱ ۱۱۱ ۱۹/۲۲

۸- گشایش

۸/۲۱ ۱۲/۱۶ ۱۲/۱۵ ۱۰ ۸ ۸/۷
۱۱۲/۲۸ ۱۱۰/۱/۲۷ ۱۲۰ ۱۹ ۱۲/۲۶
۱۲/۵۱

۹- استخاره

۲، ۱/۳۲

۱۰- لطف خداوند

۱۵-۸/۵ ۱۲/۷ ۱۱۷/۶ ۱۹-۸/۵
۱۲/۲۳ ۱۱۱/۲۵ ۱۱/۳۱ ۱۵/۳۶ ۱۳/۲۷
۱۱۳۲ ۱۲۳ ۱۰۳ ۱۰۳ ۱۰۳ ۱۲۴ ۱۱۳۲
۱۱/۳۹

۱۱- یاد خداوند

۱۱/۱۱ ۱۲۹/۲۰ ۸/۲۱ ۱۰ ۱۵/۲۳
۱۱۲/۲۷ ۱۱۶ ۱۲/۲۵ ۱۱۲/۳۹

۱۸ ۸/۱۸ ۱۶/۱۵ ۱۲/۲۰ ۱۲/۲۱ ۱۲/۲۱ ۱۲/۲۱
۱۳۳/۳۳ ۱۳/۲۶ ۱۱/۲۵ ۱۱۳/۱۱ ۱۲/۲۲
۱۹۹-۹۸/۳۷ ۱۲/۳۱ ۱۶ ۱۲ ۱۲ ۱۲/۲۶
۱۲/۲۸ ۱۱۲۳ ۱۲۰ ۱۱۹ ۱۰۵ ۱۰۲
۲/۵۲ ۱۲ ۱۲/۵۱ ۱۱۲ ۵/۲۹ ۱۱۶

۱۲- نیازها و درخواستهای انسان

۱۵/۱۲ ۱۱۶-۱۳ ۱۲-۱۳ ۱۲ ۱۲-۱۳ ۱۲-۱۳
۱۱۰/۲۲ ۱۸-۷/۲۱ ۱۱۶/۱۷ ۱۱۵-۲۲
۱۲/۲۲ ۱۲۰/۳۲ ۱۸/۲۸ ۱۹ ۵ ۱۲/۲۵
۱۲۵/۲۷ ۱۱۵ ۱۵-۱۲ ۵-۲/۲۶ ۱۱۶/۳۷
۱۲۸ ۱۲۴ ۱۱۲۳ ۱۱/۲۸ ۱۲ ۱۲
۷، ۶/۵۲ ۱۱۱/۵۲ ۱۱۱ ۵/۵۱ ۱۱۳/۲۹

۱۳- غمها ورنجها

۱۱۰/۲ ۱۱۰/۷ ۱۱۰-۲، ۱۱۰-۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲
۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲ ۱۱۰/۲

باب دهم: سیاست

۱- سلفه سیاسی

۷/۵۱ ۱۵/۲۲ ۱۶/۲۳ ۱۶/۸ ۱۱۰/۵

۲- مقام شهیدان

۱۷، ۱۵/۲۷ ۱۳۰/۱

۳- عدالت و رهبری

۳/۸

۴- امت اسلامی

۱۳/۲۲ ۱۲۳ ۱۲۶/۶ ۱۲۵ ۱۲ ۱۲/۲ ۱۲۳/۱
۵۵ ۱۱/۲۵ ۱۲/۲۲ ۱۲۰/۲۲

۵- دعوت و جهاد

۱۱۰/۲۰ ۱۱۸/۶ ۱۱۵/۵ ۱۱۳-۳ ۱۲/۲
۶/۵۲ ۱۳۳/۲۷ ۱۲۲ ۱۱۷/۲۲ ۱۱۷-۱/۲۷

باب یازدهم: اقتصاد

۱- امور اقتصادی

۱۵ ۱۲/۳۲ ۱۲۸ ۱۲۶ ۱۲/۳۲ ۱۶/۳۵ ۱۱/۳۵
۱۵۰/۳۵ ۱۵ ۱۲/۲۳ ۱۱۲/۳۹ ۱۲ ۱۲/۳۶
۱۶ ۱۲۸ ۱۲۴ ۱۳۳ ۱۲۵/۲۷ ۱۲۳ ۱۲/۲۶
۱۱۱۲ ۱۰۸ ۱۰۶ ۱۰۵ ۱۰ ۱۰۸-۶۶
۱۳۰-۱۲۸ ۱۱۲۵، ۱۱۲۲، ۱۱۲۱، ۱۱۱۶، ۱۱۲

۱۳/۱۰ ۱۱۱ ۱۲/۶ ۱۲۰ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹/۱
۱۲ ۱۱۱ ۱۳/۲۰ ۱۷ ۵-۲/۱۹ ۱۲۳ ۱۲/۱۶
۱۱۱/۲۵ ۱۵-۲/۲۲ ۱۸ ۱۱ ۵/۲۱ ۱۲۶-۲۰
۱۲۳/۳۱ ۱۳ ۱۲/۳۰ ۱۵-۱/۲۹ ۱۷ ۱۶/۲۸

۱۲۸/۳۲ ۱۲/۲۹ ۱۱۳/۲۷ ۱۳/۲۳ ۱۸/۲۱	۱۱ ۱۱/۲۹ ۱۲۸ ۱۲۲ ۵ ۲ ۱۲/۲۸ ۱۱۳۲
۱۱۶ ۱۱۲ ۱۱۱/۲۲ ۱۲/۳۶ ۱۱/۳۵	۱۲ ۱۱/۵۲ ۱۵ ۱۳-۱/۵۱ ۱۱/۵۰ ۱۱۵ ۱۲
۱۳۰ ۱۲۵ ۱۱۷ ۱۰۸/۲۷	۱۰ ۱۸

۵- گزانی

۲- اسراف

۵/۱۹

۹۱/۲۷ ۱۳/۳۰ ۱۶/۲۳ ۱۲۳ ۱۸/۲۰ ۱۷/۸

۶- بیهکاری

۳- نیازمندی و فقر

۲ ۱/۳۰

۱۱۲ ۱۱۲/۲۰ ۱۱۵/۱۶ ۱۱۳/۱۳ ۱۸ ۱۷/۸

۷- خشکسالی

۱۱۲-۱۰/۲۵ ۱۲/۲۲ ۱۸ ۱۷/۲۱ ۱۲۶ ۱۲۰

۳/۳۶ ۱۱۲/۲۷ ۱۵-۳/۱۹

۱۲ ۱۲/۳۵ ۱۲۲/۳۱ ۱۵ ۱۲/۳۰ ۱۶/۲۸

۱۳ ۱۲/۲۹ ۱۲۳ ۱۲/۲۸ ۱۱۲/۲۲

۸- زکات

۴- معیشت

۱۰/۲۲

۱۲۲ ۱۲/۲۰ ۱۲ ۱۲/۱۹ ۱۸ ۱۲/۸ ۱۸-۵/۶

باب دوازدهم: انسان شناسی

۲/۳ ۱۱۲/۲۲ ۱۲ ۱۱/۲۱ ۱۱۵

۱- نفس انسانی

۱۲ ۱۲/۳۱ ۱۲۷ ۱۲۵ ۱۲۲/۱۶ ۱۳/۱۰ ۱۲ ۱۲/۳۱

۶- عبودیت در برابر خداوند

۱۱۹ ۱۱۲/۲۱ ۱۳-۱/۲۲ ۱۱۹/۳۱ ۱۱۹/۳۲

۱۲۶/۲۷ ۱۷ ۵/۲۱ ۱۱۱ ۱۰/۱۷ ۱۳/۱۰

۱۵/۲۹ ۱۱۱۳ ۱۲۵ ۱۲۲/۲۶ ۱۲۵ ۱۲۲/۲۶

۷۳ ۱۷۲ ۶۹-۶۷

۲/۵۳ ۱۶ ۵/۵۰

۷- رابطه خدا و انسان

۲- آفرینش انسان

۱۱۳-۱۱ ۱۷/۵ ۱۱۶-۱۳/۲ ۱۲۰ ۱۹/۱

۱۱۱/۲۰ ۱۵/۹ ۱۱۰/۶ ۱۲۰/۱ ۱۱۷/۱

۱۱۵/۱۲ ۱۲ ۱۳/۱۰ ۱۸/۸ ۱۲۲ ۱۱/۶

۱/۵۰ ۱۷ ۵/۳۹ ۱۲۶-۲۳/۳۲ ۱۱۸/۲۷

۱۱۱/۱۲ ۱۲۳ ۱۲۲ ۱۸-۱۳ ۱۶/۱۳

۱۷-۱/۲۱ ۱۲۶ ۱۲/۲۰ ۱۱۶ ۱۵/۱۶

۳- طبیعت بشر

۶/۲۲ ۱۱۰/۲۰

۱۲-۱۰ ۱۱۲-۲/۲۲ ۱۱۲ ۱۱۱/۲۲ ۱۲۵/۲۵

۱۸/۳۱ ۱۱/۲۹ ۱۱۱ ۹-۱/۲۸ ۱۱۰ ۹

۴- آزمایش انسان

۱۱۲/۳۹ ۱۲/۳۶ ۱۲۲ ۱۲۰ ۱۲/۳۲

۱۱۶/۳۲ ۱۱/۳۹ ۱۶/۲۵ ۱۲-۵/۶ ۱۲۱/۱

۱۸۸ ۱۷۲ ۶۹/۲۷ ۱۱۳ ۱۲ ۱۱/۲۶ ۱۵۶/۲۵

۱/۵۳ ۱۶۸/۲۷ ۱۲/۳۵

۱۶-۲/۲۸ ۱۱۳۱ ۱۳۰ ۱۲۳ ۱۱۸

۵- تکریم انسان

۸ ۳/۵۲ ۱۱۱-۹/۵۲ ۱۱۲ ۱۱/۵۱

۱۲ ۱۷/۲۲ ۱۱/۲۳ ۱۵/۵ ۱۱۸ ۹ ۱۸/۱

۱۱۰/۲۲ ۱۱۶/۲۲ ۱۹/۲۹ ۱۳/۳۰ ۱۳/۲۶
۱۱۳۲ ۱۲۲،۶۲/۲۷ ۱۲۷ ۳۲ ۹/۲۵
۱۲/۵۱ ۱۷/۲۹ ۱۱۵/۲۸

۱۱- مستضعفین

۱۱۱/۲۵ ۱۱۲/۲۰ ۱۱۲،۱۰۰ ۳-۱/۱۲ ۱۸/۲
۲/۵۱ ۱۲/۲۶ ۱۵،۳۲/۲۹ ۱۲/۲۸ ۱۲،۱/۲۶

۱۲- ایام زندگی انسان و پایان آن

۱۲۹،۲۸،۱۱ ۵/۲۰ ۱۸/۱۲ ۱۳/۱۱ ۱۶/۱
۱۱۳/۳۱ ۱۱/۲۹ ۱۱۱/۲۸ ۱۲/۲۵ ۱۰۰/۲۱
۱۱۲۱ ۱۷/۲۴ ۱۱۸/۲۶ ۱۲۶/۲۵ ۱۱۸/۲۲
۲/۵۳ ۱۹ ۳/۵۲ ۱۲/۲۸

۸- انسان و ولایت الهی

۱۱۳-۱۱/۲۱ ۱۱۵/۵ ۱۱۸/۲ ۱۳۰/۱
۶۳/۲۷ ۱۱۳/۲۵ ۱۱۲/۲۲ ۱۲/۲۱ ۱۳/۲۵
۱۲/۲۸ ۱۱۳۰،۱۲۸ ۱۱۲،۶۸ ۶۷
۶/۵۲ ۱۷/۵۳ ۱۱۰/۵۱

۹- انسان و دشمنی با خدا

۱۱/۲۱ ۱۱۳/۲۰ ۱۲/۱۷ ۱۱۷/۲ ۱۳۰/۱
۱۱۶/۲۶ ۱۱۶ ۱۰/۲۲ ۱۳/۲۵ ۱۶/۲۳ ۱۱۲
۱۰/۵۱ ۱۱۲۲ ۸۶ ۶۷ ۶۳/۲۷

۱۰- انسان و ظلم

۱۱۲ ۱۲-۲/۱۳ ۱۱۱ ۷/۱۲ ۱۲ ۳/۸
۱۱/۲۵ ۱۵/۲۲ ۱۱۳/۲۲ ۱۱۲ ۸ ۷/۲۰

باب سیزدهم: عالم هستی و وجود



۶/۲۷ ۱۵-۱/۱۹

۱- آفریننده و آفرینش

۱۲،۳/۳۳ ۱۱۸/۲۸ ۱۱۸ ۱۷ ۳/۱
۱۲/۲۷ ۱۲-۱۲ ۱۱،۱۷ ۱۵۲،۳۶،۲۶
۱/۵۲ ۱۲/۲۸

۵- پدیده‌های جوی

۱۶/۲۷ ۱۶-۱/۱۹ ۱۲۳ ۱۶-۱۳/۳
۲-۱/۳۶

۲- ملک خداوند

۱۲/۵ ۹/۶ ۱۲/۱۰ ۵/۲۱ ۱۲/۱۶ ۱/۳۲ ۱۶
۱۲۳ ۱۶-۲۳ ۱۱۷/۲۶ ۱۱۳/۲۷ ۱۶ ۱۲۴
۱۲/۲۸ ۱۶/۵۰ ۱/۵۲ ۳،۲

۶- آسمان و زمین

۱۱۱/۳ ۱۹/۶ ۱۲۶/۳۱ ۱۲۶/۳۱ ۳۶،۳۹ ۵۹

۷- کوهها و رودها

۱۰/۲۲ ۱۵/۱۹ ۱۱۵/۳

۳- ماه

۷-۱/۲۳

۸- کمین کردن درندگان

۷/۴۹

۴- گیاهان و میوه‌ها

باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت

۲- خویشاوندان

۱۲۱ ۱۶/۲۳ ۱۳/۲۲ ۱۱۰ ۷/۲۰ ۱۹-۷/۲
۱۰/۲۲

۱- جماعت

۱۱/۲۲ ۱۲/۲۷ ۱۱۱ ۱۰/۲۰

۳- رفت و آمد و صلوة رحم

۱۲/۸، ۷/۲۰، ۹، ۱۰، ۱/۲۶، ۳-۱۰/۲۲

۴- پدر و مادر

۲/۲۲، ۴، ۵-۵۵/۲۵

۵- مادر

۱۵/۲۲، ۲۳/۲۲، ۱۲، ۵۵/۲۵

۶- پدر

۱۲۲/۲۲، ۵۵/۲۵

۷- فرزندان

۱۲، ۵-۱/۲۵

۸- همسایگان

۱۲۱/۱۶، ۱-۱/۲۶، ۱۲-۱۲/۲۲، ۱۰/۲۲

۹- دوستان

۱۳/۲۷، ۱۳/۲۲، ۱۳/۲۱

۱۰- دشمنان

۱۸، ۷/۲۰، ۱۶، ۱۵، ۶، ۵/۱۲، ۱۸/۸، ۱۸/۵

۱۲۲/۲۲، ۷/۲۳، ۱۸، ۲۲، ۱۰-۱۹۹/۲۷

۱۱۹، ۱۲۱، ۲/۲۹، ۱۸-۲/۵۱

باب یازدهم: علم و دانش

۱- دانشهای ربانی

۱۰/۱، ۱۱/۱۷، ۱۱/۵۲

۲- اهمیت دانش

۱۹/۵، ۱۳/۲۲، ۱۳/۲۷، ۱۳/۳۰، ۵/۲۲

۶- نادانی

۱۲۶، ۷، ۶/۳۱، ۱۲/۲۷، ۱۲۳، ۱۱/۲۶، ۱۶

۱۱۲/۲۷، ۱۲۳/۲۵، ۱۵، ۳/۲۲

۳- علم و عمل

۲/۲۲، ۱۲۷/۲۰

۴- سخن از روی نادانی

۸/۲

باب شانزدهم: ایام و اوقات

۱- روزها

۱۲/۶، ۱۲-۱۶، ۱۶، ۱۸-۱۲۲، ۱۳/۳۲، ۱۳/۲۲

۴- شب

۱۵/۶، ۱۳/۲۲، ۱۰-۱۲/۲۲، ۱۱۷/۲۲، ۱۲۱/۲۵

۱۱۳/۲۷

۱۸/۲۲، ۲۵/۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۱، ۲۶

۲- فراغتها

۱۱۲/۵، ۱۲/۱۱، ۲/۲۰، ۱۲۷، ۱۲۶/۳۲

۵- روز

۱۸، ۶/۶، ۱۳/۲۲، ۱۱۳/۲۲، ۱۱۷/۲۲، ۲۱/۲۵

۱۲۵/۲۷، ۱۳۰

۶- روز جمعه

۱/۲۸، ۳-۶، ۱۷

۳- شب و روز

۱۳/۲، ۱۱۲، ۱/۶-۲، ۷، ۱۲۰، ۱۱۰/۲۷

باب هفدهم: تاریخ

۳- جنگ بزرگ بدر: ۱۱/۲۷

۱- هجرت پیامبر: ۱۲/۲ ۸/۲

۲- فتح مکه: ۱۷/۲ ۲۲

باب هجدهم: صحت و تندرستی

۱۲۲، ۱۱۳۰، ۲/۲۸، ۱۱۲، ۱۱/۲۹

۱- مریضی و شفا

۱۶-۱/۱۵، ۱۲۷/۲۰، ۱۱۱/۲۲، ۴۳/۲۳

۳- نیرو و نشاط

۲/۲۵، ۱۱۱، ۱/۲۶، ۱۲، ۱۱۲/۲۷، ۱۲/۳۶

۱۵/۶، ۱۵/۹، ۱۳/۱۵، ۱۵/۱۹، ۱۱/۲۰

۱۳۰/۲۷، ۱۳/۲۲

۲/۲۱، ۱۱۱، ۱۳/۲۳، ۱۲/۲۵، ۱۱۳/۲۷

۲- تندرستی

۱۱۹/۳۱، ۱۲۵/۲۶، ۱۱۱۳/۲۷، ۱۶/۲۹

۱۷/۵۱، ۳/۵۲

۱۲/۱۵، ۱/۱۸، ۱۲، ۱۲۰/۲۰، ۱۸/۲۱، ۱/۲۳

۱۲، ۲/۲۵، ۱۱۱، ۱۷/۲۳، ۱۷/۲۷، ۱۰۵/۱۱۲

باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی

۹- حمله نظامی

۱- نیروهای مسلح

۱۲-۱۳، ۸/۲۷، ۱۲۲-۱۹/۲، ۱۲۳-۱۲، ۵، ۲-۱، ۱۱، ۸-۵، ۲-۱/۲۷

۹۰- دعا برای رزمندگان

۳- موقعیتهای نظامی: ۱۵، ۷، ۲-۱/۲۷

۲/۲۷، ۱۲/۲۷

۴- سلاحهای نظامی: ۵، ۲/۲۷، ۱۳۰/۱

۱۱- نتایج در معرکه جنگ

۵- جبهه دشمن: ۱۲-۱۰، ۶-۵/۲۷

۱۵، ۱۱، ۸، ۲، ۲/۲۷، ۱۲۲-۲۰/۲

۱۲- اداره امور مجاهدان: ۱۶/۲۷

۶- نیرونگهای نظامی: ۱۱، ۲/۲۷

۱۳- معاف شدگان از جهاد: ۱۷/۲۷

۷- نیروهای نجات: ۵/۲۷

۱۴- جنگ و آرامش: ۷/۲۷

۸- جنگ روانی: ۱۱، ۵/۲۷